كتاب

جواهر مكنونة
ولآلى مخزونة

لله الذى ا
غيث الصيب
داعين واكر
يره وخليفته و
ف التحية وا
تاء منفا

والسلام على من
اتبع الهدى

هو العزیز

کتاب جواهر مکنونة ولآلی مخزونة

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی الیه یصعد الکلم الطیب والعمل الصالح یرفعه ومن لدیه ینزل الغیث الصیب فیکشف الضر برحمته ویدفعه والصلوة والسلام علی اشرف الداعین واکرم الشافعین سیدنا محمد وآله الهادین سیما ابن عمه علی بن ابیطالب وزیره وخلیفته ووصیه الی خاتم الاوصیاء الخلفاء الحجة بن الحسن العسکری علیهم الاف التحیة والثناء الی قیام یوم الدین قال رسول الله صلی الله علیه وآله: الدعاء مفتاح النجاة ومقالید الفلاح وخیر الدعا ما صدر عن صدر نقی وقلب تقی فی المناجات سبب الخلاص وبالاخلاص یکون الخلاص وعن ابیعبدالله علیه السلام الدعاء مفتاح کل رحمة ونجاح کل حاجة ولا ینال ما عند الله الا بالدعاء وعنه (ع) علیك بالدعاء فان فیه شفاء من کل داء وعن ابی الحسن الرضا علیه السلام دعوة العبد سرا دعوة واحدة تعدل سبعین دعوة علانیة وعن ابیعبدالله علیه السلام یستجاب الدعاء فی اربعة مواطن: فی الوتر وبعد الفجر وبعد الظهر وبعد المغرب وفی روایة عند هبوب الریاح وزوال الشمس ونزول المطر وعند الاذان وعن ابیجعفر علیه السلام علیکم بالدعاء فی السحر الی طلوع الشمس فان فیها ساعة تفتح ابواب السماء وتقسم فیها الارزاق وتقضی فیها الحوائج العظام وعن ابیعبدالله علیه السلام اذا طلب حاجة طلبها عند زوال الشمس فاذا اراد ذلك قدم شیئا فتصدق به وشم شیئا من طیب وراح الی المسجد ودعا فی حاجته وعنه (ع) قال اذا اقشعر جلدك ودمعت عیناه فدونك دونك فقد قصد قصدك وعنه (ع) ان فی اللیل لساعة ما یوافقها عبد مسلم ثم یصلی ویدعو الله عزوجل الا استجاب الله له فی کل لیلة قلت اصلحك الله وای ساعة هی من اللیل؟ قال اذا مضی نصف اللیل وهی السدس الاول من اول النصف.

در این مختصر مقدمه از قارئین محترم استدعای عاجزانه اینست که ناشر این کتاب نادر الوجود را بفاتحه ای یاد نمایند. بعد از فراغت کتاب علوم جفر رقم افتاد بمنه وکرمه العاصی عطاری

(کتاب)

جواهر مکنونه - لآلی مخزونه)

اول در بیان بعضی از ختمهای سریع الاثر و دعاهای معتبر که روایت شده از علماء فحول و اکثری منقول است از ثقات و عدول
و مختوم اند بخاتم تجربه و امتحان و بیشتر اینها مکتوم اند از نااهلان و جاهلان و بسیاری مخصوص به نصوص و مستخرج و مستنبط اند
از نصوص خواتیم ارباب ختم و اوراد که نزد اکابر و بزرگان هر یک از آنها مانند جان در سینه مکنون و چون لآلی در سفینه و یواقیت
در خزینه مخزون اند امید از خدا و نجید آنست که نصوص خواتیم این خاتمه را از نااهلان و ناقابلان و از هر فاسق و فاجر
و دعاهای از فسلمان [illegible] که بدتر از قطاع الطریق ولصوص اند محافظت فرماید و بپاسبانی انا له لحافظون حراست کند و از سرقت
سارقین و تطرق جماعت سراسر خیانت که خود ظاهر بد باطن که بهانی و ذمانت کند فالله خیر حافظا و هو ارحم الراحمین و حقیر
سراپا تقصیر مصطفی خوئی میگوید که پیش از شروع بمقصد عرض به برادران ایمانی و اخلاء روحانی آنکه چون ختوم منقوله در این
خاتمه اصناف مختلفه میباشند و متنوع بانواع جداگانه و منقسم باقسام علاحده اند و بعضی از آنها مطلقه و برخی مقیده اند
و مقیده از آنها بروز و [illegible] مراتب اختصاص دارند و علاوه بر مذکور هر یک از این انواع اربعه باعتبار یکدفعه خواندن
و زیاده بر یکدفعه بدو قسم منقسم میگردد لهذا ناچار است از برای حقیر که از برای سهولت و آسانی پیدا کردن ختم و خواندن
اوراد در اوقات معینه و مخصوصه خود اولاً اجمالا اقسام و انواع ختمها و اصناف وردها ذکر شود تا هر قسم از آنها در
محلش پیدا شود و در اوقاتش خوانده شود و تناول این کلمهای دلکش و التقاط این جواهر و دررها تمیز زود تر دست دهد
و میسر گردد و کل میسر لما وضع له صورت بندد فاقول و منه التوفیق بدان ایدک الله تعالی و وفقک فی الآخرة والاولی که
ابتدای هر ختم از ختوم معتبره و افتتاح هر وردی از اوراد ماثوره از برای روا بودن مطلبی از مطالب دنیویه و مقاصد
اخرویه و بجهت قضا حاجتی از حوائج شرعیه بدو گونه است زیرا که خواندن آن یا مطلق است و مقید بوقتی از اوقات
روز و شب نیست یا مقید است و آنچه مقید است یا معتبر است در قرائت آن روز یعنی از ایام هفته یا مخصوص است در وقت
خواندن شبی از شبها معینه مشخصه از لیالی [illegible] و قسم اول موسوم است باوراد نهاریه و صنف ثانی مسمی است
باوراد لیلیه و ایضا هر یک از این نهاریه و لیلیه یا در آن وقتی و ساعتی از اوقات و ساعات روز و شب شرط شده
یا نه پس ختوم مقیده چهار نوع است و هر یک از این چهار نوع از انواع مقیده یا در ۲ یکدفعه خواندن کفایت میکند
یا نه پس مجموع اقسام ختوم مقیده هشت قسم میشود و مانند جنات ثمانیه بهشت [illegible] تسمیه میکنم و ختوم مطلقه و اوراد
غیر مقیده که مقید و مخصوص بوقتی از اوقات شبانه روز نیست و ساعتی از ساعات لیل و نهار در آن ملحوظ نشده و
جایز است قرائت آن در هر وقتی و هر ساعتی که ممکن باشد آنهم باعتبار تکرار و عدم تکرار و بملاحظه یکدفعه خوانده
و زیاده بر یکدفعه دو قسم است پس مجموع ده قسم است و تلک عشرة کاملة انشاء الله تعالی هر قسم از این اقسام
عشره در یک فصلی ذکر خواهد شد و چونکه اوراد و از کار دیگر مشهور [illegible] و از جمله ختمهای [illegible]

داخل در تحت هیچیک از اقسام و انواع مذکوره نیست آنها را ان شاء الله در خاتمه فصول عشره و ابواب خمسه کاملا ذکر میکنیم و من الله
الاستعانة والتوفیق خاتمه خیر صدیق و نعم الرفیق و ایند ذکی الوثیق و جار المصیق و چونکه این فصول و ختوم معتبره
بمثابه لآلی مخزونه و جواهر مکنونه بوده اند در شناوری تدبر و شناوری در درج عزت و احترام بند و مصداق کانهن لؤلؤ
مکنون میباشند لهذا از جهت مناسبت اسم با مسمی این خاتمه که نمونه خاتم سلیمانی است مسمی شد بجواهر مکنونه و
ملقب گشت بلآلی مخزونه امید از خداوند مجید آن است که بکرم عمیم خود ثواب آنها را بروزگار این حقیر و الدین
عاید سازد و ایضا باید دانست که چون ختوم مطلقه بالنسبه بمقیده حکم عام داشت بخاص و کثرت افراد و انتشار
در عالم بیشتر است و عام الکثیر الافراد است و تیسر و تحصیل آن آسان و عدم انتظار در ختوم مطلقه زیاده و کثرت در او
و خواندن این نوع از ختم سهل الوصول است و انتظار و تربص وقتی از اوقات در او نیست لهذا مناسبت اقتضا کرد
که ختوم مطلقه مقدم باشد بر مقیده و هم چنین صواب و اصلح آن شد که از مطلق و مقید آنچه در آن تکرار و اعاده نیست
مقدم نوشته شود بر آنچه موصوف باین صفت نیست زیرا که مراعات طریقه الاسهل فالاسهل امریست طبیعی و اقرب
بوجدان مطلوبها است و هم چنین در اقسام و اصناف ختوم مقیده نهاریه را بجهة شرافت نهار بر لیل بر ختوم مقیده
لیلیه مقدم کرده شد کذلک آنچه از اقسام و اصناف مقیده بنهاریه و لیلیه آنچه در او تقیید و شرط کمتر بود به فصل آن تقدیم
یافت بر آنچه تقیید در او اکثر بود مانند اینکه مختص بود بوقتی معینی از شبانه روز و ها انا ذا اشرع فی المقصود بعون الله
الملک المعبود فصل اول در بیان ختمهای مطلق که مقید بوقتی و ساعتی از اوقات و ساعات نیست و در خواندن آنها روز
معینی و شب مخصوصی از ایام و لیالی هفته شرط نشده یک دفعه ختم از برای قضای حاجات ان شاء الله کافی است و آنها
نوزده نوع است و مسمی اند بلآلی مخزونه اول ختم مبارک بسم الله الرحمن الرحیم است و وارد است و از بزرگان و مشایخ منقول است
که هر که در ورطه و بلیه گرفتار شود و راه نجات و طریق خلاص از هر طرف بر وی بسته شود نوزده مرتبه بگوید نجاة
منک یا سیدی الکریم نجنی و خلصنی بحق بسم الله الرحمن الرحیم و اگر بعدد حروف بسمله بخواند که هفتصد و
هشتاد و شش است بکمال و افی و اتم خواهد بود و در بعضی از نسخ معتبره گفته اند که پیش از شروع و بعد از ختم سه مرتبه
صلوات بفرستد و مدد ختم مزبور را بمقتضای وسع هم بیان کرده اند بهر حال مداومت این دعای مبارکه باعث نجات از جمیع
بلاها و آفت است و این معنی بتجربه رسیده است خصوصا برای نجات یافتن از دست ظالمی و ایضا از حضرت صادق ع منقول است
که هر گاه ترا حاجتی بسوی خدا بهم باشد یا بلیه و حادثه افتاده باشی یا از امری خائف و ترسان باشی در کاغذ بنویس
بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انی اتوجه الیک بمن اوجبت حقه علیک بمحمد و علی و فاطمة و الحسن و الحسین و علی بن
الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و الحجة المنتظر

(امالی محزون)

صلواتک علیهم وعلیه اجمعین اکفنی کذا وکذا وبجای کذا وکذا حاجت خود را بنویسد و ذکر کند پس قعه را به نجح ودر بند قدر ازگل بگذارد و در میان آب چاه ویا آب جاری بیندازد که حق تعالی بزودی بنوعی فرج کرامت فرماید وصاحب کتاب دار السلام از صادق ع روایت کرده که هرکس را حاجتی باشد بکاغذی بنویسد بسم الله الرحمن الرحیم من العبد الذلیل الی الرب الجلیل رب انی مسنی الضر وانت ارحم الراحمین پس کاغذ را در آب روان اندازد و بگوید اللهم صل علی محمد وآله الطیبین الطاهرین وصحب المرضیین اقض حاجتی یا اکرم الاکرمین وآن حاجت را در دل بگذراند البته حاجت او روا میشود وایضا در روایت صحیح از جناب صادق ع مرویست که اگر کسی را مهمی غم شود یا حاجت ضروری او را عارض شود پس باید در رقعه سفید در یک سطر این رقعه را بنویسد و در آب جاری بیندازد نزد طلوع آفتاب و صورت عریضه این است بسم الله الملک الحق المبین من العبد الذلیل الی المولی الجلیل سلام علی محمد وعلی وفاطمة والحسن والحسین وعلی ومحمد وجعفر وموسی وعلی ومحمد وعلی والحسن والقائم سیدنا محمد المنتظر ومولانا صلوات الله وسلامه علیهم اجمعین رب انی مسنی الضر والخوف فاکشف ضری وامن خوفی بحق محمد وآل محمد ومن خمیته من ذریته ومن تبعهم من عبادک الصالحین و عجل سلامتی انک علی کل شیء قدیر واسئلک بکل نبی ووصی وصدیق وشهید وجبرئیل ومیکائیل واسرافیل وحملة عرشک والملائکة المقربین والانبیاء المرسلین والائمة الراشدین صلوات الله علیهم اجمعین ان تصلی علی محمد وآل محمد یا ارحم الراحمین اشفعوا لی یا ساداتی بالشأن الذی لکم عند الله فان لکم عند الله لشانا من الشأن فقد مسنی الضر یا ساداتی والله ارحم الراحمین وافعل بی یا رب کذا وکذا یعنی مطلب را یاد کند وحاجت خود را بجای کذا وکذا بنویسد پس آن حاجت قسم بخدا برآورده میشود مگر آنکه ختم شده باشد عدم قضاء آن ایضا در ختم بسمله از بندگان دین واز بعضی علماء واهل اجازه چنین روایت شده که فرموده وصیت کرده اند که هر چه از قاضی الحاجات میخواهی از برکت بسم الله باید خواست وگفته اند خوش بگو ای یار بسم الله بگو هر چه میخواهی ز بسم الله بجو وفرموده اند که اگر کسی مضطرب باشد وهیچ امید وسر انجامی نداشته باشد باید اولا بنویسد این هر دو مربع را در ساعتی که زهره وقمر ناظر سعود باشند و هفتصد وهشتاد وشش مرتبه بسم الله را بخواند وشرط خواندن آن است که اول وضو بسازد ودو رکعت نماز کند در رکعت اول یازده مرتبه بسم الله الرحمن الرحیم بگوید بعد از آن فاتحه را بخواند ورکوع وسجود کند ودر رکعت دوم باز مثل صورت اولی فاتحه با یازده مرتبه بخواند وبعد سلام دهد واین دو مربع را بکشد وبسمله را بعدد مذکور بخواند وبنحو مسطور بخواند وباید در حالت خواندن سخن باکسی نگوید وهفت بعد متصل از چنین کند یا هفت شب متصل وآن مربع را با خود نگاه دارد وچون این عمل کرده باشد یقین که در آن هفت جلد مقاصد ومطالب او ساخته میشود وهیچ شکی در آن نیست وشیخ حبیب بن ... در کتاب کشف الاسرار گفته که هرکه تلاوت کند بسمله را هفتصد وهشتاد وشش مرتبه وبا این عدد صلوات بفرستد استجابت دعا ...

زهره و قمر ناظر سعود باشند

(جواهر مکنونه)

یعنی بعد از آن هر دعا مشروع که کند دعایش مستجاب میشود و اگر کسی را دختری باشد بجهت عدم حسن و وجاهت او یا بجهت قلت
جهاز و بسیار فقر او را کسی طالب نباشد یا بخت آن بسته باشند همین عمل را بدین صورت که ذکر رفت بجا آورد بخت کشاده
میشود و هم چنین از جهت رواج کسب و صلاح معاش و حرمت و عزت و تسخیر قلوب و غیره چون بسمله را با طریق مذکور مداومت
می نماید همه مهمات را کفایت میکند صورت مربعات مزبوره این است

مربع مظهر

بسم	الله	الرحمن	الرحیم
الرحیم	الرحمن	الله	بسم
الله	بسم	الرحیم	الرحمن
الرحمن	الرحیم	بسم	الله

مربع مضمر

۱۸۹	۲۰۲	۱۹۹	۱۹۶
۲۰۰	۱۹۵	۱۹۰	۲۰۱
۱۹۴	۱۹۷	۲۴	۱۹۱
۲۳	۱۹۲	۱۹۳	۱۹۸

باید دو مربع بکشند پشت و رو یکی مساوی السطوح و یکروی مربع مظهر را بنویسید و دیگر روی مربع مضمر را بدین طریق
که نموده شود و این عمل را از نااهل مخفی باید داشت و خوشحالی زهره و قمر و نظر زهره و قمر را بسعود عامل اگر معرفت
بتقویم نداشته باشد باید از اهل تقویم تحقیق کند و ایضاً در کتب معتبره مرویست و نسبت روایت به جناب امیر المؤمنین
داده اند که آنجناب فرموده که از برای هر گونه مطلبی جزوی و کلی از مطالب دنیا و آخرت در محل خلوت که علایق و عوایق
آنجا نباشد دو رکعت نماز حاجت بگذارد و در هر رکعت یازده مرتبه بسمله را بگوید بی زیاده و کم و بعد از آن فاتحه
و قل هو الله احد را بخواند و چون از نماز فارغ شود ده بار بگوید اللهم صل علی محمد و آل محمد و بذکر بسمله مشغول شود و هفت
صد و هشتاد و شش نوبت که عدد مجموع حروف این کلمهٔ مبارکه است بگوید در یک مجلس و بعد از فراغ از ختم یکصد و ده
مرتبه صلوات فرستد و بخضوع و خشوع تمام این دعا را بخواند بعد بسمله اللهم انی اسئلك باسمك الرحمن الرحیم الذی
لا اله الا هو الحی القیوم الذی لا تأخذه سنة و لا نوم الذی ملأت عظمته السموات و الارض و اسئلك
باسمك بسم الله الرحمن الرحیم الذی لا اله الا هو خشعت له الابصار و وجلت له القلوب من خشیته ان تصلی علی
محمد و آل محمد و ان تعطی حاجتی و مطلب را ذکر کند فی الحال اثر اجابت ظاهر شود و این ختم را از مجربات شمرده اند
و این روایت مقوی آن ختم است که از اکابر منقول شد و نفع المربع بود و ایضاً در ختم بسم الله از علمای شیعه رضوان الله
منقول است که از برای برآمدن مرادات و قضای حوایج دوازده هزار مرتبه باید خواند بر این طریق که چون هزار مرتبه
خوانده شود باید دو رکعت نماز بهر سوره که باشد بکند و طلب حاجت خود را بخواهد و باز مشغول خواندن شود و هم چنین
تا دوازده هزار مرتبه تمام شود و ایضاً از برای ختم بسمله که در او نیز ادعا تجربه نموده اند ختم دیگر در فصول آینده

(لآلی مخزونه)

در ختوم لیلیه مخصوصه به لیلة الجمعه ذکر خواهد شد پس از این تفصیل و از این تحریر که در خصوص ختم بسمله نوشته
شد ختم او به پنج نوع است و هر یک به راه ادای مطلب و انجاح مرام ان شاء الله تعالی کافی است و جناب اقدس باری جل شانه
در اسباب و وسایل ظاهری تعدد و کثرت قرار داده فرموده و در فیض باطنی و مخفی هم چنان تعداد کثرت مقرر
فرموده تا صورت با معنی مطابق شود و من باب الرحمة والرأفة ابواب فیوضات و نعمتها گوناگون بر روی بندگان از هر باب
و از هر جهت مفتوح و گشاده کرده‌اند تا از برای خواهنده وسایل هیچ وجه حالت منتظره و ضیق ذراع و عدم توسع
نباشد و یک نعمت واحده الی غیر النهایه و یکران است چه جای نعمتها الی غیر النهایه کثیره متعدده و این است معنی
قول حق سبحانه و تعالی که میفرماید وان تعدوا نعمة الله لا تحصوها و نعم ما قیل   گر شود بی منتها هر نعمتش بی پایان
هیچ خواهنده از این در نرود بی مقصود دویم منقول است که از برای قضای حوائج و مطالب اگر کسی متوسل به سید الشهدا
صلوات الله و سلامه علیه و علی اخیه و علی المستشهدین معه و علی جده و ابیه و امه و بنیه و شیعته و موالیه
و مرقده و زواره بشود و صد و بیست و هشت مرتبه که عدد حروف اسم مبارک آن جناب به عادت نصاب است
بگوید اللهم بحق الحسین علیه السلام و اخیه و جده و ابیه و امه و بنیه و شیعته و موالیه و مرقده و زائریه
و سکانه و مجاوریه صل علی محمد و آل محمد و اخرجنی من الهم الذی انا فیه و من الغم الذی انا فیه بگوید البته
آن مهم کفایت میشود و آن مطلب از برکت آن بزرگوار برآورده میشود و آن هم و غم برطرف میشود اللهم العن
علی قاتلیه و ظالمیه ابد الابدین والعنهم لعنا وبیلا و عذبهم عذابا الیما اللهم العن بنی امیة قاطبة رحم الله
علی القائل نعم ما قال   اذا لم تناج الله فی صلواتنا باسمائهم لم یقبل الصلوات و اگر این ختم با وضو و رو به قبله
در مسجد یا در جای خلوت و با توجه تمام و حضور قلب خوانده شود اتم و اکمل و اقوی خواهد بود سیم از شیخ بهائی
علیه الرحمه منقول است که هر که این دعا را هفتاد بار از برای قضای حوائج با اعتقاد صادق بخواند اگر حاجت او روا نشود روز
قیامت با من مخاصمه کند و فرموده که خصوصا از برای شفا یافتن بیمار اگر به نیت شفای بیمار در نزد بیمار بخواند
[illegible] باشد از جمله مجربات است ممکن اگر اجل مریض حتمی باشد و دعا این است لا اله الا الله بعزتک
و قدرتک لا اله الا الله بحق حقک و رحمتک لا اله الا الله فرج برحمتک چهارم از برای مطالب کلی
و جزئی و انجاح مهام عظیمه و نجات از مهالک شدیده از خواجه علیه الرحمه منقول است که یکصد مرتبه اگر این بیت
بخوانند بی شک آن مطالب و مهمات روا گردد و خواجه فرموده که بسیاری از اکابر این بیت مداومت نموده اند و مقصود
خود یافته اند و در نسخه ملاحظه شد که در آنجا نوشته بود که از خط شریف علامه حلی نقل شد   یا قاهر العدو
یا والی الولی   یا مظهر العجائب یا مرتضی علی   پنجم از علماء و اکابر رضوان الله علیهم منقول است که هر که این اسماء

هر مراد و حاجت هزار مرتبه بخواند مرادش بر آید و در این شبهه نیست بعد بسمله یا حَیُّ یا قَیّومُ یا قَدیمُ یا دائِمُ یا اَحَدُ

یا صَمَدُ یا فَردُ یا وِترُ یا ذَا الجَلالِ وَالاِکرام ششم هر که در ورطه افتد که هیچ تدبیری از برای خلاصی

خود نه بیند این دعا را مکرّر بخواند و اگر در یک مجلس صد و بیست و نه مرتبه بعد اسم مبارک لطیف بخواند الیق

و اصوب خواهد بود و به تجربه رسیده بعد بسمله وَلا حَولَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللهِ العَلیِّ العَظیم یا لَطیفاً اَدرِکنی

بِلُطفِکَ الخَفیّ هفتم از برای ادای دین و دفع دشمن و دفع همّ و غمّ و صحت بیماران و خلاصی از زندان و

نجات از دست ظالمان و دشمنان این آیه را هفتصد و سی بار بخوانند لا اِلهَ اِلّا اَنتَ سُبحانَکَ اِنّی کُنتُ

مِنَ الظّالِمین هشتم از جهت وسعت روزی و استجابت دعا و بر آمدن حاجات بعد از وضو پیش از نماز هفصد

و یا هفتاد و یا هفت مرتبه این آیه را بخوانند وَاِذا سَئَلَکَ عِبادی عَنّی فَاِنّی قَریبٌ اُجیبُ دَعوَةَ الدّاعِ

اِذا دَعانِ فَلیَستَجیبُوا لی وَلیُؤمِنُوا بی لَعَلَّهُم یَرشُدُون نهم از برای حصول مهمات عظیمه و بر آمدن

مقاصد کلیه و شفای امراض و ادای قرض دوازده هزار بار در یک مجلس بخوانند و اگر وقت دست ندهد و یک نفر نتواند

بخواند با شرکت هم خانه شود خوب است و اگر نتواند در یک مجلس صد و بیست نوبت بخوانند که انشاء الله در اندک وقت

بمراد برسد و اثر اجابت بظهور رسد اَمَّن یُجیبُ المُضطَرَّ اِذا دَعاهُ وَیَکشِفُ السُّوءَ وَیَجعَلُکُم خُلَفاءَ الاَرض

و در بعضی از نسخ چنین مسطور است که از جهت مهمات کلی و خوف از سلاطین در یک مجلس این آیه را دو هزار بار بخواند

که در آن هفته از خوف برهد و حاجات او بر صواب آید و اما آنچه مشهور است و از اکثری از ثقات و عدول مسموع شده ختم مزبور

اَمَّن یُجیبُ المُضطَرَّ اِذا دَعاهُ وَیَکشِفُ السُّوءَ است زیاده ندارد دهم از برای قضای حوائج این دعا را سیصد و

هفتاد و دو نوبت بخوانند که ختم مجرب است بعد بسمله اِلهی اَنَا عاجِزٌ فی کُلِّ شَیءٍ وَاَنتَ القادِرُ عَلی

کُلِّ شَیءٍ اِرحَم عَلَیَّ وَاقضِ حاجَتی بِرَحمَتِکَ یا اَرحَمَ الرّاحِمین یازدهم جهت جمیع حوائج این دعا را صد نوبت

بخوانند و دعا تجربه در این دعا بسیار کرده اند و وصیت نموده اند که البته از نااهل و نادان مخفی بدارند و شمشیر

برنده بدست مست ندهید و باید قبل از دعا ده مرتبه صلوات فرستاده شود اَللّهُمَّ لا سَهلَ اِلّا ما جَعَلتَهُ

سَهلاً وَاَنتَ تَجعَلُ الحَزنَ اِذا شِئتَ سَهلاً سَهِّل لَنا اُمُورَ الدُّنیا وَالآخِرَةِ یا مُسَهِّلُ یا سَلیمُ یا

یا نَدیمُ بِرَحمَتِکَ یا اَرحَمَ الرّاحِمین دوازدهم از برای هر مطلبی از مطالب و رغایب این دعا را هفتاد و

یک مرتبه بخوانند که عجایب مشاهده می شود و علما و بزرگان در این دعا چه اثرها تجربه کرده اند و نوشته اند که

اگر شب خوانده شود زود اثر استجابت ظاهر شود و اگر روز بخوانند شب بمطلب برسد و دعا این است یا حَیُّ

یا قَیّومُ یا حَلیمُ یَومَ لا یَنفَعُ مالٌ وَلا بَنُونَ اِلّا مَن اَتَی اللهَ بِقَلبٍ سَلیمٍ وَاُزلِفَتِ الجَنَّةُ لِلمُتَّقین

(لآلی مخزونه)

غیر بعید بیزدهم اگر کسی این دعا را از جهت قضاء حوائج هزار مرتبه بخواند چنانچه بعضی از استادان فرموده البته بمطلب میرسد
بعد بسمله آمنتُ باللهِ العلیِّ العظیم وتوکلتُ علی الحیِّ القیّوم برحمتک یا ارحم الراحمین استغیث
وصلی الله علی محمدٍ وآل محمدٍ چهاردهم ختم مبارک اسم شریف جناب ولایت مآب امیر المؤمنین ع است و این
ختم را حقیر از برای مطلبی خواندم و چهار روز نگذشت که اثر بخشید از برای هر مطلب شرعی در مسجد یا در جای
خلوت هر دوازده هزار مرتبه یا علیُّ بگوید البته بمطلب میرسد و این لفظ مبارک اسم اعظم خداست
و مردم از این معنی غافلند و ناد علیاً مظهر العجائب الخ برای مدعا شاهد عین غایبست و توسل باین نام
نامی و توکل باین اسم سامی چاره بیچارگان و پناه دردمندان است پانزدهم از برای قضاء حوائج و نجات از شر
اشرار و بجهت خلاصی از مکاره و شداید خواندن یا رؤفُ یا رحیمُ بعدد این دو اسم بزرگوار که پانصد و چهل و چهار است
بدون زیاده و کم از جمله مجربات است و حدیث است که جناب پیغمبر ص هر وقت که امر بر آنجناب دشوار میشد و بر وطه میافتادند
این دو اسم را بسیار میخواندند و حقیر را در خصوص این ختم اجازه داده اند و مداومت فرموده اند که از برای هر
مطلبی خواسته باشم بخوانم شانزدهم در بعضی از کتب بنظر حقیر رسید که اگر کسی این چهار اسم مبارک را در یک روز
هزار مرتبه بگوید و در آن روز با کسی سخن نگوید توانگری و غنا با و رو میآورد و گفته اند که این از جمله مجربات است
والله اعلم بحقایق الأمور والأقوال ودعاوی الرجال واسامی اربعه این است یا قویُّ یا غنیُّ یا ملیُّ یا ولیُّ
اما در نسخه صحیح حقیر دیدم که هر که این چهار اسم مبارک را بخواند دوازده هزار مرتبه چنانچه در میان حرف نزند
البته متمول و دولتمند گردد و چهار صد بزرگ فرموده اند که درویش و فقیر بودیم بخواندن این اسماء مبارک
توانگر شدیم و اسماء باین ترتیب است یا قویُّ یا غنیُّ یا ولیُّ یا ملیُّ و بعضی از علما و ارباب اجازه فرموده
و اهل دعا گفته اند که از جهت غنا و دولت در یک مجلس چهارده هزار بار باید خواند و در اثنا خواندن با کسی حرف
نباید زد و اگر چنین کند البته مطلب حاصل است و اما بنا بر این قول یک اسم در اینجا زیاده است و باید گفت و ترتیب
باین نهج است یا قویُّ یا غنیُّ یا وفیُّ یا ولیُّ یا ملیُّ و بعضی از بزرگان نقل کرده اند که تا این اسما
مداومت نمودیم در عرض هزار و سیصد و نود و هشت باید که عدد اسماست از برکت این اسماء مبارک دولت و غنا
بما رو میآورد و توانگر شدیم و اسما این است یا قویُّ یا غنیُّ یا ملیُّ یا ولیُّ یا وفیُّ و نقل شده از
کتاب انوار الیقین که هر که بخواند ده هزار مرتبه و بروایتی دوازده هزار مرتبه یا قویُّ یا غنیُّ یا ملیُّ
یا وفیُّ بر سا نخدا وند عالم او را روزی واسع و شرط آنست که در اثنا خواندن حرف نزند و در روایت
دیگر وارد شده است که هر که دوازده هزار مرتبه بخواند آنقدر از مال دنیا و نعمت با کرامت شود که حضرات [illegible] اند

۱۳۵۲

وعدد جمل این چهار اسم مبارک غشنب است یعنی هزار و سیصد و پنجاه و دو عدد است و ایضاً بعضی ارباب خواص
گفته اند که از جهت زیادتی معاش و توسعه در هر معیشت دو هزار و سیصد و هشتاد و پنج بار این اسما بخوانند یا
کافی یا غَنِیُّ یا فَتّاحُ یا رَزّاقُ و هفده هم برای بر آمدن مهمات و قضاء حاجات و دفع بلیات و رسیدن
بمرادات بزرگان فرموده اند که صد بار بحضور قلب و با انقطاع تمام و توجه ما لا کلام اَسْتَجِیرُ اللّٰهَ بگوید
که بغایت مجربست و هفدهم از جمله ختمها بحرب ختمی است که جناب شیخ المشایخ الاوحد شیخ الاحمد اعلی الله درجاته
وضاعف حسناته اجازه دادند و فرمودند که از برای هر مطلبی و بجهت قضاء هر حاجتی خواندن این دعا مفید و مؤثر است
سیما از برای شفاء مرضی و خلاصی از شداید و بلاها و نجات از مضایق و تنگیها و فرمودند که در وقت ضرورت
هفتاد مرتبه بخوانند و ختم این است بسم الله الرحمن الرحیم یا مُحَمَّدُ یا عَلِیُّ یا فاطِمَةُ یا صاحِبَ
الزَّمانِ اَدْرِکُونِی وَلا تُهْلِکُونِی و حقیر این ختم را از برای اکثر مطالب خوانده ام و اثر بخشید و اگر در این ختم
مراعات قبله و وضو و حرف نزدن و خلوت بشود اکمل و اعلی خواهد بود و ختم مذکور در اکثر از کتب معتبره مانند
مهج الدعوات و غیره از ابن طاوس ره و غیره منقول است و در بعضی از نسخها و کتب ادعیه باین طریق است یا مُحَمَّدُ
یا عَلِیُّ یا فاطِمَةُ یا صاحِبَ الزَّمانِ اَدْرِکْنِی وَلا تُهْلِکْنِی بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ و در بعضی از نسخ
دعا باین طریق است یا اَللّٰهُ یا مُحَمَّدُ یا عَلِیُّ یا فاطِمَةُ یا صاحِبَ الزَّمانِ اَدْرِکْنِی وَلا
تُهْلِکْنِی والله اعلم و طریقه اول اولی است زیرا که موافق فرموده شیخ است نوزدهم روایت کرده صاحب مهج
الدعوات ره که هر که برسد باو شدتی یا نکبتی یا تنگی و بلیتی سی هزار مرتبه استغفر الله و اتوب الیه بگوید البته
خداوند تبارک و تعالی او را فرج کرامت فرماید و راوی روایت کرده است که این خبر صحیح است و بتجربه رسیده است بیستم
آیه وَنَجِّنِی اِنِّی مَغْلُوبٌ فَانْتَصِرْ بجهت هر مطلبی که بخواهد دو هزار یکصد و شصت و دو مرتبه در یک مجلس بخواند
که مجربست خصوصاً از برای خوف از دشمن ایضاً بجهت هر مطلبی هزار مرتبه آیه اِنّا کَفَیْناکَ الْمُسْتَهْزِئِینَ از جمله
مجربات است خصوصاً از برای دفع عدو بیست یکم از عالم ربانی و فاضل صمدانی و کامل عارف بحر مواج و سراج وهاج
از جناب شیخ احمد طاب الله ثراه و اعلی مقامه حقیر شنیدم که فرمودند هر که را حاجتی باشد و خواهد که بمطلب برسد
حَسْبِیَ اللّٰهُ را صد و چهل و شش مرتبه بخواند که بسیار آزموده است و نافع است بیست و دویم ختم یا باسط است
هر که این اسم شریف را در هر سحری دست بدعا برداشته ده بار بخواند و بعد دست بروی خود کشد هرگز بذل
سؤال محتاج نشود و از برای دفع احتیاج و پریشانی و بجهت حصول دولت و ثروت و زوال تنگی و عسرت اگر کسی
وضو بسازد و در جای خلوت بنشیند و تا سه شب یکشنبه میان نماز بعنوان عنه شب چهل هزار و چهارصد و بیست و چهار

مرتبه بگوید یا باسط البسط دفع پریشانی و فقر او میشود من حیث لا یحتسب با و مدد معیشت میرسد و شخص عزیز
میفرمودند من بارها تجربه کرده ام و صاحب درّ التنظیم آورده که اگر کسی این اسم را بخواند یا با خود دارد در توسیع
رزق و تفریح کربات اثری عظیم دارد پس باید که عامل چهار روز متصل هر روز چهار ساعت بنحوی که لا ینقطع این اسم
شریف را بخواند تا به مقصود فائز گردد و اگر هفتاد روز پیوسته هر روز هفتاد بار بخواند حق سبحانه و تعالی وی را بر طاعت
و عبادت خود ثابت و راسخ گرداند و خاطر وی را از همه اشغال و اعمال یکبار سازد و درونی وی را رها اندازد چنانچه کانّه
نداشته باشد بیست ششم در کتاب خواص القرآن مذکور است که هر که را امر عظیم و مهلکه خطیر پیش آید باید صد و
چهل بار سوره مؤمنون را بر سبیل اتصال بخواند و بجز ضرورت اکل و شرب و نماز برنخیزد از آن مهلکه خلاص شود
و سالم باشد و هیچ مکروهی بوی نرسد و صد و بیست بار سوره قد افلح بقدر یازده جزو قرآن است و این ختم تخمینا
در عرض یک ساعت بعمل می آید و ایضا در همان کتاب مذکور است که هر که هفتاد بار سوره حدید را بر سبیل دوام بخواند
از هر بلیه و مهلکه سالم باشد و نجات می یابد و ایضا در آن کتاب است که هر که به نیت خلاصی از مهالک سه مرتبه
سوره احقاف بخواند از بلا ت و عافیت از آن ورطه بیرون می آید و ایضا از حضرت صادق ع منقول است که هر که کار دشواری
پیش می آید سوره هود را سیزده بار بخواند مهم او کفایت میشود و هم چنین از آنحضرت منقول است که هر که را حاجتی باشد
هفت بار سوره بنی اسرائیل را بخواند حاجت او بر می آید ایضا از آنحضرت منقول است که هر که سوره مؤمن را بجهت بر آمدن مهمات
و عزوما در کارهای یکبار بخواند گشاده میشود و از حضرت پیغمبر مرویست که هر که این سوره بخواند روح همه انبیا
و صدیقین و شهدا و مؤمنین او را دعا کنند و بجهت او آمرزش خواهند بیست و چهارم از جمله ختمهای مجرب و معظم ختم
سوره مبارکه حشر است از حضرت امام جعفر صادق ع منقول است که هر که سوره مبارکه حشر را از برای قضای حوائج و بر
آمدن مهمات و امور عظیمه چهل روز هر روز یکمرتبه تلاوت کند حاجت اگر سر باید و آن مهم سرانجام می یابد و کار
او رواج میگیرد و اگر بات ... و این ختم را اکثری از تجربات نوشته اند و از پیغمبر مرویست که هر که
سوره حشر را بخواند گناه مقدم و مؤخر او آمرزیده میشود و عرش و کرسی و بهشت و دوزخ و آسمانها و زمینها بر او
ثنا و آفرین خوانند و بجهت او استغفار میکنند و شهید از دنیا بیرون میرود و پیغمبر با امیر المؤمنین ع وصیت فرموده اند
که هر شب حشر را بخوان تا از دنیا از آفت ... شود و ایضا ... آمده که هر که سوره حشر را تا چهل روز متوالی
بخواند مستجاب الدعوة گردد و بهمه مهمات او بر وفق مراد باشد و اکثری از مشایخ و علماء دین فرموده اند که این ختم از جمله
مجربات است و ایضا حضرت رسول ص فرموده اند که من از جبرئیل از اسم اعظم سؤال کردم جواب داد که ... آخر سوره
الحشر را اکثر قراءت کن و مرتبه دوم و سیم نیز پرسیدم هم چنین جواب داد ابو امامه از آنحضرت روایت کرده که هر که

خاتمهٔ سورهٔ حشر را در روز یا در شب بخواند و در آن روز یا در آن شب اگر بمیرد حق تعالی بهشت را برای او واجب گرداند و از
معقل بن یسار مرویست که سید مختار (ص) فرموده‌اند که هر که در صباح سه بار بگوید أعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان
الرجیم و سه آیه در آخر سورهٔ حشر بخواند حق تعالی هفتاد هزار فرشته برای او موکل گرداند تا او را از جمیع آفات نگاه
دارند و صلوات بر او میفرستند تا شب و اگر در آن روز بمیرد شهید مرده باشد و در روز قیامت جمیع مؤمنین و مؤمنات
شفیع او باشند و هم چنین است اگر در شب بخواند و در اخبار وارد است که چهار آیه از آخر سورهٔ حشر همه دردها را
شفاست اگر با وضو آن آیات را بر بیمار بخوانند و ایضاً مرویست که آخر سورهٔ حشر شفاست از جمیع دردها
و از حضرت صادق (ع) منقول است که هر که سورهٔ تغابن را جهت محفوظ بودن مال از شر دزدان هفت بار بخواند
بر آن مال بدمد آن مال از شر دزد محفوظ باشد و اگر در وقت دفینه نهادن آن را یکبار بخوانند آن دفینه
سالم باشد و ایضاً از آنحضرت روایت شده که هر که سورهٔ والفجر را بجهت دفع بلاها هفت بار بخواند
از جمیع بلاها محفوظ باشد و هم از آنجناب منقولست که هر که این سوره را در وقت طلوع صبح پانزده بار بخواند
از هر چه میترسد ایمن شود تا طلوع صبح دیگر و در بعضی آیات و اخبار صحیحه وارد شده که هر که هر روز سورهٔ والذاریات
و سورهٔ طلاق و یا ایها المزمل و الم نشرح را بخواند امر او بخیر و خوبی و وسعت بگذرد و توسعه در رزق و معاش
بهم میرسد و بسرحد تجربه رسیده و از صادق (ع) مرویست که هر که سورهٔ الم نشرح را سه بار بخواند در وقت
بیع و شری از آن بیع و شری خیر میبیند و نقصان و خسران در آن نمیباشد و در بعضی از کتب مسطور است
که هر که این سوره را سه بار بر درد دل بخواند شفا یابد و اگر بر نان بنویسند و بر صاحب تب دهند و آن را
ناشتا بخورد شفا یابد و اگر بنویسند و بشویند و به زنی دهند که وضع حمل بر او دشوار است تا بخورد
وضع حمل بر او آسان میشود و اگر از برای دفع هم و غم و وسوسه و تنگدلی این سوره را در ظرف آبگینه
بنویسند و بگلاب بشویند و از آن بخورند نفع میبخشد و بعضی از علما گفته که جهت آسان شدن دشوارها
در عقب هر نماز این سوره را بخوانند تا مدت یک هفته که مجربست و کارها بر وی آسان میشود و ایضاً
باید دانست که از ختمها مطلق ختم سورهٔ مبارکهٔ قدر است علما و بعضی از صلحا و اهل دعا گفته‌اند که اگر
کسی این سوره را سیصد و شصت مرتبه بخواند از برای هر حاجتی و هر مطلبی و مقصدی ان شاء الله
آن حاجت بر آورده میشود و ختم این سوره با عدد مذکور از برای دفع فقر و زوال فاقه و احتیاج
از برای توسع رزق و توانگری و از برای ادای قرض از جمله مجربات است و حدیثی هم بهمین کیفیت
از حضرت صادق (ع) وارد است و در حدیثی است که هر که این سوره را مداومت کند اگر کسی تنگ معیشت بود.

خدا بتعم روزی او را از جائی برساند که گمان نداشته باشد و از برای دفع قرض نیز خواندن این سوره بهمین
عدد از مجربات است و منقولست که هر که والعادیات را بسیار خواند قرضش ادا میشود و هر که این سوره را بنویسد
و با خود دارد حامل آن از همه بلاها محفوظ باشد و اسباب وصول روزی او آسان گردد و اگر بعد از بسم
مبارک جناب علی ع که این سوره در شان آنحضرت نازل شده بخوانند روزی عاملان جائی میرسد که گمان
نداشته باشد و با احدی گفتگو نمیکند تا دو رکعت تمام شود و انگشتر عقیق یمنی یا فیروزه در دست کند و طهارت
بجا میآورد و دو رکعت نماز حاجت بهر سوره که خواهد بکند و بعد از اتمام نماز هفتمرتبه سوره حمد بخواند
و بعد صد مرتبه صلوات بفرستد و بعد هفتاد مرتبه سوره الم نشرح بخواند و بعد از آن شروع نموده سوره
مبارکهٔ اخلاص را یکهزار و یکمرتبه بخواند و بعد صد مرتبه صلوات بفرستد و بعد از آن هفتمرتبه سوره حمد را
بخواند و بعد که همه را بجا آورد سر را بسجده گذارد و از قاضی الحاجات مطلبی که دارد بعجز و انکسار و گریه
بطلبد که انشاء الله تعالی باجابت خواهد رسید و بعضی گفته اند که پیش از شروع بوی خوش در آتش
اندازد و جناب آقا سید علی طباطبائی ره فرموده بعد از هزار و یکمرتبه توحید صد مرتبه صلوات بفرستد
و بعد از آن یکمرتبه سوره حمد بخواند و بعد سر بسجده گذاشته حاجت خود را بخواهد و در بعضی از نسخ چنین
نوشته اند که سوره فاتحه هفتاد مرتبه و صلوات صد مرتبه و الم نشرح هفتاد و نه مرتبه و سوره
اخلاص هزار و یکمرتبه با بسمله و بعد هفت مرتبه سوره الحمد و بعد صد مرتبه صلوات بخوانند که البته
حاجت روا است و تخلف ندارد و بعضی این ختم را از ختوم مقیده شمرده اند و گفته اند که این ختم را بعد از
هر نماز صبح در روز پنجشنبه بخواند و اگر جمعه باشد بهتر خواهد بود و این ختم در عرض مرویست که هر که
سوره الهمزه را در نماز نافله بسیار بخواند مال و روزی او بسیار شود و از حضرت صادق ع منقول است
که بجهت بر آمدن حاجات صد و هشتاد بار سوره القارعه را بخوانند و اگر کسی این سوره را بنویسد و با خود
دارد اگر معیشت بروی تنگ باشد وسیع میگردد و سوره ماعون از حضرت صادق ع منقول است که هر که
سوره ماعون را چهل و یکبار بخواند او و فرزندان بعد از او محتاج نشوند و مرویست که هر که او را
بعد از نماز صبح صد مرتبه بخواند در امان و حفظ خدا بتعم باشد تا صباح دیگر بیست و پنجم از جمله
ختوم معتبره مجربه که مشهور و متداول است و نزد علماء و اکابر و مجتهدین و کاملین معمول به است و حکم
کبریت احمر دارد و عدم تاثیر او نیست مگر از عدم قابلیت داعی و عدم اجتماع شروط دعا ختم قل هو الله
احد است که او را ختم الم نشرح و ختم الحمد لله نیز میگویند و این ختمی است که سر آمد همه ختوم است و مرتبه

وزیادتی بر همه ختوم دارد و از برای هر مطلب و هر گونه حاجتی که باشد مجربست و از برای قضای حوائج و حصول
مرادات باید خوانده شود و طریقه اش این است که داعی غسل میکند و با لباس پاکیزه در مکان خلوت می‌نشیند
عرض چهار ساعت تقریبا خوانده شود و باید داعی کلال و ملال بخود راه ندهد که گنج بی رنج نیست و گل بی خار
نمیشود و این ختم از جناب آقا سید علی ره منقول است که فرموده بعد از نماز حاجت هفتاد مرتبه حمد بخواند و بعد
صلوات و بعد هفتاد و نه مرتبه سورهٔ انشراح بخوانند و فرموده که این ختم در مکان شریف بهتر است و اجتناب
بخود را آشتی کرده و تختم بخاتم و ابتدا به رکعت نماز حاجت کرده و تقیید بروز پنجشنبه یا جمعه را متعرض نشده اند
و فرموده اند هر وقت خواسته باشد این عمل را توان بجا آورد بیست ششم از حضرت صادق ع منقول است که هر که
سوره حم دخان را بجهة کفایت مهمات هفت بار بخواند مهم او کفایت میشود و از بعضی مشایخ منقول است که اگر
کسی این سوره را بنویسد و با خود دارد از شر دیو پری ایمن باشد و در نظر خلق با هیبت بود و مردمان او را دوست
دارند بیست و هفتم از حضرت صادق ع منقول است که هر که سورهٔ والنجم را از برای بر آمدن حاجات بیست و یکبار
بخواند حاجتش برآید و بزودی برمی آید و برآورده میشود و ایضا از آنحضرت مرویست که هر که سورهٔ مجادله را سه بار
بخواند بر مشت خاک و بطرف دشمن اندازد دشمن مقهور گردد و اگر بر بیمار بخوانند تسکین می یابد و در خواب رود
و اگر بخوانند این سوره شب و روز مداومت نماید از شر آدمی و دیو و پری ایمن گردد و اگر در میان انبار غله
نهد از بیم مفسدات ایمن گردد و از بعضی اکابر منقول است که سورهٔ منافقون را اگر کسی بر درد چشم و دمامیل
وقوع و هر دردی که باشد بخواند آن ناخوشی زایل میشود و بعد از آن آن بزرگ گفته که این بتجربه رسیده و در آثار
آمده است و از حضرت صادق ع روایت شده است که این سوره را بر نیت هر حاجت که بخوانند روا گردد و اگر کسی
بخواند این سوره مداومت نماید از دنیا بیرون نمیرود تا جایگاه خود را در بهشت نه بیند و چون آنرا در مقابل
ظالمی بخوانند از کید او ایمن شود و بعضی از اکابر گفته اند که هر که سورهٔ والنازعات را در مکان مخوف بخواند
از آن مکان بسلامت آید بیست و هشتم از حضرت صادق ع منقول است که سورهٔ تکویر را از جهة خلاصی از بلیات
بیست و یکبار بخوانند و گفته اند این سوره را در وقت آمدن باران صد بار بخوانند و از خدا بطلبند حاجت بخواهند
آن حاجت بر آید و اگر این سوره بر گلاب بخوانند و بروند از آن قطره در چشم کشند روشنائی چشم زیاده میشود
و اگر این سوره را در چشمی خوانند که در آن مرض رمد یا مرض دیگر بود شفا یابد بیست و نهم از امام جعفر صادق ع
منقول است که بوقت و زمانی که هفتاد مرتبه سورهٔ انفطار را بخوانند و آورده اند که اگر محبوس و اسیر این سوره را
بخوانند خلاصی یابد و اگر آیهٔ یا ایها الانسان ما غرک بربک الکریم را این سوره بر پوست سبحی بنویسد و با خود

(لآلی مخزونه)

وارد رود صفا و فراخ شود و در معاملت منفعت تمام یابد بشرط آنکه در وقت نماز با او نباشد فائده مؤلف گوید
که آنچه در خواص سور و آیات قرآنی و سایر دعاها و ختمها و اسماء الله مذکور شد و بعد از این هم در فصول آینده ذکر میشود
همه و اکثر از تفاسیر و کتب معتبر و از رجال صاحب حال و مشایخ عظام و صلحاء کرام نقل شده فاما بواسطه عدم تطویل این
رساله در هر موضع ذکر آن کتب و تفاسیر منقول عنها و رجال مروی عنهم بیان نشد باید که بر آنچه در این رساله مذکور
میشود عامل اعتماد داشته باشد و موقوف بر تصحیح نقل ندارد در تصحیح خواص سور و آیات همین بس است که در حدیث صحیح
از اهل بیت عصمت ع مرویست که فرموده اند اقرء من القرآن ما شئت لما شئت یعنی بخوان از قرآن هر آیه و سوره
از برای هر چه میخواهی و از برای هر مطلبی و حاجتی که دلت میخواهد و از برای صحت دعاها و ختمها همین کافی است که ائمه ع
فرموده اند که دعا کنید و از خدا مسئلت نمائید بهر نوعی و بهر زبانی و بهر نحوی که باشد و خدا را ذکر کنید در هر حال و
ذکر الله الحسن فی کل حال و باید عامل و داعی هر سوره و هر آیه و هر ختمی را که از برای مهمی و مقصودی میخواند یا می نویسد
خاطر بر آن قرار دهد و جزم کند که آن مهم و حاجت از برکت این سوره و حرمت قرآن و دعا مبارک و از لطف
بی نهایت حضرت باری تعالی و از عموم فضل و کرم لایتناهی که با بر و فاجر و مسلمان و کافر دارد کفایت خواهد شد
و مقصود انشاء الله تعالی بحصول خواهد انجامید و در آن تردد نباید داشت و اگر تردد راه بدهد اصلاً آن
مطلب حاصل نخواهد شد و این معنی بتجربه حاصل شده و اگر در دفعه اولی اثر اجابت ظاهر نشود عمل را مکرر کند
هر چند در ورود خانه راهت ندهند نومید مباش حلقه بر در زن اما باید عامل و داعی بعد از عمل و دعا از
معاصی و مناهی و گناهان کبیره اجتناب و احتراز کند و معصیت آنخداوندی که امید نجات و قضاء حاجت از او
دارد نکند و با ولی نعمت خود که امید نجات و رسیدن بمطالب و مقاصد و حاجات از او دارد خیانت و کج نبازد
و مثل او مثل کسی نباشد که در کشتی نشسته باشد و اراده کند که چشم کشتیبان را کور کند و خیانت با خدا
در دل نداشته باشد چه جا آنکه خدا از نیت و قصد او مطلع و با خبر باشد چه خوب گفته فرزدق هر کس که نمک
خورد نمکدان نشکند در مذهب رندان جهان سنگ بر او دوست و در حدیث صحیح وارد شده است که بنده دعا میکند
و از قاضی الحاجات حاجت خود می طلبد خداوند عالم از آنجا که کریم است وعده فرموده است که دست امیدوار او را
محروم نگرداند و دست رد بر سینه سائلی نگذارد و خواهنده را نا امید نگرداند و دعا او را مستجاب میفرماید
و موقوف بوقتی میکند و بعد از آن بنده نافرمانی و معصیتی میکند بملائکه و فرشتگان که مأمورند بقضاء حاجت او
و انجاح مطلب و مقصد او خطاب میرسد که ایملائکه دست بردارید در صدد انجاح مطلب آن عاصی مباشید و مقصود و
او را بعهده تعویق و تأخیر اندازید و مدبار او کار سازی مکنید و اسباب و وسایل که در تمام بودن مسئلت و دعای او

برپا و اقامه شده برهم زنید که آن نافرمانی و معصیت ما کرده و خود خود شرا خائب و خاسر و نومید کرده و ذلک
تاویل قوله و ما ظلمهم الله ولکن کانوا انفسهم یظلمون و حدیث مذکور در کتاب خاتمه مقصد المؤمنین که
از تالیفات حقیر است مسطور است و شنیده‌ام که مردم مردودی از جملهٔ خوانین ضیا نشانی که از اهل دنیا
و از حرم خاشین بوده و بسمت تفرعن و تجبر موسوم و بصفت تمرد و طغیان موصوف و معروف بوده خودرا
مستغنی دیده طغیان می‌ورزید و راه عصیان می‌پیموده و با وجود این لیلا و نهارا مواظبت ختوم و ادعیه
و مداومت تلاوت و اذکار نموده روزی عملهٔ زمان بی‌ایمان خود امر کرده که شنیده‌ام جمعی از زوار امام رضا ع
در راه اند و بخاک ولایت ما داخل شده اند بروید آنها را غارت کنید و هرچه از آنها دستگیر شود بر بندگان
و اوزبک بفروشید بلکه تو نیز در مداخل ما بهره رسد مأمورین لعنة الله علیهم اجمعین اطاعة للامر الطاغوت
سخن آن شیطان و بت ملعنت بنیان را شنیدند و پی آن امر رفتند و بزوار سعادت شعار برخوردند و بعد از
تلاقی فریق فی الجنة و فریق فی النار ابرار مغلوب و دستگیر آن فساق فجار شدند لکن یکی در اثنا محاربه و مدافعه
از آن ملاعین ملعنت آیین بدار البوار مقر و استقرار کردند و روحش بجهنم و دار البوار قرار گرفت زوار را پیش
آنخان بی‌ایمان شیطنت توأمان آوردند و عرض کردند الحمد لله از قوت بخت و طالع سرکار بیگلربیگی و
جناب خان همه را دستگیر و نیک کردیم اما از آن زوار در دعوا یکی از آدمهای ما را کلوله زده در باره قاتل چه
می‌فرمائید آن ملعون از اتفاقات بر سجاده بوده و به ورد داشتن اشتغال داشت و نمیخواست که وردش قطع شود
و از ثواب محروم باشد بدست اشاره کرد که ببرید و گردنش را بزنید و از ضیافتش محروم بلی کالانعام هم
بسیارند یحسبون انهم یحسنون و در حدیث است که بحضرت موسی ع وحی شد که اطاعت خدا با معصیت
و نافرمانی مانند عمارتی است که اساس و بنیانش بر ریگ روان گذاشته باشند و منقول است که ملعونی از
عساکر شقاوت اثر که همراه با حضرت سید الشهداء بکربلا آمده بود بعد از قتل و غارت کربلای معلی واجب
الحج شد و بکعبهٔ معظمه شتافت و محرم گردید و در اثنا احرام شپش را که بر بدن نجس آن ملعون شقاوت
مشحون اذیت میرسانید کشت این مسئله را بعد از اتمام افعال حج از فقیه و عالمی پرسید که من در اثنای
احرام شپش را کشته‌ام کفارهٔ او چیست آن فقیه چونکه مطلع بود که سائل از اهل کوفه و از عساکر
خذلان مآب است گریه کرد و این کلام را گفت انظروا الی الناس یقتلون الحسین ع و یسئلون عن دم
البعوضة اللهم العن قتلة الحسین واصحابه لعنا عظیما وعذبهم عذابا الیما خلاصه خدا خود را
مرگ دهد که خزینت و عوام کالانعام بودن چه بی‌هوا و هوس رفتن بد دردی است و مشهور است

د نو

(لآلی مخزونه)

کہ نفهمی بدتر از کافر است   من چه گویم دو صد ده زنده کو   سی آبی نده کی ما مرده کو برادر اینها را در مقام نصیحت
وار شاد بگو گفتم تو خواه از خشم بند کی بخواه ملالی هم از جهت بر آمدن حاجات و دفع هم و غم هزار بار بگوید فلا
بفضلک یا عزیز سی و یکم هر که در یک مجلس هزار مرتبه بگوید ما شاء الله لا حول ولا قوة الا بالله توفیق حج
یابد و غنی گردد و بسند صحیح از حضرت صادق ع منقول است که آنحضرت فرمود عجب دارم از کسی که اراده مال و متاع
دنیا داشته باشد چرا پناه نمی برد باین کلمه مبارکه و این کلمه هزار و چهل و شش است بعدد لفظ عمو اگر کسی حاجت داشته
باشد که این کلمه را ختم دور کند تا چهل روز هر روز بعدد مذکور بخواند انشاء الله خواهد بیاید سی و دوم صاحب
در التنظیم آورده که هر که مداومت کند بر تکرار این سه اسم که عبارت است از الکریمُ الوهّابُ ضیق معیشت
او بسعه مبدل میشود و دوری آن از جائی که مضنه و گمان نداشته باشد باو میرسد و بعضی از بزرگان گفته که
بسیاری از مردم را باین ورد امر کردم و باین ورد مشغول شدند و از برکات آن چیزها مشاهده کردند که بغایت
عجیب و غریب بود و بهبود رغیب تجاوز از بیک مرتبه باید خوانده شود و عدد این اسم هزار و صد و بیست و شش است
اگر باین عدد بخوانند اکمل و اتم خواهد بود سی و سیم از برای قضا حوائج شرعیه سه هزار و هشتصد و شانزده مرتبه کم
و زیاد با وضو رو بقبله در خلوت با جمعیت خاطر بخوانند که از مجربات شمرده اند یا حیُّ یا قیّومُ سی و چهارم بسند
معتبر از امام بحق ناطق جعفر صادق ع مرویست که هر گاه ترا حاجتی باشد بسوی خدا وند عالمیان و بسیار مستطر
شده باشی دو رکعت نماز حاجت بکن سلام که دهی سه مرتبه بگو الله اکبر پس تسبیح حضرت فاطمهٔ زهرا ع را بخوان پس
بسجده برو و صد مرتبه بگو یا مولاتی یا فاطمة اغیثینی پس گونه راست خود را بر زمین بگذار و باز صد مرتبه
بگو یا مولاتی الخ پس جانب چپ گونه را بر زمین بگذار باز صد مرتبه بگو یا مولاتی الخ پس باز بسجده برو و
صد و ده مرتبه بگو یا مولاتی الخ که مجموع چهار صد و ده مرتبه باشد پس بعد از تمام حاجت خود را بقاضی الحاجات
عرض کن که البته بر آورده میشود مگر اینکه ختم شده باشد قضا که نشود سی و پنجم از برای قضا حوائج نماز غایت
که نامیده شده بصلوة المنظر و نا بنجر غریب بیره موجب فرج و گشایش بی اندازه است و من حیث لا یحتسب فرج از برای
عامل روی آورد و طریقه آن آنست که چهار رکعت نماز بعد ها آورد در رکعت اول بعد از فاتحه بیست پنج مرتبه
بگوید و افوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد و در رکعت دوم بعد از فاتحه بیست پنج مرتبه بگوید لا اله
الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین فاستجبنا له و نجیناه من الغم و کذلک ننجی المؤمنین و در
رکعت سیم بعد از حمد بیست پنج مرتبه بگوید حسبی الله و نعم الوکیل و در رکعت چهارم بعد از حمد بیست پنج مرتبه
بگوید لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم و بعد از سلام بیست پنج مرتبه صلوات بفرستد و از جناب واهب العطایا

مطلب خود را بخواهد که ان شاء الله مطلب بعمل صابد و مجرّبست ... ایضاً از برای قضای حوائج و وسعت رزق
دو رکعت نماز بکند و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه قل اللّهمّ مالک الملک الی بغیر حساب و چون سلام بدهد ده بار
بگوید رَبِّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْ وَاَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِيْنَ و بعد ده بار بگوید اللّهمّ صلّ علی محمّد و آل محمّد پس سجده کند
و بگوید رَبِّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَهَبْ لِي مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِاَحَدٍ مِنْ بَعْدِي اِنَّكَ اَنْتَ الْوَهَّابُ و از جمله نمازها
برای قضای حوائج دو رکعت نماز کند در هر رکعت بعد از حمد سوره قریش را تا ده مرتبه بخواند و بعد از سلام ده مرتبه
یا صد مرتبه یا هزار مرتبه صلوات بفرستد و بعد از آن سجده کند و در سجده ده مرتبه بگوید اَللّٰهُمَّ اَغْنِنِي بِفَضْلِكَ
عَنْ خَلْقِكَ و ده مرتبه بگوید اَللّٰهُمَّ اَغْنِنِي بِحَلَالِكَ عَنْ حَرَامِكَ وَبِفَضْلِكَ عَمَّنْ سِوَاكَ ایضاً از جمله
نمازها که از برای قضای حوائج باید بعمل آورد دو رکعت نماز است در رکعت اوّل بعد از فاتحه سوره اخلاص یکصد دفعه و در رکعت
دوّم کذلک و بعد از سلام هزار دفعه یا ربّ بگوید و بعد از آن حاجت بخواهد که ان شاء الله روا خواهد شد و از جمله نمازهای
قضای حاجت دو رکعت نماز علیست که در کتاب اعمال از صادق ع مرویست که هر که را بوده باشد بسوی جناب اقدس الهی حاجتی
ضروری و بخواهد که روا کرده شود پس باید که غسل کند و پاکیزه ترین جامهای خود را بپوشد و بالای بام بر آید و دو رکعت نماز بکند
و بعد بسجده رود و حمد و ثنا کند و بگوید یا جبرئیل یا محمّد اَنْتُمَا كَافِيَانِ فَاكْفِيَانِي وَاَنْتُمَا حَافِظَانِ
فَاحْفَظَانِي وَاَنْتُمَا كَالِيَانِ فَاكْلَآنِي صد مرتبه بگوید بر خدا واجبست اینکه بگوید این بنده را
مگر اینکه کفایت کنم مهمّ او را و ایضاً از جمله نمازهای حاجت این است که هر که را همّی و غمّی و دردی و الَمی بوده باشد یا از کسی
ترسی داشته باشد یا مشکلی پیش او آید این نماز را بکند بقدرت حق مشاهده کند از شب جمعه شروع بکند که از غم نجات بیابد
و باید که شک نیاورد و طریقه آن این است که غسل کند و جامه پاک در پوشد و بعد از آن چهار رکعت نماز کند بیک سلام
در شب جمعه در رکعت اوّل بعد از حمد صد بار بگوید وَاُفَوِّضُ اَمْرِي اِلَى اللهِ و در رکعت دوّم بعد از حمد هم صد بار بگوید
نَصْرٌ مِنَ اللهِ وَفَتْحٌ قَرِيْبٌ و در رکعت سیّم بعد از حمد صد بار بگوید اَلَا اِلَى اللهِ تَصِيْرُ الْاُمُوْرُ و در رکعت
چهارم بعد از حمد صد مرتبه بگوید اِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِيْنًا و چون سلام باز دهد صد بار بگوید غُفْرَانَكَ
رَبَّنَا وَاِلَيْكَ الْمَصِيْرُ پس سجده کند و دست بردارد و صد بار بگوید اَسْتَغْفِرُ اللهَ وَاَتُوْبُ اِلَيْهِ هنوز
سر از سجده برنداشته باشد که حاجتش روا شود ان شاء الله تم و ایضاً از بزرگان و مشایخ منقول است که از برای
غنا و ثروت این نماز از مجرّبات است و نماز این طور است که چهار رکعت بیک سلام وقت چاشتگاه هر رکعت بعد از
حمد الم نشرح سه بار و اخلاص و معوّذتین یکبار و بعد از فراغ از نماز سر بسجده گذارد و هفتاد بار صلوات بفرستد
و چون سر بردارد ابتدا بخواند اَلْحَمْدُ لَكَ الْحَمْدُ شُكْرًا وَلَكَ الْمَنُّ فَضْلًا وَاَنْتَ رَبُّنَا حَقًّا وَنَحْنُ عَبِيْدُكَ رِقًّا

وَاَنْتَ لِذٰلِكَ اَهْلٌ یا مُیَسِّرَ کُلِّ عَسیرٍ یا جابِرَ کُلِّ کَسیرٍ یا مُونِسَ کُلِّ وَحْشَةٍ یا صاحِبَ کُلِّ غَریبٍ
یَسِّرْ عَلَیْنا کُلَّ عَسیرٍ فَاِنَّ تَیْسیرَ الْعَسیرِ عَلَیْکَ سَهْلٌ اِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ حَسْبُنَا اللهُ
وَنِعْمَ الْوَکیلُ بعد از آن هفتصد مرتبه صلوات بفرستد بقدرت خداوندی را ملاحظه کند سی و هفتم از ختمهای مجربه
که تخلف ندارد و از برای قضای حوائج شدید التاثیر است ختم صلوات است و آن چهار نوع است نوع اول طریقه‌اش
اینست چنانکه از استادان نقل شده بایی نحو است که نیت کند و در دل بگذراند یا بزبان بیاورد که خداوندا اگر فلان
حاجت من تا فلان روز بعمل بیاید و من تا فلان وقت بمطلب و مقصود خود فایز شوم نذر کردم که چهارده مرتبه یا هزار
و چهارصد مرتبه که چهارده صد است یا چهارده هزار مرتبه صلوات بر محمّد و آل محمّد بفرستم و ثواب او را هدیه کنم بامام و سید
خودم باب الحوائج امام هفتم جناب امام موسی کاظم ع یا آنکه بگوید اگر حاجت من تا فلان وقت یعنی تا دو روز و یا یکروز
و یا یک هفته و یا یکماه و یا یکسال بر آید و بمقصود خود برسم یا فلان بیمار فلان روز صحت یابد من نذر کردم که
چهارده صد مرتبه یا چهارده هزار مرتبه صلوات بفرستم و ثواب آنرا هدیه کنم بجناب امام موسی کاظم ع و این ختم از
برای شفای مریض حکم کیمیای احمر دارد چونکه خداوند عالمیان حاجت او را بر آورد بآن وعده نذر معین را وفا کند نوع دوم
از طریقه ختم صلوات از برای قضای حاجت و دفع بلیات و خلاصی از مکاره و کدورات و رسیدن بمطالب و مقاصد است
چهارده هزار صلوات میفرستند و هر هزار صلوات را بروح یکی از چهارده معصوم ع هدیه میفرستند که هزار اول بجناب پیغمبر
و هزار دوم را بجناب امیر المؤمنین ع و هزار سیم را بجناب فاطمه ع و هکذا الی صاحب الامر ع و در اثنای ختم یا در آن هفته بعد از
اتمام ختم البته حاجت بر آورده میشود و جناب قدس الهی البته حاجت را بر آورده نوع سیم منقول است که از برای هر مطلبی از مطالب
و هر حاجتی از حوائج که خواسته باشند قضای آنرا صاحب حاجت باید هر روز هزار مرتبه صلوات بر محمّد و آل محمّد بفرستد تا دو ماه
متوالی چون مدت تمام شود البته مطلبش بر آورده میشود نوع چهارم از برای قضای حوائج عظام و انجاح مهام و ادای دین
از جمله مجربات است باید از شب جمعه ابتدا کند تا دو هفته و در هر شب در نصف شب بخواند و باید شب اول غسل کند
و سایر شبها حضور بنیت شب اول بگوید اللّهم صلّ علی محمّد و آل محمّد شب شنبه بگوید اللّهم صلّ علی امیر المؤمنین شب یکشنبه
اللّهم صلّ علی فاطمة ع شب دوشنبه اللّهم صلّ علی الحسن شب سه شنبه اللّهم صلّ علی الحسین ع شب چهارشنبه اللّهم
صلّ علی علی بن الحسین ع شب پنجشنبه اللّهم صلّ علی محمّد بن علی شب جمعه دویم اللّهم صلّ علی جعفر بن محمّد شب شنبه دوم
اللّهم صلّ علی موسی ابن جعفر شب یکشنبه دوم اللّهم صلّ علی علی بن موسی شب دوشنبه دوم اللّهم صلّ علی محمّد بن علی شب سه شنبه دوم
اللّهم صلّ علی علی بن محمّد شب چهارشنبه دویم اللّهم صلّ علی حسن بن علی ع شب پنجشنبه دوم اللّهم صلّ علی حجة بن الحسن ع
شب جمعه سیم بگوید اللّهم صلّ علی العباس الشهید و این نوع هر چند از اقسام ختوم مطلقه بود اما بجهة ارتباط او با نواع ختوم

صلوات تفصیلا ذکر شد سی و هشتم از بعضی اکابر روایت است که هرگاه محنتی و بلیتی بکسی متوجه شود که بهیچ چیز دفع آن نشود
باید در موضع خالی رو بقبله بنشیند و با کسی سخن نگوید تا هزار و یک بار بگوید بعد بسمله یا مغیث اغثنی بحق بسم الله الرحمن الرحیم
یا صاحب المرحب او المسمع اغثنی بحق آل طه و یس و بعد صد مرتبه بگوید ادفع العظیم العظیم و انت اعظم
من کل عظیم انشاء الله آن محنت براحت مبدل شود و بعضی گفته اند که اول دو رکعت نماز حاجت بکند و بعد صد مرتبه
صلوات بفرستد و بعد از اتمام ختم حاجت خود را بخواهد که روا میگردد سی و نهم از بعضی اکابر منقول است که هرگاه از سلطان جابر
و یا از ظالم جائر یا از مردی کی خوف داشته باشند یازده مرتبه بگوید یا مالک یوم الدین ایاک نعبد و ایاک
نستعین از آن سلطان و از آن ظالم و از آن فتنه و هول هیچ آسیبی بوی نرسد و هم چنین اگر قاطع الطریق یا سبع
سر راه روبرو بگیرد چون ابجد مذکور بخواند آن مانع از سر راه وی برخیزد و وی بسلامت بگذرد و فرموده که این معنی بکرات
و مرات بتجربه رسیده و بصحت پیوسته چهلم بعضی از اکابر و مشایخ گفته اند که از برای عزت و حرمت و طلب جاه و تقرب در
نزد بزرگان در یک مجلس هزار و هفتاد مرتبه بخواند تا مرادش حاصل شود و اگر ورد کند هر روز باین عدد بخواند از برای
استمرار تاثیر اولی و الیق خواهد بود و آیه این است والهکم اله واحد لا اله الا هو الرحمن الرحیم چهل و یکم از برای حصول
حوائج و هلاک دشمن دین و خوف و عقد اللسان اشرار این آیه را هزار و یکبار بخوانند نحن نزلنا الذکر و انا له
لحافظون چهل و دوم علما فرموده اند که این دو هفت خاصیت دارد عزت و رفعت و وسعت در امر معیشت و حشمت
و محبت و قدرت و امنیت و این است اگر بعدد کبیر که شصت و چهار مرتبه باشد و اگر نتوانند بعدد صغیر که هشت مرتبه است
بخوانند حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت و هو رب العرش العظیم و عدد جمل این آیه شریفه
چنانچه حساب شد دو هزار و ششصد و نود و نه است چهل و سیم از برای کفایت مهمات و بر آمدن حاجات با وضو و حضور
قلب این دو آیه را هفتصد و هفتاد و پنج مرتبه بخوانند یا در یک مجلس سیصد و پنجاه یکمرتبه و آیه ها این است کهیعص
حمعسق چهل و چهارم از جمله ختمها مجرب سریع الاثر که تخلف ندارد مگر اینکه تقصیر از جانب عامل باشد ختم ناد علی است
و طریقه ختم آن بشش نوع است نوع اول از برای قضاء حاجت و بر آمدن مطلب صد و دو مرتبه بگوید ناد علیا مظهر
العجائب تجده عونا لک فی النوائب کل هم و غم سینجلی بولایتک یا علی یا علی یا علی بخواند
در دو هر مرتبه سه مرتبه بگوید یا ابا الغوث ادرکنی یا علی ادرکنی انشاء الله اگر سه روز این ختم خوانده شود
مقصود بعمل آید نوع دوم بعضی از مشایخ باین طریقه اجازه رسیده که از برای رفع ضیق معاش و حصول حاجت و دفع
حادثه و توسعه در معیشت هر روز ناد علی را هفتاد بار بخوانند اگر خلاصی روی ننمود یقین که در ایمان عامل خللی
هست و آن شیخ بزرگوار صاحب اجازه میفرمود که هر مرتبه که بلیه و محنتی پیش می آمد بنده هفتاد مرتبه هر روز قبل از نماز صبح

(لآلی مخزونه)

بر سجاده یا بعد از نماز شب بخواند و سه روز نمیگذشت که حضرت امیر المؤمنین ع را در مکاشفه یا در رؤیا
و یا علی بن موسی الرضا را میدیدم و تدبیر آن کار را بر من حکم می فرمود و طریق نادعلی کبیر است و آن این است
که اول صد نوبت صلوات میفرستد و یکمرتبه فاتحه بخواند و ثواب او را بروح مقدس پیغمبر ص نماید و فاتحه دیگر بخواند
و ثواب او را بذل ارواح مقدسه جمیع انبیا نماید و فاتحه دیگر بخواند و ثواب او را بذل ارواح مقدسه ائمه ع کند و مراد را
بخاطر بگذراند و بعد از آن صد مرتبه استغفر الله ربی و اتوب الیه بگوید و ده نوبت سوره قدر و ده نوبت سوره اخلاص
و ده نوبت معوذتین بخواند و بعد هفتاد مرتبه بگوید اَللّٰهُ صَمَدِی مِنْ عِنْدِکَ مَدَدِی وَ عَلَیْکَ
مُعْتَمَدِی اِیَّاکَ نَعْبُدُ وَ اِیَّاکَ نَسْتَعِینُ نَادِ عَلِیًّا مَظْهَرَ الْعَجَائِبِ تَجِدْهُ عَوْنًا لَکَ فِی
النَّوَائِبِ کُلُّ هَمٍّ وَ غَمٍّ سَیَنْجَلِی بِوِلَایَتِکَ یَا عَلِیُّ سه مرتبه یَا اَبَا الْغَیْثِ اَغِثْنِی یَا عَلِیُّ
اَدْرِکْنِی بِلُطْفِکَ الْخَفِیِّ و بعد از آنکه هفتاد مرتبه تمام شود سه مرتبه بگوید سُبْحَانَ الْمُفَرِّجِ عَنْ کُلِّ مَحْزُونٍ
سُبْحَانَ الْمُخَلِّصِ عَنْ کُلِّ مَسْجُونٍ سُبْحَانَ الْمُنَفِّسِ عَنْ کُلِّ مَدْیُونٍ سُبْحَانَ الْعَالِمِ بِمَا کَانَ قَبْلَ
اَنْ یَکُونَ سُبْحَانَ مَنْ جَعَلَ خَزَائِنَهُ بَیْنَ الْکَافِ وَ النُّونِ سُبْحَانَهُ سُبْحَانَهُ اِذَا قَضَی اَمْرًا
فَاِنَّمَا یَقُولُ لَهُ کُنْ فَیَکُونُ فَسُبْحَانَ الَّذِی بِیَدِهِ مَلَکُوتُ کُلِّ شَیْءٍ وَ اِلَیْهِ تُرْجَعُونَ وَ صَلَّی
اللّٰهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ اَجْمَعِینَ بِرَحْمَتِکَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ و بیشتر ختم این اعتصام را بخواند یا اللّٰهُ
صَمَدِی مِنْ عِنْدِکَ مَدَدِی وَ عَلَیْکَ مُعْتَمَدِی یَا غِیَاثَ الْمُسْتَغِیثِینَ و بعد از اتمام عمل دعای
یا من تحل به عقد المکاره از دعاهای صحیفه است یکمرتبه بخواند و مطلبی که کند البته در عرض سه روز
ان شاء الله بمطلب خواهد رسید و اگر نرسید تقصیر از جانب عامل خواهد بود چرا که حقیر خود تجربه کرده‌ام و علیک
بالتجربه نوع چهارم در بعضی از کتب طریقه ختم نادعلی باین طریق است که از برای هر مطلبی مجرب است باید سه روز
روزه بگیرد بعد اول ختم صغیر او را بخواند که پنجاه و پنج مرتبه است و روز دویم ختم وسط نادعلی را بخواند که چهار
صد و بیست مرتبه است و روز سیم ختم کبیر او را بخواند که چهار هزار و سیصد و چهل و سه مرتبه است و در ختم
چهاردهم مذکور شد که دوازده هزار مرتبه خوانند یا علی از برای قضای حوائج مجرب است و حقیر که مؤلف این
رساله است خود تجربه نمودم و بمطلبی که داشتم بعد از سه روز رسیدم و علمای جفر و اهل خواص گفته اند که هر که
هر روز صد و ده بار العلی را با شرایط بخواند خواه بیاء نداء و خواه بالف لام در جبر بلند پایه و اگر فقیر بود
غنی گردد و ببرکت این اسم شریف اگر در سفر بود بسلامت و غنیمت بوطن باز رسد نوع پنجم من قرء نادعلیًّا
مظهر العجایب الی آخره الف مرة علی طهارة ثم یطلب حاجته فانها تقضی سریعا ایما کانت الحاجة نوع ششم هر که

و بیرون شدن آنکه دانسته اند هرکس مضطر باشد باید دو رکعت نماز کند در هر رکعت بعد از حمد یازده بار این آیه را بخواند
فدعا ربه انی مغلوب فانتصر ففتحنا ابواب السماء بماء منهمر وفجرنا الارض عیونا فالتقی الماء علی امر قد قدر و بعد از اتمام نماز
هفتاد و یکمرتبه نادعلی را بخواند بایطریق الله صمدی من عندک مددی وعلیک معتمدی ایاک نعبد و
ایاک نستعین الله نادِ علیاً مظهر العجائب تجده عونا لک فی النوائب کل هم و غم سینجلی بولایتک
یا علی سه مرتبه در هر یکی و بعد از فراغ رو بجانب آسمان کند و حاجت خود را طلب کند و صد بار صلوات بفرستد هنوز از جا حرکت
نخواسته باشد که اثر اجابت ظاهر شود و این عمل را آزموده اند چهل و یکم بجهت هر مشکلی و مطلبی و حاجتی رو دهد و خواهد
قضاء حاجت و انجاح مطلب شود وضو بسازد و رو بطرف روضه مقدسه مبارکه حضرت امیرالمؤمنین ع بکند و این رباعی را صد و
یازده مرتبه بخواند که مجربست و مطلب باجابت انشاءالله تعالی مقرونست یا امیر المؤمنین یا ذا النعم یا امام المتقین
یا ذا الکرم اننا جئناک فی حاجاتنا لا تخیبنا و قل فیها نعم و هر وقت که رباعی تمام شد دو دفعه
این مصرع را بگوید من دق باب الکریم انفتح و این ختم را از مجربات شمرده اند انشاءالله یعنی این بیت چهل و
بجهت حصول مطالب و دیدن غائب آیه مبارکه و لسوف یعطیک ربک فترضی بعدد اسم خود بخواند بحضور قلب که انشاءالله تعالی
بمقاصد کلی میرسد و اگر هر روز یک صد و دو مرتبه بخواند از اولاد منتفع میشود و در روز بعد از نماز صبح بخواند و خوبی میکند
چهل و هفتم از جمله ختوم معتبره مجربه ختم آیة الکرسی است تا و هو العلی العظیم بعدد ملفوظ کرسی که دویست و نود است و صلوات مرحوم
اعلی الله مقامه شیخ محمد جعفر یزدی که مطاع دوران بود باین ختم بسیار معتقد بوده اند و اکثر اوقات میخوانده اند و امر بخواندن
این ختم مبارک میفرموده اند و آن مرحوم صاحب اجازه بوده اند و گفته اند که اگر کسی بعدد نام خود بخواند ابواب فتوحات بروی او گشاده
میشود و سعادت باو روی میآورد و فقر و فاقه از وی دور میگردد و از برای تحبیب شخصی اگر بعدد اسم طالب و مطلوب بخواند میشود
اثر عجیب دارد و همین از بی خالی و ثواب بسیار دارد که تفصیل آن گنجایش این رساله مختصر ندارد چهل و هشتم از شیخ بهائی علیه الرحمة
و جمعی دیگر از ثقات و بزرگان منقولست که هر که را مهمی پیش آید و حاجتی و مطلبی داشته باشد باید از شهر بیرون رود بجائی
که آبادانی نباشد و کسی او را نبیند چهار خط بشکل مربع طولانی بکشد و چهار خط کوچک ایضا بشکل مربع طولانی
در وسط مربع طولانی اول بکشد باین صورت و خط میان را قبر پیغمبر ص تصور نموده پشت بقبله و رو بآن خط کند و نظر بآن خط
هزار بار بگوید صلی الله علیک یا رسول الله [illegible] کفایت شود و بعضی گفته اند که بعد از اتمام ختم دعای یا منتهی مطلب
الحاجات از صحیفه سجادیه به نیت حصول مطلب و مراد و قضاء حاجت بخواند و در وقت صلوات فرستادن اگر بنشیند و رو
بآن خط کند مختار است ولکن ایستاده بهتر است و این ختم از مجربات است و جمع کثیر آنرا تجربه نموده اند چهل و نهم از برای قضاء
حوائج وضو بسازد و دو رکعت نماز بگذارد و در بیت خلوتی هزار بار بگوید کهیعص کفنی حمعسق احمنی سبحان القادر القاهر

الکافی و در خصوص این هم ادعا تجربه نموده اند پنجاهم بجهت قضاء حوائج دو رکعت نماز حاجت اولا بعمل آورد و بعد با نصل مرتبه بخواند که اثر عظیم دارد و بتجربه رسیده است بعد بسمله مَن کَانَ یُرِیدُ العِزَّةَ فَلِلّٰهِ العِزَّةُ جَمِیعًا پنجاه یکم از برای دفع دشمن اگر کسی اِعْتَصَمْتُ بِاللّٰهِ هزار و شصت و نه مرتبه بخواند شر دشمن از وی دفع میشود و عداوت شاید بمحبت بدل شود و از استادی و استنادی الشیخ الفرید الاوحد الشیخ احمد شنیدم که فرموده‌اند مجرب است و بجهت اجازه هم دادند و هم چنین بار الجناب اعلی الله درجاته فرموده‌اند از برای قضاء حوائج و نجات یافتن از مهالک و دفع مزاحمت اعدا حَسْبِیَ اللّٰهُ را باید صد و چهل و شش مرتبه خواند که بسیار نافع است و هم چنین فرموده‌اند خواندن تَوَکَّلْتُ عَلَی اللّٰهِ هزار و بیست و سه مرتبه از برای قضاء حوائج و سایر مطالب محفوظ ماندن از مقدرات بد و قضاها بد مجرب و بسیار خوب است حَسْبِیَ اللّٰهُ الحَبِیبُ دویست و بیست و شش مرتبه از برای کفایت امور بسیار مؤثر است و بعضی از بزرگان گفته‌اند که توسل با این اسماء حسنی که از حروف مقطعات قرآنی تالیف یافته موجب حصول مرادات و قضاء حاجات است علی الفور بلا تاخیر و بسی عزیز تجربه کرده اند و بمراد رسیده اند و اسماء این است الله الرحمن الرحیم الملک المالک السلام المؤمن المهیمن القهار المانع العلیم العالم العلام السمیع الحکیم العلی الکریم الحکم الحلیم الحق المحصی الحی المحیی الحنان المنان المقسط المحسن المنعم الملیک و اسماء حسنی مقدس مذکوره بیست و نه است و مفسرین آورده‌اند که توسل جستن بر بعضی از اسماء حسنی که مؤلف از هفتاد و هشت حروف مقطعه است باعث طول عمر و دولت و حصول جمیع مطالب و مآرب صوری و معنوی است و این اسماء بیست و نه است و مکرر بتجربه رسیده است که بجهت هر مطلب عظیم که خوانده شود فی الفور حاصل گردد و هم چنین اصل هفتاد و هشت حروف مقطعه را نوشتن بجهت حفظ بدن مجرب است و در میان هر متاعی که باشد از غرق و حرق و سرق و آفات دیگر ایمن است و در حین دعا کردن آنها را گفتن باعث استجابت دعاست و لهذا امیر المؤمنین ع در بعضی از دعاها خود تکلم بحروف مقطعه سوره مود و در بسیاری از ادعیه مأثوره نبی از ائمه ع منقول است پنجاه دوم از برای وسعت رزق و طلب جاه و بزرگی یافتن و محبت امراء و حصول مرادات مراد دیگر باید بخوانند هر روز بطریق ورد و مداومت و اگر بعد مذکور این آیه را بخوانند البته روزی غریب از جائی برسد که گمان نداشته باشند و مکرر تجربه شده اَللّٰهُ لَطِیفٌ بِعِبَادِهِ یَرْزُقُ مَنْ یَشَاءُ وَهُوَ القَوِیُّ العَزِیزُ پنجاه سیم از جهت اداء قرض و شفاء بیمار و طلب تجارت نیکو و مقهور بودن اعداء سه هزار و سیصد و سی و سه بار بخوانند و از جمعی مسموع شد که از جهت شفاء بیمار ختم این آیه شریفه بعدد مذکور اثر عجیب دارد و هرگز تخلفی نکرده آیه این است فَاللّٰهُ خَیْرٌ حَافِظًا وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِینَ و اگر همه را در یک مجلس نتوانند بخوانند هر چه مقدور شود بخوانند پنجاه چهارم از برای زوال هم و غم وضو بسازند و رو بقبله کند و صد و بیست و نه مرتبه بگوید یا لَطِیفُ البِرُّ

(جواهر مکنونه)

آن هم و غم خود بخودی یا بسببی از اسباب برطرف میشود و حقیر این را بارها تجربه کرده ام تخلف ندیده ام سبحان الذی اودع اسراره فی اسمائه و دور از الهم و غم چنین غریب و امری عجیب است پنجاه و نهم ختم سوره مزمل است و آن سه نوع است نوع اول از ثقات وارد شده که از برای هر مدعا مشروع چهل و یک مرتبه سوره مبارکه یا ایها المزمل را بخوانند البته انشاء الله مطلب برآورده میشود و اگر در یک مجلس خوانده شود بهتر خواهد بود و هر مرتبه که سوره را بخوانند این دعا را بعد بخوانند که دعا هم چهل و یک مرتبه خوانده شود یا مفتح فتح یا مسبب سبب یا مسهل سهل یا مفرج فرج یا متمم تمم برحمتک یا ارحم الراحمین نوع دوم در بعضی از کتب معتبره چنین مسطور است که اول ده مرتبه صلوات بفرستند باینطریق اللهم صل علی محمد عبدک و نبیک و رسولک النبی الامی و علی آله و اصحابه و بارک و سلم و ده بار سوره مبارک یا ایها المزمل را بخوانند و بعد ده مرتبه صلوات مزبوره را بخوانند و بعد از آن ده بار این دعا را بخوانند بعد بسمله یا مسبب سبب و یا مفتح فتح و یا مفرج فرج و یا مسهل سهل و یا میسر یسر و یا متمم تمم یا ذا الجلال و الاکرام اما باید که ختم هر دو نوع را در روز دوشنبه یا شب پنجشنبه خوانده شود بهر مراد که خوانده شود انشاء الله بمقصود میرسد و این ختم را هم بعضی از ختوم مطلقه روایت کرده اند و این ختم را من بعد انشاء الله در فصول آینده نوشته خواهد شد نوع سیم بنا بر روایت ثقات از ختوم مطلقه است و در نسخه چنین بنظر رسید که اول ده مرتبه صلوات بفرستد و سه مرتبه آیة الکرسی را تا فیها خالدون بخواند و ده مرتبه استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم و اتوب الیه و چهل و یک روز هر روز سه مرتبه باین طریق باید خوانده شود و باید هر روز ما بین الصلوتین هر سه مرتبه بی فاصله خوانده شود و با وضو باشد و در جای خلوت بخواند و ترک در ایام نباید نمود باید کرد پس بنا بر این نسخه ختم این سوره مبارکه سه نوع شد و از این نسخه اخیره معلوم میشود که ختم این سوره مقید بروز است مطلقه بتجربه رسیده شصتم ختم از امیر المؤمنین ع مرویست و مقدس اردبیلی ره در کتاب حدیقة الشیعه آنرا روایت کرده که هر که صعوبتی روی نماید و کار مشکلی پیش آید که هیچ چیز نفع نشود باین دعا متوسل باید کرد البته انشاء الله تعالی حق تعالی آن مشکل را بر او آسان نماید و بعضی از علما گفته که از این دعا آثار و علامات غریبه مشاهده شده و هر که خواند بر مطلوب ظفر یابد و دعا این است بعد بسمله اللهم انی اتوجه الیک بنبیک نبی الرحمة و اهل بیته الذین اخترتهم علی العالمین اللهم ذلل صعوبتها و اکفنی شرها فانک الکافی المعافی الغالب القاهر شصت و یکم ختم هر که سوره الماعون را چهل و یک بار بجهت دفع احتیاج فرزندان خود بخوانند و فرزندان او محتاج نشوند انشاء الله شصت و دوم ختم مرویست از ابی عبد الله ع در مکارم الاخلاق و راوی این حدیث حسن بن ابی نعیم است که بعضی از فرزندان آنحضرت از بیماری

(لآلی منثوره)

باًنحضرت شکوه نمودند آنحضرت فرمودند که ای پسر من بگو اللّهمّ اشفنی بشفائک وداونی بدوائک وعافنی
من بلائک فانّی عبدک وابن عبدک مؤلف تجربه نموده مجرب است بخاتم آن برای قضاء حوائج
ومطالب شرعی صد مرتبه بخواند که مجرب است و از جناب امیر المؤمنین ع است حمداً لک رب نجنی منک
فلاح شکراً لک فی کل مساء وصباح من عندک فتح کل باب فتوح افتح لی ابواب
فتوح فتاح البته مستجاب است نقل است از امیر المؤمنین ع و از جناب پیغمبر ص که در وقت فرو ماندگی تمام که
آنکس را بهیچ جا نبود بهیچ جهت من الوجوه این دعا را بخواند که کار به دعا برآید ولرب نازلة یضیق بها الفتی
ذرعا وعند الله منها المخرج ضاقت فلما استحکمت حلقاتها فرجت وکان الظن ان لا
تفرج شصتم آن بعض مرویست که هر که این شش آیه را با جوابهاش بخواند جناب اقدس الهی کفایت کند امر دنیا و
آخرت او را البته نفع میدهد بار ومبدل میکند عسر او را به یسر و اگر محبوس خواند البته خلاص میشود واین آیات را
علما آیات استکفا گویند و خوانند این آیات از برای مدیون و محبوس و خائف و مرجحین بسیار نافع است الاول
اذا اصابتهم مصیبة قالوا انا لله وانا الیه راجعون الجواب اولئک علیهم صلوات
من ربهم ورحمة واولئک هم المهتدون الثانیة الذین قال لهم الناس ان الناس
قد جمعوا لکم فاخشوهم فزادهم الله ایمانا فقالوا حسبنا الله ونعم الوکیل الجواب
فانقلبوا بنعمة من الله وفضل لم یمسسهم سوء واتبعوا رضوان الله والله ذو الفضل
العظیم الثالثة وذا النون اذ ذهب مغاضبا فظن ان لن نقدر علیه فنادی فی
الظلمات ان لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین الجواب فاستجبنا له
ونجیناه من الغم وکذلک ننجی المؤمنین الرابعة وایوب اذ نادی ربه انی مسنی الضر
وانت ارحم الراحمین الجواب فاستجبنا له فکشفنا ما به من ضر وآتیناه اهله ومثلهم
معهم رحمة من عندنا وذکری للعابدین الخامسة وافوض امری الی الله ان الله بصیر
بالعباد الجواب فوقاه الله سیئات ما مکروا وحاق بآل فرعون سوء العذاب السادسة
والذین اذا فعلوا فاحشة او ظلموا انفسهم ذکروا الله فاستغفروا لذنوبهم ومن یغفر الذنوب
الا الله ولم یصروا علی ما فعلوا وهم یعلمون الجواب اولئک جزاؤهم مغفرة من ربهم و
جنات تجری من تحتها الانهار خالدین فیها ونعم اجر العاملین شصت یکم ختم سوره مبارکه
یس است وطریقه خواندن او از برای مطالب و قضاء حوائج پنج قسم است اول هر که به جهة باشد از برای حاجتی باید نیت بکرد

از برای قضاء حاجت و استجابت دعا قرآن خواندن درود بقبل بخواند و بحضور قلب صد مرتبه صلوات بفرستد و بعد شروع
کند بخواندن یس و قصد حاجت را بکند در سه موضع یکی در امام مبین و دوم در آیه کل فی فلک یسبحون و سیم در آیه
سلام قولاً من رب رحیم و باید سلام قولاً من رب رحیم را سی و چهار ده مرتبه یا هفت مرتبه تکرار نماید بعد از آنکه در دفعه
اول قصد حاجت کرده و چون از سوره فارغ شود سُبْحَانَ الْمُفَرِّجِ عَنْ كُلِّ مَحْزُونٍ سُبْحَانَ الْمُخَلِّصِ عَنْ كُلِّ مَسْجُونٍ
سُبْحَانَ الْمُنَفِّسِ عَنْ كُلِّ مَدْيُونٍ سُبْحَانَ الْعَالِمِ عَنْ كُلِّ مَكْنُونٍ سُبْحَانَ مَنْ جَعَلَ خَزَائِنَهُ
بَيْنَ الْكَافِ وَالنُّونِ سبحان من اذا اراد الله شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ فَسُبْحَانَ الَّذِي
بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ پس بگوید اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَ
أَبْوَابَ خَزَائِنِكَ بِحَقِّ سوره یس وَبِفَضْلِكَ وَكَرَمِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ پس صد نوبت بگوید
یا مُفَرِّجَ الْهَمِّ فَرِّجْ و بعضی از علما گفته اند که در آیه و جمیع لدینا محضرون هم باید عرض حاجات قاضی
الحاجات کند دوم آنکه سوره را بخواند و چون بآیه سلام قولاً من رب رحیم برسد هفتاد بار این آیه را بخواند و
بعد از آن مطلب خود را از خدا بتعالی بخواهد که حاجت برآورده می شود و بعد سوره را تمام کند سیم آنکه وقتیکه خواهد
سوره مبارکه را از برای هر حاجتی بخواند لفظ یس را سه مرتبه بگوید و هر لفظ مبین که می رسد یک انگشت از دست
راست خود از انگشت کوچک ابتدا کرده عقد کند و اختتام بعقد انگشت بنصر دست چپ کند و بعد از آنکه سوره مبارکه را
تمام کند بهر عقد یکمرتبه فاتحه را بخواند و بگشاید بهمان ترتیب که عقد کرده بود و بعد از آن دست بالا کرده حاجت خود را از
قاضی الحاجات بخواهد که انشاء الله تعالی مستجاب است و بعضی از علما گفته اند که یس را سه مرتبه باین طریق بجا بیاورد در یک مجلس
و در هر مرتبه سه نوبت این دعا را بخواند سبحان المفرج عن کل محزون سبحان المنفس عن کل مدیون سبحان المخلص عن کل مسجون
سبحان من جعل خزائنه و رحمته بین الکاف والنون انما امره اذا اراد شیئا ان یقول له کن فیکون فسبحان الذی بیده ملکوت
کل شیء و الیه ترجعون یا مفرج الهم فرج آنگاه هفت مرتبه سوره فاتحه را بخواند و هر نوبت یک انگشت بگشاید و اگر در یک ختم
این سه طریق را جمع کند اکمل و اقوی و بهتر خواهد بود چهارم آنکه یس را از روز جمعه ابتدا کند تا روز پنجشنبه هر روز
سه مرتبه بخواند که در عرض هفته بیست یکمرتبه خوانده شود هر روز بعد از سه مرتبه خواندن دعا مبارکه یا من بحل به عقد
المکاره را بخواند و اگر تواند سوره مبارکه را در یک روز در یک مجلس بیست یک دفعه بخواند و در آخر ختم دعا مذکور را بخواند
بهتر خواهد بود و بجهت هر مطلبی عدد همین است و لکن اگر مقصود وسعت در معیشت باشد روز پنجشنبه بخواند و اگر غرض
دفع دشمن باشد روز سه شنبه بخواند و اگر بجهت رفعت درجات است روز یکشنبه بخواند و برای علوم عقلیه و دینیه روز شنبه
بخواند و برای علوم حساب و ریاضی چهارشنبه و برای کدخدای روز جمعه و برای سفر دوشنبه بخواند که انشاء الله تعالی زود اثر

محدث نجم در کتاب الامان از اهل بیت علیهم السلام روایت کرده که هرکه را غمی و المی برسد و در کار خود حیران باشد باید که بجهت دفع
آن کدورت و محنت سوره یس را بخواند و چون بآیه سلام قولا من رب رحیم برسد هفتاد نوبت آن آیه را تکرار کند از عقب
یکدیگر و بعد از روی ذکر خضوع و خشوع بگوید الهی و سیدی بحق اسم اعظم که غیر از تو کسی او را نداند و بحق امام مبین و بحق
کل فی فلک یسبحون و بعزت سلام قولا من رب رحیم که این مهم مرا سهل و سبک گردان و مرا از این غم و الم نجات بخش بحق محمد و
محمد و آل محمد بحق توریه و انجیل و زبور و فرقان و بحرمت انبیا مرسلین و ملائکه مقربین آمین یا رب العالمین البته مرادش حاصل
میشود و از آن بلیه نجات و مکرر بتجربه رسیده و در بعض از کتب بنظر رسید که در آن کتاب نوشته بودند که هرکس آیه سلام قولا
من رب رحیم هزار و چهارصد و هفتاد مرتبه بخواند در یک مجلس از برای هر مطلب شرعی که هرچه باشد روا گردد و شصت و دوم
از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده که هرگاه کسی را حاجتی در دنیا باشد بحضرت معصومه که شفیع المذنبین غیاث المستغیثین است
برده و غسل کند و دو رکعت نماز کند و مثل نماز صبح افتتاح کند و بعد از سلام ثواب آن را بروح مقدس آن جناب هدیه
نماید و بگوید اللّٰهمّ انت السّلام و منک السّلام و الیک یرجع السّلام اللّٰهمّ صلّ علی محمّد و آل محمّد
و بلّغ روح محمّد منّی السّلام و الارواح الائمّة الصّادقین سلامی و اردد علیّ منهم السّلام و السّلام
علیهم و رحمة الله و برکاته اللّٰهمّ انّ هاتین الرّکعتین هدیّة منّی الی رسول الله صلی الله علیه و آله فاثبنی
علیهما ما املت و رجوت فیک و فی رسولک یا ولیّ المؤمنین بعد از آن سجده کند و چهل مرتبه بگوید یا حیّ
یا قیّوم یا حیّ لا تموت یا حیّ لا اله الّا انت یا ذا الجلال و الاکرام یا ارحم الرّاحمین بعد از آن روی
دست راست را بزمین یا بمهر بگذارد و همین دعا مذکور را چهل مرتبه بگوید و بعد از آن روی چپ را بزمین بگذارد و باز دعا را
چهل مرتبه بگوید و بعد از آن سر بر داشته دستها را بلند کند و باز دعا را چهل مرتبه بگوید بعد از آن دستها را تا پیش
گردن بیاورد و انگشت سبابه را بنحوی که بجهت غیر اشاره کنند از روی تضرع نگاه دارد و دعا مذکور را چهل مرتبه بگوید
بعد از آن محاسن خود را بدست چپ گرفته گریه کنان و اگر گریه اش نیاید خود را بگریه بدارد و بگوید یا محمّد یا رسول الله
اشکو الی الله و الیک حاجتی و الی اهل بیتک الرّاشدین حاجتی و بکم اتوجّه الی الله فی حاجتی
و بعد از آن باز سجده کند و بگوید یا الله آنقدر که نفس تنگ شود و بعد از تنگی نفس بگوید صلّ علی محمّد و آل محمّد
و اقض حاجتی و حاجت خود را بخواهد که هنوز از جا خود بر نخاسته که حاجتش بر آورده میشود شصت و سیم از
رسول خدا مرویست که فرموده اند هرکه را حاجتی باشد سر بسجده نهد و آیه قل اللّٰهمّ را تا بغیر حساب بخواند و بعد بگوید یا الله
یا الله یا الله انت الله الّذی لا اله الّا انت وحدک لا شریک لک تجبّرت عن ان یکون
لک ولد و تعالیت عن ان یکون لک شریک و تعظّمت عن ان یکون لک مشیر و تفرّدت عن

أن يكون لك ضدّ وتكرّمت عن أن يكون لك وزير يا الله اقض حاجتي بعد از آن حاجت خود را
نام برد كه مقصود حاصل است فايده اهل خواص وارباب علوم رباب آيه قل اللهم فرموده اند كه هر كه حروف الملك را
بسط كند باين صورت ا ل م ل ك وبر كاغذى بنويسد وبر سر چهل باب در حروف وسط آن كه ميم باشد نظر كند بشرطيكه
باوضو باشد وآيه قل اللهم را تا بغير حساب بخواند حق تعالى آسان كند همه اسباب دنيا وآخرت را ان شاء الله تعالى شصت وچهارم
از حضرت امام جعفر صادق ع روايت شده كه از براى قضاى حوائج عظام باوضو ورو بقبله وخاطر حاضر وبا خضوع وخشوع
در وقت تمام اين دعا بخوانند بعد بسمله يا من اذا تضايقت الامور طرحت عليه ويا من اذا تضايقت
الحاجات فزع منها اليه ويا من نواصي العباد بيده ويا من حوائج الخلق كبيرهم
وصغيرهم اليه يا من اذا غلقت الابواب فتح بابا لا يمسك اليه الهي عبيدك بفنائك
اسئلك سؤال من اشتدت اليك فاقته وعظمت فيما لديك رغبته وضعفت قوته
سؤال من لا يجد لذنبه غافرا غيرك ولا لهمه مفرجا ولا لحاجته قاضيا سواك
صل على محمد وآل محمد واجعل لي كذا وكذا وبجا كذا وكذا حاجت خود را نام برد ان شاء الله تعالى مستجاب ميشود
شصت وپنجم ايضا مرويست كه از براى قضاى حوائج در قنوت ويا در سجده بخواند الهي ان كل معبود من دون
عرشك الى قرار الارضين باطل غيرك وجهك الكريم فانه ترى ما انا فيه ففرج عني يا كريم
شصت وششم از بعضى مشايخ كبار منقول است كه چون متوجه شوى بامرى از امور دنيا وآخرت از قبيل عمارت ورد غيبت
وتجارت ونماز وروزه وبرياضت ونحو ذلك البته بگويى يا قوي يا عزيز يا عليم يا قدير يا سميع يا بصير
وآن امر هر چند نهايت مشكل بود آسان گردد شصت وهفتم جهت حل مشكلات وخلاصى از ضيق وزندان از شاه
اوليا امير المؤمنين ع روايت شده كه هر گاه مرا مشكلى پيش آيد اين كلمات را بر سر پاره كاغذ مينويسم وبآب روان مياندازم
آن مشكل حل ميشد اين است هو الحافظ والكافي وحده شصت وهشتم از اويس قرنى منقولست كه هر كس را كه
بوده باشد حاجتى ومطلبى بايد كه اين دعا را تا ده روز هر روز صد دفعه بخواند پس البته حاجت ومطلب او برآورده
شود پس ضمن كند با من در روز قيامت بعد بسمله يا مفتح الابواب ويا مسبب الاسباب ويا مقلب القلوب
والابصار اغثني توكلت عليك يا رب العالمين وافوض امري الى الله ان الله بصير
بالعباد ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم اياك نعبد واياك نستعين شصت ونهم نقل
شده از خط خود شيخ شهيد ره بدو واسطه كه هر كه بخواند لا اله الا الله را هفتاد هزار مرتبه هر مطلبش البته
البته وهر گاه وهر گاه ديگرى بخواند شود داخل شود تا رع در حرز خدا وحفظ خدا وحقيقى ميگويد هفتاد هزار لا اله الا الله

در عرض نیم ساعت تخمیناً تمام شود و در روایتی دیگر وارد شده که هر که بگوید لا اله الا الله سه هزار و ششصد دفعه
می‌رسد بسوی مطلب ان شاء الله تعالی قسم هشتاد و دوم از جمله ختوم مطلقه خواندن بعضی از اسماء حسنی است پس مناسب است که
خواص بعضی از اسماء حسنی را ذکر کنیم و آن چند است اول الحکیم هر که مشکلی پیش آید او را بسیار گوید آن کار و کفایت می‌شود
و عدد مکتوبه وی هفتاد و هشت است و عدد حروف مبسوطه وی دویست و پانزده است هر وقت هر که بیکی از این دو عدد
بخواند در نتیجه قوی خواهد بود دوم الکافی هر که مداومت کند ابداً که بخته وی نفوذ مراجعت کند و هر مرادی که داشته
باشد زود میسر می‌شود بی آنکه انتظار بسیار بکشد و عدد مبسوطه وی سیصد و چهار است سیوم الوکیل در تحصیل
مرادات و کفایت مهمات اثر تمام دارد هر که این اسم را ورد خود سازد از همه آفات و مخافات ایمن ماند و این عمل
بین بطریق اطلاق است و اگر بعدد خاصی عمل کند عدد مکتوبه وی شصت و شش و مبسوطه یکصد و نود و شش است چهارم
الوهاب علما گفته اند که هر که در فضای وسیع که خالی باشد دست برهنه و سر و پا برهنه در زیر آسمان باشد
صد بار الوهاب بگوید مهمات وی کفایت می‌شود و هر حاجتی که خواهد روا گردد و اگر صد و سی و سه بار بگوید قوی‌تر
گردد پنجم الواسع در شرح اسماء الله مذکور است که هر که او را بر زبان راند مهمات او کفایت شود بطریق احسن و اگر بعدد
مجمل بلکه مفصل وی را مداومت نماید اولی بود ششم السمیع البصیر بعضی از علما گفته اند از خواص این دو اسم شریف
آن است که چون بآن توسل جویند و دعا کنند بشرف مرحمت تمام بر اجابت شود و عدد مجمل این دو اسم شریف چهارصد
و هشتاد و نه است هفتم الکافی الکفیل هر که مداومت نماید بر این دو اسم خدا کفایت کند کار او را و حفظ کند او را
از آنچه می‌ترسد و متکفل امر او می‌شود در آنچه امید میدارد و اگر حروف این دو اسم را تکسیر کنند و با خود نگاه دارند
و بعد تکرار این دو اسم مواظبت نمایند نتیجه قوی‌تر خواهد بود و زودتر بمقصود فائز گردد هشتم السمیع العلیم بعضی
از علما را اعتقاد این است که اسم اعظم عبارت از این دو اسم است و مداومت آن بعدد مجمل و مفصل موجب ظهور
اسرار مکنونه است و بعضی از اکابر گفته اند که اگر کسی این دو اسم را بر کف دست خود بنویسد و دست بدعا بردارد
و چهار هزار و دویست و هفتاد مرتبه این دو اسم را بگیرد و بعد از اتمام ذکر فی الحال دعا مستجاب می‌شود بشرط که
رعایت شرایط کلای را کرده باشد و نیز گفته اند که این دو اسم در سرعت اجابت دعوات قوت و تاثیر عظیم
دارد نهم بعضی از علما گفته اند که اسم اعظم عیسی ع که بآن مرده را زنده کردی این بوده یا قدیم یا دائم یا فرد
یا وتر یا احد یا واحد یا صمد و در هر دعا که این هفت اسم باشد البته بشرف اجابت مقرون شود
و در بعضی روایت وارد شده که عیسی ع احیاء اموات باین هفت اسم میکرد یا حی یا قیوم یا دائم یا فرد
یا وتر یا احد یا صمد و صاحب در النظیم میگوید که هر دعا که در وی الله الواحد یا احد یا صمد باشد از دعا

بعز اجابت مقرون گردد هشتاد یکم بدانکه در ذکر لفظ مبارک الله که اسم ذات مقدس است و عبارت از اسم اعظم باد الله چنانکه
در مقصد کتاب مقصد المؤمنین تحقیق آن را بتفصیل ذکر کرده ام مداومت بر آن چند آثار و خواص کلی است و مجمل عدد شصت شش است
یا هفتاد و هفت با اضافه حرف ندا یا دویست پنجاه بعدد حروف مبسوط و با حرف ندا و سیصد و هشتاد و یک با حرف
ندا باید او را بیکی از این عددها ذکر کرد و بعضی گویند الله الله الله میگویند در هر نفسی سه بار بعدد مجمل و بر این
نوع ذکر کردن خواص بسیار دارد و در بعضی از نسخ معتبره بنظر رسید که ختم این چهار اسم از جمله مجربات است و طریقه خواندن
آنها این است که هفت روز ترک حیوانی کند روز اول سوره مبارکه یس بخواند و بر آب دمد و از آن آب وضو بکند و
دو رکعت نماز حاجت گذارد در هر رکعت حمد و سوره یس و بعد از نماز روز اول هفتصد و هشتاد و شش بار بسمله بخواند
و تا شش روز دیگر هر روز یعنی نوزده بار بسمله بخواند و بعد از بسمله شروع در خواندن چهار اسم که مذکور میشود
نماید و اسماء را باین طریق مدت ایام هفت روز هر روز بخواند بعد از خواندن اسماء می باید هر روز سوره توحید و آیة الکرسی
و سوره الم نشرح بخواند و اسماء شریفه این است یا قَوِیُّ یا غَنِیُّ یا مَلِیُّ یا وَفِیُّ روز اول بعد از نماز هفتصد
و هشتاد و شش دفعه بسمله بخواند و هزار و هفتصد و چهارده دفعه اسماء را بخواند و روز هفتم هزار و هفتصد و شانزده
بار اسماء اربعه را با نوزده بسمله بخواند که عدد اسماء اربعه مجموع دوازده هزار دفعه باشد از جمله مجربات است
و حاصل خواندن ختم این چهار اسم مبارک این است که در مدت هفت روز هر روز هزار و هفتصد و چهارده مرتبه
بخواند و در هفتم هزار و هفتصد و شانزده بار بخواند که در عرض هفت روز دوازده هزار مرتبه شود از جمله مجربات
هشتاد و دوم از بعضی اکابر و مشایخ مرویست که در هیچ خانه یکدفعه هر روز سوره ق را تلاوت نمی کنند
الّا آنکه صاحب آنخانه یکدفعه همیشه با دولت و سعادت و عزت و کرامت می باشند و از فلک محفوظ میمانند
هشتاد و سیم از برای دولت و گشایش کارها باید هر روز این آیه را سیصد و پنجاه مرتبه بخواند که از مجربات است
قُلْ اِنَّ الْفَضْلَ بِیَدِ اللهِ یُؤْتِیْهِ مَنْ یَّشَاءُ وَاللهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِیْمِ هشتاد و چهارم از برای
وسعت رزق و گشایش امور در مدت چهل روز بعد از نماز صبح این آیه را هر روز پنجاه مرتبه بدون تکلم رو
بقبله با وضو بخواند و دو رکعت نماز روز اول به نیت حاجت بعمل آورد و صد مرتبه صلوات بفرستد و شروع کند
و روزهای دیگر نماز ندارد اما صلوات را هر روز ده مرتبه بفرستد و قصد مطلب نماید و هر گاه در اول شروع ثمر زاید
الثمر باشد اولی است و آیه این است رَبَّنَا اَنْزِلْ عَلَیْنَا مَائِدَةً مِّنَ السَّمَاءِ تَكُوْنُ لَنَا عِیْدًا لِّاَوَّلِنَا
وَاٰخِرِنَا وَاٰیَةً مِّنْكَ وَارْزُقْنَا وَاَنْتَ خَیْرُ الرّٰزِقِیْنَ هشتاد و پنجم مجرب مجرب مجرب لا شک فیه
ولا ریب تقبله الف مرة ولا تکلم احدا فی اثناء القرائة حَسْبِیَ اللهُ وَنِعْمَ الْوَكِیْلُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ

الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ اِنِّی كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِینَ هشتاد و ششم از برای قضای
حوائج از جمله مجربات است سوره والضحی را چهل مرتبه بخوانند بی آنکه در اثنای خواندن تکلم کند حاجتش روا میشود
و چهارده مرتبه هم روایت شده هشتاد و هفتم از برای کفایت مهمات و سرعت باز آمدن و از غربت بوطن
رسیدن و حصول مرادات کلی و جزئی و رسیدن بمطالب خویش و دفع دشمنان قوی و خصوم بزرگ و نصرت
بر اعدا این کلمات را دو هزار و سیصد و سی و هفت مرتبه بخوانند و این شش کلمه از قرآن است وَكَفٰی بِاللّٰهِ وَلِیًّا
وَكَفٰی بِاللّٰهِ نَصِیرًا وَكَفٰی بِاللّٰهِ حَسِیبًا وَكَفٰی بِاللّٰهِ عَلِیمًا وَكَفٰی بِاللّٰهِ وَكِیلًا وَكَفٰی بِاللّٰهِ
شَهِیدًا هشتاد و هشتم در وقت صبح نظر بآسمان کند هزار و یکنوبت بخواند یَا بَدِیعَ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ
هشتاد و نهم اگر کسی را غمی و المی پیش آید و درمانده باشد نود و دو مرتبه بخواند اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ اَنْ تُنَجِّیَنِی مِنْ هٰذَا الْغَمِّ و در روایت اخری اللهم صل علی محمد و آل محمد ان تنجینی من هذا الغم و ختم
کبیر این دعا دویست و شانزده است و ختم صغیر آن چهارده است نودم منقول است از حضرت امیر المؤمنین ع
که سوره الهیکم التکاثر را از برای هر مطلبی که خواهد دویست و بیست و چهار مرتبه بخوانند در خلوت و در وقت
خواندن رو بجنوب نگاه دارند و بعد از خواندن آن هزار مرتبه صلوات بفرستند که مراد حاصل است انتهی نود و یکم مروی است
که هر که را حاجتی باشد چهل و یکنوبت این دعا را بخواند البته حاجت او برآورده میشود و دعا این است اِلٰهِی اَنْتَ
الْكَرِیمُ الْوَهَّابُ ذُو الطَّوْلِ اَغِثْنِی بِوَحْدَانِیَّتِكَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ نود و دوم هر روز یازده مرتبه بخواند
همیشه معزز و مکرم بود و فراخ روزی و صاحب جاه و جلال گردد یَا اَللّٰهُ الْمَحْمُودُ فِی كُلِّ فِعَالِهِ نود و چهارم
لقضاء الحوائج دو رکعت نماز کرده رو بقبله دو هزار و سیصد و نود و چهار بار بگوید لا اله الا انت سبحانك
انی کنت من الظالمین بی شک مطلب حاصل گردد نود و پنجم عند العسرة اذا عسر علیك امر صل عند الزوال رکعتین
یقرء فی الرکعة الاولی الحمد و الاخلاص و انا فتحنا الی نصرا عزیزا و فی الثانیة بعدهما الم نشرح الی تمامه فانه یفتح لك
ابواب الرزق نود و ششم للغنا تا چهل روز هر روز چهل و یکبار یَا عَزِیزُ بگوید هرگز محتاج نشود نود و هفتم از جهت
کفایت مهمات هشتصد و پنجاه بار بخواند مطلب برآید سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبٍّ رَحِیمٍ مجرب است مجرب نود و هشتم
للغنا هر کس دوازده هزار بار بخواند محترم و مالدار و غنی باذن الله تعالی یَا قَوِیُّ یَا عَزِیزُ یَا غَنِیُّ یَا مَلِیُّ
یَا وَفِیُّ نود و نهم ختم سوره فاتحة الکتاب چهارده روز هر روز چهارده مرتبه اگر یک روز فوت شود از سر
گیرد بعد از آن این دعا را سیزده نوبت بخواند یَا مُفَتِّحُ فَتِّحْ یَا مُفَرِّجُ فَرِّجْ یَا مُسَبِّبُ سَبِّبْ یَا مُیَسِّرُ
یَسِّرْ یَا مُسَهِّلُ سَهِّلْ یَا مُتَمِّمُ تَمِّمْ در فتوحات و اجابت دعوات موثر است آیه مبارکه قل اللهم ... بغیر حساب

روز اول یک دفعه روز دوم دو دفعه به این قرار تا چهل روز که روز چهلم چهل دفعه خوانده شود و هر روز بعد از فراغ
از تلاوت آیه کریمه بگوید اللهم یسر لی کل عسیر و در فتوحات اثر عظیم دارد روی عن الصادق ع انه من قرء هذا
الدعاء فی کل یوم مائة مرة شهرین متتابعین رزقه الله کنزا من المال او کنزا من العلم و فی قول آخر فی کل یوم اربع
مائة مرة استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم الرحمن الرحیم بدیع السموات والارض من جمیع ظلمی واسرافی
علی نفسی واتوب الیه طریق ختم سوره یا ایها المزمل بدین طریق که روز سه شنبه اول ماه بعد از غسل و صوم
وتطیب یعنی بخور سوزانیدن هر روز تا یک هفته پنج مرتبه بخوانند تا روز یکشنبه و روز دوشنبه یازده نوبت بخوانند باید
دستور آخر بیک چیزی تصدق کند هر چه میسر شود از انواع شیرینی پس هر گاه ختم او باین طریق با آخر رسد جمیع حوائج
دنیا و آخرت ان شاء الله بر آورده میشود و ختم از طلوع آفتاب تا غروب جایز است و باید صلوات بفرستد بر محمد و آل محمد پیش از
شروع ده مرتبه و سه مرتبه آیة الکرسی و سه مرتبه این استغفار استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم
واتوب الیه و بعد از استغفار استعاذه از شیطان علیه اللعنه بعمل آورد و بعد ابتدا کند بتلاوت سوره مبارکه چون برسد
بقول والله یقدر اللیل والنهار سه مرتبه تکرار کند و بعد از تکرار آیه این دعا را سه مرتبه بخوانند یا من یقدر اللیل
والنهار قدر لی قضاء حاجتی فانک قادر وانت علی کل شیء قدیر و چون برسد بقول وآخرون
یضربون فی الارض یبتغون من فضل الله آنرا سه مرتبه تکرار کند و بعد سه مرتبه این دعا را تلاوت کند
اللهم من فضلک ابتغیت و من فضلک ارجو ولا تخیبنی یا ذا الفضل العظیم و چون برسد
بقول واستغفروا الله ان الله غفور رحیم سه مرتبه تکرار کند بعد سه مرتبه بگوید اللهم انی
اسئلک بحق هذه السورة العظیمة والآیات العظام واسئلک بحق اسمائک الشریفة الکریمة الکرام
یا طیهوج یا غشیهج یا تنا تا رهیت بحق کهیعص وبحق حم عسق وبحق [illegible]
سمیتها فی کتابک العزیز یا ایها المزمل ان ترملنی برداء لطفک عن عیون الباغین
والحاسدین من اعدائک واعدائی برحمتک یا ارحم الراحمین و نیز بعد از خواندن سوره مزمل سه مرتبه
این دعا را یکبار بخوانند یا مفتح فتح یا مفرج فرج یا مسهل سهل یا میسر یسر و یا متمم تمم برحمتک
یا ارحم الراحمین در کتب علمای اثنی عشریه و در بعضی از تفاسیر اهل التشیع وارد شده که در آیه شریفه آیة الکرسی
ده وقف است هر که در وقت خواندن آنها وقف بعمل آورد بعد از آن دعا کند ان شاء الله دعای وی مستجاب شود و هر مرادی و مطلبی
که از خدا بخواهد بسبب حرمت و برکت این آیه شریفه میسر و حاصل گردد و قاعده وقفها این است که ابتدا از انگشت کوچک دست
راست کند و بهر وقفی انگشتی عقد کند و ختم بانگشت ابهام دست چپ کند و در میان دو وقف [illegible] هر چه خواهد از حاجت طلب کند

و در میان دو و سیم یعلم ما بین ایدیهم آنچه دفع شر باشد طلب نماید و چون ده عقد تمام شود سه بار سورهٔ الم نشرح و سه بار سورهٔ اخلاص
بخوانند و سه بار صلوات بفرستند و بعد ده مرتبه سورهٔ حمد را بخوانند و بعد از اتمام یکبار سورهٔ حمد را انگشتی از انگشتان معقوده را
واکند و در باز نمودن انگشتان ابتدا کند از انگشت ابهام دست چپ تا انگشت خنصر دست راست که از او عقد کرده بود و بعد
از فتح همه انگشتان نظر بسوی آسمان کند و بدمد و حاجت خود را بخواهد و در بعضی از نسخ چنین وارد شده است که بعد از تمام
عقدها سورهٔ الم نشرح و توحید و سه بار صلوات بفرستند و نظر بسوی آسمان کند و بدمد و حاجت خود را بخواهد و بعد از آن
ابتدا بفتح از ابهام دست چپ نماید و در این نسخه متعرض نشده که وقت کشادن انگشتان فاتحه بخوانند و اگر عمل بهر دو طریق
نماید بهتر خواهد بود و در بعضی از کتابها طریقه اول را تا چهل روز ذکر کرده اند و گفته اند که مداومت باین طریقه تا چهل روز
از جهت قضاء حوائج تخلف ندارد و ده وقف باین طریق است اول الله لا اله الا هو دوم الحی القیوم سیم لا تأخذه سنة
ولا نوم چهارم له ما فی السموات وما فی الارض پنجم من ذا الذی یشفع عنده الا باذنه ششم یعلم ما بین ایدیهم وما خلفهم
هفتم ولا یحیطون بشیء من علمه الا بما شاء هشتم وسع کرسیه السموات والارض نهم ولا یؤده حفظهما دهم وهو العلی العظیم

از خط مولینا مقدس اردبیلی اعلی الله مقامه منقول است که هر که سورهٔ فاتحه را باین آیه تا ده روز هر روز یازده بار
بخواند به نیت هر مطلب شرعی البته باجابت مقرون میشود آیه این است بعد بسمله ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ بَعْدِ الْغَمِّ
نُعَاسًا تا علیم بذات الصدور از سورهٔ آل عمران

در بیان ختمها مطلقه که در آن تکرار و زیاده بر یکبار شرط است
و آنها چند نوع است و در این رساله بیست و شش نوعست و مسمی بجواهر مکنونه

از شیخ رجب ابن محمد بن الحافظ البرسی ره و در بعضی از مصنفات نیز وارد شده هم چنین از شهید اول علیه الرحمة منقول است که هر گاه امر مهمی و سانحه بزرگی
از برای کسی روبدهد یا حاجتی داشته باشد یا در ورطه و مهلکه افتاده باشد و او را این امور مذکوره مهموم و مغموم کرده اند
و آن شخص اصلا چاره او را ندانند پس باید آن شخص با لباس طاهر و با طهارت بر فرش طاهر رو بقبله ظاهر بخوابد و با او رنجی
نخوابد و در تکیه آن رخت خواب هفت مرتبه سورهٔ والشمس را و هفت مرتبه سورهٔ واللیل را بخواند و بعد از فراغت از قرائت این دو سوره
بگوید اللهم اجعل لی من امری فرجا و مخرجا و در بعضی از کتب این دعا را هفت مرتبه نوشته بودند و در آخر دعا نوشته
بودند بحق محمد و آل محمد ما کی بهر دو روایت عمل کند مبتغی است پس هر گاه چنین کند می آید نزد او در خواب در شب اول
یا سیم یا پنجم یا هفتم کسی و چاره و درد و غم او را با او بگوید و این حدیث را باین نحو شیخ طوسی علیه الرحمة روایت کرده است
و در بعضی از حواشی مصباح و اکثر علما این دعا را تجربه کرده اند و آخوند ملا محسن فیض ره در خلاصة الاذکار این ختم را باین
نوع نقل فرموده و در نسخهٔ معتبر بخط شیخ شهید ره چنین بنظر حقیر رسید هر که بخواهد در خواب چیزی ببیند آنچه را که خواهد
پس بخوابد بر پهلوی راست خود با وضو و طهارت بخواند سورهٔ والشمس و واللیل را و سورهٔ قل یا ایها الکافرون و لحد ای بمعوذتین را

و بعد بگوید اَللّٰهُمَّ اَرِنی فی مَنامی کذا و کذا وَاجْعَلْ مِنْ اَمْری فَرَجاً وَمَخْرَجاً و بجای کذا مطلب خود را نام ببرد
که هرگاه شب اول کسی ببیند در خواب از برای تو راه خلاصی نموده فبها و الّا تا سه شب بعمل بیاورد و الّا تا هفت شب
پس لا شک طریقه فتح و فرج و راه خلاصی از آن مهلکه بتو میگویند بشرط اینکه در این شبها عام تنها بخوابد و در بعضی
از نسخ ملاحظه شد که بعد از سوره واللیل سوره والتین را هم بخواند و اگر بخوانند عمل بهر دو نسخه شد والله اعلم
بالصواب و در بعضی از روایات چنین مروی است که هر که در مهمی درمانده باشد تا هفت شب سوره والشمس
و واللیل و والضحی و والتین و هر یک را هفت مرتبه بخواند و سه نوبت میگوید اللّهمّ اجعل من امری هذا فرجاً
و مخرجاً و باید که با وضو باشد انشاء الله تعالی در یکی از شبها باو کسی چاره کار او را میگوید و در بعضی از کتب
چنین روایت شده است که اگر کسی هفت نوبت سوره والشمس و هفت نوبت واللیل و هفت نوبت والضحی و هفت نوبت
الم نشرح را بخواند و بعد از آن دعای مسطور را بخواند البته در آن شب شخصی را در خواب ببیند که راه فرج را باو
نشان میدهد و اگر نشود تا شب سیم الی هفتم معمول شود از جمله مجربات است و باید دانست که روایت شیخ رجب و شیخ
شهید و شیخ طوسی علیهم الرحمه همان خواندن سوره والشمس و واللیل است هر یک را هفت مرتبه با آن شرطی که مذکور شد
و در روایت ایشان اعاده عمل در هر شب مفهوم نمیشود و رو بقبله و بر پهلوی راست خوابیدن و زیاده بر آن دو سوره
مذکوره شرط نکرده اند و در روایت شهید ره همان با طهارت بر پهلوی راست تنها خوابیدن و همان خواندن آن هفت
سوره مذکوره را به ترتیب هر یک را یکدفعه مفهوم میشود و لکن تصریح است که اگر شب اول فرج نشد عمل مذکوره را
اعاده نماید و جناب آخوند ملا محسن ره طهارت لحاف و فرش و رو بقبله خوابیدن را شرط فرموده و مفاد روایت سیم
همان خواندن چهار سوره مذکوره است تا هفت شب هر یک را هفت نوبت و سه نوبت خواندن دعای مزبور است با وضو
و دیگر طهارت فرش و لحاف و بر پهلوی راست خوابیدن و استقبال و نوم تنها را اعتبار نکرده و اشتراط این امور
از آن روایت مفهوم نمیشود و در روایت چهارم که از بعضی کتب مذکور شد زیادتی سوره والضحی و الم نشرح است
بر سوره والشمس و واللیل و هفت مرتبه خواندن هر یک از این چهار سوره است و یکمرتبه خواندن دعای مزبور است و اگر شب اول
نه بیند تا هفت شب خواندن است و در این روایت همان طهارت را شرط دانسته و بس و فرق میان این
روایت و سیم آن است که در روایت سیم بعوض سوره الم نشرح سوره والتین را ذکر کرده و دعای مزبور را سه مرتبه
گفته و با وضو بودن را هم شرط کرده و دیگر فرقی نیست و در نسخه چنین مذکور بود که هرگاه خواهی بخوابی زیر بالین
خود آینه بگذار و بر پهلو بخوابی و بخوان سوره اخلاص را هفتاد مرتبه در حالتی که به پهلو خوابیده باشی بعد از آن بخواب
بدرستی که می بینی آنچه را میخواهی و آنچه که نیت کرده چاره کار ترا بتو میگویند   هر کس تا سه شب جمعه دعای کمیل را بخواند هر مطلبی

مرتبه بخوانند بعد از سه هفته البته کشایشی از برایش بهم میرسد و مطلبش بر آورده میشود و بتجربه رسیده انشاء الله
این ختم در فصل آینده در خلال فصول اوراد مقیده ایضاً نوشته خواهد شد   نقل شده که جهت هر مطلبی عمده که اراده نمایند
این اشعار را که از جناب امیر المؤمنین ع است تا هفت روز هر روز هفت مرتبه بخوانند البته مطلب حاصل میشود و بعضی از علما
در تصانیف خود از برای سرعت اثر این اشعار مبارکه نقلهای عجیبه و غریبه ایراد کرده اند که ذکر همه موجب تطویل
این رساله مختصر میشود والله اعلم بالصواب اشعار این است   وَكَمْ لِلّٰهِ مِنْ لُطْفٍ خَفِيٍّ يَدِقُّ خَفَاهُ عَنْ فَهْمِ
الزَّكِيِّ وَكَمْ اَمْرٍ تُسَاءُ بِهِ صَبَاحًا وَتَأْتِيكَ الْمَسَرَّةُ بِالْعَشِيِّ وَكَمْ يُسْرٍ اَتَى مِنْ بَعْدِ
عُسْرٍ وَفَرَّجَ كُرْبَةَ الْقَلْبِ الشَّجِيِّ اِذَا ضَاقَتْ بِكَ الْاَحْوَالُ يَوْمًا فَثِقْ بِالْوَاحِدِ الْفَرْدِ
الْعَلِيِّ تَوَسَّلْ بِالنَّبِيِّ فِي كُلِّ خَطْبٍ يَهُونُ اِذَا تُوُسِّلَ بِالنَّبِيِّ وَلَا تَجْزَعْ اِذَا مَا نَابَ
خَطْبٌ فَكَمْ لِلّٰهِ مِنْ لُطْفٍ خَفِيٍّ   از برای هر مطلبی که باشد دوازده مرتبه صلوات بفرستد
و بعد دوازده هزار مرتبه در یک مجلس بگوید یَا بَدِیعَ الْخَیْرِ و در سر هر صد مرتبه یکمرتبه بگوید بِالْخَیْرِ
و اما باید سر برهنه رو بقبله و پای راست بالای پای چپ نهد و متورکاً بنشیند و بعد از اتمام ختم هم دوازده مرتبه
صلوات بفرستد حاجت و مقصود انشاء الله تعالی حاصل کردد اما اگر تا یکهفته تکرار کند اثر زودتر نماید و این ختم
از یکجهت داخل قسم اول از ختوم مطلقه است و از یکجهت داخل انواع قسم دوم از مقیدات است   ختم سوره مبارکه
واللیل اذا یغشی است تا چهل شب هر شب چهل دفعه و چون هر دفعه بآیه شریفه وما لاحد عنده من نعمة تجزی
برسد آیه را سه دفعه تکرار کند و سوره را تمام کند که از برای فتوحات الی غیر النهایه و کثرت مال و منال دنیوی
اثر عجیب و نفع غریب دارد که عقول از کیفیت آن عاجز است باید عامل در ایام ختم از مناهی و معاصی اجتناب کند که
شرط عمده در استجابت ختوم این است و احتراز از طعام شبهه ناک و حرام هم از شروط استجابت دعا و قبولی طاعات
و عبادات است و حکایت نو باید حکایت آنخان شقاوت نشان بدبخت تومان نباشد که در ختم فصل ختم
مذکور شد   از برای دفع هر ناخوشی جسمانی و از برای دفع هر مرض مزمن جسدانی ختم این دعای مبارکه تا چهل روز هر روز
چهل مرتبه از مجربات است تخلف ندارد و حقیر را ناخوشی درد دل بهیچ وجه معالجه نشد و اطبا عاجز شدند
مشرف بموت شدم و آخر الامر این دعا را تا چهل روز هر روز چهل مرتبه خواندم بدین نیت شفا الحمد لله شفا یافتم
و از حضرت صادق ع مرویست که هر که را ملتجی باشد بعد از نماز چهل مرتبه این دعا را بخواند و ابن ادریس ره در کتاب
سرایر از صادق ع روایت کرده است که هر که هر روز این دعا را سی مرتبه بخواند حق تعالی بلا از او دفع کند
که کمتر آنها خوف باشد بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ تَبَارَکَ اللّٰهُ اَحْسَنُ الْخَالِقِینَ لَا حَوْلَ

(جواهر مکنونه)

ولا قوة الا بالله العلی العظیم و بروایت کفعمی بعد از بسمله الحمد لله رب العالمین حسبنا الله و نعم الوکیل است
تا آخر دعا هر دو خوب است و جمع بین الروایتین منافات با هم ندارد و بنا بر این و حدیث این ختم مقید است به آنکه
دو روز باید خواند . بدجهة توفیق حج هر روز یکبار سوره محمد بخواند مجرب است ختم بسم الله است از طریقی
که در نوع اول از فصل اول بتقریبی ذکر شد که باید آن ختم را تا هفت روز یا هفت شب بعمل آورد ختم یا باسط است
تا سه شب و طریقه آن در فصل اول در نوع بیست و دوم گذشت ختم سوره حشر است تا چهل روز هر روز یکمرتبه
که در نوع بیست و چهارم از فصل اول بتقریبی ذکر شد ختم سوره والذاریات است و سوره طلاق و یا ایها المزمل
والم نشرح است که هر روز بخوانند از برای توسعه رزق مجرب است ختم آیه مبارکه ما شاء الله لا حول و لا قوة
الا بالله است که بیان آن در نوع سی و یکم مبین شد ختم الکریم الوهاب ذی الطول است که در نوع سی و دوم بیان
شد ختم یکی از انواع ختمهای صلوات است تا دو ماه ختم سی و هفتم طریقه آن بیان شد ختم نوع سی و نهم
علا است که در فصل چهل و چهارم ذکر شد هر که را خوفی یا مشکلی پیش آید و تدبیر آن نداند یکهفته متصل هر صبح و شام
هفت بار بگوید حسبی الله الحسیب آنچه خوف برطرف شود و آن مشکل حل شود و باید ابتداء عمل یکشنبه باشد و اگر بعدد
مکتوبه این اسم را که هشتاد است قرائت کند تا بعدد مبسوط وی که صد و چهل است بخواند بهمان طریق مذکور اتم و اکمل
خواهد شد ختم بسم الله بطریق دیگر است ختم یا باسط است ختم سوره حشر و الم نشرح ختم هزار دفعه سوره
قل هو الله احد است ختم سوره تکویر است نوع پنجاه و پنجم است نوع هفتادم است نوع هفتاد و یکم است
نوع هفتاد و دوم است ختم دعای اویس قرنی است چنانچه این ختوم هر یک بترتیب و تفصیل تمام با این ترتیبات
که در نوع اول و نوع بیست و دوم و بیست و چهارم و بیست و پنجم و بیست و ششم و پنجاه و پنجم و هفتادم و هفتاد و یکم و هفتاد و دوم
و شصت و هشتم مذکور گردید در بیان ختوم و اوراد دیگر که در آنها معتبر است ساعت معینی از ساعات و وقت مشخصی
از اوقات ملحوظ نگردد در آنها نکوید در عمل مشروط باشد و خواه نباشد و آنها دو قسم است در خواص اسماء الحسنی
مذکور است که هر که تا ده جمعه هر جمعه ده هزار مرتبه ذکر کند اسم الغنی المغنی و نخورد دنیا شامل در این ایام حیوانی
جناب اقدس الهی او را در دنیا غنی و بی نیاز گرداند و اوه ما تجربه کرده اند و ایضا گفته اند که از جهت غنی و توانگری
و بی نیازی در میان نماز شام و خفتن هزار و شصت مرتبه بگویند یا غنی اثر بخشد در غنا و ثروت
و در این ختم هم اثر ما تجربه شده ختم قل هو الله احد هزار مرتبه بعد از نماز صبح در روز پنجشنبه یا جمعه
بنا بر یک روایت در فصل اول طریقه آن به تفصیل گذشت ختم سوره مبارکه تکویر است در وقت آمدن باران
چنانچه کیفیت آن در بیست و هشتم فصل اول گذشت ختم سوره شریفه مزمل است که باید آنرا در روز دوشنبه یا شب

پنجشنبه خوانند   ختم طریقه چهارم سورهٔ مبارکهٔ یٰس است که از ابتدا تا سه روز باید خواند و ابتداء آن از
روز جمعه است تا روز پنجشنبه   مرویست که هر که در آخر شب برخیزد و وضو بسازد و سر و پا را برهنه سازد و آستین
قبا یا پیش را بالا زند و صد دفعه یا وهّاب بگوید و بعد دعا کند که خداوند وهّاب او را غنی کند البته مطلبش بعمل آید
و اهل خواص در خواص اسماء الحسنی گفته اند که اگر صد و بیست مرتبه اسم مبارک را با این طریقه مذکوره بگوید در اثر اقوی
خواهد بود که یا وهّاب بدیع یا ندا هم عیبی ندارد   اگر کسی با این نحو در ثلث آخر شب یا عَزِیْزُ الْعَزِیْز را صد مرتبه
بخواند در میان مردم مکرّم و محترم میشود   از برای کفایت و رسیدن بمرتبه عالیه در شرح اسماء الله مذکور است
هر شب اگر صد و یازده مرتبه بگوید یا غالی یا کافی کفایت امور او شود و سربلند میرسد   علما ذکر کرده اند
که هر که چهل روز میانه نافله و فریضه بامداد چهل بار بگوید یا حَیُّ یا قَیُّوْمُ یا مَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ
بِرَحْمَتِكَ اَسْتَغِیْثُ دل وی را حیات حاصل شود که هرگز نمیرد   در دو کر قسم اوّل از ختوم مقیّده مطلقه
یعنی در اقسام آنهائیکه ختوم و اوراد دائم از آنکه بکرّات عمل شرط باشد در آنها یا نباشد و تقیید بساعتی از ساعات
در آنها اعتبار باشد یا نه در تعداد ختمهائیکه باید او را یک دفعه در روز معیّنی از روزهای هفته از برای قضای
حوائج و رسیدن بمطالب خوانند از سوره قرآنی و آیات و ادعیه و اسماء حضرت سبحانی و اگر بعضی از آنها مستند بحدیثی
نباشد لکن معمول به علماء و اکابر دین است و در هر یک از آن ادعا تجربه شده و مشایخ و بزرگان و صلحاء خواندن را
تجویز فرموده اند و داخل است چه از ختم آنها در تحت عموم و اطلاقات مشروعیه دعا و طلب حوائج از باری تعالی مشهور است
مابین فضلا و صلحا و نامیده شده است این ختوم باسرار مکتوبه و ملقّب اند بانوار مصونه و این فصل متضمّن بیان هفت
نوع است از ختوم لها و تیه زیرا که ایام هفته هفت است و چون روز جمعه از بهترین روزهای هفته است و از
اعیاد اربعه است و حج مساکین است و شرافت بر سایر ایام دارد بناءً علی هذا ختمهائیکه در آن روز باید کرد
مراعاةً للاشرف فالاشرف مقدّم بر ختمهای سایر ایام ولیکن ذکر کرده شد و ملاحظةً للمناسبة در میان ختوم و اوراد
لها یه یوم الجمعه بیش از سایر ایام سمت تقدیم یافت و منه الاستعانة والتوفیق   در بیان ختمهائیکه در روز
جمعه باید کرد هر چند که ختم آن در بعضی ایام دیگر هم مانند پنجشنبه و دوشنبه جایز باشد و مأذون فیه است
و آنها هفده نوعند   ختم سورهٔ مبارکه الم نشرح است که از جهت کثرت رزق و زیادی مال و منال و رسیدن بمطالب
دنیویه و دفع غایب اخرویه مجرّب است و جمع کثیری ادعا تجربه کرده اند و علمای اعلام در اینکه این ختم روز جمعه را اهمیّت
از پنجشنبه و سایر ایام فرموده اند و کیفیّت آن در نوع بیست و پنجم از انواع ختوم مطلقه بتفصیل گذشت
از سلمان فارسی رضی الله که لشرافت السلمان منّا اهل البیت سرافراز است بحدیث مروی از اهل بیت ع که هر صبح یا میدانیم

از علوم سلمان هم او را مستفید اند ممتاز است نقل شده که هر که این اسماء را در روز جمعه بعد از فریضه بامداد صد بار بخواند
اگر حاجت او روا نگردد در بعض نفرین کند و اسماء این است بعد بسمله یا نعیم یا دائم یا فرد یا وتر یا حی یا
قیوم یا واحد یا احد یا صمد یا من لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد   از پیغمبر مروی است
که هر که در روز جمعه چهار رکعت نماز پیش از نماز جمعه بعمل بیاورد و در رکعت اول بعد از حمد یک مرتبه سوره اعلی
و پانزده مرتبه سوره توحید و در رکعت دوم بعد از حمد یک دفعه سوره زلزله و پانزده مرتبه توحید و در رکعت
سیم بعد از حمد یک دفعه سوره الهیکم التکاثر و پانزده مرتبه سوره توحید و در رکعت چهارم بعد از حمد یک مرتبه سوره نصر
و پانزده مرتبه توحید و بعد از فراغ دستها را بلند کند و حاجت خود را از خدا بخواهد هر حاجت مشروعی که داشته باشد
برآورده می‌شود   شخصی بحضرت صادق ع از فقر شکایت کرد حضرت فرمود که سه روز روزه بگیر که آخر آن روز جمعه باشد
و چون چاشت جمعه میشود زیارت حضرت رسول ص بجا بیاور در بالای بام خود یا در صحرا چنانکه کسی ترا نبیند
و دو رکعت نماز کن و بزانو در آی چنانکه زانوهای تو برهنه باشد پس دست راست را بالای دست چپ بگذار و رو بقبله
بگو اللهم انت انت انقطع الرجاء الا منک وخابت الآمال الا فیک یا ثقة من لا
ثقة له لا ثقة لی غیرک اجعل لی من امری فرجا ومخرجا وارزقنی من حیث
احتسب ومن حیث لا احتسب پس بر زمین سجده کن و بگو یا مغیث اجعل لی رزقا من فضلک
که روز شنبه رزق تا ده روز فراخ میشود و اگر در عتبات عالیات باشد اول زیارت آن معصوم را بکند
و بعد روی توجه بقبهٔ روضهٔ مطهرهٔ مولانا بکند و اگر در آن بلد امام نباشد زیارت کند بعضی از صالحان را و بعد از دو
حرکت بجانب زیارت کند و این عمل را بجا آورد   صاحب التنظیم از کتاب شمس المعارف نقل کرده که اگر کسی روز سه‌شنبه و
چهارشنبه و پنجشنبه روزه دارد و چون صبح روز جمعه میشود نماز در اول وقت بگذارد و بعد از سلام پیش از آنکه
بشغلی مشغول میشود بگوید یا حی یا قیوم شروع نماید و متصل بگوید تا وقتی که آفتاب طلوع کند لیکن که در میان ورد
ساکن شود یا مکثی نماید پس دوات و قلم و کاغذ مهیا بوده در عقب آن ذکر در اول طلوع آفتاب بنویسد یا حی یا قیوم
در بحر داشته در هم بپیچد و با خود نگاه دارد عجایب مشاهده کند از برکت و جمعیت و وسعت رزق و اقبال و باید که این
عمل را از سفهای قوم نگاه دارد و از نااهل مخفی دارد و این عمل را در ایام متبرکه رمضان نیز بعمل توان آورد   اگر کسی
مرادی داشته باشد و بهیچ‌گونه مرادش حاصل نشود باید روز جمعه غسل جمعه و غسل حاجت از برای اجابت دعا کند و بمسجد
جامع رود و جامه‌های پاک در پوشد و دو رکعت نماز حاجت بکند و بعد از نماز بیست نوبت بگوید یا الله المحمود فی
کل فعاله البته مرادش حاصل شود و بعد از آنکه نماز جمعه را کرده باشند ایضا بیست نوبت هم بگوید   منقول است که هر که را حاجتی

باشد روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه روزه دارد به نیت قضاء حاجت و در اول روز جمعه غسل کند و بمسجد جامع رود
و جامه پاک در پوشد و در وقت رفتن بمسجد در راه چیزی صدقه کند اگرچه اندک باشد چون نماز جمعه بگذارد ابتداءً
بخواند اللهم انی اسئلک باسمک بسم الله الرحمن الرحیم الذی لا اله الا هو عالم الغیب والشهادة هو الرحمن الرحیم
واسئلک باسمک بسم الله الرحمن الرحیم الذی لا اله الا هو الحی القیوم لا تاخذه سنة ولا نوم الذی
ملأت عظمته السموات والارض واسئلک باسمک بسم الله الرحمن الرحیم الذی لا اله الا هو عنت له
الوجوه وخضعت له الرقاب وخشعت له الاصوات (الابصار) ووجلت منه القلوب من خشیته وذرفت
منه العیون ان تصلی علی سیدنا محمد و آل محمد وان تقضی حاجتی بعد حاجت خود را یاد کند و آنحضرت این دعا را
فرمود که این را بکسی که صالح و خدا ترس نباشد میاموزید که مبادا بر مسلمانان دعا بد می کند   از برای قضاء حوائج و غفران
ذنوب خواندن دعاء عشرات است بعد از عصر روز جمعه و این دعا در روز جمعه بهر نیت که خوانی انشاء الله باجابت
مقرون خواهد شد و اصل دعا در مصباح و سایر کتب مذکور است و احتیاج به نوشتن در این رساله نیست   از برای
قضاء حوائج و گشایش کارها بعد از اسم خود ما بین نماز ظهر و عصر روز جمعه بخواند سیجعل الله بعد عسر یسرا
که از مجربات است   ختم سوره مبارکه حدید است در روز جمعه اول وضو بسازد و بمکان شریف بهم رساند و بهر مطلبی
که خواهد هفت نوبت سوره را بخواند بی فاصله و بی تکلم در میان قرائت و بعد این دعا را بخواند بعد بسمله سبحان من
لبس العزة والوقار سبحان من تعطف بالمجد وتکرم به سبحان من لا ینبغی التسبیح الا له سبحان ذی المن
والنعم سبحان ذی المقدرة والکرم سبحان ذی العزة والفضل سبحان ذی القدرة والطول اللهم انی
اسئلک بمعاقد العز من عرشک ومنتهی الرحمة من کتابک وباسمک الاعظم وکلماتک التامات التی
تمت صدقا وعدلا ان تصلی علی محمد و اهل بیته و تقضی حاجتی و تبلغنی الی مطلبی و این ختم را بعضی از علما
در شب جمعه هم تجویز فرموده اند بهتر روز جمعه است   هر که در روز جمعه بعد از آنکه امام سلام نماز دهد فاتحه
و اخلاص و معوذتین را بخواند هر یکی هفتاد بار حق تعالی دین و اهل و مال و فرزندان او را در حفظ و امان خود
نگاه دارد تا جمعه دیگر   در جنة الباقیه وارد است که هر کس تا سه روز جمعه هر جمعه هفتاد بار این دعا را بخواند
نمی گذرد بر او سه جمعه مگر آنکه خدا او را غنی میگرداند از هر چیزی بفضل خود و دعا این است بعد بسمله یا مغنی
یا غفور یا ودود اغننی بحلالک عن حرامک و بطاعتک عن معصیتک و بفضلک
عمن سواک برحمتک یا ارحم الراحمین   از جمله ختمهای مجرب و معتبر که انشاء الله تخلف ندارد ختم الحمد است
و آن بچند طریقه منقول است و طریقه اولی مؤثرات آنکه از روز جمعه افتتاح نماید تا چهل یک روز هر روز

چهل یکمرتبه بلا فاصله بخواند اگر یک روز فوت شود از سر گیرد و بعد از اتمام عدد هر روز این دعا را سیزده بار بخواند
یا مفتح فتح یا مفرج فرج یا مسبب سبب یا میسر یسر یا مسهل سهل یا متمم تمم و منقول است که هرکه این ختم را
با ترتیل و شرایط قرائت بخواند و یک روز فوت نکند و در اثناء قرائت حرف نزند و مراتها حضور قلب و تقوی بکند
و در این چهل یک روز گرد مناهی و معاصی نگردد اسباب دنیوی و فتح مهمات او میسر شود که از ضبط آن عاجز آید
بدرستیکه مجرب است و در بعضی از نسخ ها بجای سیزده مرتبه دعا یکمرتبه هم وارد شده و در نزهة القلوب این ختم را بالجمله
بخو نوشته بود ولکن در آن نسخه بعوض چهل یکمرتبه صد و چهل مرتبه نوشته بود و صاحب نزهة القلوب میگوید که این ختم
مبارک از برای هر حاجت از حوایج دنیویه که رهنمای الخ و در آن باشد از مجربات است و تخلف ندارد و در نسخه دیگر چنین
بنظر رسید که ختم سوره فاتحه با نظر دقیق بجهت حصول مطالب مجرب است که هر بعضی چهل یکمرتبه تا چهل یک روز و بعد اتمام
عدد هر روز نوبت یکبار دعای مسطور را بخواند یا مفتح فتح الخ و در نسخه معتبر دیدم که هر روز بعد از اتمام قرائت چهل و
یکمرتبه یکنوبت دعای مسطور را بخواند و اصح نسخه اول است که از کتاب معتبر معتمد علیه نوشته شد و ختم این سوره مبارکه را
بر پنج قسم دیگر نوشته اند و حقیر از جهت استیفا و تفصیل همه انواع این طریق خمسه را نیز در این رساله ضبط کردم و آن اقسام
باین نوع است که ذکر شود قسم اول از جهت حصول مطالب در یک شب جمعه یکهزار و پانزده مرتبه بخوانند و در اثنای عمل
بجواب نروند و ادعا نکنند و مجرب از برای این ختم کرده اند والله اعلم بحقایق الاشیاء و مدت قرائت هزار و پانزده مرتبه
تخمینا هفت ساعت میکشد   و در بعضی از کتب طریق دیگر نوشته اند که از جهت برآمدن حاجات و دفع بلیات و نیستی
اعدا و سلامتی از بلاها فاتحة الکتاب را باین ترتیب بخواند یوم السبت هفتاد مرتبه یوم الاحد شصت مرتبه یوم
الاثنین پنجاه مرتبه یوم الثلثا چهل مرتبه یوم الاربعا سی مرتبه یوم الخمیس بیست مرتبه یوم الجمعه ده مرتبه بخواند
که انشاء الله تعالی باجابت مقرون است ایضا در بعضی از کتب بنظر رسیده که هرکه را مهمی پیش آید از برای دفع آن مهم و حصول
آن مطلب بدین موجب بخواند بعد بسمله الحمد را الی و ایاک نستعین بعد از آن سوره اخلاص را سه نوبت بخواند و بعد این دعا
بخواند اَللّٰهُمَّ کَمَا جَمَعْتَ بَیْنَ صِفَاتِکَ وَ اَسْمَائِکَ وَ اَفْعَالِکَ فَاجْمَعْ بَیْنِیْ وَ بَیْنَ حَاجَتِیْ بحق محمد
و آله اجمعین و بعد حمد را تمام کند انشاء الله حاجتش روا گردد   شیخ رجب برسی در کتاب کشف الاسرار گفته که از
خواص فاتحة الکتاب این است که هرکه هفت روز روزه بگیرد و در این هفت روز ایام بعد روزه حیوانی نخورد و هر روز فاتحة
الکتاب را صد و پانزده دفعه بخواند و بهمین عدد صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد پس بعد هر چه که طلب میکند از خدا بتم چیزی را
ممکن اگر می یابد او را یعنی مستجاب میگردد و در بعضی از نسخ چنین ملاحظه شد که از برای هر مطلبی از مطالب که خواسته باشد
فاتحة الکتاب را این نوع بخوانند از روز شنبه یا چهارشنبه شروع نماید تا چهل روز باین طریق باید خواند بعد از نماز صبح

بیست و یکمرتبه بعد از نماز ظهر بیست و دو مرتبه بعد از نماز عصر بیست و سه مرتبه بعد از نماز مغرب بیست و چهار مرتبه
بعد از نماز عشا ده مرتبه که مجموع یکصد مرتبه میشود — از مقدس اردبیلی رحمه الله منقول است که هر کس سوره
حمد را باین دو آیه شریفه که مذکور میشود تا ده روز هر روز یازده مرتبه که مجموع صد و ده مرتبه باشد از برای مطلبی
بخواند باجابت معروف است و به تجربه رسیده است و آیه اول این است ثُمَّ أَنزَلَ عَلَيْكُم مِّن بَعْدِ الْغَمِّ أَمَنَةً نُّعَاسًا
تا والله علیم بذات الصدور از سوره آل عمران و آیه دوم این است محمد رسول الله والذین معه تا الی مغفرة
و اجرا عظیما از سوره انا فتحنا و بعد از آن بگوید رَبِّ سَهِّلْ وَيَسِّرْ وَلَا تُعَسِّرْ عَلَيْنَا يَا رَبِّ — اگر کسی روز
جمعه غسل کند و جامها پاک بپوشد و بعد از نماز جمعه بیست نوبت بخواند یا الله المحمود فی کل فعاله
البته مراد او بکنار رسد حاصل میشود — در منهج الدعوات مذکور است که هر کس خواهد حاجت او قضا شود شب جمعه
نیت روزه کند که روزه جمعه دارد و چون صبح طلوع کند بعد از صبح ششصد بار بگوید ما شاء الله لا حول ولا قوة الا
بالله البته بمطلب میرسد و در این کلیه تجربه شده — و در روز جمعه دو رکعت نماز کند و در هر رکعتی حمد یکبار و آیة
الکرسی یکبار و سوره توحید دوازده بار و بعد از سوره توحید هشتاد مرتبه بگوید احد صمد و بعد از اتمام
نماز بر زمین خود به دو قدم وا ایستد و روی دست باز بگوید یا نعم المجیب البته حاجت او روا گردد انشاء الله تعالی
ختم سوره مبارکه یس است به پنج قسم چهارم که ابتداء آن روز جمعه است در نوع شصت و یکم گفته شد
از ختوم مفیده که در روز شنبه باید بعمل آورد و آن چند قسم است — ختم صغیر سوره مبارکه انا فتحنا است
پنجم یکی از شیخ شرف الدین علی الحسینی الرستمانی مولداً النجفی نزیلاً و موطناً از مشایخ اجازه خود شنیده و آن باین
نحو است که اگر کسی خواسته باشد که این ختم را بجا آورد باید از روز شنبه ابتدا کند تا روز جمعه هر روز پنج مرتبه
بخواند و در روز جمعه یازده مرتبه که مجموع چهل و یک مرتبه شود و در اول روز شروع روزه باشد چنانچه در بعضی
نسخه‌ها واقع شده و تصدق نماید و غسل حاجت بعمل آورد و دو رکعت نماز حاجت بگذارد و در هر رکعتی بعد از حمد
دوازده مرتبه سوره اذا جاء نصر الله بخواند و بعد از اتمام نماز سبحان گذارد و صد مرتبه یا فتاح بگوید و بعد ده مرتبه
صلوات بفرستد و سوره را ابتدا کند با طهارت بخواند و در هر مرتبه قرائت در خاطر گذراند حاجت خود را و در اثنای
قرائت پنج بگوید در هر مرتبه که بآیه فتحا قریبا که در آخر سوره است برسد این دعا بخواند ما شاء الله
لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم اللهم لک الدنیا و لک الآخرة تعطی من تشاء و تمنع
عمن تشاء اللهم انک غنی فاغننی من الفقر والعیلة واقض دینی و وفقنی فی عبادتک
وارزقنی جهاداً فی سبیلک برحمتک یا ارحم الراحمین اللهم انی اسئلک بکلماتک و معاقد عرشک

وسکان سمواتك وانبيائك ورسلك ان تستجيب لي فقد رهقني من امري عسرا فاسئلك ان تصلي على محمد
وآل محمد وان تجعل لي من امري فرجا ومخرجا ومن العسر يسرا برحمتك يا ارحم الراحمين اياك نعبد واياك نستعين
و دهم مرتبه که سوره فتح را بخواند صلوات فرستد و سوره اذا جاء را بخواند و بعد از آن این دعا را بخواند یا من
اذا تضايقت الامور تفتح لها بابا لا تصل اليه الاوهام فقد ضاقت علينا امورنا فافتح
لها بابا لا تصل اليه اوهامنا انك على ذلك قدير وبالاجابة جدير اللهم افتح لنا
ابواب رحمتك يا رحمن وابواب لطفك يا لطيف وابواب كرمك يا كريم وابواب
رزقك يا رزاق وابواب فتحك يا فتاح وابواب فضلك يا فياض بحق انا فتحنا لك
فتحا مبينا وبحق ينصرك الله نصرا عزيزا وبحق انا ارسلناك شاهدا ومبشرا ونذيرا وبحق سراجا
منيرا وبحق وحلوا اساور من فضة وسقيهم ربهم شرابا طهورا یا الله سه مرتبه یا رحمن سه مرتبه
یا رحیم سه مرتبه استجب دعائي واسمع ندائي بحق محمد وآله واهل بيته وذريته اجمعين نصر من الله
وفتح قريب وبشر المؤمنين يا ارحم المساكين ويا غافر المذنبين ويا غياث المستغيثين ويا دليل العالمين
ويا معين الناصرين برحمتك يا ارحم الراحمين الهي يا مفتح فتح ويا مسبب سبب ويا مسهل سهل ويا مدبر دبر ويا
متمم تمم ويا ميسر يسر ويا مفرج فرج ويا مكرم كرم نصر من الله وفتح قريب وبشر المؤمنين بحق سيد
المرسلين محمد وآله الطاهرين صلوات الله عليهم اجمعين بعد از آن تمام سوره انا فتحنا سوره توحيد
و معوذتین و لایلاف قریش هر یک را سه مرتبه و آیة الکرسی تا خالدون را یک مرتبه و ان یکاد را یک مرتبه بخواند
بعد این دعا بخواند اللهم انت خلقتني ولم اك شيئا وعلمتني ولم اعلم شيئا ورزقتني ولم اك شيئا
ربنا اني ظلمت نفسي وارتكبت المعاصي وانا مقر بذنوبي الهي ان عفوت لي فلا ينقص
من ملكك شيء وان عذبتني فلا يزيد في سلطانك شيء انت تجد من تعذب غيري
فلا اجد من يرحمني غيرك اسئلك بعزتك ان تغفر لي وترحمني وترزقني وتهديني
وتعطيني وتقضي بها حاجتي برحمتك يا ارحم الراحمين و مطلوب را از جناب اقدس الهی بخواهد انشاء الله تعالی
باجابت مقرون است و این ختم از جمله ختوم معتبره است و در خصوص هر مطلبی و حاجتی و انجاح امور کلیه و جزئیه و فتح
و فیروزی و نصرت و غلبه بر اعادی این ختم نظیر و عدیل ندارد و انچه گفته شد مجرب است و بر فرض تخلف تقصیر از جانب
عامل است نظم مابل نقصان ز قابل است و گر نه علی الدوام فیض عمیم او همه کس را برابر است ایضا جهت
حصول مقاصد ختم سوره انا فتحنا بدین نحو از مجربات است از روز دوشنبه افتتاح کند اول دو رکعت نماز حاجت کند

و بعد سلام مرتبه صلوات بفرستد و بعد سر بسجده گذارد و از قاضی الحاجات حاجت بخواهد پس شروع در خواندن سوره کند و بترتیل
بخواند و در اثنا خواندن حرف نزند بعد از خواندن انا فتحنا اذا جاء نصر الله را بخواند و بعد از آن دعا یا من اذا تضایقت الامور
خواند تا آخر چنانکه گذشت و هر روز خواندن انا فتحنا را یکمرتبه اضافه نموده با سوره اذا جاء و با دعا مزبور هم تا چهل و یک روز
هر یک بعد روزها بخواند که روز چهل و یکم چهل و یکمرتبه خوانده شود و در آخر اوراد هر یک این دعا را بخواند اللّهم افتح
لنا ابواب رحمتك يا رحمن وابواب كرمك يا كريم وابواب رزقك يا رزاق تا آخر دعا چنانچه در ختم
اول گذشت بخواند ان شاء الله تعالی تخلف ندارد و در بعضی از نسخ باین نهج است که ابتدا از روز شنبه نموده بعد از نماز صبح
شنبه سه بار روز یکشنبه چهار بار روز دوشنبه پنجبار و هم چنین روز جمعه هشت بار بخواند که مجموع چهل و یک دفعه باشد
و دعا در هر دفعه بعد از فراغ هر دفعه سوره فتح یکدفعه این دعا را بخواند یا من اذا تضایقت الامور تفتح لها بابا
لا تصل اليه الاوهام قد ضاق على امري فافتح لي بابا لا يصل اليه وهمي انك على ما تشاء
قدير و بالاجابة جدير   ایضا علما گفته اند که اگر انا فتحنا را باین نحو بخواند هر مطلبی و حاجتی که داشته باشد ان شاء الله تعالی
حاصل می شود و طریقه اش باین قسم است که بعد از صبح دو نماز یکدفعه و روز یکشنبه سه مرتبه و روز دوشنبه چهار مرتبه
روز سه شنبه پنج مرتبه روز چهارشنبه هفت مرتبه روز پنجشنبه نه مرتبه روز جمعه دوازده مرتبه بخواند که مجموع
چهل و یکدفعه خوانده شود هر وقت که بآیه فتحا قریبا برسد باید این دعا را بخواند ما شاء الله لا حول ولا
قوة الا بالله اللهم لك الدنيا والآخرة تعطي من تشاء وتمنع ممن تشاء تا آخر دعا چنانچه در ختم قسم
اول گذشت هر گاه فارغ شود از خواندن سوره انا فتحنا ده مرتبه بگوید اللهم صل على محمد وآل محمد وعجل
فرجهم واهلك اعدائهم من الجن والانس من الاولين والآخرين بعد از آن سوره اذا جاء نصر الله را یکدفعه
بخواند و بعد بگوید یا من اذا تضایقت الامور الی آخر بخواند   ختم دعا اجابت انه سریع الاجابة اللهم یا منتهی
مطلب الحاجات است که از دعاهای سیزدهم زبور آل محمد و انجیل اهل بیت ع یعنی صحیفه سجادیه علی قایلها و منشیها الف
ثناء و تحیه است و میر داماد علیه الرحمة فی المبدء والمعاد گفته که از جمله اموری که تجربه کردیم آن را بفضل خدا از برای قضاء
حوائج عظیمه از امور دنیویه و اخرویه این دعا ست و طریقه اش باین نوع است که از روز شنبه تا دوازده روز بعد از نماز
صبح هر روز هزار مرتبه بگوید لا اله الا الله الفیاض العلی العظیم و بعد صد مرتبه بگوید محمد رسول الله النبی المختار الکریم
بعد بیست مرتبه بگوید علی ولی الله المخلص الصفی للصمیم پس صد مرتبه بگوید اللهم صل علی النبی الامی محمد و آله و سلم
پس دوازده مرتبه بگوید یا الله انت عضدی ومنک مددی وعلیک معتمدی ناد علیا مظهر العجائب الخ پس
بیست مرتبه سوره فاتحه را بخواند پس ده مرتبه بگوید لا اله الا انت سبحانك اني كنت من الظالمين پس دوازده مرتبه بگوید

یا مفتح فتح یا مفرج فرج یا مسبب سبب یا مسهل سهل یا مدبر دبر یا میسر یسر یا متمم تمم و بعد از آن دعای مبارکه
صحیفه اللهم یا منتهی مطلب الحاجات را با شرایط دعا و ختم بخواند و تصدق نماید بعد از دعا یا پیش از دعا با آنچه مقدور است
که انشاء الله تعالی باجابت مقرون است ولا بیاس من روح الله الا القوم الکافرون و این ختم بین از جمله ختوم معتبره و شایعه است
بین العلماء کالشمس فی رابعة السماء و معتمد علیه است فعلیک بهذه الغنیمة   از جمله ختوم مجربه و موثره ختم دوازده امام
خواجه نصیر طوسی علیه الرحمه است و ابن بابویه قمی این دعا را در کتاب مزار ائمه روایت کرده و فرموده که در هیچ کاری این دعا را
نخواندم الا که بسرعت اثر استجابت او را دیدم و همچنین شیخ المحققین جمال الملة والدین ابن المطهر الحلی قدس سره این دعا را
در کتاب منهاج الصلاح آورده از برای هر مهمی که باشد توسل باین دعا بجویند بزودی مستجاب شود و فرموده که این دعا را
وسایل خوانند و دوازده امام خواجه مشهور و معروف و در اکثری از کتب ادعیه و بیاض دعوات ثبت است و اما اصل دعا
در تحفة الزائرین علامه مجلسی ره مذکور است و در کتاب مقصد المؤمنین حقیر که در خاتمه اینجا تمام است شروحها
مذکور است و ابن بابویه و علامه حلی فرموده اند که این دعا در هیچ مهم خوانده نمیشود الا اینکه بزودی اثر استجابت
ظاهر میشود همان دوازده امام است که آخوند مجلسی ره او را در تحفه ایراد فرموده و دعائی از برای قضاء حوائج هر یک را از اصل
مجربه کرده روایت از معصوم ع است و دوازده امامی که خواجه علیه الرحمه بعضی تصرفات در آن کرده و بعضی از القاب
مبارک ائمه ع علاوه و زیاده کرده بخواند تفاوت ندارد و طریقه ختمش این است که روز شنبه شروع نماید و هر روز
ده مرتبه بخواند تا دوازده روز و در پنجشنبه که سیزدهم است سه مرتبه بخواند که مجموع یکصد و پانزده مرتبه
میشود و اگر غسل در روز اول بعمل بیاورند و خلوت اختیار کنند بهتر خواهد بود   در بیان اوراد و ختوم هفته
که متعلق است بروز یکشنبه و آنها پنج است و مسمی اند بختوم مکتومه و جواهر منظومه   ختم سوره مبارکه انعام است
که از برای قضاء حوائج و انجاح مطالب و حصول رغایب و شفاء بیماران و دفع دشمنان بسیار موثر و مفید است و
خواندن سوره انعام از برای حصول مطالب و قضاء حوائج باین نحو مذکور از کنوز مخفیه است باید عامل وضو بگیرد
و بعد از ظهر روز یکشنبه دو رکعت نماز حاجت بجا آورد در هر رکعت بعد از حمد سوره قل هو الله سه نوبت بخواند
و بعد از سلام حاجت و مطلب خود را بنویسد در کاغذ و بعد از آن یکدفعه حمد بخواند و چهل و یکدفعه این آیه را
بخواند و افوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد و بعد باز سوره حمد را یک نوبت بخواند و سوره اخلاص را
سه دفعه و بعد شروع کند در قرائت سوره انعام و چون برسد بآیه فلا کاشف له الا هو چهل و یکدفعه
بگوید و افوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد و چون برسد بآخر آیه و هو اسرع الحاسبین باز چهل و یک نوبت
بگوید و افوض امری الی الله الخ و چون برسد بآیه و هدیناهم الی صراط مستقیم چهل و یکدفعه بگوید ربنا اتنا الذ

حسنة وفی الآخرة حسنة وقنا عذاب النار چهل ویک دفعه بگوید اللهم بحق هؤلاء الانبیاء وبحق جمیع الانبیاء
والمرسلین وبحرمة محمد وآله الطاهرین صلواتک علیه وآله وعلیهم اجمعین اقض حاجتی یا ارحم الراحمین
وچون برسد بآیه مثل ما اوتی رسل الله پس بگوید الهی من ذا الذی دعاک فلم تجبه ومن ذا الذی
سئلک فلم تعطه ومن ذا الذی استجارک فلم تجره ومن ذا الذی استعانک فلم تعنه ومن
ذا الذی استغاث بک فلم تغثه وباید بعد از کلمه فلم تغثه سه مرتبه بگوید واغوثاه اغثنی بعد از آن
چهل ویک دفعه بگوید ربنا انک جامع الناس لیوم لا ریب فیه ان الله لا یخلف المیعاد وسه مرتبه بگوید
اللهم یا نور النور یا رحمن یا رحیم یا حی یا قیوم یا ذا الجلال والاکرام اللهم افتح لی ابواب
رحمتک ومغفرتک ومن علی بدخول الجنة واعتقنی من النار وچون از خواندن فارغ شود این دعا را
بخواند اللهم یا شدید العقاب یا سریع الحساب یا غفور یا رحیم یا خالق کل شیء ویا رازق کل حی ویا فاطر
السموات والارض ویا فالق الحب والنوی یا فالق الاصباح یا خالق الاشباح یا مسبب الاسباب
یا مفتح الابواب یا قاضی الحاجات یا مجیب الدعوات یا ولی الحسنات یا دافع السیئات یا مقیل
العثرات یا محیی الاموات یا نور الارضین والسموات یا عالم الخفیات یا ساتر العورات
یا مانع البلیات اقض حاجتی فی هذه الساعة یا بدیع السموات والارض یا ذا الجلال والاکرام
یا ارحم الراحمین وصلی الله علی محمد وآله اجمعین وبعد از آن بلند کند هر دو دست را بدعا واز خداوند عالم
بخواهد وسؤال کند هر حاجتی را که بخواهد پس بدرستیکه قضا وبرآورده میشود ومستجاب میگردد وبلا شک واین ختم از مجربات است
در باب قضاء حاجات واین ختم وطریقه اش از خط بعضی از کتاب نقل این رساله شد وخذه وکن من الشاکرین

ایضا ختم روز یکشنبه

از جهت حوایج کلیه وادای دیون باید بعد از نماز ظهر وقبل از نماز عصر سوره مبارکه انعام را باین ترتیب بخواند واول مطلب را
بکاغذی بنویسد ودر هر موضع از مواضع اشاره ودعا برسد آن مطلب را که نوشته عرض قاضی الحاجات کند وبتضرع وزاری ونیاز واول
پیش از خواندن سوره پانزده بار بگوید وافوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد حسبنا الله ونعم الوکیل نعم المولی ونعم النصیر بعد از آن تا آخر
بخواند وشروع در خواندن سوره انعام کند وچون بآیه وذلک الفوز المبین برسد صد ویکنوبت بگوید وافوض امری الی الله بصیر بالعباد
وچون بآیه ثم ینبئکم بما کنتم تعملون برسد چهل ویکنوبت بگوید وافوض امری الی الله بصیر بالعباد وچون بآیه وهدیناهم الی صراط مستقیم
برسد بگوید ربنا آتنا فی الدنیا حسنة وفی الآخرة حسنة وقنا عذاب النار وسه مرتبه بگوید بعزة الانبیاء
وبعزة محمد اقض حاجتی وچون بآیه من الشاهدین برسد بگوید ربنا آمنا بما انزلت واتبعنا الرسول فاکتبنا
مع الشاهدین چهل ویکنوبت بگوید وافوض امری الی الله بصیر بالعباد وبعد از آن این دعا بخواند الهی من ذا الذی دعاک فلم تجب

(جواهر مکنونه)

وَمَنْ ذَا الَّذِی اسْتَجَارَ بِکَ فَلَمْ تُجِرْهُ وَمَنْ ذَا الَّذِی اسْتَغَاثَ بِکَ فَلَمْ تُغِثْهُ وَمَنْ ذَا الَّذِی تَوَکَّلَ عَلَیْکَ فَلَمْ
تَکْفِهِ وَاَغُوثَاهُ بِکَ اَسْتَغِیثُ اَللّٰهُمَّ اَغِثْنَا یَا مُغِیثُ وَافْعَلْ بِنَا مَا اَنْتَ اَهْلُهُ وَمُسْتَحِقُّهُ فَاِنَّکَ
اَهْلُ التَّقْوٰی وَاَهْلُ الْمَغْفِرَةِ وَاسْتَجِبْ دُعَائَنَا وَاشْفِنَا شِفَاءً عَاجِلًا وَاقْضِ حَاجَاتِنَا یَا قَاضِیَ الْحَاجَاتِ و چون
بآیه وربک الغنی ذو الرحمة رسد بگوید وانا الفقیر ذو الحاجة سه مرتبه و چون سوره را تمام کند چهل یک نوبت بگوید
واجعل لنا من لدنک ولیا واجعل لنا من لدنک نصیرا بعد از آن این دعا را بخواند یا سریع الحساب یا شدید العقاب
یا عفو یا رحیم یا خالق کل شیء یا رازق کل حی یا فاطر السموات والارض یا فالق الاصباح یا مسبب الاسباب یا مفتح
الابواب یا قاضی الحاجات یا کافی المهمات یا مجیب الدعوات یا دافع السیئات یا کاشف الکربات یا مقیل العثرات یا محیی الاموات
یا نور الارضین والسموات یا غافر الخطیئات یا سامع الاصوات یا ساتر العورات یا دافع البلیات اقض حاجتی فی هذه الساعة
بحق محمد وآله اجمعین بعد از آن سر بسجده نهد و تضرع بسیار کند چنانچه قطرات اشک بر رخسارش بریزد که ان شاء الله مظنه
استجابت است و در روایت شده که هر که خواهد روزی بر وی فراخ شود یا آنکه حاجت او روا شود شب پنجشنبه یا روز جمعه
یا شب جمعه با طهارت بجای پاک رو بقبله اول حمد بخواند و بعد شروع کند بخواندن سوره انعام تا آنجا بخواند که خدا
نؤتی مثل ما اوتی رسل الله پس برخیزد و دو رکعت نماز کند در هر رکعت هفت بار حمد و هفت بار آیة الکرسی و هفت بار
انا اعطینا بخواند و چون از نماز فارغ شود هم چنان رو بقبله سوره انعام تمام نماید و بعد سر بسجده نهد هفتاد بار بگوید
لا اله الا الله محمد رسول الله آنگاه حاجت بخواهد که ان شاء الله تعالی روا شود   مرویست که در وقت طلوع آفتاب روز
یکشنبه سوره قل یا ایها الکافرون ده مرتبه بخوانند و بعد از آن حاجتی که از قاضی الحاجات بخواهند روا شود   از مهمات
معتبره مجربه که مشهور و معروف است ختم دعای مبارک یا من تحل به عقد المکاره است که از دعاهای هفتم صحیفه سجادیه است
در وقت عروض امر مهم و نزول بلیه و وقوع حادثه و نزول هم و غم و دلتنگی و اضطرار خوانده میشود بطریقه که ما اجازه
دارم که بجهة قضای حوائج عظیمه و امور کلیه و اضطرار و افتقار بجا آورم طریقه اش این است که در اول فجر از روز یکشنبه غسل کند
و نماز فریضه صبح را بعمل آورده و بلا فاصله دو رکعت نماز حاجت بهر چه که میخواهد بکند و بعد از فراغ از نماز بدون فاصله که منافی
نماز است یکمرتبه دعا مزبور را بخواند و در روز دوشنبه یعنی بعد از نماز صبح دو مرتبه بخواند و روز سه شنبه سه مرتبه و همچنین
هر روز یک مرتبه زیاد کند تا روز چهاردهم از شروع که روز شنبه است چهارده مرتبه خوانده شود حاجت خود را هر روز
نیت نموده از جناب قاضی الحاجات میخواهد ان شاء الله برآورده میشود از جمله مجربات است و اگر تا بیست یک روز بدین نسبت هر روز
بخوانند بهتر است و اگر تا چهل یک روز بدین نحو مداومت بخوانند که ختم کبیر است اتم و اکمل خواهد بود و این ختم صغیر و وسط و کبیر هر سه از مجرب و
مجربات است و اگر با شرایط دعا که از قبیل طهارت بدن و لباس پاک و ترک معاصی را و احتراز از غیبت مسلمین و اکل لقمه حرام و غیر ذلک

چنانچه مفصلاً در باب اول از کتاب مقصد المؤمنین که در الخاتمه است از برای این خواتیم مختوم مجرب صحت و تجربه گذشت
خوانده شود یقیناً و جزماً تخلف ندارد و ملیک بالتجربه و در بعضی از کتب بنظر حقیر رسید که هر روز بعد از فراغ از دعا
مذکوره صد و ده مرتبه این دعا بخواند بعد بسم الله اَللّهمّ اجْعَلْ لی فَرَجاً وَمَخْرَجاً وَارْزُقْنی مِنْ حَیْثُ اَحْتَسِبُ
وَمِنْ حَیْثُ لَا اَحْتَسِبُ پس بسجده گذارد و حاجت خود را از قاضی الحاجات بطلبد و در میان دعا حرف نزند و شرایط دعا
مستحبه را بعمل آورد مثل اینکه پیش از دعا و بعد از دعا صلوات فرستد و بعد از دعا هر روز هفتاد بار بگوید اَللّهمّ
الْعَنْ اَبابَکْرٍ وَعُمَرَ وَعُثْمانَ وَمُعٰوِیَةَ وَعٰایِشَةَ وَحَفْصَةَ وَهِنْداً وَاُمَّ الْحَکَمِ و هم چنین گفته اند
که مستحب است پیش از خواندن یا من تحل سوره توحید را هفت مرتبه بخواند و استغفار کند و دعاها که وارد شده است
که پیش از دعا و بعد از دعا خوانده شود و الکثری از شرایط مستحبه در باب اول از کتاب مقصد المؤمنین مذکور شد
و معلوم است که خواندن دعا با شرایط واجبه و مستحبه و آداب مسنونه که از شارع ع منقول است بهتر است و در بعضی
از نسخه های معتبره چنین نوشته بوده اند که برادر زاده شیخ بهائی بر خط جد خود آنحضرت عسکری ع نقل کرده بود که ابتدا
در روز سه شنبه نماید تا ده روز متوالی هر روز ده مرتبه با وضو و رو بقبله مطلب را بخاطر گذرانند و ده مرتبه صلوات
بفرستند و چهل یک مرتبه یا الله بگوید و شروع کند بخواندن بسم الله الرحمن الرحیم یا من تحل الی قوله وقد نزل بی چهل و یک مرتبه
یا رب بگوید و سر بسجده گذارد مطلب را بخاطر آورد و بعد از آن شروع کند در تتمه دعا الی قوله وانت لی و باز چهل و یک مرتبه
یا رب بگوید با نسجده نماید و مقصد را بخاطر گذرانند و بعد تتمه دعا را بخوانند بعد از اتمام ده مرتبه صلوات بفرستند و چهل
و یک مرتبه اَللّهُ رَبّی بلی نفس بخوانند و استغاثه نموده مطلب را بخواهد که بر آورده است　　و در کتاب تهذیب القلوب
ختم دعا یا من تحل را باین نوع است که از روز یکشنبه شروع نموده تا ده روز هر روز ده مرتبه دعا مزبور را بخوانند و پیش
از شروع باین نحو صلوات بفرستند که اللّهم صل علی النبی محمد و آل محمد واجعل لی من امری فرجاً ومخرجاً وارزقنی
من حیث احتسب ومن حیث لا احتسب و در اول دعا ده مرتبه لفظ اللّهم را زیاد کند و در سه شنبه تمام نماید
که ان شاء الله تعالی روا شود و حاجت مبخشند و لکن این حقیر مجاز و ماذون شده ام طریقه اول است　　از میر محمد باقر داماد علیه الرحمة
فی المبدأ والمعاد منقول است که بجهة قضاء حوائج در صبح روز یکشنبه شروع نماید و انتها ختم بعد از نوبه عشا تعقیل بیاورد
که هفت روز بوده باشد باین معنی که در این هفت روز که ابتداء روز یکشنبه است و انتها آن روز شنبه آینده است
هر روز این دعا را بعد از نماز یکدفعه بخوانند بجهة هر مطلبی که در دل هست که اللّهم عظیم الهی بحق الخمسة محمد رسولک
علی وصی رسولک و فاطمه بنت رسولک والحسن والحسین سبطی رسولک و بعزتک و جلالک و وجهک الکریم اسئلک
تصلی علی محمد و آل محمد وان تجعل لی مما انا فیه فرجاً ومخرجاً برحمتک التی لا تضیق من شیء وبقدرتک التی لا یملکها من احاط بها

نبئ فی السموات والارض تضایقی تتفرجی تضایقی تتفرجی تضایقی تتفرجی باید در وقت تلفظ بکلمهٔ تضایقی تمام
انگشتان هر دو دست را ختم نماید و در کلمهٔ تتفرجی انگشتان را بگشاید و قدوة المحققین واعاظم المجتهدین علیه الرحمه
فرموده که هر که مضطرب به باشد واجب اللزوم رعایت بر این دعوت باشد و در عرض یکهفته عقب هر نماز این دعا بخواند
توجه و توسلی او بهم رسد و نهایت شادی باو روی دهد و فرموده اند که این ختم مشایخ ما از حضرت صاحب الامر ع شنیده شد
واز مجربات است و در بعضی رسایل وارد است که تا یکهفته در عقب هر نماز یکمرتبه باید بخواند که مجرب است و مقید بروز
یکشنبه نیست   در ذکر اوراد وادعیه و ختمهای مجربه نهایتیکه آنها را باید در روز دوشنبه یا جمعه یا پنجشنبه
خواند و آنها چند نوع است   ختم نوع دوم سورهٔ مبارکه یا ایها المزمل است و طریقه اش بنحو است که در نوع پنجم
مذکور گردید   ختم آیهٔ مبارکه و من یتق الله است که از جهت کثرت رزق و بسیاری مال و زیادتی سامان و جمعیت
و رسیدن بمال و منال و متاع دنیا و مثل ذلک از امور دنیویه از ختوم مجربه است و جمع کثیر از علما تجربه نموده اند و طریقه
انیقهٔ آن باین نحو است که باید ابتدای ختم روز جمعه یا پنجشنبه یا دوشنبه باشد و پنجشنبه بهتر از جمعه و دوشنبه است.
تا چهل روز هر روز یکصد و پنجاه و دو مرتبه بخواند بدون زیاد و کم و بهتر آن است که بعد از نماز صبح بخواند مکرر در روز چهلم
که یکصد و هفتاد و دو مرتبه بخواند که مجموع ششهزار و سیصد و هشتاد مرتبه میشود که عدد مجموع آیات البقره بعد از
خواندن یا در اثنا خواندن ابواب فتح و مقصود بر که او گشاده میشود و در ابتدای ختم غسل از برای قضای حاجت و استجابت
دعوت و دو رکعت نماز حاجت و صد بار صلوات بعمل باورد و به نیت صافی و اعتقاد درست و دل جمع آیهٔ مبارکه را بنحو
مذکور بخواند و دعا کند که جناب قاضی الحاجات چندان مال باو کرامت فرماید که از حساب او خارج آید و در دهه اول انشاء الله
فتح است و در روز چهلم که ختم تمام شود یا زیکصد مرتبه صلوات بفرستد و اگر در دههٔ اول مقصود حاصل نشود در دهه
ثانی و ثالث مقصود حاصل است و اگر احیانا در اثنا چهل روز فتح نشود ختم از سر گیرد که انشاء الله بلا شک و بدون شبهه
در ختم دوم مراد حاصل است و بعد از آنکه ابتدا بختم کرد جا خلوت اختیار کند و با احدی تکلم نکند و پشت سر هم نگاه نکند
و در آخر ختم یعنی بعد از روز چهلم با زیکصد مرتبه صلوات بفرستد و این طریقه بسه واسطه از خط علامه مجلسی ره نقل شده
و این ختم که با شرایط خوانده شود از جملهٔ مجربات است و آیهٔ شریفه در سورهٔ طلاق است و حکایت عجیب در خصوص آیهٔ مبارکه
صاحب تاریخ فرج بعد از شدت نقل کرده هر کس خواسته باشد بآنجا رجوع کند   ختم لعن چهار ضربت و آن بچند
طریقه است   که حقیر کثیر التقصیر بآن اعتماد دارم و چندین مرتبه خوانده اثر کلی از آن مشاهده شده طریقه است که از جناب
سید ورع متقی عالم و عابد زاهد نتیجة الاصفیا و فخر السالکین العالم الصمدانی آقا سید حسین تبریزی ره منقول است و آن باین
نوع است که در روز دوشنبه در زیر سقف آسمان که بعبارة اخری تحت السماء است هفتاد و چهار دانه سنگ ریزه برچیده را د

(لآلی مخزونه)

وسی و هفت دانه را بدست راست و سی و هفت دانه را بدست چپ و بعد از آن هر یک را یکی یکی بر مخلوط کند و سنگها که بدست راست

چپ بدست راست خواهد کرد و سنگریزه‌ها اول بعد از آن سی و هفت عدد سنگ ریزه دو مرتبه بگوید اللهم صل علی محمد

و آل محمد مکرر از برای سنگریزه آخر که از برای تعداد است شش مرتبه صلوات بفرستد تا که مجموع صلوات سیصد و شصت و شش مرتبه میشود

و بعد از آن هر یک از آن سنگ ریزه‌ها که بدست چپ نهاده بر داشته دو مرتبه بخواند لعن الله … ثم ابابکر و عمر ثم

عثمان و عمر لعن الله عمر مکرر و سنگ ریزه آخر را … شش مرتبه بخواند و میشود که عدد لعن هم سیصد

شصت و شش مرتبه میشود بعد از اتمام ختم دست بر دارد از قاضی الحاجات مطلب خود سؤال کند و بعد سنگ ریزه‌ها

که بدست راست آنها را بر داشته در آب روان اندازد و سنگریزه‌های دست چپ را در همان جا گودالی کند و دفن نماید که

ان شاء الله تخلف ندارد و جمعی نیز در خصوص این ختم امتحان و تجربه کرده اند و حکایت عجیبه و تاثیرات غریبه نقل کرده اند

و اگر لعن را باین نحو بخواند باز صحیح است اللهم العن عمر ثم ابابکر و عمر ثم عثمان و عمر اللهم العن عمر از بعضی

مشایخ مسموع شد که هر وقت که خواسته باشد از برای قضای حاجت روز اول لعن چهار ضرب یا صد مرتبه بخواند و روز دوم

صد و یکدفعه و در این ختم الفاظ حصا و حفر نمودن … و حقیر در خصوص این نوع اجازه دادم و تجربه دیده ام

رو بقبرستان یا مکان خلوتی که میسر باشد و سیصد و شصت سنگ ریزه بعدد ایام سال بر چیند و بهر یک لعن

سابق را یکدفعه بخواند و گودالی حفر کند و سنگریزه‌ها را در آن گودال اندازد و گودال را پر کند که مقصود انشاء الله

حاصل است و اگر دو دفعه دو قدم … تاثیر نکند یکدفعه دیگر کند تا انشاء الله … ببخشد اگر حفر نکند و بهفتاد و یک عدد

سنگ ریزه بر چیند و بهر یک یکمرتبه بخواند لعن سابق را و در آن گودال اندازد و بعد گودال را پر کند ختمی است که

از جناب آقای سید بحر العلوم اعلی الله مقامه منقول است و این ختم را ختم کبیر گویند روز چهار شنبه باید بصحرا رود و رو بطرف

مشرق کند و هزار و یکصد سنگ ریزه بهر یک یکدفعه لعن زیر را بخواند بلفظ اللهم العن … در مکان خلوت و بعد گودالی

بکند و سنگها را در آن گودال دفن کند و بعد از اتمام قصد بآمدن خانه خود بکند و در وقت آمدن هزار بار صلوات

بفرستد و اگر چهار شنبه اول قضاء حاجت نشد در چهار شنبه دوم بطریق مزبور و چهار شنبه سیم تخلف ندارد چه این از مجربات است

و باید دانست که مطلق ختم چهار ضرب در میان مشایخ و اکابر دین و قاطبه علماء امامیه در غایت اشتهار است

و در این خصوص احادیث مستفیضه وارد شده اند بلکه لعن بر اعداء دین و ظالمین اهلبیت طاهرین ع در احادیث

صحیحه و آیات قرآنی و سایر کتب آسمانی وارد است و چگونه چنین نباشد که همه نعمتهای دنیا و آخرت که بمخلوقات آسمانها

و زمین بهما میرسد بسبب ولای ایشان و بواسطه تبری از اعداء آن بزرگواران میباشد و از این راه است که مردود شده اند

اینها از دعاها … و دعای صنمی قریش برای این مطلب شاهد است اللهم العن اول ظالم ظلم حق محمد …

(جواهر مکنونه)

برنیاید و در دعای صحیفه سجادیه سید الساجدین علیه السلام که در عید اضحی و در روز جمعه خوانده لعن صریح بر غاصبین خلافت
و بر کسانیکه راضی بافعال ایشان بوده فرموده اند طریق دیگر در روز چهارشنبه هزار سنگ ریزه تحصیل کند و صبح یوم چهارشنبه
وضو ساخته از منزل خود بیرون رود بصحرا یا بقبرستان و در عرض راه بغیر از جواب سلام با احدی حرف نزند و تا موضع مقصود
استغفار بخواند و بعد از رسیدن موضع مقصود دو رکعت نماز حاجت کند و بعد گودالی در طرف دست چپ بکند و هر دانه از سنگها
یک لعن بخواند در گودال اندازد و بعد از اتمام شدن سنگها حاجت خود را از قاضی الحاجات بخواهد و بعد خاک بر روی آن گودال بریزد
و بعد روانه منزل خود شود و تا آمدن بمنزل هزار دفعه صلوات بفرستد و مقارن ورود خانه اما باید در مراجعت نگاه
بعقب خود نکند و در دیگر خواند هرگاه مطلب حاصل شد فبها والا چهارشنبه هفته دیگر باز از سر گیرد و تا سه دفعه تکرار کند انشاء الله
مرادش حاصل خواهد شد   در روز شنبه یا چهارشنبه سیصد و شصت و شش دانه جو بردارد و در کنار آب جو رفته رو بقبله
هر جو یکمرتبه لعن بخواند و در گودالی اندازد و بعد گودال را پنهان کند در طرفی که آب جاری و یکصد قدم فاصله و بعد بر روی گودال
زهر آب بریزد و برود و طریقه لعن این است لعن الله عمر ثم ابابکر و عمر ثم عثمان و عمر لعن الله عمر   ایضاً روز
دوشنبه بصحرا رود و چهارصد و بیست و پنج دانه سنگ ریزه برچیند و در میان قبرستان گودی بکند و رو بقبله هر سنگ ریزه
یکمرتبه لعن بخواند و در آن گود اندازد خاک بر روی آن کند هرگاه دفعه اول بمطلب رسید فنعم المطلوب و اگر نه دوشنبه دوم
و سیم تکرار کند که البته بمطلب برسد باید اینطور بخواند اللهم العن عمر ثم ابابکر و عمر ثم عثمان و عمر اللهم العن عمر
از فصل اول در بیان اوراد و ختوم که در روز سه شنبه آنها را باید بعمل آورد و آن یک دعا است در روایت وارد شده
که اگر کسی تا ده روز بخواند و ابتدا از روز سه شنبه نموده هر روز هزار و دویست مرتبه و در پنجشنبه ختم نماید و در روز
ختم اول خیر بیخ دو نان بفقرا دهد دیگر احتیاج بعد از آن هم نماند و دعا این است یا قوی یا غنی یا ملی یا وفی
و در روایتی در یک مجلس دوازده هزار مرتبه وارد شده است و این ختم مبارک را از ختوم مطلقه نیز شمرده اند چنانچه در فصل اول
گذشت   از فصل اول در بیان اوراد و ختوم که در روز چهارشنبه باید آنها را بعمل آورد و این چند قسم است   از برای
هلاک دشمن اهل ختم و ستمکاران وقت طلوع آفتاب روز چهارشنبه چهل یکمرتبه نادعلیا را بخواند بجهت قوم رو باد بطرف خانه او مذموم
بدمد البته عدو هلاک شود و اگر بقصد ذلت بخواند ذلیل خواهد شد چنانچه مکرر بتجربه رسیده و تخلف ندارد و بعد بسمله
بفصل بسم الله الرحمن الرحیم بتبرکه بسم الله الرحمن الرحیم یا اباالغیث اغثنی نادعلیا الخ   از سید
داماد مرحوم منقول است برای دفع اعدا در رکعت اولی بعد از حمد سوره والضحی والم نشرح و در ثانیه حمد والم تر کیف و لایلاف
بخواند و بعد از فراغ از نماز ده مرتبه بگوید بعد بسمله لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم یا حی یا قیوم ایاک نعبد و ایاک
نستعین اللهم اکفنی بأس من اراد بی سوء و اساءة فانک اشد بأسا و اشد تنکیلا و بعد بگوید اللهم اجعل

فی قلبی نوراً واجعل فی لسانی نوراً واجعل فی بصری نوراً واجعل فی سمعی نوراً واجعل فی خلفی نوراً ومن امامی نوراً
واجعل من فوقی نوراً ومن تحتی نوراً اللهم اعطنی نوراً وبعضی این دعا را موقت کرده اند بروز چهارشنبه والله اعلم
از شیخ بهائی ره منقول است که هر که صد بار این دعا را باشرایط از قبیل حضور قلب و طهارت ثوب و احتراز از لقمه حرام
و شبهه نات وغیر ذلک ده روز هر روز ده مرتبه بخواند و از روز چهارشنبه ابتدا کند و در جمعه ختم کند اگر مطلب وی حاصل
نشود بر من لعن کند بعد بسمله یا مفتح الابواب و یا مقلب القلوب والابصار و یا دلیل المتحیرین و یا غیاث المستغیثین
توکلت علیک یا رب فاقض حاجتی واکفنی مهمی ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم وصلی الله علی محمد وآله اجمعین
از جمله مجربات است و ان شاء الله بحصول مقصد من الرحمن تخلف ندارد ابتدا از روز چهارشنبه اول ماه کند بعد از نماز صبح
قبل از تکلم با احدی سوره الم نشرح را هفده نوبت تا هفده روز بخواند و بعد از فراغ از هفده مرتبه یکمرتبه دعای اللهم یا منتهی
مطلب الحاجات تا آخر و بعد دعای یا من تحل به عقد المکاره را از صحیفه سجادیه بخواند و این از جمله مجربات است   از جهت
قضای حوائج از روز چهارشنبه ابتدا کند تا ده روز هر روز صد مرتبه بخواند و در حین خواندن حرف نزند و اگر ساخته نشود
تکرار کند بفضل الهی ساخته میشود بعد بسمله یا مفتح الابواب و یا مسبب الاسباب و یا مقلب القلوب والابصار یا دلیل المتحیرین
یا غیاث المستغیثین یا مالک یوم الدین ایاک نعبد وایاک نستعین نقل شد از نسخه از خط سید داماد میر باقر ره
از برای قضای حوائج ختم چهار مرتبه در روز چهارشنبه بآن نحوی که مذکور شد و در ختم نهاریه روز دوشنبه
ختم سوره مبارکه یس است از برای تحصیل علوم دینی و علم حساب هر روز سه مرتبه یا یکهفته و ابتدای آن باید از روز
چهارشنبه باشد چنانچه گذشت   از برای غنا و توانگری دو رکعت نماز به نیت قضای حاجت و به نیت اینکه
خداوند تبارک و تعالی او را غنی و صاحب ثروت کند بعمل آورد و در روز چهارشنبه چهل نوبت سوره کوثر را بخواند که ان شاء الله تعالی
مال بسیار نصیب او شود   در بیان ذکر اوراد و ختوم نهاریه مقیده که آنها را باید در روز پنجشنبه خواند و آنها
ده قسم است   بجهت حصول مطالب کلیه از امور دنیویه و اخرویه روز پنجشنبه روزه داشته و غسل کند و صد مرتبه
صلوات بفرستد و دو رکعت نماز حاجت کند در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه آیة الکرسی و بیست مرتبه قل هو الله احد بخواند
و بعد از سلام چهل و یکبار یا وهاب بگوید که تاثیر عظیم دارد و این دعا تجربه شده و این ختم را کرده اند والله اعلم   ایضاً هر کس
در روز پنجشنبه چهار رکعت نماز کند بدو سلام در رکعت اول بعد از حمد یازده مرتبه سوره اخلاص و در رکعت دوم بعد
از حمد دوازده بار سوره اخلاص در رکعت سیم بعد از حمد سیزده بار سوره اخلاص و در رکعت چهارم بعد از حمد چهارده بار سوره اخلاص
بخواند و بعد از اتمام نماز پنجاه یکمرتبه سوره اخلاص را بخواند پنجاه و یکبار صلوات بفرستد پس سجده کند و در سجده صد بار
یا الله بگوید و حاجت خود را بخواهد که ان شاء الله مستجاب است و از مجربات است   ختم مبارک آیه و من یتق الله

کار را از روز پنجشنبه ابتدا توان نمود و کیفیت آن مذکور گردید بجهت قضاء حوائج روز پنجشنبه پانصد مرتبه بخوانند
که اثر عظیم دارد و بتجربه رسیده والله اعلم بعد بسمله من کان یرید العزة فلله العزة جمیعا از جمله آنها
که روز پنجشنبه باید بعمل آورد ختم سوره مبارکه الم نشرح است و بیان آن در قسم بیست پنجم از فصل اول گذشت در شرح
اسماء الله مذکور است که هر که روز پنجشنبه وقت چاشت هشت رکعت نماز نماید بچهار سلام و بعد از آن پانصد مرتبه بگوید
یا سمیع بشرط آنکه در اثنای ذکر با احدی حرف نزند بعد از آن دعا کند انشاء الله تعالی دعای او مستجاب گردد و اگر اسم البصیر را
با او ضم کند عنقریب باجابت مقرون گردد و اگر بعدد جمل ایشان که چهار صد و هشتاد و دو است بخواند اولی بوجه ادراک
حصول مال و منال و دولت روز پنجشنبه دو رکعت نماز صاحب عمل باید و بعد سوره یس را بخواند و این عمل را تا سه روز بعمل آورد
و اگر روز یکشنبه و سه شنبه و پنجشنبه بعینه بجا آورد نور علی نور میشود و البته مجرب است هر از یک هو الله احد است که بنابر بعضی
از روایات او را از ختوم مقیده نوشته اند و او را بعد از نماز صبح در روز پنجشنبه یا جمعه باید خواند و کیفیت آن در نوع بیست پنجم گذشت
ختم سوره مبارکه مزمل است که ابتدای آن باید از روز دوشنبه یا پنجشنبه باشد و طریقه آن در نوع بیست پنجم در ضمن ختوم
مطلقه گذشت از جناب حضرت صادق ع مرویست که هر کرا حاجتی باشد بیگ خدا بیتم روز پنجشنبه چهار رکعت نماز کند
بعد از غسل و در هر رکعت بعد از سوره حمد سوره قدر را بیست و نه و چون سلام بدهد صد مرتبه بگوید اللهم صل علی محمد و آل محمد
و بعد از آن دستها را بلند کند بسوی آسمان و ده مرتبه یا الله بگوید و بعد از آن حرکت بدهد هر دو انگشت سبابه اش را و پانزده مرتبه
بگوید یا الله و بعد بگوید یا رب یا رب آنقدر که نفس تنگ شود و بعد از آن بلند کند دستش را برابر رویش و ده مرتبه یا الله
بگوید و بعد بگوید یا افضل من رجی و یا خیر من دعی و یا اجود من اعطی و یا اکرم من سئل یا من لا یعز علیه ما فعله
یا من حیث ما دعی ولی اجاب اللهم اسئلک موجبات رحمتک و باسمائک العظام و بکل اسم لک عظیم و اسئلک بوجهک
الکریم و بفضلک العمیم و باسمائک الذی اذا دعیت به اجبت و اذا سئلت به اعطیت و اسئلک باسمک العظیم الاعظم
بادیان یوم الدین یا محیی العظام وهی رمیم و اسئلک بانک الله لا اله الا انت ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تیسر لی
امری و لا تعسر علی و تسهل لی مطلب رزق من فضلک الواسع یا قاضی الحاجات یا قدیرا علی ما لا یقدر علیه غیرک یا ارحم
الراحمین و یا اکرم الاکرمین و روایت کرده این عمل را شیخ ابو العباس احمد بن محمد بن عباس در کتاب اغسال و روایت کرده اند
اسحق بن عمار و داود بن کثیر و مفضل بن عمر و شعیب بن تار و معلی بن قیس و عمران بن اعین و مجموع این راویها اجماع کرده اند
در روایت آن و روایت شده که اسمعیل بن قیس شکایت بحضرت صادق ع از تنگی حضرت فرمود این عمل را چند دفعه بعمل بیاور
پس کرد او این عمل را پس بسیار رشد مال او و بخدمت آنحضرت پانصد دینار از آن مال برد و آنحضرت امر فرمود که از اموال
برادران دینی تفقد کن نعم ما قیل نه مرد است آنکه دنیا دوست دارد اگر دارد برای دوست دارد
در بیان ختوم بن داود

(لآلی مخزونه)

نمازیکه در خواندن آنها شرط شده ساعتی یعنی از ساعات معین و بخصوص از اوقات نهار مطلق خواه آنکه مشروط باشند
بیک دفعه خواندن یا زیاده و تکرر عمل را و شرط باشد یا نه خواه آنکه خواندن آنها مشروط باشد بروز مطلق از ایام هفته
و خواه مقید باشد بروز معینی و آنها یازده است   شیخ رجب برسی در بعضی از تصانیف خود ذکر کرده که هر که ذکر کند لفظ
جلاله را یعنی الله را بعدد حروف ندا در چاشت و عصر و در ثلث آخر از شب البته می رسد بمطلوب و هر که ذکر کند العزیز را تا چهل روز
هر روز چهل مرتبه محتاج نمیشود   هر که در نصف روز یا نصف شب دست بدعا بردارد و صد بار یا رافع با حرف ندا یا الرافع
با الف لام تعریف بگوید در میان خلق بزرگ میشود و صاحب جاه و رفعت می گردد و اگر بعدد جمل وی که سیصد و پنجاه و یک است
بخواند منفعت و نتیجه وی ابلغ و اتم خواهد بود   در شرح اسماء الله آورده اند که هر که بامداد قبل از نماز صبح در چهار
زاویه خود در هر زاویه ده بار بگوید الرزاق و آغاز از دست راست کند و بجانب قبله رود از فقر و فاقه و بینوائی
خلاص میشود   هر که در اول ساعت از روز هر روز سیصد و هشت دفعه یا رزاق با حرف ندا یا سیصد و هشت دفعه
الرزاق با الف لام تعریف بگوید البته روزی وسیع گردد من حیث لا یحتسب مجرب است   بعد از نماز صبح این ختم و این دعا را
از برای قضاء حوائج بخوانند که بسیار مجرب است و این دعا منسوب است بحضرت امیر المؤمنین ع و این دعا سریع الاجابة و شدید
الاثر است و هر گونه فواید که در جمله ادعیه و اوراد منظور است جملگی در این دعاست و طریقه خواندن آن پنج قسم است
قسم اول اگر کسی را مطلبی بوده باشد بعد از نماز صبح پیش از آنکه منافی نماز از او سر زند با لباس پاک و دل جمع و عقیده تمام
این دعا را صد یا یازده بار بخواند و اگر خدا نخواسته مقصود حاصل نشد تا سه روز بهمین دستور بخواند البته مقصود و مطلب او روا
گردد و چون دعا تمام شود بیست و یک مرتبه یا ذا الجلال و الاکرام و ده نوبت صلوات بفرستد و چهل و یک دفعه لفظ جلاله را یعنی یا الله را
بیک نفس بگوید و علما وصیت کرده اند که پنهان دارند این عمل را از نا اهلان مخفی دارند که از مجربات است و باید داعی در کلمه
انجح طلبتنا مطلب را بخاطر بگذراند و اگر در خواندن ملاحظه معانی کند و بحضور قلب بخواند بهتر است و در اکثر بلایا
و شداید بتجربه رسیده است و دعا مزبور در این چهار قسم که در ختوم شب جمعه بعد مذکور میشود و جای نیز در قسم پنجم
از ضمنها شب جمعه است   از مقاتل بن سلیمان نقل شده که هر که را حاجتی بوده باشد باید که بعد از فریضه بامداد بی
آنکه با کسی متکلم شود یا از قبله بگرداند صد بار بگوید بعد بسمله لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم یا حی یا
قیوم یا حلیم یا ندیم یا دائم یا فرد یا وتر یا احد یا صمد یا حی یا قیوم یا ذا الجلال و الاکرام صل علی محمد
و آل محمد و افعل بی کذا و کذا و بجای کذا و کذا حاجت را نام برد و مقاتل گفته که اگر این دعا را با اخلاص بخوانند و اثر
اجابت نبیند بر من لعنت کنند خواه زنده باشم و خواه مرده و باید تا سه روز بهمین دستور بخوانند که مجرب است
قضاء حوائج و حصول مطالب کلی و جزوی کائنا ما کان بعد از نماز صبح اول صد مرتبه خفی و بعد صد مرتبه جلی این آیه را بخوانند

بشرط حضور قلب وخضوع وخشوع ونجیناه واهله من الکرب العظیم درخانه اگر کسی است بکر و زیر است ختم سوره
مبارکه قل هو الله احد است در روز پنجشنبه یا جمعه بعد از نماز صبح بنا بر روایتی و کیفیت آن در نوع بیست پنجم به تفصیل گذشت
از برای طلب مال و توسعه در احوال و خیریت عاقبت و مآل بعد از نماز صبح و بعد از سلام دادن نماز صبح بلا فاصله بگوید
بعد بسمله وصلی الله علی محمد وآله الطاهرین اللهم انی ادعوک باسمائک الحسنی یکمرتبه و بعد صد و شش مرتبه یا جواد
یا لطیف یا باسط یا مغنی یا الله یا لا اله الا هو پس بعد از صد و شش مرتبه بگوید یکدفعه اسئلک ان تصلی
علی محمد وآل محمد وان تعطینی من خزاین جودک ما تغنینی غنی لا احتاج به الی غیرک وان تغنینی الی
طاعتک واداء حقک الیک از جمله مجربات است اگر کسی این آیات که بعد از سوره بقره تا چهل روز متوالی
هر روز بیست و یکنوبت بعد از نماز صبح بخواند از فلاکت و درویشی و عسرت خلاص شود و باید بعد از نماز صبح بخواند که بیست و یک
مرتبت و آیه این است یا بنی اسرائیل اذکروا نعمتی التی وانتم تعلمون ختمی است که او را ختم احزاب گویند منقول است
از حضرت صادق ع که بجهت بر آمدن جمیع حاجات و مهمات دینی و باید پیش از شروع غسل جمعه کند و دو رکعت نماز کند و از سوره
آل عمران آیه ثم انزل الله علیکم من بعد الغم تا علیم بذات الصدور و از سوره انا فتحنا محمد رسول الله والذین معه تا آخر
سوره بخواند و ده مرتبه صلوات بفرستد و ده نوبت بگوید یا رب و ده نوبت بگوید یا ارحم الراحمین و بعد بخواندن قرآن
شروع کند باین ترتیب یوم الجمعه از فاتحه تا سوره مائده یوم السبت از مائده تا یونس یوم الاحد از یونس تا بنی اسرائیل
یوم الاثنین از بنی اسرائیل تا شعرا یوم الثلثا از شعرا تا والصافات یوم الاربعا از والصافات تا ق والقرآن یوم الخمیس
از ق تا آخر قرآن و در هنگام قرائت سخن دنیا نگوید و اگر توفیق یابد در آخر ختم باین منوال بلا فاصله بخواند فواید
بسیار و سعادت بیشمار یابد که بوصف در نمی آید و تقریر از تحریر عاجز است و بعد از قرائت هر روز دعا که نوشته میشود
بخواند و بعد از هر ختم هر روز سر بسجده نهد و حاجات و مطالب خود را بدرگاه حضرت عزت عرض نماید و دعا این است بعد
بسمله اللهم لک الحمد والیک المشتکی وبک المستغاث وانت المستعان وعلیک التوکل
ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم ونقل است از بعضی اکابر که چون ختم احزاب تمام شد سر بسجده نهد و پنج بار
بگوید سبوح قدوس ربنا ورب الملائکة والروح سه چهار ده و آیة الکرسی را بخواند و باز بسجده رود و دعای
تبیح را بخواند پس سه چهار ده هر حاجت که دارد بخواهد انشاء الله روا گردد در بیان اوراد و ختوم لیلیه معینه
مقیده که آنها را باید در شبی از شبهای هفته خواند مطلق چه بکره عمل و زیاده از یکدفعه و مراعات ساعتی از ساعات
و وقتی از اوقات در خواندن آنها باشد و چه نباشد و آنها هفت است بعدد شبهای هفته و چون میان ایام و لیالی اسبوع
یوم الجمعه بهترین ایام و لیالی است و دعا در آن شب بعد ترید بدرجه اجابت میرسد و در آن شب جناب اقدس الهی خطاب میفرماید

بر بنده کان که آیا محتاجی هست که در این شب دفع احتیاج خود را از من بطلبد تا من دفع نمایم آیا دعا کننده هست که دعا کند
بدرگاه من تا من دعاء او را مستجاب کنم آیا بیماری هست که از من شفا طلبد پس بنا علی هذا مراعاةً للمراقبه شب جمعه از سایر ایام
و لیالی مقدم داشتم و این فصل هشتم نامیدم بخزاین الاسرار   در ذکر اوراد و ختوم که در لیلة الجمعه باید خوانده شود و ابتدای
آنها در شب جمعه است و انتهای هفته است   منقول است که اگر کسی را حاجتی بدرگاه خداوند تعالی روی داده باشد و مطلبی از خدا
بخواهد از مقوله دولت و عزت و علم و عمل یا آنکه بدین گرفتار بود و از فقر و فاقه و ناخوشی جسمانی و الم روحانی باید در شب جمعه بعد
از آنکه ثلثی و ثلثان از شب بیدار شود و وضو کامل بعمل آورده بنیت اوراد و دعا با حضور نماز دو رکعت نماز حاجت بعمل آورده
بهر سوره که میسر باشد بعد از آن صلوات بر محمد و آل او بفرستد بهزار بار بگوید بسم الله الرحمن الرحیم و بعد از اتمام باز صد مرتبه
صلوات بفرستد و مطلب خود را بقاضی الحاجات عرض کند که ان شاء الله برآورده است و اگر دفعه اول مطلوب بعمل نیاید شب جمعه دویم
نیز بعمل بیاورد و اگر دفعه دوم باز نیامد دفعه سیم بعمل آورد ان شاء الله تخلف نخواهد کرد و قاصر میگوید این ختم از جمله اسرار است
و در خصوص قضای مهمات و انجاح مرادات از جمله مجربات است و در اول و آخر دوازده مرتبه صلوات هم اکتفا میشود عیب ندارد
مرویست که اگر کسی را پریشانی و تنگی روی دهد ماهی سه روز روزه بدارد چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه و در شب جمعه جامه پاک
بپوشد و طهارت کند و آن شب طعام اندک بخورد پس بعد از نمازها واجبی و نافله دو رکعت نماز حاجت کند و از خدا صلاح خود
خواهد پس هزار بار صلوات بفرستد و بعد از آن از سوره حم عسق آیه یا عبادی لا خوف علیکم الیوم و لا انتم تحزنون را
تا و منها یاکلون بخواند و صلوات تا در خواب بعد در اول و وسط ها و آخر ها چنین کند خیر و برکت بظهور آید و آنچه مکروه میداشت
بحسب و بلی از و زایل میشود   از علما و مشایخ منقول است که هر که در نیم شب جمعه برخیزد و نماز تهجد گذارد و بعد از آن چهار رکعت
نماز کند و در هر رکعت بعد از فاتحه سوره مدثر را سه مرتبه بخواند و بعد از آن صلوات صد بار بفرستد پس هر حاجتی که داشته باشد
از خدا ایتم بخواهد حاجت او روا شود   مرویست که اگر کسی در کاری فرومانده باشد و نداند که چه کند باید شب جمعه یا در سایر
شبهای متبرکه از مقوله شبهای احیا و سایر شبهای رمضان المبارک بعد از نمازهای فریضه با وضو و رو بقبله کند و سه مرتبه صلوات بفرستد
و بعد دو رکعت نماز حاجت کند و چهل بار سبحان این دعا بخواند بعد از آن رو بقبله بخوابد بطریقیکه میت را در لحد میخوابانند
که در خواب باو گویند که چه باید کرد و آنچه که ببیند با کسی اظهار نکند و دعا این است بعد بسمله یا نور النور و یا مدبر النور
بلغ عنی روح محمد و ارواح آل محمد تحیةً و سلاماً برحمتک یا ارحم الراحمین و صلی الله علی خیر خلقه محمد
و آله اجمعین   از برای قضای حوائج و انجاح مقاصد و مآرب نمازیست که بسیار عرفا کاربند برآن قیام نموده اند
و از تاثیر آن تخلف ندیده اند و طریقه آن این است که شب جمعه بعد از نماز خفتن بمقام خلوت رود و دو رکعت نماز
بنیت قضای حاجت که دارد در رکعت اول بعد الحمد از اول سوره انعام تا و کنتم عن آیاته تستکبرون بخواند و در رکوع رود و در رکعت دوم

بعد از حمد از آیه ولقد جئتمونا فرادی تا آخر سوره بخواند و قنوت بعمل آورد و چون از نماز فارغ شود هزار نوبت صلوات بفرستد
بعد از آن دعا کند و حاجت خود را از خدا بتعالی بخواهد که البته باجابت مقرون است و اگر چه میان نماز و آن حاجت بعد المشرقین باشد
و عامل بعد از عمل باید قدرت الهی را ملاحظه کند و این نماز مشهور است به نماز کن فیکون و از مجربات است و بهر امیدی و مطلبی
که این نماز را بخوانند بخوبی که البته مطلب بعمل می آید و اگر سوره را از حفظ نتوانند بخوانند شاید از روی مصحف هم جایز باشد
برای قضای حوائج در شب جمعه غسل کند و جامه پاک بپوشد و چهار رکعت نماز کند و در رکعت اول بعد از حمد صد مرتبه بگوید
و افوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد و در رکعت دوم بعد از حمد صد مرتبه بگوید الا الی الله تصیر الامور و در رکعت سیم
بعد از حمد صد مرتبه بگوید انا فتحنا لک فتحا مبینا و بعد از آن بگوید غفرانک ربنا والیک المصیر و بعد از فراغ از نماز
سجده کند و در سجده هفتاد مرتبه بگوید استغفر الله واتوب الیه که چون سر از سجده برداشته باشد که خدا بتعالی حاجت او را
روا کند و این نماز را از مجربات شمرده اند   ایضا منقول است که از جهت غنی و ثروت و توسعه در معیشت در جمعه دو رکعت نماز
کند و اگر با غسل باشد بهتر است و در هر رکعت حمد یکبار و سوره الم نشرح هفت بار و آیه ام عندهم خزائن رحمة
ربک العزیز الوهاب ام لهم ملک السموات والارض وما بینهما فلیرتقوا فی الاسباب پانزده بار بخوانند و
چون سلام باز دهد هزار بار بگوید یا وهاب و بعد از آن مطلب را از خدا بتعالی سؤال کند که جناب واهب العطایا گنجی
از گنجهای رحمت خود و خزینه از خزائن نعمت خود باو عطا فرماید و توسعه در امر او پدید آید   از جهت حصول مطالب
شب جمعه یکهزار و پانزده مرتبه سوره مبارکه حمد را بخوانند اما باید در اثنای عمل بجانب بقعه وادی علیه نکرد تجربه را از برای
این عمل کرده اند   بجهت مطالب کلیه شب جمعه غسل کند و دو رکعت نماز حاجت بجا آورد و بعد از آن صد مرتبه صلوات بفرستد
و بعد این دعا را بحضور قلب یکصد و پانزده بار بخوانند انشاء الله تعالی مطلب حاصل است و بتجربه رسیده است و بعضی از علماء رضوان الله
ذکر کرده اند که از جمله مجربات است از برای دفع شداید و بلاها بهتر بیاد بیاید این است که در یک مجلس چهارده نفر هر یک صد و
پانزده مرتبه بخوانند بی زیاده و کم بعد بعمل یا من لیس فی السموات العلی الی منتهی قرار تخوم الارضین السفلی
غیاث لاحد منه شدة نزلت به غیرک یا الله فرج ما بنا وانجح طلبتنا فانک اعز نجاح
حاجاتنا یا ارحم الراحمین که مجموع هزار و پانصد و پنجاه و چهار مرتبه میشود و از برای دفع فقر و فاقه و دفع عسرت
و محنت و تنگدستی و برطرف شدن ضیق و بیچارگی و ازدیاد دولت و بمطلب رسیدن و وسعت و نیستی اعدا و هلاک ظالم
و اهل ستم و غیر ذلک هم این ختم را اگر در یک مجلس با چهارده نفر بنحو مذکور بخوانند بسیار خوب است و از مجربات است
دار برای اینکه تا اجابت انتهای مبارک چهار طریقه و یکی هم علما ذکر کرده اند   طریقه این است که دو را و عید و ختوم
که بعد از نماز صبح باید بعمل آورد مذکور کردید   در کتاب بنظر رسید که بکرات بتجربه رسیده که اگر کسی گرفتار محنتی

و بلیتی شود و بلیته پیش او آید این دعا را سه نوبت بخوانند البته از آن بلیه خلاصی می یابد و هر حاجت که خوانده شود بر وفق
بر آید   بعضی از بزرگان و مشایخ فرموده اند که از برای قضای حوائج طریقه خواندن این دعا مبارک این است
که سه شب متوالی در ثلث آخر شب جمعه صد و یازده مرتبه با کمال خضوع و منتهای خشوع و رقت بخوانند و هر نوبت که بکلمه
فتح ما بیننا و انجح طلبتنا برسد مطلب را بخاطر گذرانند که موضع اشاره است و بعد از اتمام ختم سجده کند و بیست و یک نوبت
یا ذا الجلال و الاکرام و ده مرتبه صلوات بفرستد و سر از سجده بر داشته چهل نوبت الله را بی حرف ندا بیک نفس بگوید
که انشاء الله دعا مستجاب است و نهایت اثر دارد محال است که تخلف داشته باشد مگر آنکه عدم استجابت حتم باشد که حتم
با حتم برابری و مقاومت ندارد و شیخ بهائی علیه الرحمه بعد از مطلق نصف شب و بعد از نماز صبح و یا قبل از دمیدن صبح را هم روایت
فرموده و شیخ علیه الرحمه سه سحر را هم با طهارت در خلوت بصدق دل و جمعیت خاطر گفته که بخوانند و فرموده که بقولی عدد ختم
صد و چهار ده مرتبه است و فرموده اند که شاید در اثنای خواندن دعا مرتبه یا در سجده رقت دست دهد در محل اشارت قصد
مطلب کند که مقرون باجابت است و تجربه شده و نهایت اثر دارد و اگر مقصود حاصل نشد تا سه روز همین دستور بخوانند البته
مقصود بعمل آید و در بعضی از نسخ بعد از نماز فریضه یا بعد از دو رکعت نماز حاجت با وضو و حضور قلب با نهایت رقت
و عجز و انقطاع از خلق و توسل بچهارده معصوم یکصد و یازده مرتبه گفته اند بخوانند و تا سه روز صبر کند اگر نتیجه شد هو المراد
و الا بعد از سه روز باز بدستور سابق بخوانند باز تا سه روز صبر کند اگر مطلب حاصل شد فهو المطلوب و الا بار سیم بدستور
سابق بخوانند که انشاء الله بر آورده میشود   در بعضی از کتب مذکور است که این دعا در وقتیکه شرافت داشته باشد با حضور قلب
و رقت و در مکان خلوت بعد از دو رکعت نماز حاجت با خضوع و خشوع و گریه و زاری صد و یازده مرتبه بخوانند و در کلمه
فتح ما بیننا و کلمه و انجح طلبتنا و در کلمه فانک اعرف بحاجاتنا متذکر شدت و حاجات باید بود که نهایت اثر دارد
و اگر در استجابت تأخیری واقع شود دعا را مکرر کنی که تخلف ندارد و بکرات مجرب شده که از برای دفع فقر و دفع عسرت
و طلب رزق و حصول سعت و دولت اثر عظیم دارد   هر کس این دعا را در شب جمعه با چهار پاره کاغذ نویسد و مطلب خود را
در پشت هر یک بنویسد و پشت هر دو کاغذ را هم کند و در زیر بستر مقابل سر بگذارد و بخوابد و پیش از طلوع آفتاب
برداشته در آب روان اندازد که البته و یقیناً مراد او حاصل گردد و بعد بسمله سُبْحَانَ الْقَدِيمِ الَّذِي لَمْ يَزَلْ سُبْحَانَ
الْعَلِيمِ الَّذِي لَا يَجْهَلُ سُبْحَانَ الْجَوَادِ الَّذِي لَا يَبْخَلُ سُبْحَانَ الْحَلِيمِ الَّذِي لَا يَعْجَلُ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
وصلی الله علی خیر خلقه محمد و آله اجمعین   در شب جمعه هزار مرتبه بجهت بر آمدن حاجات و مطالب بخوانند
که گفته اند از مجربات است والله اعلم آمَنْتُ بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَ تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الْقَيُّومِ بِرَحْمَتِكَ يَا
ارحم الراحمین   از برای قضای حوائج و دفع شداید و حصول مرادات در شب جمعه با طهارت و لباس پاک و دو

در نصف شب که کسی مطلع نباشد دو رکعت نماز حاجت گذارد و بعد از سلام هزار مرتبه این دعا را بخواند بعد سر بسجده گذارد
مقصود خود را از قاضی الحاجات بخواهد البته ان شاء الله تعالی روا گردد و این بغایت مجرب است و بسیاری از اکابر و بزرگان دین
بتجربه رسانیده اند دعا مبارک این است اللهم یا لطیف ادرکنی بلطفک الخفی انا محتاج ذلیل و انت غنی
عزیز برحمتک یا ارحم الراحمین از برای هر حاجت از حوائج که باشد و سه شب جمعه و هر شب سیصد مرتبه بحضور
قلب بخواند که مطلب ان شاء الله تعالی بحصول موصول میگردد و از مجربات است الهی الهی قد انقطع رجائی عن الخلق و انت
رجائی هر کس تا سه شب جمعه دعای کمیل را از برای هر مطلبی از مطالب شرعیه بخواند بعد از سه هفته البته
کتابتی از برایش بهم رسد و مطلبش برآورده میگردد و بتجربه رسیده صاحب مفتاح التعلیم آورده که از اسرار اولیاء الله است
که فرموده اند هر کسی که او را غمی و المی روی نماید و بمحنتی گرفتار آید در امری از امور دنیویه یا دینیه باید که شب جمعه
طهارت کامل بسازد و در خلوت معتکف نشیند و با احدی حرف نزند تا وقتی که نماز خفتن گذارد و بعد از آن نماز وتر را
بعمل آورد و در سجده آخر از نماز وتر بگوید یا الله یا رحمن یا حی یا قیوم بک استغیث یا الله پس از خدا تعالی
حاجت خواهد و اجتناب کند از آنکه از هلاک مسلمی و یا مضرت مؤمنی سعی نماید که تاثیر این دعا عظیم است جهت
قضاء حوائج در شب جمعه بعد از نماز عشا این دعا را صد بار بخواند و صد بار صلوات بفرستد البته حاجتش روا
گردد و این است الهی لا رب لی سواک فادعوه و لا اله لی غیرک فارجوه انت الرب و انا العبد
و العبد یخطی و الرب یعفو فان کان دعوتی لک صادقة و یقینی لک خالصا فصل علی محمد و آل محمد
و اغثنی یا غیاث المستغیثین و یا رب العالمین در شب جمعه اگر کسی این دعا را چهار مرتبه بخواند
و از خدا تعالی حاجت خود را طلب نماید روا گردد و این دعا را باین روایت که ذکر شد صاحب صحیفة الاعمال از مقاتل
روایت کرده و دعا این است سبحان الذی لم یزل سبحان العالم الذی لم یجهل سبحان الجواد الذی لم یبخل سبحان
الحلیم الذی لم یعجل اللهم اقض حاجتی یا ارحم الراحمین ابن فهد ره در عدة الداعی فرموده که هر که بخواند
سوره انا انزلناه را در شب جمعه پانزده مرتبه بعد از گذشتن دو ثلث از شب جمعه و بعد از آن دعا کند از برای هر حاجتی
بخواهد دعایش مستجاب میشود نوع دوم از ختوم لیلیه که آنرا باید در شب شنبه بعمل آورد و آنها چند است نوع سیم طریقه
ختم سوره مبارکه اذا وقعت الواقعة است که ابتداء شروع آن باید از شب شنبه باشد و کیفیت آن بر تفصیل در خلال
فصل نهم مذکور شد و من بعد ان شاء الله بتفصیل خواهد آمد نوع چهارم در بیان اوراد و ختوم مقیده لیلیه از نوع اول
که آنها را باید در شب یکشنبه بجا آورد و تا حال چیزی از آنها بنظر نرسیده نوع پنجم در ذکر ختوم لیلیه از نوع اول که باید
آنها را در شب دوشنبه و سه شنبه بعمل آورد هر چند که عدم وجدان دلالت بر عدم وجود نمی کند حقیر تا حال چیزی نیافته ام

هفتم

بنویسیم نوع ششم در بیان اوراد و ختوم لیلیه از قسم اول که در شب چهارشنبه باید بعمل آورد و آن چند است نوع

اگر کسی خواهد که بخت و دولت او گشاده میشود باید شب چهارشنبه و پنجشنبه و شب جمعه از این سه شب در هر یک شب دو رکعت

نماز کند و در هر رکعت فاتحه یکبار و سوره یس یکبار بخواند ان شاء الله بمطلب میرسد و غیر از این ختم چیزی که در این شب

بخوانند از برای قضاء حوائج دیده نشد هر چند که دعاهای لیالی هفته در کتب ادعیه و در مصباح وارد شده و مصباح

علما از آن پر است فاما از برای قضاء حوائج وارد نشده بلکه خواندن آنها از جهت فواید دیگر است و در هر یک از آنها مضامینی است

از برای فتح ابواب مناجات با قاضی الحاجات و مشتمل بر مضامین عالیه است سیما دعای شب شنبه که الحق بد بنیاد و ما فیها از رزو

و عقول فحول از آن متحیر اند و حقیر از لذت آن دعا هر وقت که میخوانم تا چند ساعت مست میشوم ای برادر تا نه بینی و تا نچشی

نمیدانی که حقیر چه میگویم و آن دعا مشهور است بدعای جبرئیل ظاهر میشود که من از جبرئیل یاد گرفتم من میگویم دعای خداوند

جلیل است   ساقیا باده بیار و با محتسب بگو   انکار ما مکن که چنین جام جم نداشت نوع هشتم در بیان اوراد و ختوم

لیلیه از قسم اول که آنها را باید در شب پنجشنبه بعمل آورد و آنها سه است   منقول است که اگر کسی خواهد حاجتی از خدا تعالی

طلب کند شب پنجشنبه غسل کند و بر جای نماز خود معتکف بنشیند تا نماز شام بگزارد و مکث کند بعد از آن رکعت چند ادا کند آن قدر

که تواند پس نماز وتر بگذارد و در سجده آخر وتر بگوید یا رب یا رحیم یا قیوم برحمتك استغیث بعد از آن مراد و مقصود

حوائج خود خواهد که حاجت او ان شاء الله تعالی روا گردد بدانکه ظاهرا مراد از شب پنجشنبه روز پنجشنبه باشد نزدیك بغروب

و مراد از گذشتن نماز شام وقت نماز شام و خفتن است نه آنکه هر که چاره کار خود نداند میان نماز شام و خفتن هزار بار بگوید

یا رشید از برکت و خاصیت این اسم مبارك تدبیر آن کار او را الهام کرده دوم از برای ظهور گم شده و دزد برده

و آمدن غایب که کی میآید و آشکار شدن معدنها و اگر عاقبت کار خود را بخواهند بدانند شب پنجشنبه باید بخوانند در یك

مجلس هزار و صد مرتبه و اگر نتوانند دویست و یکبار بخوانند که مقصود حاصل گردد و در خواب و یا بیداری او را

نشان میدهند و این دعا تجربه و امتحان کرده اند و آیه این است أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللّٰهَ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَ

الْأَرْضِ إِنَّ ذٰلِكَ فِي كِتَابٍ إِنَّ ذٰلِكَ عَلَى اللّٰهِ يَسِيرٌ سیم طریقه ختم اذا وقعت الواقعه است

و بروایتی

بنابر روایتی ابتدای آن شب پنجشنبه است بعد از این ان شاء الله در خلال فصل الهم و دهم مذکور خواهد شد

ختوم و اوراد یکی از جمله ختوم لیلیه غیر مقید است که تکرار در عمل و زیاده از یک نفر در خواندن آنها شرط است

و کذلك ختوم و اوراد که علما ملاحظه کرده اند در خواندن آنها ساعت بخصوص در وقت معینی و آنها یعنی نوع اول

منقول است که اگر کسی پیش از صبح برخیزد و عنبر بخور کند و هزار و یک دفعه بخواند ان الله هو الرزاق ذو القوة

المتین تا یکهفته باین دستور عمل کند بهر نیتی که بخواند البته مقصودش حاصل شود و اگر بهمین طریقه بر مرضی بخواند

و در چشم کشد همه امراض چشم را نافع باشد   هر که سورهٔ والشمس و سورهٔ واللیل را در وقت خواب هر یک را پنجاه بار
بخواند و بعد بگوید یا ربِّ فَتِّحْ عَیْنی در خواب بوی نماید که نفع آنجاست و شهید ره در این خصوص این دعا تجربه کرده
صاحب ره التنظیم از بعضی علما نقل کرده که اگر کسی در نصف شب پنجشنبه برخیزد و دوازده رکعت نماز کند در هر رکعت
فاتحه یکبار و سورهٔ ماعون ده مرتبه و بعد از هر دو رکعت که سلام دهد هفتاد بار استغفر الله بگوید پس چون از دوازده رکعت
نماز فارغ شود سر بسجده نهد و از خدا تعالی هر حاجتی که طلب کند البته آن حاجت روا میشود باذن الهی   هر که میانهٔ نماز
شام و خفتن هزار بار بگوید یا رشید چاره کارها را با عامل میکوید یا آنکه تدبیری از برای او حاصل گردد   از جهت
گشایش کارها و وسعت روزی در نصف شب هزار مرتبه بگوید سبحان الملک الحی القیوم الذی لا یموت که ان شاء الله تعالی
اثر خواهد بخشید   ارباب خواص گفته اند که هر که اراده کند چیزی را در خواب مشاهده کند و خبری را معلوم کند از غایب
یا از حادثه که هنوز اثر آن بظهور نرسیده باشد باید طهارت کامل بگیرد و بفرش خوابگاه در آید و با نیت خالص و توجه تمام بذکر
این اسماء اشتغال نماید و آن قدر که تواند بخواند و اگر بعدد مجمل این اسماء بخواند اتم خواهد بود و آن هزار و چهارصد و سی و چهار است
پس چون تمام نماید بخوابد و آنچه مطلوب است ظاهر شود و بروحی متمثل گشته وی را از آن امر مخفی اخبار نماید و اسماء این است
النور الباسط الظاهر   از برای توسعه در امر معیشت و غنا و توانگری در سحر گاه یعنی نزدیک بصبح دو رکعت نماز
کند در رکعت اول بعد از حمد هفده مرتبه سورهٔ قل یا ایها الکافرون و در رکعت دوم بعد از حمد هفده مرتبه سورهٔ قل هو الله
و در هر یک از این هفده مرتبه در رکوع هفده مرتبه سبحان ربی العظیم و بحمده و در هر یک از سجدتین هفده مرتبه سبحان
ربی الاعلی و بحمده و بعد از فراغ هفده مرتبه آیة الکرسی بخواند که مجرب است و گفته اند که این ختم از کنوز مخفیه است و جهت
قضای جمیع حوائج دینیه و دنیویه مؤثر است والله اعلم   هر که میانهٔ نماز شام و خفتن دو رکعت نماز کند در رکعت اول
بعد از حمد آیه و ذا النون اذ ذهب مغاضبا تا آخر آیه بخواند و در رکعت دوم بعد از حمد آیه و عنده مفاتح الغیب تا آخر سورهٔ
انعام بخواند و بعد از فراغ دست برداشته بگوید اللهم انی اسئلک بمفاتح الغیب التی لا یعلمها الا انت ان تصلی علی محمد
و آل محمد و ان تفعل بی کذا اللهم انت ولی نعمتی والقادر علی طلبتی تعلم حاجتی فاسئلک بحق محمد و آل محمد لما قضیتها و بعد سؤال
کند از خدا حاجت خود را بدرستیکه حاجت او روا میگردد و این دو رکعت نماز را غفیله میگویند و از برای قضای حاجت مجرب است و ثلث
و شهید ثبت   شیخ طوسی ره ذکر کرده از برای قضای حوائج در سه شنبه و چهارشنبه و پنجشنبه روزه بگیرد و در وقت
عشا چیزی تصدق کند بیش از افطار و چون از نماز عشا فارغ شود سجده کند و در سجده بگوید اللهم انی اسئلک
بوجهک الکریم و اسمک العظیم و عینک الماضیة ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تقضی عنی دینی و توسع علی رزقی
و نتیجه صبر یابد من داوم علی ذلک وسع الله تعالی رزقه و قضی دینه کائنا ما کان   ایضا ما بین نماز شام و خفتن چهار رکعت نماز

کرده در هر رکعت یک حمد و بیست و پنج مرتبه آیهٔ و من یتق الله تا آخر و هر شب میان دو نماز این نماز را باید بعمل آورد تا یک هفته که از برای
وسعت رزق و توسعه در احوال و رفاهیت در حال از جمله مجربات است   طریقهٔ ختم سورهٔ مبارکهٔ اذا وقعت الواقعة است
که از برای وسعت رزق و توسعه در امر معیشت تا بحد غریب طریقه اش این است که افتتاح از شب شنبه کنند و در هر شب سه دفعه
بخوانند و شب جمعه هشت مرتبه بخوانند و این عمل را تا پنج هفته بعمل آورد و هر وقت که بخواهد سوره را بخواند پیش از سوره این دعا را
بخواند اللهم ارزقنا رزقا واسعا حلالا طیبا من غیر کد واستجب دعوتی من غیر رد واعوذ بك من فضیحتی الفقر والدین
وادفع عنی هذین بحق الامامین السبطین الحسن والحسین برحمتك یا ارحم الراحمین و بعضی فرموده اند که از شب شنبه اول ماه
شروع کند تا شب پنجشنبه هر شب پنج مرتبه و در شب جمعه یازده مرتبه و پیش از شروع سه مرتبه بگوید اللهم ارزقنا رزقا
واسعا تا آخر دعا و بعد از اتمام بخواند یا رازق المقلین و یا راحم المساکین و یا ولی المؤمنین و یا غیاث المستغیثین
و یا مالك یوم الدین ایاك نعبد وایاك نستعین اللهم ان کان رزقی فی السماء فانزله الخ و بعضی از بزرگان
فرموده اند که ابتدا از شب پنجشنبه نماید باین طریق شب پنجشنبه پنج بار شب جمعه یازده بار شب شنبه و یکشنبه و دوشنبه
و سه شنبه و چهارشنبه در هر یک پنج بار که در عرض هفته چهل یک مرتبه بخواند و هر نوبت که سوره را تمام کند این دعا را بخواند
اللهم ان کان رزقی فی السماء فانزله وان کان فی الارض فاخرجه وان کان بعیدا فقربه وان کان قریبا فیسره وان کان
قلیلا فکثره و بارك لنا برحمتك یا ارحم الراحمین و بعضی گفته اند ابتدا از شب جمعه نماید و همه را خوانند این دعا یعنی
سورهٔ واقعه بیکی از این سه طریقه لبیبا است از آن جمله آنکه قاری آن به تنگی و محنت گرفتار نشود و روزی او واسع گردد و
جمیع مهمات کفایت میشود و دائما تجربه در باب خواندن این سورهٔ مبارکه کرده اند روایت صحیح مؤید این مطلب است
و در بعضی از رسایل معتبرهٔ هند و سند در خصوص ختم واقعه چنین بنظر رسید که چون اول ماه دوشنبه باشد
شروع نماید بخواندن این سورهٔ مبارکه با طهارت و رو بقبله روز اول یک مرتبه دوم دو مرتبه سیم سه مرتبه و هم چنین تا چهارده
چهارده مرتبه و بعد از تلاوت سورهٔ مبارکه این دعا را بخواند یا مسبب الاسباب و یا مفتح الابواب افتح لنا الابواب
و یسر علینا الحساب وسهل علینا الصعاب اللهم ان کان رزقی فی السماء فانزله وان کان فی الارض فاخرجه وان کان بعیدا
فقربه وان کان قریبا فیسره وان کان یسیرا فکثره وان کان کثیرا فخلده وان کان مخلدا فطیبه وان کان طیبا
فبارك لی فیه وان لم یکن یا رب فکونه بکینونیتك ووحدانیتك انك علی کل شیء قدیر وان کان ابدی
حیا وخلقك فاربله وان کان ابدی شرار خلقك فانزعه وانقل الی حیث الکون ولا تنقلنی الیه حیث یکون
من الفواید المعتبرة المکتوبة المنقولة من مولانا محمد باقر المجلسی منقول عن مولینا وسیدنا زین العابدین انه
کان انك تحت یوم الاثنین فابدء واقرء اذا وقعت مرة واحدة فی الیوم الثانی مرتین وهکذا الی یوم الرابع عشر اربعة عشر مرة

(جواهر مکنونه)

و بکل خمیس اقرء الدعاء مرة واحدة لتوسعة الرزق وتسهیل الامور المشکلة واداء الدیون مجرب غیر مرات ولیکتم من الجهلاء

والسفهاء یا ماجد یا واجد یا جواد یا حکیم یا حنان یا منان یا کریم اسئلک تحفة من تحفاتک تلم بها شعثی و تقضی

بها دینی وتصلح بها شانی برحمتک یا سیدی اللهم ان کان رزقی فی السماء فانزله الی آخر که مذکور و مسطور گردید

بعد یا حی یا قیوم یا واجد یا مجید یا بر یا کریم یا رحیم یا غنی صل علی محمد وال محمد وتمم علینا نعمتک

وهنئنا کرامتک والبسنا عافیتک ختم سورهٔ مبارکهٔ واللیل است تا چهل شب هر شب چهل و یک دفعه

وچون هر دفعه که بآیهٔ شریفهٔ وما لاحد عنده من نعمة تجزی برسد سه دفعه تکرار نماید و سوره را تمام کند از برای

فتوحات الی غیر النهایة وکثرت مال از غیب چاره که عقول از کیفیت آن عاجز است و باید قاری در ایام ختم از مناهی

ومعاصی اجتناب کند و شرط عمده و سبب غیره در اجابت دعوات تقوی است و ذلک نص قوله تعالی وانما یتقبل الله من المتقین

ختم آیهٔ مبارکهٔ قل اللهم مالک الملک است از جهت غنی وکثرت دولت و ثروت از مجربات است چنانکه علما ادعا کرده اند

طریقه اش آن است که هر وقتی از اوقات شب که باشد برخیزد و وضوی کامل بگیرد و دو رکعت نماز کند و بعد از آن رو بقبله

با خاطر جمع و آیهٔ قل اللهم را تا بغیر حساب چهل مرتبه بخواند و چون فارغ شود بنویسد بر کاغذ سفید پاکیزه حرف میم را باین

نحو م بخط نیکو پس آن کاغذ را بر مکان طاهری بچسباند و هر روز نظر کند بآن حرف چهل مرتبه و در هر مرتبه آیه

مذکوره را یک دفعه بخواند و در اثنا خواندن نظر بحرف میم نموده بکسی متوجه نشود تا چهل روز چون اربعین تمام شود

از کثرت مال و توسعه عجایب بیند و غرایب مشاهده کند والله اعلم منقول است که هرگاه شخصی را عسرتی و دو بدی روی نماید حاجتی

داشته باشد که از هیچ جا امید نیست از برای قضای او بنا شد باید که در آخر شب که شب جمعه باشد لهراسب برخیزد و وضوی

کامل بسازد و دو رکعت نماز حاجت کند بعد از فراغ از نماز هفتاد مرتبه این دعا بخواند البته باذن الله مطلب حاصل می شود

و از برای حقیر تجربه شد و یکروز نگذشت که چشم من بجهة فرح روشن شد و دلم شاد گردید و زندیک بود که از غایت

خوشوقتی بواسطه روا شدن حاجت شادمرگ باشم الحمد لله الف الف مرة دعای مبارک این است یا ابصر الناظرین

یا اسرع الحاسبین یا اسمع السامعین یا اکرم الاکرمین یا ارحم الراحمین و یا احکم الحاکمین و بعد از فراغ

از دعا دست بردارد و مطلب خود را از قاضی الحاجات بخواهد که انشاء الله روا است هرگاه سورهٔ واللیل را

و سورهٔ والشمس را هر یک را هفت شب بخواند و بعد سه مرتبه بگوید بعد بسمله تبارک الله رب العالمین ولا حول ولا

قوة الا بالله العلی العظیم تا سه شب متعاقب بعد مذکور هر مرادی که داشته باشد حاصل شود باذن الله هرکه

نصف شب برخیزد و دو رکعت نماز حاجت بگذارد بعد از آن سجده کند و سر برآرد و صد بار بگوید ماشاء الله مراد او حاصل شود

باذن الله تعالی هرکه اسم الوهاب را در آخر شب برهنه و دستها برداشته صد بار بگوید خدا تعالی رفع درویشی از او کند

و هر صاحب حاجت شرعیه داشته باشد میسر شود و حاجت او را بر آورده کند

در بیان اوراد اسبوعیه از آیات قرآن و اسماء حسنی و ادعیه و سور در عرض هفته باید خوانده شود مدت ختم آنها یکهفته است یا بیشتر و آنها سیزده نوع است

از علمای دین و بزرگان شریعت آئین رضوان الله علیهم مرویست که جهت قضاء حوائج مشروعه در یکهفته هر روز هزار دفعه بخواند و ابتدا از روز جمعه کند و پنجشنبه اختتام نماید که انشاء الله تعالی مطلب بر آورده است و بسیاری از اکابر و مشایخ تجربه نموده اند و طریقه اش این است یوم الجمعه یا الله یا هو یوم السبت یا رحمن یا رحیم یوم الاحد یا واحد یا احد یوم الاثنین یا فرد یا صمد یوم الثلثا یا حی یا قیوم یوم الاربعا یا حنان یا منان یوم الخمیس یا ذالجلال والاکرام

از امام محمد باقر ع و از امام جعفر صادق ع مرویست که هر کس حاجتی داشته باشد بسوی خداوند عالم از روز شنبه بنا کند تا یکماه هر یک از اذکار را هر روز هزار مرتبه بخواند شنبه یا قاضی الحاجات یکشنبه یا مفتح الابواب دوشنبه یا مسبب الاسباب سه شنبه یا حی یا قیوم چهارشنبه یا بدیع السموات والارض پنجشنبه یا ذالجلال والاکرام جمعه لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین و در بعضی از کتب هم وارد شده است

ایضا مرویست که هر که روزی بر وی تنگ شود این تسبیحات را مداومت نماید هر روز هزار دفعه باین ترتیب روزی او فراخ و وسیع و زیاد میشود که از ضبط آن عاجز آید شنبه اللهم صل علی محمد و آل محمد یکشنبه یا رب العالمین دوشنبه یا ذالجلال والاکرام یوم الاثنین یا قاضی الحاجات یوم الثلثا یا ارحم الراحمین یوم الاربعا یا حی یا قیوم یوم الخمیس لا اله الا الله الملک الحق المبین یوم الجمعه اللهم صل علی محمد و آل محمد این نوع از کتاب تهذیب القلوب منقول گردید

از اوراد اسبوعیه ختم سوره مبارکه فاتحة الکتاب است در هر روزی از روزهای هفته بعدد معینی بخواند که از برای قضاء حوائج و فناء اعدا مقرون باجابت است و طریقه اش در نوع سیزدهم از ختوم مقیده مخصوصه روز جمعه گذشت باید آنجا رجوع کند

یعنی کل یوم الف مرة و ان لا یطاق فمأة مرة و لا یتکلم احد فی اثناء ذکره فتح ما یسئل الله شیئا الا اعطا السبت یا هو یا الله الاحد یا رحمن یا رحیم الاثنین یا علی یا عظیم الثلثا یا کریم یا احد الاربعا یا حی یا قیوم الخمیس یا ذالجلال والاکرام الجمعه اللهم صل علی محمد و آل محمد

هشتم از برای توسعه رزق و قضاء حوائج این اذکار را تا یکهفته باین ترتیب بخواند هر یکی هر روز هزار دفعه شنبه لا اله الا الله یکشنبه یا حی یا قیوم دوشنبه صلوات سه شنبه لا حول و لا قوة الا بالله چهارشنبه استغفر الله پنجشنبه سبحان الله جمعه یا الله و این اذکار مشهور است باذکار حضرت صاحب الامر ع

ختمی است که از جهت قضاء حوائج و علو درجات و اهلاک اهل ظلم و فنا و این هفت سوره را در ایام هفته باین ترتیب هر روز چهار مرتبه بلکه زیاد و کم بخواند شنبه سوره انا فتحنا یکشنبه یس دوشنبه اذا وقعه سه شنبه الرحمن چهارشنبه قل اوحی پنجشنبه تبارک جمعه الم سجده که مطلب حاصل است

(جواهر مکنونه)

اگر کاری داری ادای اسبوعیه ختم سورهٔ مبارکهٔ انا فتحنا است شنبه مابین نماز ظهر و عصر یک دفعه روز یکشنبه سه مرتبه
روز دوشنبه چهار مرتبه روز سه شنبه پنج مرتبه روز چهارشنبه هفت مرتبه روز پنجشنبه نه مرتبه روز جمعه دوازده مرتبه
بخواند که مجموع چهل و یک دفعه خوانده میشود هر وقت که به آیهٔ فتحا قریبا برسد این دعا بخواند ما شاء الله لا حول ولا قوة
الا بالله تا آخر چنانچه در تلو ختم انا فتحنا در نوع دوم از ختوم مقیده که روز شنبه بعمل باید آورد این دعا و این ختم
مبارک بر تقریب ذکر شد   هر که بعد هفته هر روز هفتاد مرتبه حسبی الله الحسیب بگوید و ابتدا از روز پنجشنبه
کند کفایت مهم وی شود و نجات از مخاوف یابد خصوصا غمازان و دشمنان و هر که این اسم را بسیار گوید همه کس از وی ترسند
و حصی و حسیب بمعنی احصا کننده و دانشمند و محاسب یعنی کفایت کننده آمده   ایضا از حضرت امام محمد باقر ع
منقول است که از جهت مرادات و حاجات و نیکو شدن کارها و انجام رسیدن امرها و رسیدن بسعادت دنیوی و اخروی و قضای
حوائج و رسیدن بمطالب و بیرون آمدن از فقر بسیار هر روز این اسما بترتیب مرقوم بخواند هر روز صد مرتبه شنبه یا غنی
یا مغنی روز یکشنبه یا ذا الجلال والاکرام روز دوشنبه یا قاضی الحاجات سه شنبه یا مفتح الابواب چهارشنبه یا مسبب
الاسباب پنجشنبه یا بدیع السموات والارض روز جمعه   ختم احزاب است و آن بدین ترتیب است که بنظم در
آورده اند   روز جمعه از اول قرآن   تا بآخر مائده بخوان   روز شنبه ز سورهٔ انعام   تا به پایان توبه خوان
بتمام   روز یکشنبه ای حمید شیم   از اول یونس الی مریم   در دوشنبه ز سورهٔ طه   تا قصص خوان ز روی صدق و صفا
در سه شنبه تو عنکبوت بخوان   تا به پایان ص والقرآن   چهارشنبه ز سورهٔ تنزیل   ابتدا کن بخوان به ترتیل تا بآخر
ز سورهٔ رحمن   پنجشنبه تتمهٔ قرآن   بعد از ختم تو مراد طلب   بجد کن و از حق امداد طلب   این چنین ختم اگر تمام
شود   همه کار تو بامراد شود   تجربه کرده اند اهل صفا   گشته حاجات شان روا اینجا   تو هم ای خاطر پریشان حال
ختم احزاب خوان مدو سال   تا شود خاصیت هویدا روا   بالنبی و آله الاعلی
طریقهٔ دعوت اسم بدوح این است که باید عدد حروف بدوح را که بحساب جمل بیست است در عدد حرف چهار این بیست عدد را در که
ضرب کنند هشتاد میشود این را عدد کبیر گویند و عدد کبیر را در چهار ضرب کردیم سیصد و بیست شد و این عدد را اکبر و عدد اکبر را
در چهار ضرب کنند یکهزار و دویست و هشتاد میشود این عدد را کبائر گویند و همین عدد را در چهار ضرب کنند پنجهزار و یکصد و
بیست میشود این عدد را اکبر کبائر گویند و آن عدد بیست حروف بدوح که مرتبهٔ اول است نصف کنند ده میشود
و این عدد را صغیر گویند و این عدد صغیر را نصف کنند پنج میشود و این عدد را اصغر صغائر گویند و چون این عدد را نصف کنند
دو میشود این عدد را نصف ناقص گویند طریق عمل نمودن باید بشرایط حساب بخواند اگر بطریق ورد بخواند پس بر کسی
الحیوانات لازم نیست اما در دعوت بهر کار جائز است بدانکه هر گاه عدد ششم که آن نصف بدوح است که او را صغیر گویند

(لآلی مخزونه)

با اعداد کبیر جمع کرده هشتاد و پنج میشود آنرا برای محبت بخواند دشمن دوست میشود و اگر خواندن نتواند در ساعت نیک که
معین است در شکل مربع پر کرده با خود دارد همین حکم دارد و فایدهٔ بسیار دارد و خاصیت عدد هفتم که دو است و نصف
نصف که نصف ناقص است هر گاه با عدد کبیر جمع کرده بخواند هشتاد و دو مرتبه دل او بمعرفت حق تعالی منور گردد بعد از هفت
چله کلام او تمام شود بلکه مرتبه چنان شود که عامل را کشف قلوب حاصل گردد و هیچ سخن پوشیده که در درون کسی باشد بر آن ظاهر
شود و خاصیت عدد اکبر کبائر مع اکبر کبیر که یکهزار و چهارصد و چهل میشود هر گاه این اسم را باین عدد هشت روز بخواند و اگر
تا چهل روز بخواند هر مقصودی که داشته باشد بر آید و اگر کسی دو چله بخواند هفت ملک ظاهر گردد و وجه عامل را چنانچه
مصفی کرده اند که هر که او را ببیند دوست و عزیز بدارد و در رزق برو او کشاده گردد و خاصیت عدد اکبر مع کبائر که
هزار و سیصد میشود هر که این اسم را باین عدد بر چیز خوردنی بخواند هر که بخورد آنکس محب و دوست او گردد و خاصیت
اکبر مع صغیره که سیصد و سی میشود این اسم را بهمین عدد بخواند در روز جمعه بعد از نماز جمعه در مسجد با اعتقاد درست
و با اخلاص تمام هر مقصود و هر مراد که از خدای تعالی بخواهد بیابد و اهل دعوت تعریف کرده اند و عزیز مکرم داشته اند
و گفته اند که اگر چهل جمعه برین نهج بخواند و ترک نکند و اگر یک روز ترک شود از سر گیرد و خواننده این دعوت صاحب کشف
گردد و هر چه در دل او در آید بکرم الله تعالی بیان شود و مستجاب الدعوة گردد و اگر آفتاب را از آسمان فرود کردن خواهد
بتواند و اگر باد را فرماید روان شود و روان شود در برف و باران و رعد در فرمان او باشند و اگر زمین را گوید
بشکاف بشکافد باید که از صحبت فساق و غیر شرعیات اجتناب باید خاصیت عدد اکبر مع صغائر که سیصد و بیست
و پنج میشود هر که این اسم را بآن عدد چهل روز بخواند دشمن هلاک گردد و خاصیت اکبر مع اصغر که نصف ناقص است
مع اصغر صغائر که سیصد و بیست و هفت میشود هر که این اسم را باین عدد بخواند هر علتی و زحمتی که در وی باشد دفع
گردد و اگر علت مبرمه باشد تا چهل روز بخواند در وقت طلوع فجر دفع گردد و خاصیت عدد کبائر مع اصغر
صغائر که یکهزار و دویست و هشتاد و پنج میشود هر که این اسم را باین عدد بخواند تا مدتی که عمر او باشد او را هیچ علتی
نشود و دایم صحیح البدن باشد و خاصیت عدد هم صغیره مع اصغر صغائر که پانزده میشود هر که این اسم را باین عدد
بخواند بعد از فریضه بامداد و در بین خواندن تکلم نکند و بطرف آسمان بیند هر چه از درگاه خدای تعالی بخواهد
بیابد و خاصیت پانزدهم صغیر مع نصف ناقص که دوازده میشود هر که این اسم را باین عدد بر شیرینی دهد هر که بخورد
دوست جانی او شود و خاصیت عدد اصغر صغائر مع نصف ناقص هفت میشود هر که این اسم را باین عدد بخواند هیچ تیر
و برف بر وی کار نکند و در آب غرق نشود و هیچ درنده و گزنده او را مضرت نرساند و خاصیت عدد کبیر و اکبر مع
کبائر که یکهزار و پانصد و بیست میشود هر که این اسم باین عدد بخواند تا مدت یکسال غنی گردد و هرگز فقیر نشود و اگر غنی باشد

(جواهر مکنونه)

نیز ذکر دو خاصیت اکبر کبائن مع اکبر مع اصغر صغائر که یکهزار و سیصد و پنج میشود هر که این اسم را باین عدد بخواند
دائما همه کار بسته او بکشاید و مراد تو حاصل شود و خاصیت اکبر کبائن مع صغیره که پنجهزار یکصد و سی میشود هر که این
اسم را باین عدد بخواند تا مدت سه چله و شرایط آن نکاهدارد جمله مخلوقات زمین و آسمان مطیع و فرمان بردار او گردند
چنانچه هر چه عامل کوید قبول کنند خاصیت عدد اکبر کبائر مع صغیره و اصغر صغائر که پنجهزار و یکصد و سی و پنج میشود
هر که این اسم را باین عدد بخواند در خلوت نشسته تا مدت چهار چله او را امداد حاصل مردان غیب او را ملاقات کنند
و جمیع زمین زمان بردار او کنند خاصیت عدد اصغر صغائر مع نصف ناقص که هفت میشود هر که این اسم را باین عدد بخواند
و بکسی بخواند دوست جانی او گردد و خاصیت اکبر کبائر مع صغیره که پنجهزار و یکصد و سی میشود هر که این اسم را باین عدد بخواند
تا مدت هفت روز هر روز او را فتوح از غیب رسد و درها فتوح بروی کشاده گردد و کارها بسته او بکشاید و
اعدا او مقهور و مرده گردند و هر که عامل را بیند او را عزیز دارد و در میان مردمان بسی بزرگ باشد و خاصیت عدد اکبر
کبائر مع اصغر صغائر که پنجهزار و یکصد و بیست و پنج میشود هر که این اسم باین عدد هر شب جمعه بخواند خدا تعالی او را فرزند نرینه
صالح بدهد و خاصیت کبائر و اکبر کبائر و صغیره مع اصغر صغائر که ششهزار و چهارصد و پانزده میشود هر که این
اسم را تا مدت چهل روز بدون ترک با شرایط بخواند چندان مال و اسباب او را حاصل شود که عدد حساب او را نداند
و عامل عاجز آید از حساب آن و اهل دنیا محتاج او گردند و خاصیت کبائر و اکبر کبائر و صغیره مع اصغر صغائر
که ششهزار و چهارصد و پانزده میشود هر که این اسم را باین عدد متصل بخواند تا طرف یکسال مردان غیب او را ملاقات
کنند و او را دوست دارند و علم لدنی او را حاصل آید و هر گاه کسی این اسم را با کشت دست راست بر پیشانی خود نوشته
بر مکان برود از دل دوست او شود اگر چه بجو التسی با شراب جبات کرده و اگر همین اسم را بر کوشت کارد نویسد و در
کارد چیزی برید و بر کسی بخوراند دوست و مطیع او گردد و اگر بر جامه نویسد و در میان رخت اندازد دست بیگانه
بدانجا نرسد و از غارت ایمن باشد و هر گاه این اسم را در خاک مسجد هفت کرت بخواند و بسوی لشکری که دشمن باشند
اندازد همه پشت دهند و منهدم گردند بحکم الله تعالی بدانکه اسم معزم یا بدیع را خواص بسیار است از آنجمله عدد کبیر این
اسم مع اکبر چهارصد است هر که بر حریر نویسد پیش خود بدارد همیشه با عزت و جاه باشد و در هیچ کار درنماند و در میان
قوم خود مرد محبوب باشد و هر که با صاحب این مربع دشمنی کند دفع و هلاک شود مربع این است

۴۱	۱۶۱	۱۶۴	۳۴
۱۶۳	۳۵	۴۰	۱۶۲
۳۶	۱۶۶	۱۵۹	۳۹
۱۶۰	۳۸	۲۷	۱۶۵

و عدد کبیر و کبائر این اسم که یکهزار و سیصد و شصت است هر که همین عدد را در مربع
نویسد بمشک و زعفران و با خود دارد هر بلیه و زحمتی که او را بود دفع شود و قوی
گردد مربع این است

۲ ۵	۵۵۱	۵۶۱	۱۸
۵ ۶۰	۱۹	۲۴	۵۵۹
۲۰	۵۶۳	۵۵۶	۲۳
۵۵۷	۲۲	۲۱	۵۶۴

(لآلی مخزونه)

نصف ٢ — وفق ٣٠

٣٤	٢٥٦٨	٥٦٧١	٦٧
٦٥٧٠	٢٨	٣٣	٢٥٦٩
٢٩	٥٦٧٣	٢٥٦٦	٣٢
٢٥٦٧	٣١	٣٠	٥٦٧٢

مربع عدد کبیر و اکبر کبان نوشته و با خود دارد سحر و جادو بر او کارگر نکند

مربع عدد کبیر مع عدد صغیر هرگاه این مربع بوضع مقرر پر شود باین عدد ۹۰ میباشد

و با خود نگاه دارد دفع سحر کند هرگاه بهمین عدد یعنی در چهل روز اسم مبارک را

بخواند فائده تمام دهد مربع این است

مربع عدد کبیر مع عدد اصغر صغائر این اسم مبارک که مجموع هشتاد و پنج است

وفق — نصف ٢٥

١٨	٣٤	٣٧	١١
٣٦	١٢	١٧	٣٥
١٣	٣٩	٢٢	١٦
٣٣	١٥	١٤	٣٨

هرگاه مربع را بهمین عدد پر کند و با خود دارد و بهمین عدد بخواند و بر خود بدمد

هر کجا رود بر خود دارد باشد و با آبرو برگردد و هرگاه در پیشانی خود با انگشت شهادت

بنویسد و حلقه‌ها را چنان بنویسد که تمام دور را در برگیرد در نظر هر کس عزیز

و مکرم نماید شکل مربع این است

وفق ٩٥ — نصف ٤٢

١٢	٣٥	٣٨	٥
٣٧	٦	١١	٣٦
٧	٤٥	٣٣	١٥
٣٤	٩	٨	٣٩

مربع عدد کبیر با عدد نصف تمام که ۹۳ میباشد و مجموع هر که این اسم

مبارک را بهمین عدد در مربع جا دهد و با خود نگاه دارد دل او روشن

گردد و هر امیدی که دارد روا شود و مطلوب او بدست آید چنانچه هرگاه

در چهل روز این اسم را بهمین عدد بخواند جمیع مرادات و مطالب او بر آورده شود و هرگاه طلسم مرتب با آن باشد و در

ختم مرتب شروع کند بر وفق مطلوب حاصل شود مربع این است

وفق ٣ — نصف ٤١

٨	٤٥	٣٩	١
٣٧	٢	٧	٣٦
٣	٤١	٣٣	٤
٣٤	٥	٤	٤٠

عدد اکبر مع کبائر اسم
بدون ترک بخواند
ملائکه بر وی ظاهر شود

بدوح که یکهزار و ششصد است هر که این اسم را باین عدد هفت روز

هرگاه چهل روز باشد اولی تر است بجلب هر مطلوب که دارد بدست آید

و هر کجا رود آبرو بیند برکت دارد و در رزق او فراخ گردد هر که این اسم را در شکل مربع موافق این عدد پر نماید و با خود دارد

همین خاصیت دارد طلسم این است

عدد اکبر کبائر که شش هزار و چهار و صد است

وفق — نصف ٩٠

١٥	٢٧٠٧	٢٧١	٨
٢٧٠٩	٩	١٤	٢٧٠٨
١٠	٢٧١٢	٢٧٠٥	١٣
٢٧٠٦	١٢	١١	٢٧١١

هر که این اسم را باین عدد بجمیع خوبی

بخواند هر که آن چنین بخواند دوست او گردد

هر که این عدد را بشکل مربع در آورد

و با خود نگاه دارد کار او با آسانی بر آید و باید که

رعایت شروط در نوشتن و خواندن

بعمل آید و مربع این است

وفق — نصف ٣٠٠

١٥	٢٧٠٢	٢٧١	٨
٢٧٠٩	٩	١٤	٢٧٠٨
١٥	٢٧١٢	٢٧٠٥	١٣
٢٧٠٦	١٢	١١	٢٧١١

عدد اکبر با عدد صغیر که سیصد و سی میشود هر که این اسم را روز آدینه بوقت نماز جمعه وضو

ساخته و جامه پاک پوشیده در مسجد رفته بعد از نماز جمعه سیصد و چهل بار بخواند هر چه

از حق تعالی بخواهد بیابد و اهل دعوت نموده اند هر که چهل جمعه پیاپی بطریق مذکور این اسم را

مواظبت کند صاحب نفس گردد که هر چه از دهانش بیرون آید بخدای تعالی [illegible] کند دعا او مستجاب گردد و اگر بخواهد آفتاب

(جواهر مکنونه)

برنیاورده تواند باد شاه وزیر بازدارد و هرچه گوید فرمان برداری او کنند اگر به مانی گوید بشکافند

امّا باید همیشه با وضو باشد و گفته اند نفس بکند بیغیرت و گرد فساد نگردد و اگر این اسم را بعدد مذکور در مربع

در آورده و با خود دایم الوضو داشته باشد همین خاصیت دارد و مربع این است

بصیف ۱ ۵ ۶ — وفق ۳۳۰

۱۷	۱۵۵	۱۵۸	۲
۱۵۷	۱۱	۱۶	۱۵۶
۱۲	۱۶۰	۱۵۳	۱۵
۱۵۴	۱۴	۱۳	۱۵۹

عدد اکبر مع اصغر صغائر که سیصد و بیست و سی می باشد هر که این اسم را بدین عدد بخواند

هر عیبی که او را باشد دفع شود و هرگاه تا چهل روز مداومت کند در هنگام نماز

بفرمان خداوند هر علت که او را باشد همه دفع شود و هرگاه در مربع بدر آورده و با خود دارد اثر تمام باشد مربع مزبور

این است

عدد کبائر مع اکبر کبائر که شش هزار چهار صد است هر که این اسم را چهل روز بدین

بصیف ۴۶ ۱ — وفق ۳۳۳

۸	۱۱	۱۴	۱
۱۳	۲	۷	۱۲
۳	۱۶	۹	۶
۱۰	۵	۴	۱۵

عدد که بخواند هر که او را ببیند دوست او شود و اگر کسی این عدد را بقلمی که مخصوص است

باین عدد از مربع در آورده و با خود دارد همین خاصیت دارد و مربع این است

عدد کبائر مع عدد صغیر که هزار

۴۷	۲۱۵۵	۲۱۵۸	۴۰
۲۱۵۷	۴۱	۴۶	۲۱۵۶
۴۲	۲۱۶۰	۲۱۵۳	۴۵
۲۱۵۴	۴۴	۴۳	۲۱۵۹

و سیصد است هر که این اسم را بعدد مزبور هر نیتی که دارد بخواند مقصود

حاصل شود و هرگاه کسی را دو ظاهر و بدبخت باشد این عدد را در مربع بقلمی که

موافق باشد بنویسد در خانه اگر کسی بر آن کند ظلم او برود و افعال حمیده

از آن پدید آید مربع این است

عدد کبائر مع اصغر که یکهزار و دویست و نه است هر که در ظرف

۸	۱۴۴	۱۴۷	۱
۱۴۶	۲	۷	۱۴۵
۳	۱۴۹	۶۴۲	۴۶
۶۴۳	۵	۴	۱۴۸

یکسال هر روز بدون ترک این اسم را باین عدد بخواند کار او مطلق بسته نماند و همیشه در ترقی و

خرمی و خوشی باشد و صدر قوم باشد و مربع این عدد هرگاه با خود دارد همین خاصیت بخشد

مربع این است

عدد کبائر مع صغائر که یکهزار و دویست و هفتاد و پنج است هر که این اسم را هر روز

بصیف ۶۳۵ — وفق ۱۲۹۰

۸	۶۳۹	۶۴۲	۱
۶۴۱	۲	۷	۶۴۵
۳		۶۴۷	۶
۶۳۸	۵	۴	۶۴۳

باین عدد بخواند در پیش هر که رود سخن رود و کام روا برگردد و هر که او را ببیند عزیز دارد و با حرمت

و عزت باشد و مربع این عدد بکلم خود همین اثر دارد هرگاه با خود نگاه بدارد مربع این است

وفق ۱۲۹۵

۸	۶۳۶	۶۴۵	۱
۶۳۹	۲	۷	۶۳۷
۳	۶۴۲	۶۳۴	۶
۶۳۵	۵	۴	۶۴۱

عدد کبائر مع اصغر صغائر که یکهزار و دویست هشتاد و سه است هر که این

اسم را باین عدد بخواند از بیماری خلاص شود و همیشه صحیح البدن باشد

و مربع این عدد همین خاصیت دارد هرگاه نوشته با خود دارد مربع این است

عدد اکبر کبائر مع صغیر که هزار و یکصد و چهل است هر که این اسم را هر روز باین عدد بخواند دل او

۸	۶۳۵	۶۲۹	۱
۶۳۸	۲	۷	۶۳۶
۳		۶۲۳	۶
۶۲۴	۵	۳	۶۴۵

منور گردد و عدد میان خلق عزیز شود و هر که او را ببیند دوست دارد و اهل جاه شود و بر قوم رئیس شود

(لآلی مخزونه)

وهمه در رکاب او در آیند وهرگاه دو چله که هشتاد دو است مواظبت کند در خلوت از همه کس وسخن نالایعنی نگوید

وباوضو باشد واکل وشرب ولباس ومکان او حلال باشد جن وپریان مسخر او شوند وحرمت او کنند وفرمان بردار

او گردند ومربع این همه در القلم موافق نوشته با خود دارد از شر دیوان محفوظ باشد ودور کس از ایشان مدد

او شوند مربع این است — عدد اکبر کبائر اسم بدوح که پنجهزار ویکصد وبیست پنج است هر که این اسم را باین عدد بخواند

در همان روز که خوانده است بهر بیماری که نظر کند بد شود وهر که نظر قهر کند هلاک

گردد وباید که بهاید هم مربع این عدد را با خود نگاه دارد مربع این است

وفقه ٥١٣٩

٨	٢٥٦٣	٢٥٦٧	١
٢٥٦٦	٢	٧	٢٥٦٥
٣	٢٥٦٩	٢٥٦٢	٦
٢٥٦٣	٥	٤	٢٥٦٨

عدد اکبر کبائر مع اصغر صغائر که پنجهزار ویکصد وبیست وسه باشد هر که در عدت این عدد هر روز

باین عدد اسم بدوح را بخواند پیاپی هندوان هر چه باشند مطیع او شوند وبخدمت

احضار کردند وباید در مدت مزبور ترک حیوانی را بکند وبرهیز کار باشد

٨	٢٥٥٩	٢٥٦٠	١
٢٥٥٩	٢	٧	٢٥٥٧
٣	٢٥٦٢	٢٥٠٤	٦
٢٥٥	٥	٤	٢٥٦١

وهمین عدد را ورد خواندن بجهت آسیب دیو پری فائده عظیم دارد وبعضی گفته اند این عدد را در شکل مربع بدر آورده بقلم

مخصوص باب وددر کلوی آسیب زده دیو پری آویزند همین خاصیت دارد مربع این است

وفقه

٨	٢٥٥٥	٢٥٥٩	١
٢٥٥٨	٢	٧	٢٥٥٣
٣	٢٥٦١	٢٥٥٣	٦
٢٥٥٣	٥	٣	٢٥٦٠

عدد صغیر مع اصغر اسم بدوح که سه عدد میباشد هر که این اسم را بدین عدد مزبور بخواند و

بر خود بدمد در آن روز او را گزندی نرسد ودر نظر مردمان عزیز ومکرم باشد واین عدد

در مربع نگنجد باید در مثلث بدر آورده هرگاه با خود دارد همان فائده حاصل شود مثلث این است

وفقه

١٣	٦	١١
٨	١٠	١٢
٩	١٤	٧

عدد صغیر مع صغائر اسم بدوح که بیست وپنج است هر که این اسم را بعدد مزبور بخواند در چهل

روز هر کاری که از خدا بخواهد بیابد وهر علتی وزحمتی در تن او باشد زائل گردد وبهمه

کارها او عالی شود ومرتبه او بالا گیرد وهمیشه خلق عزت وحرمت او را بدارند ودوستان او لیا شوند وهر که با خواننده

مخالفت کند دفع شود وهرگاه در مثلث بدر آورده با خود نگاه بدارد فائده تمام دهد مثلث این است

وفقه ٢٥

١٢	٤	٩
٦	٨	١١
٧	١٢	٥

عدد صغیر مع اصغر صغائر که بیست سه میباشد هر که این اسم را بعدد مزبور بعد از هر نماز

از نمازها بوقت هر روز بخواند روز بروز او را سعادت پدید آید وهر که او را ببیند دوست

دارد ومیان خلق عزیز باشد وهر چه بخواهد بیابد وهر که دشمن او باشد هلاک گردد واین عدد مثلث بدر

آید ونگاه داشتن آن همین فائده دارد مثلث این است — عدد اصغر مع عدد صغائر که هژده است

وفقه ٢٣

١١	٣	٩
٥	٨	١٠
٧	١٢	٧

هر که این اسم را بدین عدد بخواند وبعد از نماز فجر با کسی سخن نگوید وبسوی آسمان نظر کند وبدمد هر حاجتی که

(جواهر مکنونه)

عدد اصغر مع اصغر صغائر اسم بدوح که سیزده است ۱۵ وفق مثلث این است دارد مثلث این عدد همین خاصیت دارد و مثلث این بیابد بخواهد
همین عدد بر دشمن بخواند دوست گردد بر دوستی بالا شود و بر شیر بخواند و بر دشمن بخواند محبت عظیم در دل
او حاصل گردد و از حکم او سر نکشد و مثلث این عدد همین نائره دارد عدد صغائر مع اصغر صغائر که هشت میباشد هرگاه
اسم بدوح را باین عدد بخواند بر حضه بد مد هیچ مردی با و اذیت نتواند رساند و شمشیر و تیغ و کارد بر آن کارگر نشود
و مثلث آن همین خاصیت دارد این است عدد کبیر و اکبر مع کبائر که یکهزار و ششصد و هشتاد است در چهل روز خوانده
اسم ابجد مزبور موجب تسخیر جنات بصورت خوب و مطیع حکم او شوند و هر که چهار چله مواظبت نماید در چله چهارم مستجاب
الدعوه گردد و مثلث آن همین است مربع هم دارد وفق ۱۶۸۰ عدد کبیر و اکبر مع اکبر کبائر که یکهزار و پانصد و بیست
میباشد هرگاه اسم را همین عدد بخواند در طرف یکسال متواتر و همیشه با وضو باشد غنی گردد

۱	۸۳۷	۸۲۴
۸۲۵	۷	۲
۲	۸۳۲	۸۳۹

و هرگاه در مربع در آید بقلم خود و با خود نگاه بدارد همین خاصیت حاصل شود مربع این است
عدد کبیر مع اکبر و صغیر چهارصد و بیست می باشد

۱۰	۲۷۳۵	۲۷۴۵	۱۷
۲۷۴۶	۱۶	۱۱	۲۷۴۷
۱۵	۲۷۴۳	۲۷۵۵	۱۲
۲۷۴۹	۱۳	۱۴	۲۷۴۴

هر که این عدد را بخواند هیچ سحر بر آن کارگر نشود و مار و عقرب بر آن کار
گر نباشند و کار او بالا گیرد و اعداء آن مقهور گردد و مربع آن همین خاصیت
دارد بقلم مخصوص بعمل مربع همین است عدد کبیر و اکبر مع اصغر
که چهارصد و ده است هر که در مدت این عدد هر روز اسم را همین عدد بخواند هر چه (وفق ۴۱۰)

۱	۲۰۷	۲۰۴	۸
۲۰۵	۷	۲	۲۰۶
۶	۲۰۲	۲۰۹	۳
۲۰۸	۴	۵	۲۰۳

بشنود یاد گیرد و ذهن آن منور گردد و حاجات او روا شود و مربع آن همین خاصیت
دارد بقلم مخصوص خودش عدد کبیر و اکبر مع صغائر اسم مزبور که چهارصد و پنج است
اعداء آن هلاک شوند هرگاه همین عدد خوانده شود و قرض آن ادا شود در مربع در آوردن و با خود
نگاه داشتن همین خاصیت دارد بقلم مخصوص مربع همین است عدد کبیر و اکبر مع اصغر
صغائر که چهارصد و سه میباشد هر که با اسم همین عدد هر علتی که دارد و از آن زائل
گردد و دشمن او هلاک شود و کار او عالی آید و در مربع در آورد و با خود دارد بقلم مخصوص

۸	۱۹۹	۲۰۲	۱
۲۰۱	۲	۷	۲۰۰
۳	۲۰۴	۱۹۷	۶
۱۹۸	۵	۴	۲۰۲

همین خاصیت دارد مربع این است عدد اکبر و کبائر مع اکبر کبائر که ششهزار و
هفتصد و بیست میباشد خواندن اسم مزبور بعدد مزبور مجرب دفع آسیب دیو و پری و طی حضار
غائب از تمام دارد مربع آن با خود نگاه داشتن همین خاصیت دارد مربع همین است

۷	۱۹۹	۱۹۵	۲
۱۹۶	۱	۸	۱۹۸
۴	۱۹۳	۲۰۱	۵
۲۰۰	۱۹۲	۳	۱۹۴

عدد اکبر و کبائر و صغیر خواندن اسم مجرب ترک فسق و فجور است

۲۳۵۷	۱	۸	۲۳۵۴
۷	۲۳۵۵	۲۳۵۶	۲
۲۳۵۳	۶	۳	۲۳۵۹
۴	۲۳۵۸	۲۳۵۱	۵

(لألی مخزونه)

عظیم دارد مربع آن همین اثر دارد مربع این است وفق ۱۶۲۰ و عدد اکبر و کبائر مع اصغر که یک هزار و ششصد

و ده است خواندن اسم الهی این عدد جهت کارها بسته و حصول مرادات اثر تمام دارد

٢٧	٧٨٥	٧٨٨	٢
٧٨٧	٢١	٢٦	٧٨٦
٢٢	٧٩	٧٩٣	٢٥
٧٨٤	٢٤	٢٣	٧٨٩

مربع آن همین اثر دارد عدد اکبر و کبائر مع صغائر اسم بدوح که یکهزار و ششصد

و پنج است هر که این وفق ۱۶۰۵ اسم را چهل و چهار روز متواتر بخواند

٢٣	٧٨	٧٩٣	١٧
٧٩٣	١٨	٢٣	٧٨١
١٩		٧٧٨	٢٢
٧٧٩	٢١	٢٠	٧٨٥

جن مطیع او کردند و از پریان و دیوان مطلقاً آسیبی بدان نرسد و در مربع بقلم مخصوص در آورد

اثر تمام دارد مربع اینست وفق ۱۶۰۵ اکبر و کبائر مع اصغر صغائر که یک هزار و ششصد

٧٩٥	٨	١	٧٩٩
٢	٧٩٨	٧٩٦	٧
٨٠١	٣	٦	٧٩٣
٥	٧٩٤	٨٠٠	٤

و سه است هر که این اسم را بدین عدد بخواند صاحب امانت و دیانت گردد و اهل صلاح او را دوست

دار شوند و مراد او بر آید و سردار قوم گردد و مربع آن بقلم مخصوص اثر عظیم دارد وفق ۱۶۰۳

عدد کبائر و اکبر کبائر مع صغیر که شش هزار و چهارصد و بیست است هر که این اسم را

بعدد مزبور چهل روز متواتر بخواند جمیع خلائق مطیع او شوند از جن و انس

٣٢٠٤	٧	١	٣٢٠٧
٢	٣٢٠٦	٣٢٠٥	٧
٣٢٠٩	٣	٦	٣٢٢
٥	٣٢٠٣	٣٢٠٨	٤

هر کس او را ببیند از سلاطین و بزرگان همه مطیع او باشند و باید مربع آن همراه

باشد که اثر تمام دارد مربع همین است وفق ۶۴۲۰

کبائر مع اکبر کبائر و اصغر که شش هزار و چهارصد و ده است هر که این اسم را بدین عدد

در ظرف چهل روز بخواند کار بسته او گشاده گردد و مطلوب او حاصل شود

٣٢٠٤	٨	١	٣٢٠٧
٢	٣٢٠٩	٣٢٠٥	٧
٣٢٠٩	٣	٦	٣٢٩
٥	٣٢٠٨	٣٢٠٨	٤

و اعداد آن همه منقوش کردند و هر گاه همین عدد را در مربع در آورد و با خود نگاه بدارد همین اثر مترتب خواهد گردید

مربع همین است وفق ۶۴۰۵ عدد اکبر کبائر و کبائر و صغائر این مزبور که شش هزار و

٨	٣١٩٩	٣٢٠٣	١
٣٢٠١	٢	٧	٣٢٠٠
٣	٣٢٠٤	٣١٩٧	٦
٣١٩٨	٥	٩	٣٢٣

چهارصد و پنج است هر که این اسم را بدین عدد بخواند خداوند تبارک پنج چیز

او را عطا فرماید اول روشنی دل دوم قوت دل سیم دفع فقر و احتیاج چهارم

خداوند نفس کامل پنجم علم لدنی کاملین فرموده اند مربع این عدد از برای صاحب دعوت ضرور دارد نزد آن اولیا

عدد اکبر کبائر مع صغیر و اصغر اسم مزبور که پنجهزار و یکصد و پنجاه است در مدت دو چله هر روز بعدد مزبور بخواند

تسخیر جن نماید و در مربع در آورده و با وضو نگاه دارد اثر تمام دارد مربع همین است وفق ۵۱۵۰

٨			١
٢٥٧١	٢	٧	٢٥٧٠
٣		٢٥٦٧	٦
٢٥٦٩	٥	٣	

عدد کبائر و اکبر کبائر مع اصغر صغائر که شش هزار و چهارصد و سه می باشد هر که چهل

روز بخواند با شرایط مقصودش حاصل شود و مربع این عدد را بعضی از برای

صاحب دعوت ناقص و مضر دیده اند ترک او را اولی شمرده ایم مربع این

(جواهر مکنونہ)

عدد اکبر کبار مع صغیرہ و صغائر اسم بدیع کہ پنجہزار و یکصد و چهل و پنج است هر که آن
اسم بدین عدد بخواند هر علتی که دارد زایل شود و در سه روز بهر بیماری خوانده
شود بهمین عدد شفا حاصل گردد و مربع آن همین فائده دارد مربع این است

۴۷			۲۰
	۲۱	۴۶	
۴۲			۴۵
	۴۴	۴۳	

عدد اکبر کبائر و عدد صغیرہ مع اصغر صغائر اسم مزبور کہ پنج هزار و یکصد و چهل سه است
هر که در ظرف چهل روز با شرایط خلوت بخواند دل او روشن گردد و علم لدنی دریابد
و شیاطین و اجنه در فرمان او درآیند و باید مربع این عدد را با خود دارد دایم
الوضو و الصلوة باشد و مربع مزبور همین است

۸			۱
۵۶۹			
		۵۴۴	

۵۱۴۳

عدد صغیر و اصغر و صغائر اسم مزبور
سه و پنج است هر که بخواند و در کوچه بالد یعنی بد
بر دستها و بر کوچه بالد هر که
او را ببیند دوست او شود و مربع آن بعلم مخصوص
همین فائده دارد اما ناقص است

۸			۱
۲۵۶۷			۲۵۶۷
		۲۵۶۴	
	۵	۸	

مربع همین است
عدد صغیر و اصغر و اصغر صغائر که سه و سه است خواندن اسم
مزبور بدین عدد
موجب عشرت خواهد بود و مربع آن همین اثر دارد و لکن آنرا
ناقص شمرده اند مربع
این است

۳۵

۱۱	۸	۱	۱۵
۲	۱۴	۱۲	۷
۱۷	۳	۶	۹
	۱۰	۱۶	۴

عدد کبیر و اکبر و کبا
و اکبر کبائر که شش هزار و هشتصد است هر که اسم بدوح را
بهمین عدد بخواند
تا چهل روز با شرایط همه جن مطیع او شوند و همیشه صحیح
المزاج باشد

۹	۴	۱۳	۲
۱۲	۳	۸	۲۰
۸۴	۱۵	۸	۷
۸	۶	۵	۱۳

آفت و بلای آسمانی و ارضی از او دور باشد مربع آن همین است

۹۰۰

۸			۱
۲۳۹۶	۲	۷	
۳		۲۳۹۲	۶
	۵	۲	

عدد کبیر و اکبر و کبائر و صغیرہ که یکهزار و هفتصد است هر که این اسم مزبور را
بهمین عدد در ظرف یکسال بخواند از جمیع آفتها و الاها در امان خدا و ندبا شد
و مربع آن را با خود دارد همیشه با وضو باشد اثر تمام دارد مربع مزبور همین است

۱۷۰۰

عدد کبیر و اکبر و کبائر مع اصغر که یکهزار و سیصد و نود است هر که اسم را باین عدد
بخواند هیچکس او را در آن روز ضرر نرساند و دشمن آن هلاک گردد
و مربع آن بقلم مخصوص اثر بسیار دارد بخصوص در این عمل و مربع این است

۸۸			۱
۹۵۶			
		۸۴۲	

عدد کبیر و اکبر و کبائر مع صغائر اسم مزبور یکهزار و
ششصد و هشتاد و پنج است
مداومت اسم مزبور در سه چله با شرایط موجب تسخیر جن و ارواح است و مربع این عدد
بعلم مخصوص فائده دارد و لکن نه چندان و مربع مزبور همین است

۸			۱
۸۴۱			
		۸۴۷	

۸			۱
۴۱			
	۹۳۷		

(لآلی مخزونه)

عدد کبیر واکبر وکبائر مع اصغر که یک هزار و ششصد و سی است هر که این اسم را همین عدد بخواند در هفت چله در خلوت صفائر
با شرایط مرتب او دفیع کردد و مستجاب الدعوه شود و در مربع آن اثر تمام خواهد بود این است وفقه ١٦٠٣

٨			١
		٨٣٢	
٨٣٨			

عدد اکبر وکبائر مع اکبر کبائر وصغیره که ششهزار و هفتصد چهل است
هر که اسم مزبور را بدین عدد هر روز بخواند فتوحات عیشی او را حاصل
شود و کار بسته او کشاده کردد در میان قوم و خلایق محترم و رئیس
شود و مربع این عدد را باخود نگاه داشتن همین تاثیر دارد بخشد مربع این است وفقه ٣٢٧٤

٨			١
٣٣٩٩			
		٣٣٦٢	

عدد اکبر کبائر واکبر کبائر واصغر که شش هزار و هفتصد و سی است هر که هفت
چله با شرایط مزبور اسم را همین عدد بخواند دو شخص خیر کردد و علم لدنی
او را حاصل شود و مغیبات او را میسر کردد و مربع آن بقلم مخصوص اثر عظیم دارد
و با خود نگاه داشتن و نفع نجور نماید مربع این است وفقه ٣٢٧٤

عدد اکبر وکبائر واکبر کبائر مع صغائر اسم بدیع
که شش هزار و هفتصد و بیست و پنج است هر که اسم را بعدد مزبور در شب
جمعه بخواند و با حلال خود مقاربت کند فرزند صالح عطا شود
و مربع آن را با خود دارد لهبتراست

٨			١
٣٣٩١			
		٣٣٥٥٧	

٢٠			١٣
٣٣٤٧	١٤	١٩	
١٥		٣٣٤٢	١٨
	١٧	١٦	

عدد اکبر وکبائر واکبر کبائر مع اصغر صغائر که شش هزار و هفتصد و بیست
و سه است اسم مزبور را بعدد مزبور برای دفع دشمن بخواند هفت بار یعنی
در یک هفته و اول و آخر صلوات بر مصطفی فرستد هر نوع دشمن که او را باشد بعون الله تعالی دفع شود
و مربع این عدد اثر تمام نباشد ترک اولی است عدد کبائر واکبر کبائر وصغیر مع صغائر اسم مزبور که شش هزار
و چهار صد و بیست و پنج است هر که در طرف یکسال اسم مزبور را هر روز بعدد مزبور بخواند مردان عیشی بر آن ظاهر
کردند و او را دوست دارند و همیشه طالب صحبت او شوند و مربع آن را با خود دارد و همیشه دایم الوضو باشد در هر کار که
نماید مربع این است وفقه ٣٢٢٥ و عدد کبائر واکبر کبائر مع صغیر واصغر اسم مزبور که شش
هزار و چهار صد و سی است هر که این اسم بعدد مزبور بخواند با شرایط صاحب
مال و منال کردد و در دنیا محتاج با حدی غیر از خداوند نباشد و مربع
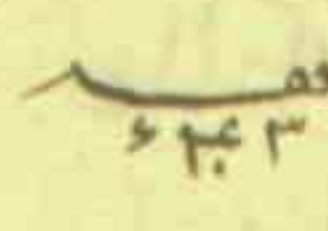
٨	٣٢٠٦	٣٢١٠	١
٣٢٠٩	٢	٧	٣٢٠٧
٣	٣٢١٢	٣٢٠٤	٦
٣٢٠٥	٥	٨	٣٢١١

آن را با خود دارد و همیشه با وضو باشد در هر کار که اثر تمام دارد مربع همین است وفقه ٣٢٣٠

٨			١
٣٢١١			
	٣٢١٤	٣٢٠٧	

عدد کبائر واکبر کبائر وصغیره مع اصغر صغائر اسم بدیع که ششهزار و چهار صد و سه است
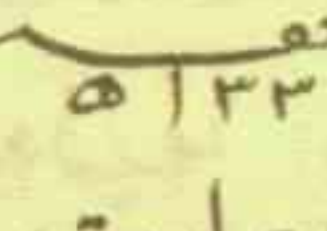
هرکه هر روز آن اسم را باین عدد بخواند در بیابان گرسنه نماند و برهنه نشود و از همه آفات سالم باشد

و پری و دیو در حضور او حاضر شوند و مطیع او باشند و دایم الوضو باید باشد و مربع آن بقلم خاص همین اثر

دارد و مربع این است دفعه ۳۳۳ عدد اکبر کبائر و صغیر و اصغر با صغائر که پنجهزار و یکصد و پنجاه پنج است

هرکه بعدد مزبور باسم مبارک را هر روز ورد خود سازد در هیچ کار عاجز نماند و همیشه با عزت و جاه باشد و

دشمن او مقهور گردد و مربع آن بقلم مخصوص اثر تمام ندارد و ترک آن را بعضی لعبتی شمرده اند

٨			١
٢٥٥	٢	٧	
	٥٠٥		

عدد اکبر کبائر و صغیر و اصغر و اصغر صغائر که پنجهزار و یکصد و سی و سه است خواندن

اسم مزبور باین عدد دفع هر آسیب و هر علت نماید و مربع آن همین اثر دارد

مربع همین است دفعه ۱۳۳ ۵ عدد صغیر و اصغر و صغایر و اصغر صغائر

٨			١
٨١٣			
		٨٠٨	

اسم بدوح که سی و هشت است هرکه این اسم را بدین عدد بخواند در هر شب

و یا در هر روز در آن شب یا در روز از هر گزنده در امان باشد و چون

بخواند دست ک زند که تا هر جا که او از آن برسد هیچ بلائی و گزنده در وی نتواند در آید و از برای این اسم

مبارک فوائد بسیار نوشته اند هفتاد هزار خاصیت ذکر نموده اند بهمین قدر اکتفا کردند

بسم الله الرحمن الرحیم

منقول است که این رباعیات حضرت شیخ الشیوخ شیخ ابو سعید ابو الخیر الخراسانی قدس الله سره کو کرد احمر است و بسیار عزیز

در وصول السعادت و حصول بمدعیات و طلب روزی و تسخیر قلوب و دفع اعادی و سایر امور تاثیر تمام دارد زیرا که ایشان

مرآت حق اند و در این رباعیات استخراج اسماء اعظم کرده و هر یک از این ابیات بجهة مهم و مدعا خاص ترتیب داده

که مداومت آن میباید بلا قصور و امان شاهد مقصود و مطلب رخ نماید و تخلف نکند مگر اگر قاری از اهل دعا نباشد

و قاعده خواندن آن است که هر یک از این رباعیها که اراده قرائت میکنند اگر از جهت شفا بیمار باشد باید مظهر اسم

شافی کنند و اگر از برای درد چشم خوانند مظهر اسم یا نور یا قیوم باشند و هم چنین برای مطلب که بوده باشد

موثر آید و دیگر رعایت عمل اشارات که بشارت شده بکنند و در ملاقات و حروف مثل یکدیگر مثلاً در حرف میم

دال و ع و ص و دو حرف جلاله که کلمه طیبه الله است متوجه باشند پس چون بدین دستور عمل کند البته باجابت

میرسد بجهة صبر بر مصایب و استقامت در بلیات و بر نارسائیهای روزگار و تکلیف امور شاقه که بر طبع گران باشد

بعد از نماز بامداد ۵ مرتبه بخواند و در هر یک صلوات بفرستد و شرط است در فاتحه تمام رباعیات بسم الله گفتن

بسم الله الرحمن الرحیم کردست تضرع بدعا بر داده بیخ و بن کو بهانجا بر دادم لیکن ز تفضلات معبود احد فاصبر صبراً جمیلا

(لآلی مخزونه)

ازبر دارم بجهت رسیدن وصال یار جانی سه روز بعدد که حضور قلب باشد بخوانند و سه روز با وضو بود
وصلوات فرستادن و لبسم الله گفتن از لوازم این رباعیات است مکرر در تفریق اعادی و ظالمان که بسم الله
نباید گفت   حق تعالی که مالک الملک است لیس فی الملک غیر مالک   برسانند بیکدیگر مارا لیس فی الملک غیر
مالک   بجهت اتحاد دوستی چنانکه موئی در میان نگنجد پنجروز هر روز سه مرتبه بخوانند که امر عجیب و غریب
ملاحظه خواهد کرد   کردی بمنی چو با منی پیش منی   گر پیش منی چه جنی در بمنی   من با تو چنانم ای نگار یمنی
در خود غلطم که من توام یا تو منی   بجهت تسخیر قلوب سنگین دلان کافر ماجرا چه انجم جسارت نشان کردی ورق
میکردانند و آغاز بیوفائی میکنند باید سه روز یا پنجروز در ظهر و شام و صبح شش مرتبه که دوری و هجران مرتبه
خانه شود و چون دامن نازش بدست آید و یرا مخاطب ساخته در حضور او بخواند که دوری و بیوفائی نصیب
اعدای من بعد کردد   ای دلبر ما مباش بیدل بر ما   یکدل بر ما بیر زد و صد دل بر ما   نه دل بر ما اندو
نه دل بر ما   یا دلبر ما فرست یا دل بر ما   بجهت آنکه هرگاه که معشوق تندخو و سرکش باشد و محب در د
از مهجوری او در آتش باید که دو روز بدا وصت این رباعی پردازد تا اینکه هفت مرتبه بیک نفس خواندن او را
میسر کردد و بعد از آن در تحص آنچنان مهربان باشد تا او را در دهکده نبیند و تدری خاک که قدم او بوی رسیده
باشد برداشته بخلوتی رفته وضو ساخته و هفت مرتبه این رباعی را بخوانند و باد بر او بدمد و در کاغذی کرده
و در سر راه آن عزیز قرار گرفته تا او بگذرد آید از عقب وی روان آمده این کلمات کیمیا اهلیت بر پشت او افتاد
و تمهید گفتگوی آن کند که آن شیرین دهان بتکلم آید پس اگر از وی مفارقت کرده باز آید و منتظر آمدن وی باشد
و اگر احیانا ناچیزی بهم رساند دو روز دیگر با هتمام تمام همین عمل کند که البته مدعا حاصل شود   عقرب سر زلف
یار و مه جبین اوست   شیرین دهنی که شهد در شکر اوست   با این همه کبر و ناز اندر سر اوست   فرمان
ده روز کار در فرمان بر اوست   ایضا بجهت رسیدن بوصال محبوبه هر روز نه مرتبه بخوانند این است
از هجر تو ای نگار اندر نارم   میسوزم از این درد و هم اندر نارم   تا دست بگردن تو اندر نارم
آغشته بخون چو عاشقانه اندر نارم   بجهت صحبت دوستان رسیدن و دریافت وصول بایشان چند روز
بخواندن این رباعی مداومت نماید   ای ناله کرت دعای اظهار کن   آن غافل مست را خبردار کن
کن   ای دست ولایت محبت بدر آی   وی باطن شرع دوستی کاری کن   بجهت اظهار خطایا این رباعی
مناسب حال سالکان راه و طالبان آگاه است هر روز هشت مرتبه در خلوت بخواند   مشهور خفی چو گنج
دنیا نیم   پیدا و نهان چو شعله دیقانیم   القصه درین چمن چو بید مجنون   میبالم و در ترقی معکوسم

بجهت استغنا که سرافرازی دارین در ضمن آن میسر است هر روز نه مرتبه بخواند   طالع سر عاقبت فرو شیم وار
همت هوس بلاس پوشی داریم   اینجا که ببک سوال بخشند دو کون   استغنا سر شوخی داریم   بجهت رسیدن
بمراد آن آگاه هر روز پنج مرتبه بخواند این است   مردان خدا ز خاکدان در گذرند   مرغان هوا ز آشیان در گذرند
مکر تو بدین چشم بدیشان نگری   فارغ ز دو کون و دو جهان در گذرند   بجهت گشودن بستگیها و حصول مطالبات
تاثیر عظیم دارد و هر مرادی که مطلوب باشد به سهولت میسر گردد و هر روز یازده مرتبه بخواند این است
ای خالق ذوالجلال ای بار خدای   تا چند روم در بدر و جا بجای   یا خانه امید مرا در بند   یا قفل مهمات مرا بگشای
بجهت عرض حاجات و اجابت دعوات و طلب لطف و آمرزش از جناب حضرت باری هر روز بعد از نماز پنج مرتبه
بخواند این است   یا من بک حاجتی و دعوتی بیدک   اعرضت عن الغیر و اقبلت الیک   مالی عمل صالح استظهر به
قد جئتک راجیا توکلت علیک   بجهت سر رشته جمیع مهمات خود را بحق واگذاشتن و کامکاری کردن هر روز
هفت مرتبه بخواند   الله بفریاد من بیکس رس   لطف کرمت یار من بیکس بس   هر کس بکسی و حضرتی می نازد
جز حضرت تو ندارد این بیکس کس   بجهت کتمان زشتی اعمال و ادعا عفو و رحمت از حضرت ذوالجلال   افعال بدم ز خلق
پنهان میکن   دشوار جهان بر دلم آسان میکن   امروز خوشم بدار و فردا با من   آنچه از کرم تو میسزد آن میکن
بجهت فتوحات بی اندازه و برآمدن جمیع مطالب هر روز یازده مرتبه بخواند   ای شیر خدا امیر حیدر فتحی   ای قلعه
کشا در خیبر فتحی   در دها امید بر رخم بسته شده   ای صاحب ذوالفقار قنبر فتحی   بجهت ازاله تب و نقل صحت
بسم الله بگوید و صلوات بفرستد و دوازده مرتبه این رباعی را بر آب بخواند و قدری بر رخت او افشاند
و دو روز یا سه روز این عمل بکند البته از علت رهایی است   صد شکر که گلشن شفا گشت تنت   صحت
گل عیش بیخت در پیرهنت   تب با بغلط بر تنت افتاده که داد   مشت عرقی شد و چکید از بدنت   بجهت دفع
جمیع علل و انواع بیماریها تلقین کند و مادام بخواند و اگر نتواند خواند دیگری بخواند و آیه شفا را در آغاز
بخواند صبح یازده مرتبه و ظهر و مغرب کذلک و رباعی مقدم داند در این سه وقت باید خواند   ای صفت و ذات
تو حیران کرده   و ز هر دو جهان خدمت درگاه تو به   علت تو ستانی و شفا هم تو دهی   یا رب تو بفضل
خویش بستان و بده   بجهت دفع سکرات موت که کسی صالح باشد بر بالین او نشسته این رباعی را بیکنفس بخواند
و بعد از آن با آیه شفا در دل سینه او بدمد یعنی بروی رخت بعد از آن در شروع قرائت این رباعی کند و سه مرتبه بخواند
با آیه شفا و کلمات فرج را و بقدر دو ساعت صبر کند اگر افاقه شد فبها و الا اورا هم چنان با وضو در دل سینه او
ر دارد و بسم الله بگوید و در دل پشت او گذارد و بگوید و شروع در خواندن رباعی و کلمات فرج و آیه شفا کند البته

از دو حال بدر نیست و بعد از دو ساعت علامت صحت و موت او بر تو می پیوندد و این فقیر دو روز کاری چهار مرتبه
این کرامات ملاحظه نموده و تخلف ندیده این است   حوران بنظاره نگارم صف زده   رضوان ز تعجب کف خود
بر کف زده   آن خال سیه بدان رخان مطرف زده   ابدال ز بیم چنگ بر مصحف زده   بجهت روشنائی چشم بعد از نماز
مغرب شفای او را با خود را از حق بخواهد طلب کند و بعد از نماز صبح یازده مرتبه با آیه شفا بخواند و بر چشم او دمد
و سه روز صبح و شام چنین کند شفا یابد   من دوش دعا کردم و باد آمینا   تا به شود آن دو چشم باد آمینا
از چشم بد اندیش ترا چشم رسید   بر چشم بد اندیش تو باد آمینا   بجهت دفع نزول آب دیگر که چشم هرگاه ظاهر
شود که وضو کرده و رو بقبله بنشیند و بسم الله و صلوات بفرستند بقدر مقدور این رباعی را بخواند و بسجده رود
استغفار کند و آیه شفا بخواند و باز سر بردارد و شروع در خواندن کند که صحت یابد البته و بعد از نماز بعنوان
مناجات بخواند این است   یارب بدو نور دیده پیغمبر   یعنی بدو شمع دودمان حیدر   بر حال من از عین عنایت
بنگر دارم نظری اگر شفیتم ز نظر   بجهت طلب باران چهل تن یا دوازده تن با ده صحرا یا در مسجد رفته دو رکعت
نماز بگذارد و بعد از آن هر یک هفتاد مرتبه استغفار کنند و صلوات بفرستند و سرها برهنه کرده بایستند هر یک
چهار مرتبه بخوانند که از سحاب مکرمت یزدی البته سرافراز و سیراب میشوند   یارب بحیات حیوان بفرست   وز خوان
کرم نعمت الوان بفرست   از بهر جگر تشنه طفلان نبات   از دائره ابر تیر باران بفرست   بجهت دفع اشد شب وقت
خواب وضو سازد و دوازده مرتبه بر تن آب بخواند و بر اطراف خود افشاند و بخواب رود این است   فریاد ز شب
کدای شب رنگی شان   وز چشم سیاه صورت زنگیشان   از اول شب تا بدم آخر شب   اینها همه از رقص و هم جنگیشان
بجهت دفع ظلم ظالمان و ابطال مکر دشمنان و سرکوب عدوان هر یوم هفت مرتبه بخوانند خصوصاً در وقت معارضه این است
من حرف برم که بر صف اعدا زدم   مشت خاشاک لطمه بر دریا زدم   ما تیغ برهنه ایم در دست قضا   شد کشته هر آنکه خویشتن را
بر ما زد   بجهت تفریق و اخراج اعادی و هم صحبتان محل از مجلس ده مرتبه بخوانند   این تیک کبر از کجا پیدا شد   این صورت
تیر از کجا پیدا شد   خورشید مرا ز چشم من کرده نهان   این لکه ابر از کجا پیدا شد مظهر یا قاهر الاعداء است   بجهت دفع
هجران از جانبین و اتفاق صحبت هر شب یازده مرتبه بخوانند تا چند شب که البته او بمراد خواهد رسید این است
یارب تو مرا بیار و مشتاد رسان   آوازه دردم بهم آواز رسان   آنکس که من از فراق او غمگینم   او را بمن و مرا باو
باز رسان   بجهت توفیق یافتن نماز شب در وقت خواب وضو سازد و در بستر رو بقبله بنشیند و پنج مرتبه صلوات
بفرستد و سه مرتبه این رباعی را بخواند و نیت برخاستن وقت نماز کند و بعد از آن تسبیح فاطمه زهرا کند و با کسی تکلم
نکند این است   شب خیز که عاشقان بشب راز کنند   گرد در و بام دوست پرواز کنند   هرجا که دری بود بشب

(جواهر مکنونه)

دربندد الا در دوست را که شب باز کنند جهت آنکه هر وقت که خواهد بیدار گردد وضو کرده بهمان طریق مذکور عمل کند این را
سه مرتبه بخواند که بیدار شود در وقت سپیده دم خوش سحری دانی که چه کند همین نوحه گری کز آینه صبح نمودند اورا
از عمر شبی که گذشت و تو بیخبری جهت وصول بعبادت و حصول بمهمات و مدعیات شب از نصف تجاوز کند باید برخواست
و وضو کرده دو رکعت نماز گذارد و این مناجات را بعد از مقدمه بخواند و صلوات هم را ابتدا بفرستد و دو سه شب چنین باید
کرد که مدعا بکام است در هر سحری با تو همیگویم راز در حضرت تو همی کنم عرض نیاز بی منت بنده گان ای بنده
نواز کار من بیچاره را ساخته باز بجهت سرافرازی عالم معنی و مجاز نصف از شب گذشته برخیزد و دو رکعت نماز کند
و صد مرتبه صلوات بفرستد و صد مرتبه بهر نیتی که دارد این رباعی را بخواند و قرار دهد بر خود که البته مدعا حاصل شود
و چون نزدیک بختم شود بسجده رود و تمام کند و عرض حال کرده اثر بچشم ظاهر کند و سه شب بفاصله چنین کند
که مراد حاصل است ای آنکه منزهی و بی همتائی کس را نبود ملک بدین زیبائی خلقان همه خفته اند درها بسته
یارب تو در ملک ما بگشائی جهت گشایش امور و افزونی رزق هر روز بعد از تعقیب نماز فجر دست بلند کند
و پنج بار بخواند که اثر عظیم دارد ای خالق خلق رهنمائی بفرست وی رازق رزق در گشائی بفرست کارم
بیچاره گره بگره است لطفی بنما گره گشائی بفرست جهت بازگشتن از معاصی و ترک نامشروعات صیقل مداومت
این رباعی دفع زنگ از آینه دل کند یارب ز گناه زشت خود منفعلم از قول بد و فعل بد خود خجلم فیضی بدلم
ز عالم غیب رسان تا محو شود خیال باطل ز دلم جهت حصول مطالب هر روز دوازده مرتبه این رباعی را بخواند
غمناکم و از کوی تو با غم نروم جز شاد و امیدوار خرم نروم از درگه چو تو کریمی هرگز محروم کسی نرفت
من هم نروم جهت حصول مطلوب هر روز دوازده مرتبه بخواند تسبیح ملک را و صفا رضوان را دوزخ بدرا بهشت
مر نیکان را دنیا جم را و قیصر خاقان را جانان ما را و جان ما جانان را جهت حصول مطالب هر روز هفت مرتبه
بخواند سر تا سر دشت خاوران سنگی نیست کز خون دل و دیده بر او رنگی نیست در هیچ زمین و هیچ فرسنگی
نیست کز دست غمت نشسته دلتنگی نیست بجهت دفع مضار از معاندین و معارضین و غلبه بر ایشان
هر روز دوازده مرتبه بخواند دل عادت خوی جنگجوی تو گرفت جان گرد مزنیت سرکوی تو گرفت گفتم خط
تو جانب ما نگیرد آن هم طرف روی نکوی تو گرفت از برای مطالب شب جمعه سر شب یا نصف شب برخاسته
وضو ساخته دو رکعت نماز بگذارد و این مناجات را بعد از مقدمه بخواند و در ابتدا و انتها صلوات بخواند مراد حاصل شود
در هر سحری با تو همی گویم راز در حضرت تو همی کنم عرض نیاز بی منت بنده گان ای بنده نواز کار من بیچاره بر گشته
ساز مظهر یا لطف الخفی یا قاضی الحاجات جهت حصول مطالب مکرر این رباعی را باید خواند سبحان الله

(لآلی مخزونه)

بهر غمی یاد توئی سبحان الله کشایش کار توئی سبحان الله بعزت کن میکون سبحان الله غفور و غفار توئی
فایده از برای خلاصی محبوس از حبس بعد از نماز صبح در اول صبح صادق پانصد مرتبه این رباعی را باید خواند
بعد از اتمام باید قصد نمود که یا الله بحق علی ابن ابیطالب که فلان شخص را از حبس خلاصی ده اگر از حبس خلاصی
خوانده باشد این است یا علی لله لله یا علی مشکلم بکشا و بالله یا علی یا علی جز تو ندارم هیچکس
یا علی بالله بفریادم برس لطیفه اگر شخصی دو انگشتری یکی زر و یکی نقره در هر دو دست و سؤال کند که انگشتر
زر در کدام دست است و نقره در کدام بگوید آن دست که انگشتر زر است عدد زوج بگیرد و آنکه نقره است
فرد چون این گرفته باشد بگوید که تا آن عدد را که در دست راست است در زوج ضرب کند و آنرا که در دست چپ است
در فرد بعد را جمع کند و تنصیف کند پس اگر کسری باشد زر در دست راست است و نقره در دست چپ
و اگر کسر نباشد بعکس آن باید عدد اندک بگیرد که حساب آسان باشد فایده اذا اخفی خاتماً فی یده
فطریق علمه ان تاخذ الید التی فیها الخاتم زوجاً والاخری فرداً ثم تضرب عدد ید الیمنی فی عدد الزوج و عدد ید
الیسری فی عدد الفرد ثم تجمع الحاصلین و تنصف فان کان معه کسر ففی ید الیمنی والا ففی الیسری معجون مجرب
بغایت پسندیده است زنجبیل کرمانی ده مثقال قرنفل و زنجبیل زعفران دو مثقال اختلاط را در آب بجوشانند
نیم کوفته تا آنکاه که حل شود آتش بگیرد و برابر عسل بقوام آورد هر روز یک مثقال بخورد در شرف

کواکب سیاره و شرح آن بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والعاقبة للمتقین ولا عدوان الا علی الظالمین و صلی الله علی خیر خلقه محمد و آله اجمعین
اما بعد بدانکه نجوم برگزیده دوازده گونه علم است و معجزه ادریس پیغمبر است علیه السلام و جمله انبیا و اولیا و حکما متفق اند
که اکثر تاثیرات که در عالم است از علم اعداد و وفق است هیچ علم معتبرتر از علم اعداد و وفق نیست اما بشرط آنکه
اوقات نگاه دارد و در نگاه داشتن اوقات تقصیری نکند و بولاء یکدیگر بنهد و نگاه دارد تا سهو و غلط نشود و اگر
سهو و غلط کرده باشد آنرا محو کند و راست بنهد تا تاثیر باطل نشود و این نکته را البته نگاه باید داشت و در وقت
پیچیدن طالع وقت نگاه دارد چنانکه سعد در طالع باشد و خداوند طالع جای نیکو حال بود و قمر نیکو حال
و نحسین ساقط از طالع و سعدان ناظر و در نوشتن اعداد باید که هیچ سخن نگوید و خاطر جمع دارد و پیش کسی
که اعداد نداند ننویسد و باید که آن اعداد را برنگ آن کوکب نویسد چنانکه شرف زحل برنگ سیاه و شرف مریخ برنگ
سرخ علی هذا القیاس و نگاه دارد که این علم را مخفی دارند و بچشم حقارت نکرند که هیچ علم شریفتر ازین علم نیست و انبیا و اولیا
کلهم اجمعین این علم را امین داشته اند فصل سه در دو و آداب آن آمدیم تا شرح نهادن اشکال بر اشکال بنیاد آنجا کنند

(جواهر مکنونه)

وچند پر کند وچند تمام میشود وچند بیرون ویست و وفق هر شکل چند است واسم هر کس در هر شکل چون باید خاط

وخاصیت هر شکل چیست وشرح وبیان این جمله نمائیم اول بدانکه سه در سه وچون آفتاب بنوزده درجه حمل رسد وقمر

بسه درجه ثور و مقابله درجه کف الخضیب وسعد در طالع وطالع برج منقلب بود واین شکل را بر پارهٔ کرباس نو

نویسد هر کس که با خود دارد او را فتح الرجال پیدا شود وکشایش در کارها پیدا کند ومحبوس را خلاص دهد واگر بر قفل بسته

بندند در حال کشاده گردد از تاثیر فلکی واین است شکل او سه در سه و خاصها طوالیش دفع دهد بواسطه آنکه کسری

در کهر نیست بدین طریق شرح سه در سه بدانکه چون قمر بسه درجه ثور رسد وآفتاب بنوزده درجه حمل این شکل را

٣	٥	١
٤	٢	

بر صندوق جامه وخزینه نویسد هرگز هیچ دزد وحرامی بدان واقف نگردد واگر در شرف آفتاب

یا قمر بر سفال نو نویسد وزن حامله با خود دارد البته بچه از وی جدا شود بقدرت باری تعالی واگر

از بحر محبوس نویسد یا از بهر سحر باید که طالع برج منقلب باشد وخداوند ش جای مقبول و قمر در نهم درجه طالع یا در سیم

یا در یازدهم وآفتاب در دهم طالع باشد وزهره ومشتری بنظر سعادت بر طالع نگرند دلیل کند که در حال خلاص یابد

واگر توقف کند پیش از سه روز نباشد البته سحر برفتن قادر شود چون شکل سه در سه است یکعدد در خانهٔ از بالا و یک خانه

از زیر واگذارند از سطر طولی یعنی وخانهٔ میانه بنیاد کند ویکعدد بنهد و فرو را از سطر زیرین بر گوشه چپ دو بنهد وسه فرس

دو بنهد وچهار برج بر گوشه دست چپ بنهد وپنج بر میانه اشکال و شش فرزین پنج بنهد از طرف سطر زیرین وهفت در هلکو

شش بنهد وهشت فرز گوشه دست راست بنهد ونه فرزین دست چپ بنهد بدانکه سه در سه بچهار عدد پر میشود

وبه عدد تمام میشود و وفق او از هر جانبی که شمارد پانزده عدد است بدلیل آنکه سه در سه نه عدد می شود وچون یکی بر وی

افزاید ده عدد شود چون در نیمه ضرب کنی پانزده عدد باشد وفق او این است واگر از برای مفارقت دو

دوست نویسد باید که نام ایشان بحساب جمل کبیر جمع کنند وسه در سه بنهند بوقتی که طالع و وقت برج منقلب باشد

وآفتاب در طالع وقمر در هفتم طالع وصاحب طالع در ششم یا در هشتم طالع یا در چهارم وخداوند یازدهم

در مقابله طالع باشد یعنی در هفتم و ساعت زحل یا مریخ باشد این نوشته را بگیرد و در خانهٔ آنکس

دفن کند یا در رهگذر ایشان یا در جامه خواب یا بالش یا بسنگ سیاه نقش کند دهم در خانهٔ ایشان اندازد

البته از هم جدا شوند چنانکه هرگز نه یکدیگر را توانند دید ونام همدیگر نتوانند شنید واگر مریخ در طالع باشد

یا در مقابله طالع وخداوند طالع ساقط از طالع یا در مقابله طالع این شکل بنویسد بر کرباسی یا بر دکوی که حیف

زنان باشد و در میان قومی که در خانه منجمع باشند دفن کنند البته بیشک تفرقه وجنگ وخصومت در میان ایشان

٤	٣	٨
	٥	١
٢	٧	٦

پیدا شود وآواره شوند تا بحدی که در خانها بدست نااهلان نیندازند وانرا مردم عوام وجاهل نگاه دارند

(لآلی مخزونه)

هذا شرح چهار در چهار چون آفتاب بنوزده درجه حمل رسد و قمر بسه درجه ثور یا بده درجه جوزا یا در پانزده درجه
سرطان این شکل را بنویسد بر انگشتری بنقره یا بر اطلس زرد یا بر کاغذ زرد وقت نوشتن باید که سعد در طالع بود
و آفتاب در دهم طالع و قمر در یازدهم یا پنجم یا در سیم و زحل و مریخ ساقط از طالع و عطارد نیک حال و زهره و مشتری
از هر دو یکی در طالع بود یا بتثلیث یا بتسدیس طالع بود یا خود نگاه دارد دارندهٔ این شکل در نظر بزرگان عزیز و مکرم باشد
و در عز و جاه بیفزاید و دارندهٔ این شکل اگر صد خون ناحق کرده باشد چون بنزد خصم رسد او را معاف دارد و بروی ببخشد و
هر کار که رو بدان نهد بسهل بر آید چون آفتاب طلوع میکند دارندهٔ این حاجت که بخواهد در حال روا گردد و هرگز بهیچ درد و
بلا مبتلا نگردد و پیوسته با عزت و حرمت باشد و نهادن آن را باید که از گوشه دست راست بنیاد کند و یکی را
در اول بنهند و فرس یک دو بنهند و فرزین دو سه بنهند و فرس سه چهار بنهند و پنج را پهلوی چهار بنهند و شش فرس
دست چپ بنهند و هفت فرزین شش بنهد و هشت فرس گوشه دست چپ و نه فیل وار و ده فرس گوشه دست چپ
و یازده پهلوی هشت فرس طول که یک خانه بالا رفته باشد و دوازده فرس دست راست بنهند و سیزده زیر هشت
و چهارده میان یازده و یکی بنهد و پانزده از گوشه دست راست از ضلع زیرتر از همه بنهد و شانزدهم فیل اول بنهد
تمام شد اکنون بدانکه چهار در چهار شانزده عدد باشد یکی که بزرگ بنهی هفده باشد چون ضرب کنی در تو که نیمه چهار است
سی و چهار میشود عدد طولی و عرضی و قطری و فوق نهد چهار در چهار هشت عدد تمام میشود و وفق سبق یکصد و سی و
شش است چون خواهد که مخدومی یا محبوبی او را عزیز و مکرم دارد باید که نام خود و نام آنکس که خواهد بحساب جمل کبیر
جمع کند و سی عدد از آن بر دارد باقی که باشد بچهار قسمت کند اگر کسری در سر وی باشد اگر یک عدد باشد در خانهٔ سیزدهم
بیفزاید و اگر دو باشد در نهم و اگر سه باشد در پنجم و چهار بحوز قسمت پذیرد و در نهادن همان اوقات که نمودیم نگاه دارد
و اگر خواهد که هر دو یا هر یک در خانهٔ سیزدهم بیفزاید نظم طبیعی نگاه دارد و آن نظم اول بگذارد و شکل چهار در چهار
که منسوبست بشرف آفتاب چون آفتاب بنوزده درجه حمل رسد یا بر بیست درجه حوت و قمر در ثور یا در سرطان
یا در اسد یا در جوزا باشد در برج ماده و صاحب طالع در پنجم یا در یازدهم یا در سیزدهم یا در دهم باشد و سعد در طالع
یا صاحب پنجم ناظر یا با صاحب یازدهم اجتماع مقبول بنظر مودت یا بنظر تسدیس یا بتثلیث و ساعت زهره و مشتری
در چنین وقتی بغایت نیکوست این است شرح پنج در پنج بنویسد بر حریر یا بر پارهٔ
سبز و اگر اسم مرکب کند بنویسد بمشک و زعفران و چون قمر بدرجه شرف رسد در پیچد
که دارندهٔ این شکل پیش جمله خلایق عزیز و مکرم باشد و پیش زنان و اهل حسن او را عزت
و حرمتی پیدا گردد چنانچه وصف آن نتوان کردن و اگر در چنین وقتی که نمودیم نام خود و نام محبوب جمع بحساب جمل کبیر جمع کند

۸	۱۱	۱۴	۱
۱۳	۲	۷	۱۲
۳	[illegible]	۹	۶
۱۰	۵	۴	۱۵

(جواهر سکنوند)
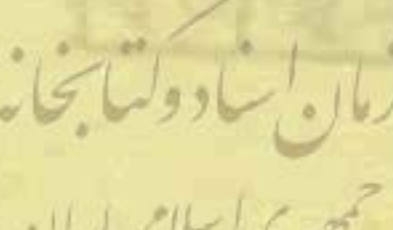
وشصت عدد از وی طرح کند وباقی را بر پنج قسمت کند و در پنج بنهد مانند این نزد آن محبوب بغایت عزیز گردد و هر حاجت که
بخواهد روا کند و یک لحظه از وی نشکیبد بتاثیر زهره و این شکل مطربان را بغایت موافق افتد و قاعده عدد نهادن پنج
در پنج اگر چهار در سرو یا باشد یکی در خانه ششم بنهد و یکی نوی بنهد که راست آید و اگر سه عدد بر سری باشد در خانه
پانزدهم و اگر دو بود شانزدهم و اگر یک بود در بیست یکم بیفزاید تا راست آید و چون ابتدا نماید دو خانه از بالا و دو خانه
از دین رها کند و خانه میانین را مبدء نموده یک عدد بنهد و در زیر یکی دو بنهد و سه را در گوشه دست چپ بنهد
و چهار را پهلوی سر بنهد و پنج را زیر طولی بنهد یک خانه بالا و شش را زیر عرضی یک بنهد و هفت بر سر شش بنهد و هشت در
پهلوی پنج بنهد و نه در پهلوی یکی بنهد و ده را زیر سه بنهد و یازده را زیر پنج بنهد و دوازده را پهلوی یازده
از طرف دست چپ بنهد و سیزده پایین پانزده بنهد و چارده را پایین نه بنهد و پانزده را میان چارده و ده بنهد
و شانزده پایین هشت بنهد و هفده را پایین دوازده بنهد و هجده را زیر چهار بنهد از سطر زیرین و نوزده را در پهلوی
هجده در گوشه یمنی و بیست را بالای اول بنهد و بیست و یکم را مقابل پنج بنهد و در سطر زیرین و بیست و دوم را مقابل چهار
بنهد در سطر بالا و بیست سیم را در قطر سه بنهد و بیست و چهار مقابل دو بنهد و بیست و پنج را مقابل یک بنهد تمام
اکنون آمدیم بشرح وفق بدانکه پنج در پنج بیست و پنج عدد باشد یکی که عدد طبیعی است بر سری بری بیست و شش شود چون
در دو نیم کنیم که نصف سیزده است ضرب کنیم شصت و پنج است و از عرض طولی و قطر میانی در نوع دهد تمام شد شرح نهادن پنج
در پنج بدین شکل نهند چون شرف زهره باشد
هذا شرح شش در شش در شرف زحل باید کشید
چون زحل بر بیست و یک درجه میزان رسد
این شکل بر خشتی کشند از گل که رنگ کاه دار او

۳	۲۰	۷	۲۴	۱۱
۱۶	۸	۲۵	۱۲	۴
۹	۲۱	۱۳	۵	۱۷
۲۲	۱۴	۱	۱۸	۱۰
	۲	۱۹	۶	۲۳

۷	۲۲	۵	۸	۲۳
۶	۱۲	۱۱	۱۶	۲۰
	۱۷	۱۳	۹	۱
۲۴	۱۰	۱۵	۱۴	۲
۳	۴	۲۱	۱۸	۱۹

نباشد برنگ سیاه و طالع وقت باید که زحل در یازدهم و پنجم یا وسط السماء باشد یا در نهم بود و سعد از سعدین
در طالع وقت بود و عطارد ساقط از طالع و مریخ هم ساقط و آفتاب و قمر بنظر مقبول از تسدیس یکدیگر بنگرند این شکل
بکشد و هم در این طالع که گفتیم باید که صاحب چهارم جا مقبول یا سعد در چهارم طالع بود آنگاه این خشت را اول بنیاد
عمارت بنهد هم بر آن طالع که نمودیم و هر عمارت که خواهد بر سر وی بکند که سالها بسیار این عمارت خراب نگردد بتاثیر شرف
زحل و طالع وقت را تا اعداد وفق اگر از این خشت که گفتیم یکی بر سر گنج و دفین گذارند سالها در آن گنج نهان بماند
و اگر جمله بنی آدم طالب آن گنج و دفینه باشند پیدا نتوانند کرد مگر همان کس که نهاده باشد و اگر در همین وقت که
نمودیم این شکل بر کرباس سفید کشند برنگ سیاه که با خود دارد قوت سفر آید و پاره‌های سنگین تواند رها بگرفتن مینا بکند

(لآلی مخزونه)

یا جا مقبول و مستقیم بعد این شکل بر تخته از فولاد برکشد یا بر آهن یا بر کاغذ سرخ یا بر کاغذ برنگ شنجرف برکشد چنانکه
مریخ بدرجه طالع برج جدی باشد دارندهٔ این در جنگ و مصاف خصم مظفر و منصور گردد و البته غالب گردد بر دشمن
واگر بر علم و نیزه بندد بر خصم ظفر یابد و پیش اهل سلاح و برنگان و سپاه دارندهٔ این شکل عزیز باشد اکنون آمدیم
بشرح نهادن نه در نه لیسه قسمت کنند و هر قسمی سه در سه آنجا که یکی می‌نهند سه در سه بنهد و آنجا که دو می‌نهند سه
در سه پر کنند علی هذا برین نوع تمام کند و هر صد قسمت پذیر است و را حاجت بمیزان نباشد و نه در نه هشتاد و یک
باشد چون یکی که اصل عدد است بر سر وی برده هشتاد و دو شود چون در نیمه بدکه چهار و نیم بود ضرب کنیم سیصد و شصت
و نه عدد باشد از عرض و طول و قطر همین وفق هر که این شکل را مبارک داشته اند و جهت اهل حرب و کشتی گیران و سواران
نیکو باشد و این شکل را در شرف مریخ کشند — شرع شکل ده در ده
این شکل تعلق بمشتری دارد چون مشتری بپانزده — درجه سرطان یا در آخر
برج سنبله یا بیست درجه قوس یا در ده درجه — حوت رسد و طالع
وقت همین برج بود که مشتری در وی است و — زحل و مریخ ساقط و
زهره و آفتاب از تسدیس و تثلیث ناظر و قمر — در وسط السماء در جای

۱۳	۷۶	۲۵	۷۴	۹	۱۴	۱۵	۱۶	۷۷
۱۲	۲۶	۶۱	۶۰	۲۳	۲۷	۲۸	۶۲	۷۰
۱۱	۲۵	۳۵	۵	۳۳	۳۶	۵۱	۵۷	۷۱
۱۰	۲۴	۳۴	۴	۳۹	۴۴	۴۹	۵۸	۷۳
	۶۵	۵۳	۴۵	۴۱	۳۷	۲۹	۱۷	۱
۸۰	۶۴	۵۲	۳۸	۴۳	۴۲	۳	۱۸	۲
۸۹	۶۳	۳۱	۳۲	۴۹	۴۶	۴۷	۱۹	۳۰
۷۹	۲۰	۲۱	۲۲	۵۹	۵۵	۵۴	۵۶	۴
۵	۶	۷	۸	۷۲	۷۴	۶۷	۶۶	۹۶

عشر این شکل بر اطلس سفید یا حریر یا بر کاغذ یا بر قلعی نقش کند دارندهٔ این را نعمت بسیار حاصل شود و در پنهان و میراثها
و مالهای رنج بوی رسد و هر جهت دنیایی دلتنگ نشود و نزد قضاة و حکام و ملا بزرگ و عزیز باشد و پیوسته بصحت
و سلامت باشد آمدیم بشرح نهادن باید که هر شکل که قسمت می‌پذیرد قسمت کند و بهر طریق که میتوان نهاد بنهد مثل
ده در ده و می باید که ابتدا از سطر آخرین بکند از خانهٔ دوم از گوشه دست راست و یکی آنجا نهد و دو فرس طولی بالا همه
بنهد و سه فرس طولی باز بزیر آید و بنهد و چهار فرس طولی بر بالای همه بنهد و پنج فرس طولی در سطر زیرین نهد و همچنین
تا هفت و هشت فرس را بگوشه دست چپ دو در و نه و ده بگوشه بالا از دست راست و چپ بنهد و یازده فرس اول
از دست راست بنهد و دوازده فرس عرض هشت بنهد و سیزده در میانه سطر از کناره دست راست بنهد و چهارده
بر سر سیزده بنهد و پانزده فرزین هشت از طرف زیر و شانزده فرس عرض چهارده بنهد و هفده فرس عرض شانزده بنهد
و هیجده فرس عرض هفده بنهد و این ده در ده میزان وی هیجده است اکنون هشته هشت در جوف وی بماند و چهار در چهار
قسم کند و هر قسمی چهار در چهار باشد و بطریقه سه در سه بنهد و از بهر نظر پادشاهان و جای یافتن از ایشان و وفق
دوازده دوازده صد و چهل و چهار باشد چون یکی بر سر وی برند صد و چهل و پنج باشد در شش ضرب کنیم شش صد و
هفتاد و نه عدد باشد از طول و عرض و قطر وفق هر ۱۲ در ۱۲ این شکل را شرف زهره نویسد از بهر محبت ایشان

(جواهر مکنونه)

ویا نتن مراد ایشان و بطریق ۱۱ در ۱۱ باید نهاد و وفق وی سیزده در سیزده ضرب کنیم صد و شصت و نه باشد
یکی بر وی افزاییم صد و هفتاد شود بر شش و نیم ضرب کنند هزار و صد و پنج عدد باشد ۱۴ در ۱۴ بطریقه اول پر کنند
و ثانی دوازده در دوازده بطریق سه در سه و پنج در پنج پر کنند و تمام کنند در شرف آفتاب ۱۶ در ۱۶ بطریق چهار
چهار در چهار پر کنند و تمام کنند ۱۷ در ۱۷ بطریق یازده در یازده تمام کنند بطریق سه در سه شش و در شش
تمام کنند ۱۹ در ۱۹ بطریق یازده در یازده تمام کنند و ۱۸ در ۱۸ بطریق چهارده در چهارده پنج در پنج تمام کند
۲۱ در ۲۱ بطریق یازده بنهد ۲۲ در ۲۲ بطریقه اول پر کنند و باقی بطریق بیست در بیست بنهد و هر اشکال
فرد است مثل ۱۳ در ۲۳ و ۲۵ در ۲۵ و ۲۷ در ۲۷ و ۲۹ در ۲۹ و ۳۱ در ۳۱ و ۳۳ در ۳۳ و ۵
۳ در ۳۵ و ۳۷ در ۳۷ و ۳۹ در ۳۹ و ۴۱ در ۴۱ و ۴۳ در ۴۳ و ۴۵ در ۴۵ و ۴۷ در ۴۷
و ۴۹ در ۴۹ و ۵۱ در ۵۱ و ۵۳ در ۵۳ و ۵۵ در ۵۵ و ۵۷ در ۵۷ و ۵۸ در ۵۸ و ۵۹
در ۵۹ و ۶۱ در ۶۱ و ۶۳ در ۶۳ جمله بطریق یازده در یازده یا بطریق هفت در هفت می نویسید یعنی از خانه
میانه یکی در مرتبه مرتبه بیرون می آید چنانکه مثال نموده‌ایم و ۱۱ در ۱۱ و ۷ در ۷ و ۲۵ در ۲۵ و ۳۵ در ۳۵ و
۴۵ در ۴۵ شرح آن بگوئیم اما ۲۵ در ۲۵ بطریق پنج در پنج بنهد و تمام کند و ۳۵ در ۳۵ بطریق هفت در هفت
و شش در شش تمام کند و ۴۵ در ۴۵ بطریق نه در نه و پنج در پنج تمام کند و هر شکل که خواهد وفق وی بدانند
و یک عدد که اصل شمار است بر سر وی برد و آنکه در نیمه وی ضرب کنند و آنچه حاصل آید قسمت کند بعبارت بنهد
که دو چهار و چهار اول یکی می نهد و پنجاه بر سر وی برد و نوزده بنهد و آنجا که دو می نهد بر سر وی برد و بیست بنهد علی هذا
و چون هشت تمام کند با سر میزان اصل آید یعنی پنجاه و هشتاد و سه بنهد و برابر هشتاد و چهار بنهد چنانکه برابر
یک صد باشد و ده در ده پنجاه میزان و بیست و یک صد و یکی تمام می‌شود که ده در ده صد باشد و چون یکی بر سر وی
برد و در پنج ضرب کند یا نصد و پنج شود از عرض و طول و قطرهای وفق بدهد و آنچه حکمای بزرگ بر آن فتوی داده‌اند
مثل جاماسپ و افلاطون و ارسطو و ابو علی سینا و جماعت حکما تا ده در ده بیش امتحان نکرده‌اند و بیش از این ننوشته‌اند
که از سه در سه تا ده در ده قسمت بهفت ستاره کرده‌اند و هر یکی بشرف کوکبی منسوب کرده‌اند و مراد خود از هفت
اقلیم و هفت فلک و هفت طبقه مردم که در عالم گرفته‌اند و هر یکی بر یکی منسوب کرده‌اند و هر یکی در یکی طارند از رنگ
هفتگانه و از هفته هر یکی روزی طارند و دوازده برج بر این هفت ستاره منسوب است چنانچه شرح آن اهل نجوم را
معلوم است بدین نسبت زیادت بر اشکال دیگر کرده‌اند از جهت آنکه و در روزگار انوشیروان عادل تا بصد در صد
نهاده‌اند و کتابها و شرحها بسیار نوشته‌اند و جماعتی که در خدمت اسکندر مصاحب بوده‌اند هم چنین تا بصد و دو صد می نهاده‌اند

وبغایت رنج می‌داشتند تا زمانیکه بدولت سید عالم رسید ص وچون در زمان قدیم لوح صد در صد تمام نموده بودند و بر علم کاویلی بسته بودند و آن علم را بر ابر هیچ لشکری نداشته بودند که فتح نکرده باشند و چون بعد از زمان حضرت رسالت پناه ص چند مرتبه لشکر عرب بایران آمد و بجهت آن لوح بی مدعا بازگشتند حضرت شاه مردان و شیر یزدان لوح صد و یک در صد و یک بعلم ولایت تمام نموده بر سر علم قرار داده و حضرت امیر المؤمنین حسن را سپه سالار و پیشوای لشکر نامزد نموده چون حضرت با رایات نزول اجلال فرموده جنگ در میان پادشاه عجم و حضرت واقع شد یک مرتبه علم کاویلی بدست لشکریان اسلام افتاد و آن را بمدینه آوردند و صحابه حصه نموده‌اند و آن را یکی از حکمای اشراقی در شرف آفتاب نوشته بود و شرح آن بسیار است چنانچه در کتابها نموده‌اند این ضعیف در نهادن هر شکلی شرحی بگوید چنانچه در هیچ کتاب نگفته‌اند اما شرح خواص هر شکل در کتابها گفته‌اند و معروف است طبعان خلایق اما این نکتها در هیچ کتاب نباشد مگر کسی که تجربه بعمل کار کرده باشد اظهار کند اکنون آمدیم بشرح اشکال که هر یک را بچند نوع می توان نهاد یازده در یازده تعلق بزحل دارد و مضبوط آورده و اگر خواهند که بنهند از سطر کناره دست راست ابتدا کنند و پنج خانه بالا و پنج خانه بزیر رها کنند و یکی در آنجا بنهند و هم بر آن سطر مرتبه مرتبه

١٠	٨٦	٩٤	٦	٩٦	٤	٩٨	٢		٩
١٨	٣٤	٦٩	٧٢	٢٧	٢٦	٧٧	٨٠	١٩	٨٣
٨٤	٧١	٢٨	٣٣	٧	٧٩	٢٠	٢٥	٧٨	١٧
١٦	٢٩	٧٤	٦٧	٣٢	٢١	٨٢	٧٥	٢٤	٨٥
٨٧	٦٨	٣١	٣٠	٧٣	٧٦	٢٣	٢٢	٨١	١٤
٨٨	٨	٥٠	٥٣	٥٦	٤٢	٦١	٦٤	٣٥	١٣
١٢٠	٥٥	٤٤	٤٩	٥٤	٦٣	٣٦	٤١	٦٢	٨٩
٩٠	٤٥	٥٨	٥١	٤٨	٣٧	٦٦	٥٩	٤٠	١١
٨	٥٢	٤٧	٤٦	٥٧	٦٠	٣٩	٣٨	٦٥	٩٣
٩٢	١٥	٧	٩٥	٥	٩٧	٣	٩٩	١	٩١

بزیر می آید تا پنج خانه و ششم یکو شد و نیز از جانب چپ بنهند و میل بجانب یمین نماید و مرتبه مرتبه بنهند تا ده تمام شود و یازده فرجه طولی با آن دو و دو خانه میانی سطر بنهند و دوازده فرجه عرضی یکی باشد و مرتبه مرتبه بالا دو و تا شانزده تمام شود و هفده هجده و نوزده و بیست پهلوی یازده بنهند و در سطر بالا و این بیست میزان این لوح است نذر دود ندر و جوف وی بعبارت خود بنهند بدین صفت اینست

١٦	١١٥	١١٤	١١٣	١١٢	١١	١٧	١٨	١٩	٢٠	١١٦
١٥	٣٣	٩٦	٩٥	٩٤	٢٩	٣٤	٣٥	٣٦	٩٧	١٠٧
١٤	٣٢	٤٦	٨١	٨٠	٤٣	٤٧	٤٨	٩٢	٩٠	١٠٨
١٣	٣١	٤٥	٥٥	٧٠	٥٣	٥٦	٧١	٧٧	٩١	١٠٩
١٢	٣٠	٤٤	٥٤	٦٠	٥٩	٦٤	٦٨	٧٨	٩٢	١١٠
	١٠١	٨٥	٧٣	٦٥	٦١	٥٧	٤٩	٣٧	٢١	١
١٢٠	١٠٠	٨٤	٧٢	٥٨	٦٣	٦٢	٥٠	٣٨	٢٢	٢
١١٩	٩٩	٨٣	٥١	٥٢	٦٩	٦٦	٦٧	٣٩	٢٣	٣
١١٨	٩٨	٤٠	٤١	٤٢	٧٩	٧٥	٧٤	٧٦	٢٤	٤
١١	٧	٢٥	٢٦	٢٧	٤٨	٩٣	٨٨	٨٧	٥٩	٥
٦	٧	٨	٩	١٠	١١١	١٠٥	١٠٤	١٠٣	١٠٢	١٠٦

خواص اگر زنی کم شیر باشد این طلسم را بنویسد بر گردن زن بیاویزد ان شاء الله تعالی شیرش بیفزاید صفة طلسم اینست ا صه صه وصا وی معصم محه صحم فانفجرت منه اثنتی عشره عینا اللهم زد لبنی فلانه بنت فلانه بمحمد و آله الطاهرین

(جواهر مکنونه)

بسم الله الرحمن الرحیم

حمد و سپاس بی عدد و ثنای صانعی را که زمین مطبق مستدیر الجهات را بر دوش آسمان معلق مسبع السیارات آفرید و از دوازده امتزاج
۴ در ۳ عناصر و طبایع افراد و تادر از اکمل اصفیا بدید آورده جهة ارشاد و هدایت حادثات را مسدس ایمان و مخمس اسلام
در اقالیم ربع مسکون منتشر گردانند و درود نا معدود بر قبه مقدس مدور البنا و روضه منور مثمن الارکان نقطه دایره وجود
صاحب مقام محمود شافع ۱۰۰۰ در ۱۰۰۰ عاصی مردود محمد المبعوث علی کل الموجود صلی الله باحا (؟) الخطاب اللائم و بر اهل بیت مطهر شش
تیما مخمس آل عبا و اصحاب المکرم خصوصا المبشرین جنة الماوی رضوان الله علیهم اجمعین اما بعد چنین گوید کاتب این رقم
حسن المشتهر بمیر کاتب احسن الله احواله و نور بحقایق معرفة باله که چون بمقتضی کلام نبوی علیه افضل الصلوة و اکمل التحیات
علم الاعداد اجل العلوم بین فقیر در عنفوان شباب موفق شده در این علم مطالعه کتب حکما مامور گشت از جانب جمیع علما که آنچه
بتجربه معلوم کرده باشد از خواص حروف و وفق اعداد و وضع آنچنانچه مستحق اهل وقوف باشد و نتایج غریبه از آن بظهور رسید
در حین تحریر آورده بحکم المامور معذور ابکار عرایس افکاری که منقوش لوح ضمیر بود مرقوم جلد تحریر کردانید المسمی بجامع الخواتیم
فی الاعداد و من الله التوفیق و الیه الماب باب اول در خواص ۲ در ۳ حکما این عدد را مثبات میخوانند بدانکه اعداد تا بشمار آدم
نرسد مستعد قبول اعتدال وفق نشود و صحیح بدانکه صحیح هر عدد بر اکمالیت و عدد کمال ۴۵۹ است و منقول است و بعضی این
ابیات را بحضرت صادق ع نسبت کنند من و بعضی از امیر المؤمنین ع از یک تا ۹ چون بشمار آدم

ب	ز	و
ط	ه	ا
د	ج	ح

۴۵ باشد مناسب بعدد آدم و بیش در خواص ۳ و ۳ نرموده اند و ترتیب ابطح جهد حروف وفق العدد دقیقه نافعه
لعسر حمل الولد و یرجع الابق فی ساعة للبلد و امام محمد غزالی مخترع این در خواص ۳ در ۳ وضعی نهاده اند بزرگان روز کار
کاعداد آن بر مز بجا اهم همی نوشت عید عرب بسال ده و علحضرت از جوج نقش همین کعب نگر ای نیکو سرشت میعاد وضع
حمل و نیاز و خدای عرش باران مصطفی و طلاق ودر جشت و از خواجه نصیر الدین منقول است که حروف ترکانند که مرتب
آحاد است بر عصای موسی ع مرسوم بود و در بطلان سحر مجرب تا حد وضع حمل این شکل را بر سفال آب نرسیده کشند بر
وصل و یکی بر رانی پای راست بندند و یکی بر ران یا جیب و یکی بر پشت در ساعت از رنج خلاص شود و چون روز دوشنبه بساعت
قمر این شکل بنگارند و بمحبوس دهند تا در شب با خود دفن کند از بند و زندان خلاص شود و این شکل چون بنام گریخته نویسند
و نام و رب اب عدد بنج بنویسند و در محل خوابگاه او دفن کنند و سنگ گران بر بالای آن نهند متحیر شود و باز گردد و اگر بر جهار
وصله کاغذ کشند و هر یکی در کوزه آب نرسیده نهند و در چهار گوشه کشت زار دفن کنند ملخ در آن کشت زار نا یافت
شود و جهة باطل السحر این شکل را بنگارند و آیة الکرسی را بحروف مقطعه در حوالی آن بنویسند و با آب حل کنند و بآن آب خود را
بشویند سحر باطل شود و اگر کسی را بسته باشند بر وزن همین صورت بعمل آورند که موثر است و چون قمر در شرف باشد و با کواکب

آدم
۴۵

سعد بنظر مسعود بود بر پوست آهو بنویسند حاصل قادر گردد و بر حرکت و از راه رفتن باز نماند و ملول نشود و چون قمر

در سرطان باشد و ناظر بسعود در نقره خالص بنگارند حاملش معین باشند بر جمله حرکات و غالب گردد بر دشمن و چون

بروز زهره و ساعت زهره بنگارند حاملش هر کس که سخن گوید مطیع او گردد و اگر در روز قمر و ساعت قمر بنگارند و زر را با خود

دارند از جمیع مکاره و خوف ایمن باشند و چون اجتماع نیرین باشد بنویسد بهر حاجت که متوجه شود روا گردد و اگر قمر ناظر بشمس

باشد بتسدیس یا بتثلیث بنگارند حاملش را جاه و حشمت بیفزاید و اگر بطلوع اسد بنویسد و از آن فتیلها سازد با سم ملوک

بجز مشک و زعفران کند تا بنهایت دهد و اگر قمر بتربیع یا مقابله مریخ بود با سم شخصین بنویسند در میان ایشان

تفریق افتد و حکما گفته اند که این شکل را بسیار با خود داشتن خوب نیست که پریشانی آورد ۳ در ۳ عداوت انگیزد و جاد

در جاد با هم آمیزد و چون قمر ناظر بزهره یا مشتری باشد بنظر سعد جهت محبت بنگارند که اثر عظیم دهد جهت فتوحات هم

باین نظرات بنویسند و شرط نوشتن بجا آورد و بخور بسوزانند و عزیمت بخوانند که مقصودات کلی و جزوی حاصل شود مثال

۳ در ۳ این است که مسوده شد در وقت عمل باید مثلثها مذکور را در شب بشکل مربع نوشت که طول عرض آنها مساوی باشد

۶	۱	۸
۷	۵	۳
۲		۴

۲	۷	۶
	۵	۱
۴	۳	۸

فصل بدانکه ابتدا باین شکل بصورت نظم طبیعی از جهة

فتوحات ابتدا از خانه ۲ و بجهة محبت ابتدا از ۴ و بجهة

خروج ابتدا از ۶ و بجهة تفریق ابتدا از ۸ و هر یک شکل را

۶	۷	۲
۱	۵	
۸	۳	۴

۲		۴
۷	۵	۳
۶	۱	۸

اینی موکل است و در این شکل بسیار غرایبات هست از قهر

و تسلیط و تهلیک و تخریب و قلع و تمریض و تفریق لا حول و لا قوة الا بالله فصل

بدانکه طریق یونانیان هر گاه خواهند که از جهت بعض و تمریض و فتوحات و هر عمل که کنند طریق ایشان آن است که پنج اسم

از این استخراج می کنند و عزیمت بخوانند و مقصود حاصل کنند بدین طریق که اول پنج گیرند و ۶ و ۳ عدد بر او اضافه

بر ۶ ۳ و مجموع بگیرند و گویند شبدائیل ۲ نهایت عدد که ۹ است اضافه بر ۶ ۳ کنند و گویند شیحائیل ۳ عدد

عدل که آن پانزده است بر ۶ ۳ کنند و گویند که شیطائیل ۴ عدد ضلع که آن پانزده است بر ۶ ۳ اضافه کنند

و گویند شکدائیل پنجم عدد جمله وفق است بر ۶ ۳ اضافه کنند و نطق دهند و گویند بعد از آن عزیمت ساخته قراءت نمایند

که اقسمت علیکم و عزمت علیکم بحق ربنا الکم یا شبدائیل و یا شحائیل و یا شیطائیل و یا شکدائیل و یا شمدائیل

افعلوا کذا و کذا الساعة الساعة فصل در دانستن طریق حکماء فرس و اصطلاح این قوم چنان است

که ۳ در ۳ یا مضمراست یا مظهر و مظهر آن است که اسم طالب و مطلوب بگیرند و آیه محبت در این وفق بنگارند مثال طالب محمد

۹۲ مطلوب مجموع ۹۸ و اسم ودود ۲۰ این جمله ۲۱۰ باشد ۱۲ طرح کردیم الباقی ۱۹۸ ماند بر سه قسمت کردیم هر قسمی ۶۶

[illegible]

طرح وبك قسم را در ۲ و در ۳ در آوردیم بصورت نظم طبیعی تمام کردیم واگر کسر واقع شود در این شکل راست نیاید واگر
کسر قبول کند مثلث هندیست در خواص چندی دیگر در این شکل نموده میشود اول حب
کسی مبتلای دل باشد وخواهد که دلش سرد باشد عدد سوره والعصر بگیرد وعدد اسم

٦٧	٧٢	٧١
٧	٧	٦٦
٦٩	٦٩	٧٣

آندو کس بگیرد ودر مثلث ثبت کند ۲ ۷ ودر کوزهٔ نوی که آب بدید باشد وآب از آن نخورده باشند بگذارد
وآب از آن باز خورد الله نعم دلا در از آن شخص یاد کرد اند وسرد کند واگر خواهد که کسیرا از مرتبه بیندازند عدد وماء مهیت
از مهیت وعدد آن ظالم در وفق ثبت کند ودر گورستان دفن کند از آن مرتبه بیفتد وآید بعدد اسم آنکس خواند
واگر خواهد که ظالمی را بجور کند عدد فی قلوبهم مرض بگیرد واسم آن ظالم را داخل ببر وفق ثبت کند وبعد این جمله بخواند
ودر گذار راه او دفن کند یا در گورستان که آنکس تا توبه نکند به نشود واگر خواهد که کسی از عشق دلش سرد شود بگیرد
عدد آیه یا نار کونی برداً وعدد اسم آنکس در وفق ثبت کند ودر کنار آب روان دفن کند دلش تسکین یابد وسوره تبت یدا
سه ای لهب مهی خواند رد واگر خواهد که کسی را مطیع خود کرداند عدد لو انفقت تا حکیم بگیرد وبا اسم آن شخص در مثلث ثبت کند
واز باد بیاویزد آنکس مطیع او شود واگر خواهد که کسی را زبان بندد عدد صم بکم عمی فهم لا یعقلون وعدد اسم آن شخص در این
شکل ثبت ودر شیب سنگ گران نهد که آن کس را زبان بسته شود مهر یك از این اعمال شطی است کواکب ونجوم را بوزانده
منیت بجوانند که مجرب است فصل در طریقه حکمای مغرب وبحث ایشان در مفردات ومرکبات ومدد مرکبات خواص اسمای هند
زموده اند مثل کشایش وعزت ورزق وتسخیرات ودر مفردات قهر وتسلیط حمی وبعض دواره که وقبض وهرچه که خواهند
وهر عملی که کنند از قرآن مجید آیتی که مناسب باشد در حالی وحوایج آن وفق نویسند بدین مثال اذا زلزلت الارض زلزالها
واخرجت الارض اثقالها وقال الانسان مالها یومئذ تحدث اخبارها بان ربك اوحی لها یومئذ یصدر الناس اشتاتا
اشتاتا اشتاتا تفرقوا ارتحالا وانفروا خفافا وثقالا با سکم بینکم شدید وخرجا بکم ما زادوکم الا خبالا لا بغضب قلب فلان
۲ فلان علی فلان ۲ فلان الساعة الساعة تا کار رش هلا کت رسد برای عمل ودفع هر چیزی مشغول نشود تا مراد
نیابد ووفق بدین مثال ودیگر جماعتی از اهل مغرب از این نه خانه ۹ اسم استخراج کرده اند وعمل آن کنند بدین مثال
اول اططهاك دوم بطلطمیساك سیم جططهساك چهارم وططهسال پنجم هططهیاك ششم وطططهیاك
هفتم زططهیال هشتم حططهیال نهم ططططهال بدین صورت وقسم میدهند بدین طریق که اقسمت علیکم یا اططا
تا آخر بحق الحق وبحق خالق الخلق بان تفعلوا کذا کذا فصل در طریقه مظهر ونغا الکتابه وآن چنان است که از جمع عدد
ثلث بیرون آورد ودر خانه قطب نهد وباقی عدد در طول وعرض قسمت کند برای جمع این عدد ۲۷۹ ثلثش ۹۳ باشد
بیرون کردیم ودر قطب نهادیم وباقی عدد را قسمت کردیم بدین مثال شد

٤٤ ٩ ٨

عباد	لطیف	الله
٧٥	٩٣	
١٢٠	٥٧	١٠٢

الله	الا	لا اله
مبدی	دایم	[illegible]
جلی	حکیم	[illegible]

(لآلی مخزونه)

فصل در طریقه حکماء بابل و یونان فرموده اند که چهار ملک بلا زم این شکل اند اوّل ما لیثو ا هیحویک و فوق افلاک شند از ... ابتدا کنند ۹ نوبت این اسم بخوانند و در پهلوی اوّل این اسم بنویسند دوم با مستعینا چون شکل دوم بکار ند این در پهلوی خانه ۲ بنویسند ۹ نوبت سیم یا کنفتوثاه چون شکل سیم بکار ند این اسم در خانه ۳ بنویسند و نه نوبت بخوانند و چهارم مطیسلیخواه چون شکل چهارم بکار ند این اسم را در پهلوی خانه ۸ بکار ند ۹ نوبت بخوانند و بخور ... بسوزانند و اسما بخوانند که البته مقصود حاصل شود فصل در اصطلاح اهل بابل و یونان ایشان میفرمایند که چون خوا(هند) که این شکل بکار ند ابتدا بعدد یک کنند و یک نوبت بگویند آه آه و چون عدد ۲ بکار ند دو نوبت بگویند بعطونال و چون عدد ۳ الهند ۳ نوبت بگویند جلشو و چون ۴ نویسند چهار نوبت بگویند دمیال و چون ۵ نگار ند ۵ نوبت بگویند هطططمیش و چون ۶ نویسند ۶ نوبت بگویند وکوهم و چون ۷ نویسند ۷ نوبت بگویند زنفطا و چون ۸ نویسند ۸ نوبت بخوانند حلاید و چون خانه ۹ نویسند ۹ نوبت بگویند طمیال این اسما و این عزیمت پس غرایب اعمال در دوست و در جمیع اعمال مثلث این عزیمت باید خواند بسم الله الرحمن الرحیم بَرْهَیَتَه بَرْهَیَتَه کَرِیر کَرِیرا برشان تَتْلِیَة طُوران مُزَجَل مَزْجَل تَرْجَل تَرْقَب تَرْهَش غَلْمَش خُوطِیر قَلَنْهُور آبَرْشَان کَظْهِیر مُوشَلِخ مَلُوشَلِخ بَرْهَبُولا تَشْکَلِیخ کَرِیر لَغَلْلَبِط تِیرَاط غَجْطِیر غَبَاهَاکُبْدَ هولاثمخا میرشاخیر شهاهیر بحق العهد الماخوذ علیکم والانقیاد فیما امرکم به و بعزة العزیز فی عزة عزة و بطشه و شدة قهره واوفوا بعهد الله اذا عاهدتم ولا تنقضوا الایمان بعد توکیدها وقد جعلتم الله علیکم کفیلا ان تحرزوا و تفعلوا کذا و کذا بحق الله الذی لیس کمثله و هو السمیع البصیر و بحق بدوح اجهزط بطد زهج واح و بحق قسم اول آل و آخر آل ذوالجلال والاکرام و بحق الله لا اله الا هو الحی القیوم فافعلوا ما تو مرون بارک الله فیکم و علیکم اراتیم ما وصف علیکم انصرفوا بحق من جئتم من اجله بلا ضرر ولا اضرار بارک الله فیکم و علیکم و بعد از آن قل هو الله و آیة الکرسی و معوذتین بخوانند و بر خود دمند تا از ضرر ایمن کردند دیگر از جمله خواص این شکل آن است که اگر چیزی را دزد برده باشد و ظاهر نشود بنویسید این شکل را بر بیضه و نام سارق یا ذاهب یا آبق و در تنور یا مطبخ چون بخار آتش به بیضه رسد آن دزد بآن گریخته متغیر شود و باز گردد بامر الله تعالی و چون دفن کند بگوید اللهم اجعل جمعا بین فلان و فلان بدین مثال بنویسید فصل در طریقه حکماء مصر و اعمال ایشان بدین مثال است که عدد اسم هر چیزی که خواهند از خیر و شر و مطلوبی که دارند در تطبیق شکل نویسند و بعد و اسم مشغول شوند و مقصود خود حاصل کنند مثال یا مفتح فتح بالخیر در وسط نویسند و وفق تمام کنند و این اسما را بعدد شش بخوانند که مراد حاصل شود بدین مثال نموده شد این شکل یا مقابله باشد بخش این شکل بر کشند

۱۸۷۱	۱۸۶۶	۱۸۷۳
۱۸۷۲	یا مفتح فتح بالخیر	۱۸۶۸
	۱۸۷۴	۱۸۶۹

و اگر کسی را خواهد که قهری کند چون قمر در برج ... و در مسجد خراب بنهد و چون قمر در سرطان باشد و نام ...

نهادیم و ثلثین که ۲۰۴ است بربالای آن قسم گذاشتیم و با ز ثلث را و نصف چهارم ۲۰ دو قسم کردیم و ۵۰ و در میان نهادیم
و ۴۲ و ۵ در پهلو باقی عدد درخانها قسمت شد بدین طریق و طریق دیگر و الکتابه بنحو دیگر این است که نموده
میشود
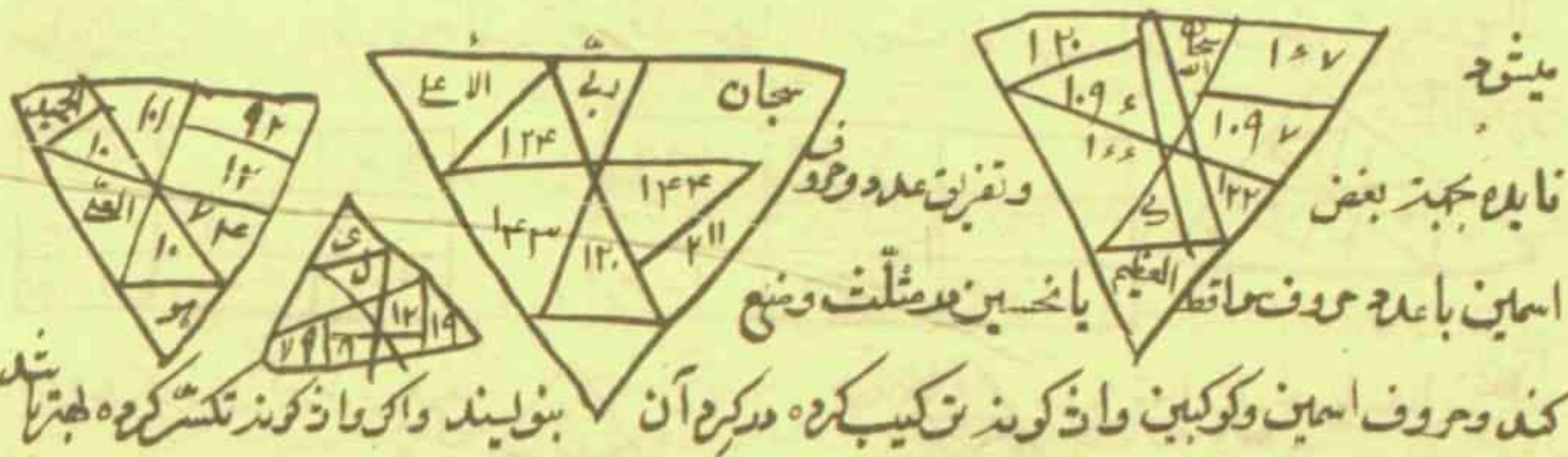
فایده جهت بعض اسمای با عدد حروف حافظ یا محسن در مثلث وضع و تفریق عدد و حروف
کند و حروف اسمای و کوکبی و اذکور نه ترکیب کرده و در کرد آن بنویسند و اگر اذکور نه تکسیر کرده بهتر باشد

فایده دیگر از مثلث از جهت اخراج و اتصال مقصود بود آید لا تذرنی الی دیارا بر کرد
آن نویسند و در بعض والقینا و در انهزام و انکسار سیهزم الجمع تا آخر فایده دیگر

۵۲	۲۰۴	ب
۱۰۰	۱۰۲	۱۴
۱۵۴		۵۲ ۱

در مثلث اگر عمل خیر کنند باید که زحل مسعود بود در تثلیث و یا تسدیس قمر یا مشتری یا زهره شمس محل باید که
در شرف باشد یا رابع یا مثلث یا در وضا نه خود اگر عمل بد کنند محل باید که زحل منحوس باشد بتربیع یا مقابله
یا راجع باشد و دیگر میباید که در آن روز که نویسند ابتدا از حروف آن روز کنند ایکشنبه تا دو که شنبه است
و ح تعلق بامورحاره و ط بدنب و حروف مثلث این است واح ذهج بطد و اگر باسم شخص نهد و طالع و قع داند
برحسب عناصر اربعه مثلث بجهان مزاج بنهد و هر عمل که کنند بنظر قمر که خاص است و آنچه بشر کنند بروز زحل
و مریخ و آنچه جهت محبت باشد یکی باسم طالب و یکی باسم مطلوب و اسم طالب بر وفق اسم مطلوب و اسم مطلوب
بر وفق اسم طالب بنویسد و دیگر گفته اند که مثلث را خاصیت فتوح و محبت و اخراج و تفریق هست جهت فتوح
مثلث ناری که جهت محبت مثلث بادی و جهت اخراج مثلث آبی و جهت تفریق مثلث خاکی و هر یک از این مثلث را موکلی بود
در هیکلی او میباید نوشت

مثلث خاکی

۴	۹	۲
۳	۵	۷
۸	۱	۶

مثلث نار

	۱	۶
۳	۵	۷
۴	۹	۲

مثلث باد

۲	۷	۶
	۵	۱
۴	۳	۸

۹

مثلث آبی

۶	۷	۲
۱	۵	۹
	۳	۴

فصل در خواص مربع چهار در چهار این اعداد را تماثیل خوانند و هر که این شکل با خود دارد در نفعت و عزت افزاید و جهت
تحصیل مرادات مناسبت و چون آفتاب در شرف باشد بنویسد که با خود دارد مقبول نظرها گردد و محبوب سلاطین
شود و اگر قمر در کف الخضیب باشد و ناظر مشتری یا زهره باشد بنظر دوستی این شکل بنگارند محبت و مودت بانک بود و
چون قمر بنظر سعد باشد با مریخ برکشند حامل آن مظفر گردد بر دشمن و چون زهره در شرف باشد و قمر در ثور باشد در میزان
باشد این شکل را در خاتم بنگارند یا بر جیبه باشد حامل آن محبوب خلایق گردد و اگر ابر اسبیا با خود نگاه دارد از درجها

ایمن شود و قولنج را برد و چون قمر ناظر مریخ باشد بدوستی این شکل بر کشند حامل آن از راه رفتن مانده نشود و بر دشمن مظفر گردد و از شر اعدا بسلامت باشد و از مکاره و ضرران ایمن باشد و اگر بقران زهره و عطارد بنویسد و دفع القبض کرده و اگر در لوحی از سرب نقش کنند کاهی که زحل در شرف باشد و قمر در حد زحل حاملش معروف و مشهور گردد و نافذ القول شود و نزد سلاطین مقبول و محفوظ گردد و از کید اشرار ایمن باشد و اگر در خشت پخته نگارند و در منبع کاریز تعبیه نمایند آب افزون شود و چون قمر بتثلیث آفتاب یا زحل بود حاملش نزد ملوک با حرمت بود و اگر قمر بتثلیث عطارد بود نزد وزرا و اهل قلم با حرمت باشد و اگر قمر بتثلیث زحل بود حاملش عزیز گردد و نزد اهل احشام و قلاع با حرمت باشد و اگر در ساعت نیک این شکل نگارند و بآب حل کنند و بیاشامند مجموع علتها را دفع کند و اگر بنویسند بسبب مصروع که بیهوش باشد بر سر او زنند باز بهوش آید و اگر بعوذ با لله آید و با علت عام باشد حامل این شکل محفوظ باشد و اگر در پشت کتاب بنویسند از دزد ایمن شود و در هر خانه که باشد همین خاصیت دارد و از برای تالیف القلوب و صلح بین الزوجین موافق بود و گفته اند که در کشتی نوع ۴ این شکل نگاشته بود از هیچ جهت از غرق ایمن گشت و از خواص مشهور او آن است که در هر چه بنگارند آن چیز را نگاه دارد و از خواص او فاق غیر طبیعی در مربع گفته اند که اگر نقش زوج الزوج باشد وقت اجتماع و قمر در شرف یا در خانه خود باشد بر صفحه یا در خاتمی از زر و نقره بنگارند حاملش بسلامت باشد و اگر وفقی که نقش فرد الفرد باشد و قمر متصل بود با زحل یا قمر در و بال بود هر زنی که با خود دارد حامله نشود اما انتهی انواع که مبنی بر احرف وجه است بازنمایم و معنی این کلمات آن است که اح در سطری باشد و زب در سطری و وج در سطری و ده در سطری و خواه طولی و خواه عرضی بدین منوال میشود کو اگر ترا هوس بجا دو چار است احوف وجه یقین ترا دو کار است از قطر یا بسب فروز اسب و رخ و اسب و زاسب بفروز است بلکه همه نیل در خانه نیل هر یکی بهفده ساز نقصان کن از که مر ترا معیار است و شارح رساله نخلی فرموده است که ۲۴ نوع مربع ۴ در ۴ نگاشته و دوازده نوع بطریق نظم طبیعی نموده شد و صورت او این است

۹	۷	۱۴	۴	[illegible]	۱۴	۱۱	۱۲	۸	۴	۹	۷	۸	۱۱	۱۴	۱
۶	۱۲	۱	۱۵	۱۲	۷	۲	۱۳	۱۵	۶	۱۲	۱	۱۳	۶	۷	۱۲
۳	۱۳	۹	۱۰	۶	۹	۱۶	۳	۱۰	۳	۱۳	۸	۳	۲	۹	۶
۱۶	۲	۱۱	۵	۱۵	۴	۵	۱۰	۵	۱۶	۲	۱۱	۱۰	۵	۴	۱۵
۱۲	۶	۱۵	۱	۱۲	۷	۲	۱۳	۱۴	۴	۹	۷	۱۳	۲	۷	۱۲
۷	۹	۴	۱۴	۶	۹	۱۶	۳	۱	۱۵	۶	۱۲	۳	۱۶	۹	۶
۲	۱۶	۵	۱۱	۱۵	۴	۵	۱۰	۸	۱۰	۳	۱۳	۱۰	۵	۳	
۱۳	۳	۱۰	۸	۱	۱۴	۱۱	۸	۱۱	۵	۱۶	۲	۸	۱۱	۱۴	۱
۹	۸	۷	۱۴	۳	۱۰	۵	۴	۱۵	۱	۱۲	۶	۱۲	۸	۱	۱۴
	۱۲	۱	۱۵	۸	۱۱	۱۴	۲	۱۴	۴	۹	۷	۲	۱۳	۱	
۳	۱۳	۸	۱۰	۱۳	۲	۷	۱۲	۱۱	۵	۱۶	۲	۱۶	۳	۶	۹
۱۶	۲	۱۱	۵	۳	۱۶	۹	۶	۸	۱۰	۳	۱۳	۵	۱۰	۱۵	۴

(لآلی مخزونه)

فایده در اصطلاح وهفتیان مربع یا مظهر است یا مظهر و یا ذو الکتابه واما مظهر آنست که اسمی یا حرفی را بهیئة

دو مربع بنگارند بدین طریق که نموده شده صورتش این است اما مضمر چند نوع است

ع	ظ	ی	م
ی	م	ع	ظ
م	ی	ظ	ع
ظ	ع	م	ی

نصفی و ربعی و سدسی اما طریق سدسی آن است که از یکی تا بدو از نهم خانه بنظم طبیعی نویسند

واز کل ۱۲ طرح کنند وعددی که خواهند در خانه ۱۳ افکنند و تمام کنند برای مثال در

اسم فتاح ۸۹ ۳ از یک تا دوازده بصورت نظم طبیعی آمدیم و از عدد کل ۱۲ طرح نمودیم ۷۸ ۴ در خانه ۱۳

افکندیم و تمام کردیم بدین صورت اما طریق نصفی و آن چنان است که عددی که

١	٤و٩	١١	٨
١٢	٧	٢	٨و٤
٦	٩	٤و٧	٣
	٤	٥	١٠

خواهند بگیرند و از آن عدد نصف کرده و باقی که ماند از یکی تا ۸ بنظم طبیعی

ثبت کنند و بعد از آن آنچه باشد در خانه ۹ بنهند و تمام کنند بدین مثال که عمل کرده

در اسم عظیم ۱۰۲ نصف کردیم باقی ۱۰ ۵ از یکی تا ۸ که ۵۱۰ بود ۵۲ و دو ماند در خانه نهم ثبت کردیم و تمام ساختیم

بدین صورت و اگر در عدد کسری باشد در خانه ۱۳ بیفزایند که راست آید بدین مثال در اسم مالک ۹۱ طرح نصف الباقی

۴۵ کسر یکی از یکی تا هشت بصورت نظم طبیعی آمدیم و ۸ از ۴۵ رقم ۳۷ ماند در خانه ۹ نهادیم و در خانه ۱۳

کسر را افزودیم تمام کردیم بدین مثال که مشروح شد این است طریق ربعی است و آن

١	٥٧	٥٤	٨
٥٠٥	٧	٢	
٦	٥٠٢	٥٠٩	٣
٥٦	٤	٥	٥٠٣

چنان است که از عدد مطلوب ۳۰ طرح کنند و باقی را بچهار قسمت کنند و خارج قسمت را

در خانه اول افکنند و بصورت نظم طبیعی تمام کنند و اگر کسر یکی واقع شود یک عدد در خانه

۱۳ بیفزایند و تمام را کرده باشد در خانه نهم بیفزایند و تمام سازند و اگر ۳ کسر باشد در خانه ۵ یک عدد اضافه

نمایند وفق را تمام کنند مثالا این است

٥٧	٧٠	٦٧	٦٤	٢٠	٣٤	٣٠	٢٧	١٥	٢٩	٢٦	٢٣	٢٤	٢٩	٣٥	٣٢
٦٨	٦٣	٥٨	٦٩	٣٩	٢٦	٣٣	٢٧	٢١	١٦	٣٨	٣٦	٤١	٢٥	٥	٣٧
٦٢	٦٥	٧٢	٥٩	٢٥	٢٨		٢٢	٣٠	٢٤	٣١	١٧	٣٠	٢٣		٢٦
	٦٠	٦١	٦٦	٣٥	٢٣	٢٤	٢٩	٣٠	١٨	١٩		٢٩	٢٧	٢٩	٢٤

مربع مالک

١	٤٣	٣٩	٨
٤٠	٧	٢	
٦	٣٧	٣٥	٣
٤٢	٤	٥	٣٦

با ملحقاتش ضرب کنند و حاصل ضرب ثانی را از حاصل ضرب اول که ضرب اسم طالب در مطلوب است کم نمایند آنچه باقی بماند

بچهار قسمت کنند و سه قسم را طرح نمایند و یک قسم را بگیرند و عدد اسم را یعنی اسم مطلوب را با ملحقاتش اضافه نمایند

و در اول خانه مربع ثبت نمایند و دیگر بار همین عدد را یعنی عدد اسم مطلوب را با ملحقاتش اضافه نموده در دوم خانه ثبت

کنند و هم چنین بر حاصل هر خانه عدد اسم مطلوب را با ملحقاتش اضافه نمایند و مربع را بدین دستور نمایند اما تا عدد آن

که عدد حاصل ضرب اول را چهار چهار طرح نمایند اگر یک باند از خانه آتش مربع شروع کنند و اگر دو ماند از خانه باد و اگر سه باند

از خانهٔ آب و اگر چهار باشد از خانهٔ خاک شروع نماید بعد از آن مربع را با مرکز تنش بر سانند مثلا عدد اسم طالب با ملحقات تنش

این است ۷۲۳ ۵ ۴۴ در عدد اسم مطلوب با ملحقات تنش که این است ۲۷۱۴ است ضرب کنیم چنین شود ۲۷۸۱۸

۲۱۱ دیگر باره عدد نظم طبیعی مربع ۴۳ باشد در عدد اسم مطلوب ضرب کنیم چنین شد ۹۲۲۷۶ بعد از آن ضرب ثانی

از حاصل ضرب اول بیرون کردیم باقی ماند این عدد ۳۵۵۴۲ ۱۱۱۱ ربع او این عدد شد ۲۷۸۳۸۸۵ کسر از خانه

هم یکی اضافه نمایند عدد اسم مطلوب را اضافه او نمودیم این عدد حاصل شد ۲۷۸۶۵۹۹ صورت شبکهٔ اول

و صورت شبکه دوم است چون حاصل شبکهٔ اول بعد از طرح ۴۳ دو ماند از خانهٔ باد شروع کند و بمرکز برسانند

که مفید است انشاء الله تعالی

	۳	۴
۲		۶ ۹
۷	۲ ۱	۲ ۸
۱	۳	۴
۴	۱ ۲	۱ ۶

	۴	۵	۳	۷
۸	۱	۶	۶	۱
۲ ۸	۳ ۵	۳ ۱	۴	۹
	۶	۵	۳	۷
۱	۶	۲	۱ ۲	۲ ۸

۲۸۱۳۲۷۳	۲۸۵۵۶۹	۲۸۹۲۵۲۷	۲۸۱۸۲۱۴
۲۸۱۲۰۲۶	۲۷۰۵۹۹	۲۲۴۹۶	۲۸۱۸۸۱
۹۷۲۵۵	۹۲۲۵۹۶	۹۲۵۲۷	۹۲۷۶۲
	۲۸۱۵۱۴۳۶	۲۸۰۳۲۱۲	۲۸۱۲۸۸۲۳

بخور کوکب مطلوب و بعد از شرط این عمل است

و بعد از آن استخراج اسماء الله نماید از چهار خانه

بیان بیرون آورند از خانهٔ اول و یا اسم ملک و از چهار گوشه اسم ملک از وفق لوح سر اسم ملک

و از مساحت کل وفق لوح طولی یا عرضی ملک از خانهٔ چهارم و پنجم اسم ملک اعوان و از خانهٔ ششم و ۲ اینها اسم

اعوان از خانهٔ سیزدهم و ۱۴ اینها اسم اعوان از خانه ۱۱ و ۴ یعنی اسم اعوان و از عدد چهار اعوان اسم صنیفه بیرون

آورده عزیمت سازند بطریقی که در کتب اهل این فن مذکور شده است اقسمت علیکم یا فلان ینبل الملک بحق فلان اعوان را

نام ببرد و قسم دهد اعوان باسماء الله و عزیمت تمام نماید قاعده اخری للمحبت بگیرد حروف مرتعات خاتم را و آیه

والقیت علیک محبة منی را و دو مثلث وضع کند بحیثیتی که خطوط اضلاع دو مثلث مساوی باشد و ب در ا ب

ح باشد و دال برابر واو باشد و اسم طالب در قطب مثلث وضع کند در طرف دست راست و اسم مطلوب در قطب مثلث

دست چپ و باقی را بدستور که در مثلث نموده میشود وضع کند و بخور کند بسوزاند بعد از آن که تمام شود طرف راست مثلث را

بر بالا طرف چپ گذارد و این آیات که مذکور میشود نه مرتبه یا پانزده مرتبه یا چهل و پنج مرتبه بر مثلثات بخواند و گاه گاهی

قرائت بخور مذکور را بسوزاند بعد از آن مثلثات را در زیر سنگ گران گذارد که اثر عظیم دارد و می باید که مثلث

طالب بالای مثلث اسم مطلوب باشد و آیات و الواح این است که نموده شده است کهیعص کان لنا من السماء فاختلط

به نبات الارض فاصبح هشیما تذروه الریاح هو الله الذی لا اله الا هو عالم الغیب والشهادة هو الرحمن الرحیم حی قیوم

(لآلی مخزونه)

اذ القلوب لدی الحناجر کاظمین وما للظالمین من حمیم ولا شفیع یطاع ع علمت نفس ما احضرت فلا اقسم بالخنّس

الجوار الکنّس واللیل اذا عسعس والصبح اذا تنفّس ص ص والقران ذی الذکر بل الذین کفروا فی عزة وشقاق

مثلث طالب

د	ولیت	ب
علیک	طاہر	محبة
ح	ضئ	و

مثلث مطلوب

ح		علیک	و
ضئ		اسم مقرر	ما العیت
د		محبة	ب

در استخراج اسماء و اخبار از صفحات جامع و کیفیت سوال سائل و استخراج جواب بدانکه استخراج اسماء نقطع در بیوت و اثبات بیّنات بود بر واسطه بلا تکرار

بعد و حروف دعا که مجامع اسماء الله اند و لے بعد ب و اسماء اعوان بین مجامع و لے بخلاف دعا سبب دین تکسیر از جہة

حد ممکن باشد مغلوب مجامع ماند و بعضے در دعا سبب این چنین عمل کرده اند و لے جواب سؤال سائل از حروف

بیج در حروف اسم سائل و حروف بیت چهار چهار گرفته و در هر صفحه که باشد حکم کنند و اکثر صفحات را بر ایام سال حصه

و مطلوب هر ترا از سهم مخصوص آن طلب دارند ابین و اظهار یابند و این اطلاع مغیبات را باصطلاح جفریان ترشف

خوانند که در مقابل کشف است و بعضے حروف دعا را دو دو رقم جزؤ و صفحه کرده اند طلب دعا کنند حرف اول

اشارت است بعد و حروف یعنے حرف چندم است از حروف ابجد ۲ اشاره بعدد صفحه از حروف معیّن ۳ اشاره است

بعدد سطر از حروف معیّن و صفحه معیّن ۴ اشاره است بعدد خانه از حروف معیّن و صفحه معیّن و سطر معیّن باب

۷ از جزو ۲ که ابتداء آن این است ب ن ۱۱ تعلیق آن سبب عزت و رفعة و کلمه بزرگ در اوست باب ۸ از جزو ۲

که ابتدای آن ب ح ۱۱ است در سفینه سبب نجاة میشود و کلمه بجاره در اوست باب ۹ از جزو ۲ که ابتداء آن ب ط ۱۱ است

تعلیق آن جہة درد شکم خوب است باب ۱۰ از جزو ۲ که ابتدای آن ب ی ۱۱ است جہة محبت مفرط تعلیق آن نماید و لفظ

ببدل در اوست و اسم خدا در این صحیفه در خانه دهم از سطر یازدهم و نوشتن جہة بزرگی باب ۱۱ از جزو ۲ که ابتداء

آن ب ک ۱۱ است تعلیق آن جہة خلاصی از تشویش و لفظ بکن در در اوست باب ۱۲ از جزو ۲ که ابتدای آن ب ل ۱۱

است جہة دخول بلد و دفع تشویش و حصول آسایش در آن و کلمه بلد در اوست باب ۱۳ از جزو ۲ که ابتدای آن ب م

۱۱ است جہة دفع دشمن در خرابه دفن کند و در عقب صفحه نام دشمن را بقاعده ثبت کند و در حین دفن بخود کند و ۲

بار گوید که یا فلان بمیر دشمن هلاک شود و کلمه بمیر در اوست باب ۱۴ از جزو ۲ که ابتدای آن ب ن ۱۱ است

بجہة دفع خوف و عبد از بندها مناسب است و در پشت صحیفه خدایا مرا محفوظ دار نوشته تعلیق نماید و کلمه بگذار

در این صحیفه میتوان یافت باب ۱۵ از جزو ۲ که ابتدای آن ب س ۱۱ است جہة عقد الرجال در پشت صحیفه بستم فلان

ابن فلان را بر فلان ابن فلان نوشته در قبرستان دفن کند و کلمه ببتن در اوست باب ۱۶ از جزو ۲ که ابتدای

آن ب ع ۱۱ است جہة آواره کردن از شهر دعا نه بنام آنکس نوشته در منزل او پنهان کند اندک روزی از مقام خود دور افتد

وکلمهٔ بفیند در اوست باب ۱۰۷ از جزو ۲ که ابتدای آن ب ف ا است جهت فهم یافتن طفل باکر تعلیق آن وکلمهٔ مفهم در او است

باب ۱۰۸ از جزو ۲ که ابتدای آن ب س ا است جهت درد چشم و زیادتی روشنائی بدستمال بسته بر بالای چشم آویزد

وکلمهٔ بصیر در اوست باب ۱۰۹ از جزو ۲ که ابتدای آن ب ق ا است تعلیق آن جهت برکت ولفظ برکت در او است

باب ۲۰ از جزو ۲ که ابتدای آن ب ر ا است جهت بشارت و از بحق و رزق بزرگی خوب است وکلمهٔ لبشیر در او است

باب ۲۱ از جزو ۲ که ابتدای آن ب ش ا است جهت سبقت است وعدم ضرب بدو دانا سب تعلیق آن خوب است ولفظ

بتارز در اوست باب ۲۲ از جزو ۲ که ابتدای آن ب ت ا است نوشته در موم گرفته از آب آن قدری بر جامهٔ خود افشاند

با آن جامه الحی بعی زند ولفظ مدعا در اوست باب ۲۳ از جزو ۲ که ابتدای آن ب ث ا است نوشته اسم دشمن را

در پشت صفحه نوشته در جای او پنهان کند آنکس در نظر مردم خوار گردد واسم ذلت در اوست باب ۲۴ از جزو ۲ که ابتدای

آن ب خ ا است به بخیل دهد بخی شود وکلمهٔ بخیل در او است باب ۲۵ از جزو ۲ که ابتدای آن ب ذ ا است جهت عقد الرجال

در پشت صفحه نویسد لبستم ذکر فلان بن فلان از بوج فلانه بنت فلانه وکلمهٔ لبستن در اوست باب ۲۶ از جزو ۲

که ابتدای آن ب ض ا است جهت تسلیط غم و مرض در پشت صفحه نام دشمن و مادر و مرض هر عبارت که خواهد نوشته

در منزل او پنهان کند ولفظ نصالد در اوست باب ۲۷ از جزو ۲ که ابتدای آن ب ظ ا است جهت اطلاع بر خفیات

نوشته با خود دارد باب ۲۸ از جزو ۲ که ابتدای آن ب غ ا است جهت دفع دشمن ظالم وآفات نوشته با خود نگاه

دارد باب ۱ از جزو ۳ که ابتدای آن ج و ا است تعلیق آن سبب قرب حکام گردد باب ۲ از جزو ۳ که ابتدای آن ج

ذ ا است جهت ثواب جزیل و عزت تعلیق آن خوب است باب ۸ از جزو ۳ که ابتدای آن ج ح ا بر کفن مرده بستن ایمنی از

دوزخ است باب ۹ از جزو ۳ که ابتدای آن ج ط ا هر که این صفحه ملکی حاصل میشود از برج قوس تعلیق آن اعانت

وسعی آن ملک در مهام میشود ولفظ ملک حطمع بالفظا بل است باب ۱۰ از جزو ۳ که ابتدای آن ج ی ا هر که

با خود دارد از اهل و دوستان خود خیانت نه بیند باب ۱۱ از جزو ۳ که ابتدای آن ج ک ا است تعلیق آن سبب نجات

از بلایا گردد باب ۱۲ از جزو ۳ که ابتدای آن ج ل ا است تعلیق آن علت بزرگی بین الناس گردد باب ۱۳ از جزو ۳

که ابتدای آن ج م ا است تدفین آن در منزل جهت عزت در نظر مردم که همه بر سر آن جمع آیند باب ۱۴ از جزو ۳ که ابتدای

ج ن ا است نوشته جهت محبت و رضا ند مطلوب دفن کند باب ۱۵ از جزو ۳ که اولش ج ل ا است جهت قوت بدن در موم

گرفته هر با مداد بمیان نهر بیانداخته بخورد باب ۱۶ از جزو ۳ که اولش ج ع ا است جهت رواج مذهب حق و یاد گرفتن علم

امداد و جعفر و خلاص از دشمنان در ساعت سعید باشرایط نوشته تفتیش کند و هر صید مقصد اوست حاصل شود وکلمهٔ مقصد در او است

باب ۱ از جزو ۵ که اولش ه ذ ا است بر چوب بسته مقابل لشکر دشمن نگهدارد که دشمن منهزم شود وکلمهٔ هزیمت که عبارت است

(لآلی مخزونه)

هجرت باشد در اوست چه اکه قاعدهٔ علمای این فن است که حروف علّه داخل حروف بینت محسوب نمی‌شود چنین است

باب ۹۸ از جزوه که اولش هج ۱۱ است تعلیق جهت فتوحات غیبی و لفظ فاتح مقلوب بی حرف علّه در اوست باین صورت ه ح ت

ن باب ۹۹ از جزوه برای احالت جمع که بفرمان نخواهد آورد در عقب صفحه نام مشار الیهم را نوشته در منزل نگاه دارد باب ۱۰۰ از جزوه

که اولش ه ی ۱۱ است برای هیبت و سیاست در نظر خلق با خود تعلیق کند و کلمهٔ هیبت در اوست باب ۱۰۱ از جزوه که اولش ه

ک ۱۱ است برای حصول فرزند خلف و روزی و افزونی لیق نماید و کلمهٔ برکت مقلوب در اوست باین صورت ه ک ب ر باب ۱۰۲

از جزوه که اولش ه ل ۱۱ است برای اهلاک دشمن در سر چهار راه دفن کند باب ۱۰۳ از جزوه که اولش ه م ۱۱ است برای همراه

راه و همسر خوب یافتن و برای رام کردن دختر نوشته تعلیق کند باب ۱۰۴ از جزوه که اولش ه ن ۱۱ است برای تفریق نوشته

در میان راه هر دو دفن کند مقلوب لفظ کینه در اوست ه ن ی ک باب ۱۰۵ از جزوه که اولش ه س ۱۱ برای ... تعلیق

کند و لفظ ... مقلوب در اوست باب ۱۰۶ از جزوه که اولش ه ع ۱۱ است برای دفع گرانی گوش و قوت سامعه بر گردن بندد

و لفظ سامعه در اوست مقلوبا باب ۱۰۷ از جزوه که اولش ه ف ۱۱ است برای درد سینه و سرفه در موم گرفته در شربت

انداخته بنوشاند بخورد و سرفه مقلوب در اوست باب ۱۰۸ از جزوه که اولش ه ص ۱۱ است برای دفع متعدی از بیع ملک و حصول ...

و کلمهٔ حاصل در اوست باب ۱۰۹ از جزوه که اولش ه ق ۱۱ است برای قبول صدقه وقت سه صباح بردی مال و طلب مغفرت کند

و صدقه بدهد باب ۱۱۰ از جزوه که اولش ه ر ۱۱ برای هراس و هیبت انداختن بر دل جمع که تعلیق کند و کلمهٔ هراس در اوست

باب ۱۱۱ از جزوه که اولش ه ش ۱۱ است برای کثرت عقل و هوش مجنون تعلیق کند هشیار شود و کلمهٔ هشیار در اوست باب ۱۱۲

از جزوه که اولش ه ت ۱۱ است برای کشتن دشمن در تربیع زحل یا مریخ نوشته نام دشمن را در پشت در محل خود ثبت کند

و در کوهستان کهنه دفن نماید و کلمه ... مقلوب ... باب ۱۱۳ از جزوه که اولش ه ث ۱۱ است حامل برج ثور

که هشتاد ... است در اوست در ساعت میزان نوشته تعلیق کند باب ۱۱۴ از جزوه که اولش ه خ ۱۱ است حامل برج عقرب در اوست

برای عداوت در برج جوزا نویسد باب ۱۱۵ از جزوه که اولش ه ذ ۱۱ است حامل برج قوس که هند ... است در اوست در

ساعت خوش بنویسد باب ۱۱۶ از جزوه که اولش ه ض ۱۱ است برای رفعت تعلیق کند و کلمهٔ هضبه که بمعنی فراز است در اوست

باب ۱۱۷ از جزوه که اولش ه ظ ۱۱ است برای شنیدن مردم سخن او را خوب است و کلمهٔ موعظه مقلوب بی واو در اوست باب ۱۱۸

از جزوه که اولش ه غ ۱۱ است جهت درازی عمر اطفال و کمال الجد بلوغ و مقلوب بلغه در اوست باین صورت ه غ ل ب

باب ۱۲۰ از جزوه که اولش و ب ۱۱ است برای تسلیط وبال و پریشانی بر دشمن در ساعت نحس نوشته در منزل دشمن دفن کند باب ۱۲۱

از جزوه که اولش و ج ۱۱ است برای وجاهت نوشته تعلیق کند در میان خلایق وجیه نماید باب ۱۲۲ از جزوه که اولش و د ۱۱

برای محبت و جهت و دوستی در جمیع قلوب بنی آدم نوشته با خود دارد که اسم ودود پیدا شود تمت

(جواهر منثورة)

دعاء لدفع شر الأعداء من السيد الإمام قدس سره في دفاع الروم فقال السيد المحقق رضي الله تعالى عنه لقد جربناه في دفاع الروم
عنا سنة ١٣٩ فاستجيب لنا بفضل الله ورحمته وانهزموا عنا واندفعوا عنا بحول الله وقوته بسم الله الرحمن الرحيم
فأوجس في نفسه خيفة موسى قلنا لا تخف إنك أنت الأعلى وألق ما في يمينك تلقف ما صنعوا إنما صنعوا كيد
ساحر ولا يفلح الساحر حيث أتى فألقي السحرة سجدا قالوا آمنا برب هارون وموسى فغلبوا هنالك وانقلبوا صاغرين
فوقع الحق وبطل ما كانوا يعملون فأوحينا إلى موسى أن اضرب بعصاك البحر فانفلق فكان كل فرق كالطود العظيم
عذت بالله ربي ورب كل شيء من سحر كل ساحر وغدر كل غادر ومكر كل ماكر ومن شر كل سامة وهامة
ولامة ومن شر كل ذي شر واستكلاب كل ذي صولة وغلبة كل عدو وشماتة كل كاشح أدرأ بالله في نحورهم
وأستعيذ بالله من شرورهم وأستعين بالله عليهم تدرعت بحول الله من بأسهم وتحصنت بقوة الله من جنودهم دفعتهم عني
بدفاع الله القاهر وسلطانه الباهر ورميتهم بسهم الله القاتل وسيفه القاطع أخذتهم ببطش الله طردتهم بإذن الله
فرقتهم تفريقا بحول الله مزقتهم تمزيقا بقوة الله شتتهم تشتيتا بمنعة الله ولا حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم
وغلبت من ناواني بجند الله الأغلب وقهرت من عاداني بإذن الله الأكبر ودمرت من قصدني بحول الله الأعظم وتبرت
من آذاني بأخذ الله الأسرع ودفعت عني بجلال الله الأمنع ولا حول ولا قوة ولا منة ولا منعة ولا عون ولا نصر ولا أيد
ولا عزة إلا بالله العلي العظيم وصلى الله على سيدنا ونبينا محمد وآله الطاهرين هزمت الأحزاب بسطوة الله قذفت
في قلوبهم الرعب بإذن الله سلطت على أفئدتهم الروع بعزة الله فرقتهم تفريقا بسلطان الله مزقتهم تمزيقا
بقوة الله دمرتهم تدميرا بقدرة الله أخذت أسماعهم وأبصارهم وجوارحهم وأركانهم ببطش الله القوي الشديد
وشدته ودفعتهم عنا بحول الله العلي العظيم وقوته وهزمتهم وجنودهم وأبطالهم وشجعانهم وأنصارهم وأعوانهم
بأيد الله المتين ونصر الله المبين مهزومين مرعوبين خائفين خائبين مخذولين مغلوبين منكوسين مأسورين اللهم ادفعهم
عنا بحولك وقوتك وبطشك وسطوتك مفرقين ممزقين مبهوتين منكودين مقموعين مقهورين مدحورين مذعورين
صاغرين خاسرين مخذولين خائبين مدبرين مغلولين مبهوتين مشمومين مشردين متشتتين تائهين في ذهابهم
عامهين في إيابهم حائرين إلى بيوتهم مشغولين بأجسادهم مكلومين في أبدانهم مجروحين في أيديهم مضروبين برقابهم
ممنوعين عن بهائمهم مردوعين عن مراحمهم محجوبين في كربهم مصروفين عن وجهتهم نياما من متوجهيهم شتاتا عن مجمعهم
مطبوعا على قلوبهم مختوما على أفئدتهم مغشى على أبصارهم معقودا على ألسنتهم مربوطا على أحلامهم وأفهامهم مشدودا
على أيديهم وأرجلهم مدفوعا بك اللهم في نحورهم مستعاذا بك من شرورهم مستعانا بك منهم مستعانا بك عليهم
اللهم خذهم أخذك السريع وسلط عليهم بأسك الفجيع مدفوعين مصروعين مذعورين في أنفسهم مبحوتين

فی آبائهم مکبوبین علی وجوههم ومناخرهم مخنوقین بحبائلهم وآونارهم مقیدین بالسلاسل مکبلین
بالاغلال مقرنین فی الاصفاد مطروقین بمطارق البلاء یا مصعوقین بصواعق المنایا مقطوعا دابرهم
مفجوعا غابرهم مسلوبا سالبهم مغلوبا غالبهم یا موجود عند الشدائد امن یجیب المضطر اذا دعاه امن یجیب
المضطر اذا دعاه کتب الله لاغلبن انا ورسلی ان الله قوی عزیز الا ان حزب الله هم الغالبون ان
ولیی الله الذی نزل الکتاب وهو یتولی الصالحین انا کفیناک المستهزئین فایدنا الذین آمنوا
علی عدوهم فاصبحوا ظاهرین   اقلع الاعداء من کتاب سلاح المؤمنین بخط شریف مؤلفه و از مجلد دعاها
مجرب مانند برای قلع اعدا و استیصال ایشان این دعا است لوا عما نووا وصموا عما طووا رب لا تذرنی فردا
وانت خیر الوارثین الم تر کیف فعل ربک باصحاب الفیل الم یجعل کیدهم فی تضلیل وارسل
علیهم طیرا ابابیل ترمیهم بحجارة من سجیل فجعلهم کعصف مأکول اللهم اکفنیهم بما شئت یا قدیر اللهم
بک ادرء فی نحورهم واعوذ بک من شرورهم بک احاول وبک اقاتل اللهم واقیة کواقیة
الولید بکهیعص کفیت بحمعسق حمیت فسیکفیکهم الله وهو السمیع العلیم وصلی الله علی
سیدنا محمد وآله وصحبه اجمعین بعد از نماز عصر هفت مرتبه بخوانند وعقد انگشتان دست نمایند و وقت
خواندن کهیعص ابتداء از انگشت کوچک دست راست نمایند و وقت قرائت حمعسق ابتدا از انگشت کوچک
دست چپ نمایند و بعد از آن مشغول شوند بقراءت آیه فسیکفیکهم الله تا آخر دعا انتهی   از مجربه
دفع مخل بنویس ی ا ش ع خ م ح م د ب س ب ا س ع در دین یا مخل کذا شتر بعد بوده
مجربست   طریقه این که صورتی باید کشید بر کاغذ و اسم طالب و مطلوب و مادر هر دو را باید
نوشت بجای هو فلان بعد از آن کاغذ را باید پیچید میان نی گذاشت و سر آن نی را بگل سرخ باید گرفت
و مهر کرد بعد باید قصاب را گفت بنام آن شخص گوسفند بکشد و دل او را در آورد و بشکافد و آن نی را
میان دل گوسفند آرد و قدری فلفل و سوزن فولاد در دل فرو کند و دل را بدوزد بخیاط
و در میان ظرف گذارد و آن ظرف را در دیوار طاق دفن کند و آتش بالای او روشن کند
که حرارت آتش باو برسد پس دل آن شخص آتش گیرد بی آرام شود تا حاضر شود اما اگر
آن شخص پیر است گوسفند هم باید پیر باشد و اگر زن است بز باشد و اگر پسر است
بره باشد و اگر دختر است بزغاله جاهل باشد
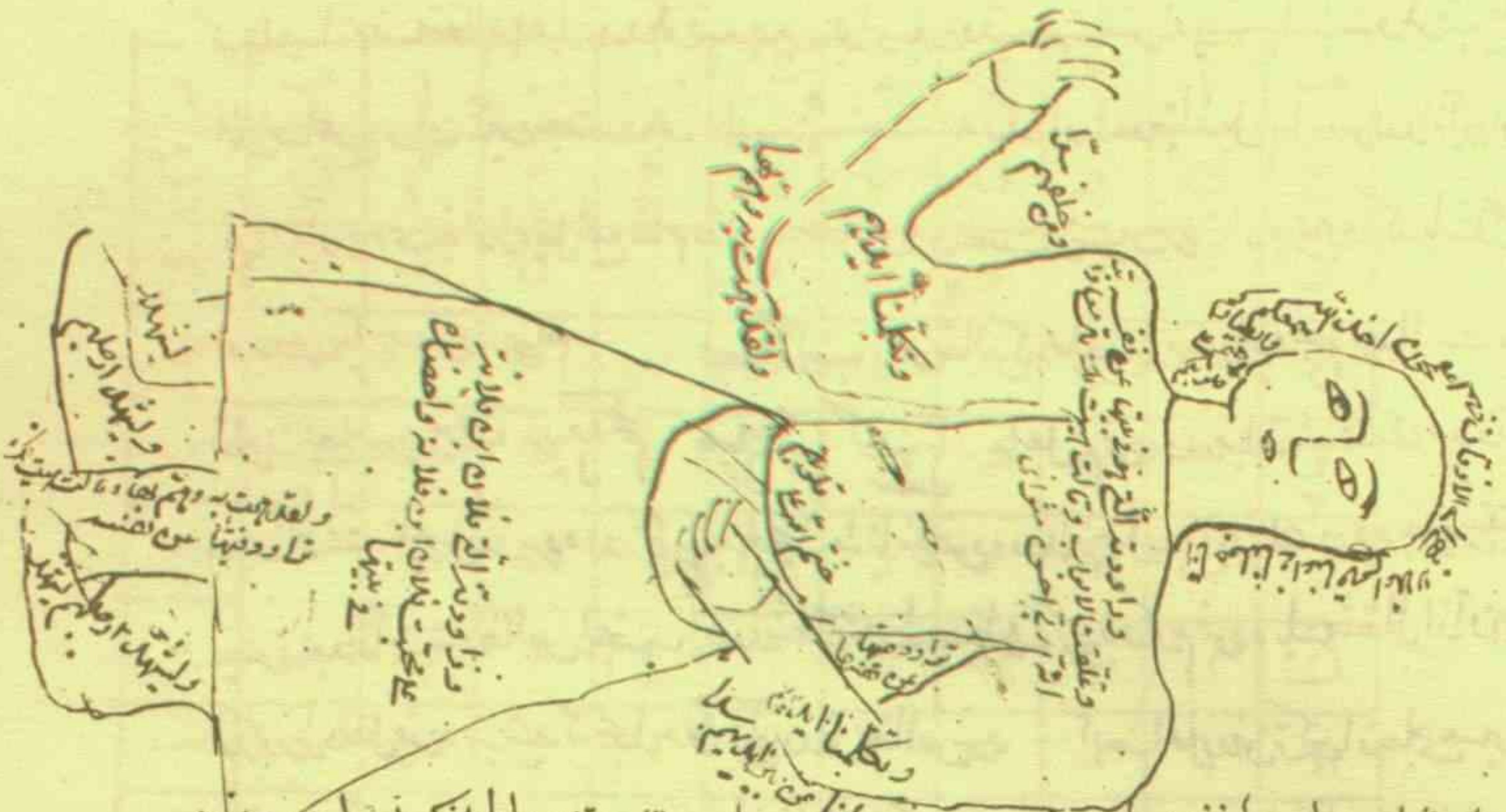
از برای ثبات دولت و افزونی جاه و حشمت اسم ملک و قدیر را باید که بسط و تکسیر کنند
بهمین طریق م ل ک ق د ی ر و سطر دوم از حرف پنجم سطر اول ابتدا کنند بهمین نحو د ی ر م ل ک ق ب و
بدین قیاس هفت سطر تمام شود و آنرا تصحیح داده بر خاتم مسبع از نقره نقش کنند وقتی که قمر در نیمه سعد در برج ثور
باشد و حال آنکه ثور طالع باشد و قمر زاید النور بود و در بالای در خانه از طرف اندرون بیاویزند چنانکه دست
کسی بآنجا نرسد یا در آن محل نصب کنند که آن ملک با او باقی ماند و هیچ تزلزلی در احوال او پدید نیاید به برکت این خاتم
مبارک و این از جمله معمولات خلفاء عباسیه است و اگر در یکطرف دیگر از آن لوح عدد این دو اسم ملک قدیر را در دو
عدد دو رسم کنند چنانچه بتکسیر عددی یا تکسیر حرفی جمع شود عمل اقوی خواهد بود دیگر از برای مزید دولت
و مهابت اسم علی عظیم را در وقت شرف آفتاب که ۱۹ درجه حمل است تکسیر باید نمود بقاعده مذکوره در اسم ملک
قدیر که در لوح طلا نقش کنند و با خود نگاه دارند موجب ثبات و ازدیاد جاه و حشمت خواهد بود و در لمعه نورانیه
آورده که حکما این لوح را از برای مامون الرشید وضع کرده بودند و او بقوت همان لوح بر همه ملوک و سلاطین غالب بود
دیگر در لمعه نورانیه ذکر کرده که هر که اسم ملک را در خاتم سعد در هند بطریق تکسیر عددی وضع کند در وقت شرف
آفتاب در خاتمی از ذهب و آنرا در نگین یاقوت جا دهد و آن خاتم را در دست کند دولت بر او ثابت ماند
و آنقدر شوکت و مهابت بهم رساند که هیچ صاحب شوکتی در مقابل او در نیاید الا آنکه در دل او از آنکس هیبتی بهم رسد و
مشهور است که افلاطون این خاتم را از برای اسکندر ذوالقرنین وضع نموده و گفته اند که اگر نگین یاقوت نباشد
بعوض آن عقیق میتوان نمود که همان فایده داشته باشد   ترکیب روغن بگیر از شیر گاو زرد که نوشکم باشد
یعنی آغوز او را که در رطل یعنی یکصد و هشتاد مثقال صیرفی بوده باشد و اضافه کن بر او و بیخ نشان از ایکو قند

(الأمی محرزنه)

که بمار چنار بیست مثقال کرده باشد و یکوقیه مم جوز بوا و یک وقیه حجر السوداء یعنی سیاه دانه و یکوقیه ملح
اندرانی جمیع در آن شیر بپخته و بکن اورا در شیشه و دفن کن اورا در چاه ذیل چهل روز بعد از آن اورا
بیرون آورده می بینی اورا مثل شمع خام بقدر سه درهم اورا بشصت من شیر بزنی از هر جایی که باشد جمیع
او روغن میگردد بعون الله تعالی   ایضا ترکیب روغن خالص که عمل درویش مصطفی و شیخ رضا است ماید ره ۲ ل
نطرون یعنی نوره شیرین ۱ ل زرده تخم ۲ ل سفیده تخم ۲ ل کره بی نمک ۱ ل صندل داخل هم نموده و در میان شیشه کرده در زیر
پهین گذاشته تا چهل روز مهر ده روز یکمرتبه پهین را تازه نموده بعد از چهل روز بیرون آورده جوهر سفید
میشود بعد از آن شیر خالص را پخته با نصف مثقال شیر را در ظرفی کرده و کوم نموده یک مثقال از آن جوهر
مذکور را داخل نموده صبر کند که بجل وقت الکل روغن خالص شود   ایضا عمل روغن ترکیبی از حاجی حسین ره
ماید ره ۱ ل کره کاو بی نمک ۱ ل سعتر ۲ ل شیر کاو ۳ ل ۱۵ تمام را ممزوج کرده و چهار و پنج روز در آفتاب بگذارد تا خشک شود
و سحق و صلایه نموده پنیر ماست آورده و چهار یک از جنس جوهر ماید ره زده و هشت نخود دوازده و بشدت بهم
زنند تا قرص شود بعد بخت توی داده بدارند که تمام است   ایضا عمل روغن ماست آب نعنا ۲ آغوز ۲
ماید ره کره ۲۰ ل تمر   ایضا عمل روغن شیر شب کرمک ۵ ل مرصاف ۵ ل و ریح سلطان ۱۵ ل زرد ۱۵ شب سفید اجزا را خوب عدد
زده در میان شیشه کند ۲۵ یوم در میان پهن گذاشته هر ده یوم پهن را تازه کرده زیبق
صاف میشود یک دیگ شیر را گرم کرده سدس از زیبق مذبور داخل نموده بهم زند سر آنرا بپوشاند و
بعد از ساعتی بردارد بمطلب رسد .   للتسخیر مجرب بسم الله الرحمن الرحیم یا مسخر الفیل و یا مجری النیل و یا فالق
البحر لبنی اسرائیل رب سخر لی و ذلل لی فلان انک علی کل شیئ قدیر و صلی الله علی محمد و آله اجمعین
چون کسی اندیشه کاملی کند و خواهد بداند که چون میشود از روز نوروز سلطانی آن سال تا آن روز که اراده کار
خواهد کند بشمارد و سی و شش و سی و شش طرح نماید تا آنچه که بماند در این جدول طلب نماید اگر در جدول نیک
بود آن کار را بکند و اگر در جدول میانه باشد بد نخواهد بود و اگر در جدول بد باشد آن کار را نکند که بد است
مجرب و آزموده است   فال نامه حضرت خواجه نصیر الدین
طوسی علیه الرحمه   باید که بعد از نیت سوره فاتحه
الکتاب بخواند   و قصد نماید و انگشت را بر یکی از
این حروف بگذارد   و نشان کند و از همان حروف یازده
یازده بشمارد و حرف یازدهم را بنویسد تا آن حرفی که نشان کرده است بعد از آن ...

میانه		بد			نیک
۹	۳	۳۵	۲	۴	۱
۱۲	۶	۳۲	۵	۱۰	۷
۱۸	۱۶	۲۹	۸	۱۵	۱۳
۳۴	۳۱	۲۶	۱۱	۲۳	۱۹
۳۵	۲۸	۱۷	۱۴	۲۷	۲۵
۳۶	۳۳	۲۳	۲۰	۲۴	۴۱

ب ا ب - ر ا ق ح ش

(جواهر مکنونه)

ا	ب	ا	ب	ب	ش	د	ر	ا	ا	ف
ث	ی	م	ح	ج	ک	ر	ی	و	ی	ج
ب	ی	ذ	ق	ر	و	ر	و	ر	د	ن
ر	ی	ا	ه	ض	ش	ی	د	ع	ب	ب
س	س	ث	ط	ب	و	خ	ک	ش	خ	د
ب	ث	ث	ف	و	س	ر	و	ب	ن	و
ر	ا	ا	ا	ع	ا	ی	ب	ب	ی	ک
ب	د	س	ی	ی	س	ج	ا	ر	ا	ا
ث	ی	ی	ث	ر	ر	ث	ب	ر	س	س

خواص اعداد لوح الفال حکما فرموده اند که چون کسے را مهمی پیش آید و در آن مضطر باشد این شکل را در کاغذ
کشیده پیش خود نهد و آن کار را در دل ببیند یشد و قصد نموده انگشت بر این خانها نهد اگر بخانه خالی
نهد آن کار را بکند و اگر بخانه که دارد بیفتد مصلحت نباشد آن کار را نکند و صبر کند که آخر نتیجه خوب است

بسم الله الرحمن الرحیم

۶		۳		۳۲	
	۱۱		۲۷		۳۵
۲۳		۱۰		۲۴	
	۱۸		۲۱		۱۹
۲۵		۹		۲۰	
	۵		۲		۳۱

بعد الحمد والصلوة علی صاحب اللوا والحمد صلی الله
علیه وآله وسلم بعد بر ضمیر منیر ارباب اولوا الالباب
فتح الله علی قلوبهم من الحکمة کل باب مخفی نماند که علماء
علم حروف در کتب و رسائل که در این فن نوشته اند
بمثل از رموز کنایات و عبارات بهیه اشارات بر نوشته اند
و طریق تکسیر حروف و نتایج برموز و عبارات گفته اند

و این در نفیس چنانکه هر کس در نیابد نسفته اند و روا نداشته اند که کسے این مخدرات غیبی را بنظر نامحرم مکشوف کردانند
و رخصت نداده اند که عروس بکر این سر بدیع را بهیچ طالب محروم بی درد پوشش عرضه دارند و از امیر المؤمنین علی تا با امام جعفر و ائمه
معصومین نفس بنفس منتقل میشد و قلم در میان نبود و از ایشان چون بمشایخ و اولیاء الله رسید از جهت آنکه طالب
مستعد این معنی بواسطه بعد عهد کم شده بود در هر وقتی یکی میبافتند و این اسرار را در کتب ثبت میکردند تا کل مندرس و منقرض نگردد

(لآلی مخزونه)

اما در جلباب رموز و اشارات مستور داشتند و وصیت کرده‌اند که اینها که بعد از ایشان بسر این واقف گردند برسم ایشان روند
و مخالفت روا ندارند و در تصریح نکوشند که مستحق این معنی بیابند که گفتنی نگویند و ننویسند اما نه هر چه گفتنی را شاید
نوشتن را شاید بر دوی که در خاطر سیاست خالی التکلم از تذکر و رضا این بزرگان است خاصه که بحکم ضرورت آنرا هیچ
محل باید نوشت بسبب التماس آنکه میدانم که مستحق آن است این نوع تکسیر و قلم آمده با آنچه این باب موقوف بر [illegible] دقیقه
مهمل نماندم اگر از ذات کرم این وصیت قبول فرمایند و بعد از آنکه ضوابط آن در ذهن مصوّر و در خاطر مخزون یا خود مقرر کرده باشند
این شرح واضح از میانه بردارند و بقلم یا وصفی که خود دانند پس آنچه ضرور باشد ثبت کنند تا اگر از خاطر شریف چیزی
فراموش شود بنظر کردن بان آن او دیابند و عذر مبالغی که در این وصیت میکنم همانا بد گفته شود و دانم که مقبول باشد
مقدمات نتایج تکسیر که در این فصلها یاد میکند تا استحضار کنند در عمل ماهر گردند فصل حق جل و علا بر کواکب [illegible]
ملایک موکّل گردانیده است تا مدد اتصال کواکب باشند با اثرات و نامهای ملائک این است رقبائیل نحواد مهیائیل
کلمیثا اراحیل رحمائیل سرائیل بهقائیل شرطائیل ریقائیل صهاکیل مرائیل سواطیل طموشا مهکیائیل
نفیائیل فصل بدانکه هر حرف از حروف بیست و هشتگانه را ملکی است موکل که [illegible] اسرافیل جبرائیل
عزرائیل میکائیل کلکائیل شمکیل هکائیل دردائیل اسرافیل شرقائیل اسواکیل هواکیل هماکیل عطکیائیل
اهمیائیل اسمعیل کردائیل کوهائیل لوصائیل ورحاکیل عطرائیل حدوائیل طاطائیل دوائیل
جلالائیل رقبائیل اودمائیل کلیطائیل فصل بدانکه حروف بیست و هشتگانه را در [illegible] ترکیب بر بروج دوازده
گانه تقسیم کرده‌اند بر این ترتیب و مراتب و قوت ایشان از روی طبیعت این است حار رطب هوائی ا ع ه ط
ح ف ش [illegible] حمل و اسد و قوس داده‌اند حمل اسد قوس حار یابس ناری ق [illegible] ع ظ ک ص [illegible] جوزا و میزان و دلو
داده‌اند جوزا میزان دلو بارد رطب مائی س ل ز ث ن و د [illegible] سرطان و عقرب و حوت داده‌اند سرطان
عقرب حوت بارد یابس خاکی ج م ر ب ح ت ذ [illegible] ثور و سنبله و جدی داده‌اند ثور سنبله جدی فصل
در طریقه [illegible] وضع اسماء و آن طریق آن است که اسمی چند در سطر اول سطوح مربع بعرض ثبت کنند و هر خانه‌ای
۴ خانه در حد او باشد چنانکه چهار در چهار شانزده باشد و چون بنگارند و نقش راست آید چنانکه یک
و دو و سه و چهار این خط خانه اول باشد و دیگر ابتدا از خانه ۵ کنند و ۵ و ۶ و ۷ و ۸ حد او باشد
دیگر ابتدا از ۹ کنند و ۹ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ حد او باشد و دیگر ابتدا از ۱۳ کنند و ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ حد او باشد
و تمام کند بدین مثال که نموده شد که شیخ ابوالعباس که در این علم از مشاهیر است در رساله نوشته [illegible] بالارواح
المذاهب والالواح در آیات و اسماء در مربعات نگاشته و خاصیت هر یک نوشته و در مظهر هر چند باشد [illegible] در این نقش

(جواهر مکنون)

م	غ	ن	ی
۵۱	۹	۴۱	۹۹۹
۸	۴۸		۴۲
۱۰۱	۴۳	۷	۴۹

توان کرد در خواص عدد زوج الزوج اگر کسی خواهد که شخصی را مطیع خود سازد چون
قمر ناظر سعدین باشد این شکل را بکشند و اسم طالب و مطلوب بگیرد و در صفحه مربع
در مقابل کشند و عدد پادشاهان ذو ثبت کند چون طالب این مربع با خود دارد
مطلوب بزودی حاصل شود بدین مثال که نموده شده است

مربع زوج الزوج

۲	۲۸	۲۲	۱۶
۲۴	۱۴	۴	۲۶
۱۳	۱۸	۳۲	۶
۴	۸	۱۰	۲۰

اما خواص فرد الفرد آنست که چون قمر
ناقص النور باشد و ناظر بزحل این مربع بر کشند
هر زنی که با خود دارد حامله نشود و عقیم
ماند و اگر بساعت نحس بنویسند و اسم شخصین
در صفحه دیگر در مربع ثبت کنند و در
میان ایشان تفریق افتد اما در گورستان یا در
مقام ایشان دفن کنند بدین صورت

۱	۲۷	۲۱	۱۵
۲۳	۱۳	۳	۲۵
۱۱	۱۷		۵
۲۹	۷	۹	۱۹

فصل در خواص آیات چند مخصوص که در مربع می‌آورند و بمشاقه در خدمت استادان
بای فقیر رسیده و از مجربات این علم است اول در خواص بسم الله چون کسی مضطر الاحوال
باشد و هیچ امید را انجامی نداشته باشد این مربع در ساعت زهره و قمر ناظر بسعود
باشد ۶ ۸ ۷ نوبت بخواند و شرط خواندن آن است که اول دو رکعت ضحی سازد و دو رکعت
نماز کند بدین صورت که گفته شد و طریقه گذاردن آن است در رکعت اول ۱۹ بار بسم الله الرحمن الرحیم بگوید بعد
از آن فاتحة الکتاب بخواند و رکوع کند و در رکعت دوم نیز بدان طریق که گفته شد بعد از آن سلام باز دهد و این
مربع بکشند و بعده مذکور بخواند و بجز بسوزاند و در حالت خواندن سخن با کسی نگوید هفت روز این چنین کند تا هفت شب
و این مربع با خود نگاه دارد و چون این عمل کرده باشد بیقین که در اول هفته جمله مقصود اتش حاصل شود و هیچ شک در آن
نیست که اگر کسی خواهد که دختر را بخت گشاده شود همین عمل بدین صورت که ذکر رفت بجای آورد بختش گشاده
و در جهت معاش و حرمت و عزت در چشم خلایق و بهر نیت که دارد مداومت نماید همه مهمات کفایت میکند اما می باید که
پشت ورق مساوی السطور مظهر بنویسد و در دیگر مربع مضمر بدین طریق

مربع مظهر

بسم	الله	الرحمن	الرحیم
الرحمن	الرحیم	بسم	الله
الرحیم	الرحمن	الله	بسم
الله	بسم	الرحیم	الرحمن

مربع مضمر این است

۱۸۹	۲۰۲		۱۹۶
۲۰۰	۱۹۵	۱۹۰	۲۰۱
۱۹۴	۱۹۷	۲۰۴	۱۹۱
۲۰۳	۱۹۲	۱۹۳	۱۹۸

دیگر خواص فاتحة الکتاب بود و او
غرایب بسیار است و مشهور است
که امیر المؤمنین ع بر دست بریده
خواند و درست صحیح شد آن
شخص پرسید که یا امیر المؤمنین ع
بحق اسم اعظم که بر دست من خواندی و دست من صحیح شد که بگو چه اسم بود امیر المؤمنین ع فرمود که سوره فاتحة الکتاب بود

(لآلی مخزونه)

آن شخص از سر تحقیق گفت که سوره فاتحة الکتاب در حال دشمنی را اثنا د عرض آنکه بجهات بتمامکن که قرآن مجید معجز ثابت
واصل اعتقادات است و یقین چون این مربع بساعت مشتری بنویسد و قمر ناظر بسعد بود و به بیمار دهند تا با خود نگاه دارد
و در صباح و مسا هفت نوبت بخواند و با وضو دارد الله تعم شفا بعبادت ارزانی فرماید و هر کس که این مربع با خود نگاه دارد
و بدین عدد بخواند ۱۱۱۱ نوبت در رزق و در رغبت بر وی گشاده گردد و دو مشکل گردد و غرایبات و عجایبات از و بفعل آید ایشان

بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین الرحمن الرحیم	مالک یوم الدین ایاک نعبد و ایاک نستعین	اهدنا الصراط المستقیم صراط الذین انعمت علیهم	غیر المغضوب علیهم و لا الضالین
اهدنا الصراط المستقیم صراط الذین انعمت علیهم	غیر المغضوب علیهم و لا الضالین	بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین الرحمن الرحیم	مالک یوم الدین ایاک نعبد و ایاک نستعین
غیر المغضوب علیهم و لا الضالین	اهدنا الصراط المستقیم صراط الذین انعمت علیهم	مالک یوم الدین ایاک نعبد و ایاک نستعین	بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین الر حمن الرحیم
مالک یوم الدین ایاک نعبد و ایاک نستعین	بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین الرحمن الرحیم	غیر المغضوب علیهم و لا الضالین	اهدنا الصراط المستقیم صراط الذین انعمت علیهم

خواص والهکم اله واحد چون این آیه را مربع بنگارند بساعت آفتاب و قمر ناظر مریخ باشد بنظر سعد دارنده این بر خصم غالب آید
و هیچ آفریده با او برابری نتواند کرد و اعدا مقهور گردد و اگر اینرا در دستار زد بچشم خلایق با هیبت نماید و چیزها غریب مشاهده
کند و مثالش این است — و خواص آیة الکرسی هر که در مربع

والهکم اله واحد	لا اله	الا هو	الرحمن الرحیم
الا هو	الرحمن الرحیم	والهکم اله واحد	لا اله
الرحمن الرحیم	الا هو	لا اله	والهکم اله واحد
لا اله	والهکم اله واحد	الرحمن الرحیم	الا هو

بنگارد و در ساعت مشتری — و قمر ناظر بسعود و دارنده این مربع
ایمن گردد از ظلم ظالمان — و از قهر جباران محفوظ باشد
و از جهت سحرها ایمن گردد — و گشایش کارها و فتوحات امور غیب است
و شرط خواندن آن است — که چون این مربع بنگارند اسم خود
داخل کنند در عدد و بعد از آن پنجاه نوبت بخوانند و بخور بسوزانند و با کسی در آن حالت سخن نگویند و چون شرط بجا آورند
از ها غریب روی نماید دیگر و خاصیت آمن الرسول اگر کسی عدد این آیه را بگیرد و در مربع بنگارد وقتی که قمر ناظر بسعود باشد
بساعت سعد و اسم خود عدد بگیرد و در عدد داخل کند و چون مربع تمام کرده باشد صد نوبت بخواند در یک مجلس و بخور
بسوزاند و در آن با کسی سخن نگوید و چون این مربع با خود دارد و بدین آیه ملازم شود دعا یا خواند اگر دو دشمن باشند ذکر کردم

واگر حقیر بود بزرگ گردد و بچشم خلایق عزیز و مکرم نماید و در فتوحات اثر عظیم دارد و دیگر خواص قل اللهم مالک الملک
تا بغیر حساب عدد بگیرد اگر کسی از منصب افتاده باشد یا منصبی مطلب این آیه را عدد بگیرد و عدد اسم آن شخص اضافه کند
و در مربع ثبت کند بساعت سعد و قمر مسعود باشد چون نوشته شود بخور بسوزاند هفت روز هر روز صد بار بخواند و
در حالت خواندن سخن نگوید روز یا شب چون این عمل کرده باشد منصب جاه و دولت روی نماید و اگر در عقب نماز
در رو سازد فتح و جمعیتش روی نماید و تواتر کرده و یکی در خواص ان الله و ملائکته تا آخر آیه هر کس این آیه را عدد بگیرد
اسم داخل کند چون قمر ناظر سعود باشد بساعت نیک این عدد بکار برد و بخور بسوزاند و در آن مجلس صد نوبت بخواند
و چون بدین ملازم شود این مربع با خود دارد مقبول القول گردد و هر کس که سخن گوید مطیع و فرمانبردار گردد و جمیع خلق مسخر
او شوند بشرط طهارت و چون اسم خود و اسم مطلوب عدد بگیرد و اضافه این عدد کند در مربع بنگارد و با خود دارد و بر این
آیه ملازم شود محبت عظیم روی نماید و اگر کسی منقاد او گردد خواص آیه ختم الله تا غشاوة عدد بگیرد چون از شخص مراسان باشد
عدد اسم آن شخص بگیرد و عدد آیه اضافه کند و در مربع بنگارد چون قمر در ثور باشد یا سنبله و قمر ناظر سعود باشد
بساعت نیک و آن مربع با خود نگاه دارد این آیه بعدد اسم آنشخص بخواند البته زبان او بسته شود و اگر خصمان جماعتی
باشند عدد جمله بگیرد و این عدد اضافه کند و در مربع ثبت کند و در زیر سنگ کار اندازد و نام خصمان ببرد زبان جمله بسته
شود و هفت نوبت در آن ساعت بخواند این آیه را وجعلنا من بین ایدیهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون صم بکم عمی فهم لا یعقلون
قال اخسئوا فیها ولا تکلمون و شاهت الوجوه للحی القیوم این آیتها هر یکی را بخواند و اگر جمله را بعدد بگیرند و نام خصمان
اضافه کند و در مربع ثبت کند اثری عظیم روی نماید تا غایتی که گنگ و لال شوند و این جمله از مجربات است
جهت عقد اللسان و دیگر خواص آیه محبت چون کسی ابتلای داشته باشد و خواهد که اگر مسخر خود کرد از عدد لو انفقت
ما فی الارض جمیعا ما الفت بین قلوبهم ولکن الله الف بینهم انه عزیز حکیم و عدد اسم طالب و مطلوب بجمل کبیر بگیرد و
اضافه کند و در مربع ثبت کند و هفت روز بعدد اسم مطلوب این آیات بخواند و آن مربع با خود دارد که مطلوب مسخر گردد
و دیگر خواص یحبونهم کحب الله والذین امنوا اشد حبا لله والقیت علیک محبة منی و انه لحب الخیر لشدید این هر یکی را بخواند
و اگر این آیتها بجمیع عدد بگیرد و عدد اسم طالب و مطلوب اضافه کند اثر عظیم روی نماید و اگر کسی مسخر او شود و می باید که قمر ناظر بر زهره
باشد و بساعت مشتری و زهره اولی و انسب باشد و دیگر در خواص آیه زین للناس تا حسن المآب همین عمل کند و از مجربات است
و دیگر در خواص لو انزلنا هذا القرآن تا تتفکرون جهت سرگردانی احمقان و جباران چون اسم آن شخص اضافه این کند و در مربع
ثبت کند بساعت موافق مقصود حاصل کرده و دیگر در خواص لقد جاءکم رسول من انفسکم عزیز تا رحیم چون کسی را خواهد که مسخر
خود گرداند بگیرد اسم خود و اسم آن شخص بجمل کبیر با عدد این آیه در مربعی بنگارد و بساعت موافق و قمر ناظر سعد و چون شب یکشنبه
یا چهارشنبه رود هر دو خفته باشند وضو سازد و دو رکعت نماز کند در هر رکعت اول یکبار فاتحه و بیست بار لقد جاءکم

فاتحه و بیست بار لقد جاءکم و در رکعت دوم یکبار فاتحه و بیست بار لقد جاءکم بخواند و چون سلام باز دهد دو نوبت صلوٰ
فرستد و بعد از آن سجده نهد و بیست بار بگوید یا رحیم فلان را مهربان من گردان و چون این نماز گذارده باشد هر روز که
شود مهربانتر گردد تا غایتی که وصف نتوان کرد و دیگر در خواص و من یتق الله یجعل تا لا یحتسب چون کسی دست تنگ باشد
این آیه عدد بگیرد با اسم آن شخص در مربع ثبت کند بساعت موافق و در عقب هر نماز بعدد اسم خود بخواند و اگر نتواند
بجمل صغیر بخواند الله تعالی در رزق و توفیق بروی گشاده گرداند و مربع با خود دارد و دیگر در خواص قل ان الفضل بید الله
یؤتیه من یشاء والله واسع علیم یختص برحمته من یشاء والله ذو الفضل العظیم چون این آیه کریمه را در مربع بنگارد
بساعت موافق و قمر ناظر بسعد باشد در هر دکانی که بیاویزند کثرت معامله پیدا شود و خرید و فروخت اثر عظیم دارد
و همچنین این آیه را ورد سازد برکتی در روزگار او پیدا شود و مقبول القول شود و خلایق او را عزیز دارند و دیگر در خواص
و عنده مفاتح الغیب لا یعلمها الا هو تا فی کتاب مبین چون کسی خواهد که از حالات خود یا غایبی خبر یابد یا از روزگار
آینده خود که چه پیش خواهد آمد شب یکشنبه یا شب چهارشنبه عدد این آیه بگیرد و عدد اسم خود و این جمله در مربع
بنگارند و این آیه را در حوالی مربع بنویسند و هشت نوبت بخوانند و هفت نوبت سوره والشمس بخواند و این مربع در زیر
سر نهد و در خواب بود و نیتی که دارد باز گوید روحانیان او را [از آن] خبر دهند و حقیقت استقبال بدانند و اگر بدین [آیه]
ملازم شود غنی گردد و هر صباح که شود هر کس که با او سخنان غریب بگویند و بسی عجایب از او ظاهر شود و اثر
عظیم دارد دیگر در خواص آیه الله نور السموات والارض تا آخر آیه که چون کسی را چشم درد کند و این آیه را بگیرد و عدد
اسم آن شخص اضافه کند و در مربع بنگارد وقتی که قمر ناظر بشمس باشد و بر میان سر بندد که البته شفا یابد و روشنی
چشم افزاید و اگر در شرف آفتاب این مربع بنگارد و با خود دارد تسخیر خلایق حاصل گردد و علوم غریبه او را روی نماید
و از سید شرف الدین حسینی اصفهانی منقول است که بخلاف آیه نور العزیز در که اشراق حرف قاف و کاف چله
دیگر کر مضاف او کنی وار هی انجار طبع بر خلاف کو مواظب کردی اندر دکان هر زمان صدره روی در رکوع
قاف اگر کسی را بسته باشند این دو سوره را بمشک و زعفران بنویسند در مربع و عدد اسم آن کس بگیرد و اضافه
کند چون با خود دارد و بصحبت مشغول شود گشاده گردد و از جهت باطل السحر مجرب است همه بر این صورت که ذکر
رفت و ترسیدن و خیال فاسده را [وسواس] مؤثر است و شیخ ابو علی سینا در خواص این دو سوره گفته دیگر در خواص حم میم
بدانکه این سر نسبت از اسرار اولیاء الله و تسخیرات و کرامات و فتوحات ظاهر و باطن از مداومت این آیات بظهور آید
و در این اوراد غرایب و عجایب بسیار است چون کسی خواهد که با این آیات مشغول شود باید که بطهارت باشد [مظهر]
و پارسا باشد و ابتدا بروز یکشنبه کند بساعت از اسم خود بجمل کبیر بگیرد و اضافه این آیات کند و در مربع بنگارد هم

(جواهر مکنونه)

وهم مضر وخود بسوزانند واین آیات بعدد آیات اسم خود بخواند ومربع با خود نگاه دارد ودست کرا دو روز بکذرد

در عدد آید دیکر بکرد وعدد اسم حی نکاه کند ودو مربع بنکارد وبعد از آید واسم خود بخواند واین آید را با خود دارد

تا آخر باین مثال تا چهارده مربع از هم حاصل شود وچهارده از سولج بعد از آن باین آیتها صباح وعصر مشغول

شود باین طریق که ذکر رفت چون ایام بعدد اسم او بکذارد نتایج غریب ازو بظهور آید ودلش روشن شود چنانکه

از اولیاء کبار شود ولذت مغیبات خبر دهد واکر فقیر باشد غنی کردد واکر ضعیف حال بود قوی حال کردد ودر کارش

بجوشی بکذرد وآوازه او در عالم منتشر شود در شهوت حرام وحرام خوردن ودروغ کفتن احتراز کند وچون بصورت

صلاح بین او را دمشغول شود کرامات ازو بفعل آید وتسخیرات مخلوقات وحیوانات او را حاصل شود ومحبت وعقل الناس

وغالب شدن بر اعدا وشوها هرچه غالب باشد وصورت باز نمایم تا بر طالبان آسان شود وباقی برین قیاس کنند که

مجربست والله اعلم بسم الله الرحمن الرحیم حم تنزیل الکتاب من الله العزیز العلیم ودیکر بسم الله الرحمن الرحیم سبح لله

ما فی السموات والارض وهو العزیز الحکیم له ملک السموات والارض یحیی ویمیت وهو علی کل شیء قدیر هو الاول

والآخر والظاهر والباطن وهو بکل شیء علیم دیکر بسم الله الرحمن الرحیم حم تنزیل من الرحمن الرحیم کتاب فصلت آیاته

قرآنا عربیا لقوم یعلمون بسم الله الرحمن الرحیم سبح لله ما فی السموات والارض وهو العزیز الحکیم بسم الله الرحمن الرحیم

حم عسق کذلک یوحی الیک والی الذین من قبلک الله العزیز الحکیم بسم الله الرحمن الرحیم سبح لله ما فی السموات

وما فی الارض وهو العزیز الحکیم دیکر بسم الله الرحمن الرحیم حم والکتاب المبین انا جعلناه قرآنا عربیا لعلکم تعقلون

دیکر بسم الله الرحمن الرحیم یسبح لله ما فی السموات وما فی الارض له الملک وله الحمد وهو علی کل شیء قدیر ودیکر

بسم الله الرحمن الرحیم حم تنزیل الکتاب من الله العزیز الحکیم ان فی خلق السموات والارض لآیات للمؤمنین

دیکر بسم الله الرحمن الرحیم فسبح باسم ربک العظیم دیکر بسم الله الرحمن الرحیم حم تنزیل الکتاب من الله العزیز ما خلقنا

السموات والارض وما بینهما الا بالحق بسم الله الرحمن الرحیم سبح اسم ربک الاعلی الذی خلق فسوی والذی قدر

فهدی یک دیکر سبح لله ویک لوح از حم باز نمایم تا باقی برین قیاس کنند

لسم حم تنزیل	الله الکتاب من الله	الرحمن العزیز	الرحیم العلیم	۵۵۴	۵۶۸	۵۶۴	۵۶۱
الرحمن العزیز	الرحیم العلیم	لسم حم تنزیل	الله الکتاب من الله	۵۶۵	۵۶۰	۵۵۵	۵۶۷
الرحیم العلیم	الرحمن العزیز	الله الکتاب من الله	لسم حم تنزیل	۵۵۹	۵۶۲	۵۷۰	۵۵۶
الله الکتاب من الله	لسم حم تنزیل	الرحیم العلیم	الرحمن العزیز	۵۶۹	۵۵۷	۵۵۸	۵۶۳

خواص اعداد متحابہ علماء اعداد متحابہ شفوفا بیبا در کتب ذکر کردہ اند و مبرهن است احتیاج بذکر او نیست و از جملہ خواص اعداد متحابہ کہ اقل المتحابین است آن است کہ این عددین یعنی ۲۲۰ و ۲۸۴ در فند طالب و مطلوب یکدیگر نند هرگاہ کسی در ساعت عشق زهرہ میسکار دو اسم مطلوب در صفحہ طالب بنویسد و اسم طالب در صفحہ مطلوب بنویسند طالب مطلوب باشد و مطلوب طالب العلم عند اللہ

وفق المحب

اسوس	سوس	سوس	
٧٠	٧٤	٧٧	٦٣
٧٦	٦٤	٦٩	٧٥
	٦٧	٧٢	٦٨
٧٣	٦٧	٦٦	٧٨

تحبونهم کحب اللہ ... ذلک فضل اللہ

وفق المحبوب

والهکم اله واحد لا اله الا هو الرحمن الرحیم			
٥٤	٥٨	٦١	٤٢
٦٠	٤٨	٥٣	٥٩
٤٩		٥٦	٥٢
٥٧	٥١	٥٠	٦٢

ولکن اللہ الف بینهم انہ عزیز حکیم یحبونهم

منقول است از اکابر کہ بودہ و ند نام حضرت ملک علام و احضرت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیہ السلام در ورق مربع نگاشتہ و این وفق مشهور است در عمل دست و خواص این مربع آن است کہ آفتاب در شرف باشد این مربع را بر صفحہ نقرہ یا کاغذ دارند این مربع عزیز باشد بنظر سلطان و بزرگان و محفوظ از شر ظالمان و از جهت صحت بیمار و در هم کار ها فایدہ دهد و انظار مربعات وفق هر ضلع ۳۴ و ۲۳۷ ۹۱۴ و مجموع اضلاعش ۲۸ ۳۷۷ مربع حاصل می باید کہ با طهارت باشند همیشہ مداومت بر قرائت اسما بکنند تا اثر یابد انشاء اللہ تعالی خواص وفق ۲ اسم مرکہ بقراءت چهل اسم مداومت نماید محبا باید عدد ۲ اسم را فراکردہ در مربع وضع کند و با خود نگاہ دارد کہ او را ۲ حاصل کردد و بمقصود رسد دیکر هر کہ این مربع بنگارد و در شرف آفتاب و قمر در شرف باشد حامل این شکل چون ملازم با اسم او را تسخیر ارواح علوی و سفلی حاصل شود و هیبت در دل خلایق از و پدید آید و اگر بر ظالمی دعا کند آن ظالم مقهور گردد

و این مجربات است دیکر کسی محبوب سرکشی داشتہ باشد چون با اسم و دود مداومت نماید و در شرف زهرہ این شکل را وضع کند با خود دارد محبوب مسخر او شود

و دیکر اگر کسی ضعیف مزاج بود شکل مربع فوق را با خود دارد قوی هیکل و قوی شود و با قوت و هیبت باشد در میان خلایق و دیکر قواعد

ی ١٠	ی ١	و	ف ١٠٠
ف	ق ١٠٠	ی ١	ی ١٠
ت ١٠٠	و	ع ١	ی ١٠
ی ١٠	ی ١	ق ١٠٠	و

چنانکہ در مربع بطریق دوری و غیرہ این است کہ اشکال مذکور است در صورت تکسیر ...

تلبیس هر که این شکل را در شرف آفتاب با دوری مسعود بکار دو آیات وا ۲ را باین طریق نویسند هر کس با خود دارد از شر حاسدان و کید حاسدان و شر ظالمان و جباران محفوظ باشد و اگر خوفی داشته باشد ایمن گردد و کشائی در کار او روی نماید و فواید بسیار در این مربع است بدین صورت که نموده شد

جبرئیل

٩	١٢	٩٩٨	٧٩
٩٩٧	ب	٤	١٣
٨١	ظ	ی	٧
١١	٥	٩٢	٨٩٩

الفصل فی خواص الحروف و تاثیر آن در اجسام گوئیم که هر چیز در عالم ... از اجسام منکون شود هم چنانکه آن طبیعت واجب است و اسمی بین واجب است و آن اسم از طبایع اربعه خالی نباشد و چنین میگوئیم که از طبایع دو فاعلند و دو مفعول و در هر جسمی که برودت بود رطوبت لازم آید پس حرارت با یبوست مبارک اند در فعل و برودت با رطوبت هم چنین پس با اسم دو شخص و حروف کوکبی که لشخص مطلوب بود معروف معجم کنیم یعنی هر جا که در اول اسم معرف کنیم با حروفات معجم و معرب را نسبت آید و این معنی در بعضی اسمارا راست آید و در بعضی نباید فصل فی ترکیب حروفات الاسماء چون خواهیم که عمل بغض و محبت کنیم اول حروف از نام طالب و حروف اول از نام مطلوب و حروف اول از نام کوکب مطلوب منسوب بستانیم و مرکب کنیم و بجای ترتیب از هر یکی حرف اول بگیریم جمله معجم و معرب کنیم جمله حروف را معرب معجم کرده باشیم و حسنه عمل معینی باشد پس بجز آن کوکب که در عمل آورده باشد بر آتش اندازد تا مطلوب حاضر آید و اگر کسی این کتاب فاش کرده باشد و بدست نامحرم دهد تا بجا عمل کرده آثم گردد نزد خدا یتعم و جدول عناصر اربعه این است

حروفات کواکب سبعه این است زحل مشتری مریخ شمس زهره عطارد قمر
اجهب ... یکشنبه ... دسشظ ... مفغع ...

نسبیر چون خواهیم که حروف محمود و فاطمه را و حروف اول زهره ترکیب کنیم این حاصل شود مفم باز حروف ...
عمع طوه

عنصر اربعه این است

حروف حار نخ	ا و ی ل م ن ع
حروف یابس ضم	ج ز ک س ف ت ح
حروف رطب کسر	ه ر ش ث ض ص ط
حروف بارد جزم	ب د خ ظ غ ق

آن یک ترکیب کردیم این حاصل شد مطن مغ و حروف پنجم از کوکب باشد منوال حا ف مط

این حاصل شد حاف و از حروف سیم و از حروف چهارم این حاصل شد و این شد دهم و چون حروفها زیادت باز از سر گیرند و معرب و معجم کنند برای و مغ دهم لیس بخور دهم بکار دارد

باید که مقابل بوجه و نم بگوید و بعد از آن بر آتش میریزد و رقعه میخوانند یعنی این حروفات یکروز یا دو روز یا سه روز

امّا باید که مقام خالی بود والله اعلم شرح عمل ببیند که نام طالب و مطلوب بکدام کوکب منسوبست و خطوط کواکب

منسوب بنهد و حروف برا و ترکیب کند و روز و ساعت بکوکب و بخور کواکب حاصل کند و از موم بنام مطلوب چهار صورت

بسازد و ترکیب خطوط و بخور کرده در سینه هر یکی از این صورتها بنهد و یکی از آن صورتها در آتش نهد و یکی

بخاک دفن کند و یکی بباد بیاویزد و یکی در آب بنهد و در این عمل کردن خطاب کواکب میخواند و رقعه را میخواند خطاب

تا مطلوب حاصل آید و خطوط کواکب اینست زحل مشتری مریخ شمس زهره

عطارد قمر امّا باید که در این مدت که عمل میکنی روزه دار باشی و جامهای پاکیزه پوشی و گوشت نخوری

و در وغا در خلوت نشینی و با وضو باشی و عمل حرام نکنی تا از قاعده باز نمانی خاتم کواکب زحل

مشتری مریخ شمس زهره عطارد قمر

خطاب زحل اینست ایها السید العظیم اسمک الکبیر شأنک الرفیع قدرتک الغالبة و رحمتک

ثابت الرحل الیابس البارد المظلم النحس الصادق فی القول الغضب التعب المجوح بالغم والحزن المنحل من الفرح المحتال

المکار العالم الشیخ المحزن النحسة والسعید من اسعدته اسئلک ایها الأب الذی بحق الائک العظام و اخلاقک

الکرام ان تفعل فی مرادی و مقصودی خطاب مشتری ایها السید المبارک الحکیم الذی الزاهد البارع عظیم

الهیبة المصالح الکریم الشیخ المعین الوفی بالعهد اسئلک ایها الأب بحق اخلاقک الجمیلة و افعالک النفیسة

اسئلک ان تفعل فی مرادی و مقصودی خطاب مریخ ایها السید الفاضل الحار الیابس الشجاع القلب المهرق فی

الدم القاهر الغالب العطاش الحدید صاحب الشر والعذاب والضرب والنحس والکذب والنمیمة والقلیلة

المقالات بالقتال توحید الغریب حامل السلاح کثیر النکاح اسئلک فی مرادی و مقصودی خطاب شمس ایها

السید الحار الیابس الکریم الحکیم ملک الکواکب اذ لک الفضل علیهم اذ هم بک یسعدون اذا نظرت و ینحسون

اذا جامعت فلم یحط معرفة ضدک ولن نیدرک کنه شرفک فی السماء یا قوی الأقویاء و یا شدید البطش اسئلک

(جواهر مکنونه)

فی مرادی ومقصودی خطاب بمره ایّها السیّدة المبارکة الرّطبة المعتدلة اللّطیفة الفطرة الحسنة الخلقة الضاحکة صاحبة الحلی والزّینة اللّهو والطّرب والذّهب والفضّة والسّماع الّذی تحرّك بر العیدان صاحبة اللّعب والمزاح القاهرة الطّایلة المتوکّدة العادلة المحبّة للحنین والنّکاح صاحبة السّرور ان تفعلی فی مرادی ومقصودی خطاب عطارد ایّها المفسد فی حال للقاصد صاحب بحث والمکر الصّادق اللّطیفة الکبیر الحنیف فلا یعرف لك طبع ولطف فلم یوصل بوصفك وانت مع السّعود سعد ومع النّحوس نحس ومع الذّکور ذکور ومع الاناث اناث ومع النّهار نهار ومع اللّیل لیل تمازجهم فی طبایعهم ومشاکلهم اسئلك فی مرادی ومقصودی خطاب قمر ایّها السیّد السّعید البارد الرّطب الجمیل القاضی فی التّدبیر المحبّ اللّهو والهوی واللّعب صاحب کلّ برید وقلّت الاهمال اللبد السّخی الحکیم انت اقربهم الینا واعظم اسئلك فی مرادی ومقصودی شرع عظیمت میططرون ملك الجنّ چراغدانی که سرکوشه دارد طلبد وروغن کنجد در آنجا کند ودر میان خانه بیاویزد واین عزیمت برو بخواند تا هفت نوبت یا بیست ویك نوبت که هنوز تمام نکرده باشد آن چراغ که آن شخص پیش تو حاضر شود واگر خواهد این عزیمت بر پارهٔ حریر ابیض یا جامهٔ مطلوب بنویسد وفتیله کند ودر چراغدان نهد وروغن کنجد بر افروزد ودر چراغدان بجانب خانهٔ آنکس کند آنکس بیقرار گردد وخود را بدان شخص رساند عزیمت این است عزمت علیکم ایّها الملك الکبیر بحقّ سلیمان ابن داود علیه السّلام وآصف بن برخیا وبحقّ اسم الّذی هو بر النّجوم وساعتها ونقش الخاتم وما فیها بحقّ هذه العزیمة کلاوه هو بر کسقیو اکشی خمج کسطهر هشط الوحا الوحا طشکیاق اهوشط اططمهیال ططططعطال میططرون یا معشر الجنّ والانس ان استطعتم ان تنفذوا من اقطار السّموات والارض فانفذوا لا تنفذون الّا بسلطان ایّها الجانّ بحقّ میططرون الملك الموکّل علی الجانّ والعفاریت اجابة اجابة یا جامع الارواح بحقّ عفاریت الّذی موکّل علی البرّ والبحر وبحقّ هذا الاسم العظیم یا محتمطرها رشّ الوحا جسیحطیلکیعا داوداو عزمت بحقّ ربّ البیت المعمور والسّقف المرفوع والبحر المسجور انّ عذاب ربّك لواقع ما له من دافع استجیبوا لربّکم من قبل ان یاتی یوم لا مردّ له من الله ما لکم من ملجا یومئذ وما لکم من نکیر وانتم سامدون شرع عزیمت میمون الزّنگی بیاد سفال آب نارسیده واین عزیمت بنویس بیاهی ودر تنور تافته انداز که بیقرار شود مجرّبست واگر خواهد که غایبی را از راه دور بیاورد از موم دو صورت بسازد امّا اگر یکی باشد بهتر بود واگر مطلوب مؤنّث باشد صورت مؤنّث سازد واگر مذکّر باشد مذکّر باید که همه اندامها او پیدا کند تا مقعد وخصیتین واین عزیمت بمشك وزعفران بنویسد ودر شکم صورت اندازد ودر محلّ خلوت رود واین صورت سرنگون از چوب انار بیاویزد ودو صورت بمجلّ بالوی کنید وبیست ویك نوبت این عزیمت بخواند ودر دیرو علك وساج وسندروس دود کند

وچون تمام شود عود وعنبر دود کند ویك سوزن عقد بخواند وبچشم صورت زند و بگذارد واگر این عمل سه شب کند یا در
یك روز سه بار وقسم بجان سلیمان علیه السلام دهد مقصود حاصل شود انشاء الله تعالی عزیمت میمون زنگی این است
عزمت علیکم یا میمون زنگی کری کری حری حری زنگی ۳ اوکا ۳ بنیاکا ۳ اشکسلینا ۳ کاعدکا ۳
تمخدکا ۳ اوجکا ۳ تلاش طلاش ۳ عبس ۳ ابهج ۳ برطاس ۳ مندوس ۳ مندوسکا ۳ سرمیوس
۳ سرمیوسا ۳ اسرا ۳ کهیکهیسوس ۳ مهراس ۳ کرهوش ۳ اجبت کبوت ۳ فه تفری دتلیا وتشفیططهتیل
۳ طفنا ۳ طیشا ۳ وسکطیا ۳ کتهیا ۳ ططری ۳ ططمری ۳ سهیکال زنکیا ۳ احیا یا میمون الزنگی
اجابة اجابة اجابة الوحا الوحا العجل العجل العجل الساعة الساعة النار النار النار الحریق
او خلاصیله ایها الارواح بحق نقش الخاتم میمون الزنگی اظهروا صورکم وسیلکم علی هذا المیصان فی هذه الطلاقة
کلام شفنج شنشوخ درهو قوش آمین آمین الوحا العجل الساعة هر کس خواهد که صلاح و فساد
کار بداند این پنج کلمه بر ناخنها دست راست نویسد هر کلمه بر ناخنی و دست در زیر سر نهاده بخواب رود اگر سبزی بیند
بغایت نیکوست واگر سیاهی بیند کردن آن نکرد کلمات این است افتادین فرابیش موهن سوهن سوهن هر که را
امر کشتن نماید این نوشته را در صوم گرفته در زیر زبان گذارد خلاص یابد مسلمه مجرب است و هر که خواهد
حال خود را در خواب بیند این دعا بر پشت دست خود نویسد و دست در زیر سر نهاده در خواب رود و حال خود را در خواب
بیند دعا این است بسم الله الرحمن الرحیم سیهیر هیام مجهد یا حی یا قیوم بمحبتنا و بمشیتنا و بمحبتنا اللهم
مغفرتك اوسع من ذنوبی و رحمتك عند من علمی خاتم جهت آوارہ کی بنویسد و در پای گنجشك بندد و تا رود یکساعت
باز نماند و مجرب است بامر الله تعالی واگر خواهی که بیاری بنویسی بر درخت میوه دار بیاویزد آن طرف که رفته است
بیاید واگر خواهد که زندانی خلاص شود این خاتم بر پاره خاك گورستان خواند و در آنجا ریزد که هم در روز خلاص یابد
واگر خواهد که خواب کسی را بربندد این را بنویسد و در ازار بندد و از هوا بیاویزد که مجرب است شمخیال اشرخیال
اسرافیل مکربیال اشخوبیال میطط ورنجبرئیل والحمد لله وحده باب الحب اگر خواهی که کسی را مسخر خود کردنی
که تا زنده باشد سر از قدم تو بر ندارد و مطیع و مبتلا گردد واگر یکدم ترا نبیند قرار و آرام و خورد و خواب نداشته باشد
بنویس روز پنجشنبه که ساعت سعد باشد بمشك و زعفران و گلاب و در شیشه مینا کند و این اجزا نیز در شیشه کند
مقل ازرق علك رومی بنفشه خشك پوست نارنج نمك هندی کوکرد عود و نبات یلادر
قدری قدری قدری قدری قدری قدری قدری ۲ م ۳ م
روغن یاسمین روغن زیت روغن بنفشه سر شیشه را محکم کرده چهل و یك روز در آفتاب
۱۰ م ۱۰ م ۲۰ م
بیاویزد که مجرب است و بیم دیوانگی است و رسوایی در این عمل و این عمل جالینوس حکیم است نها که پیش از چهل یك روز در آفتاب

نکذارد که بیم خستگی و هلاکی در این عمل است زنهار که جهت هلاک کند و بنا اهل یا موزد که شرمنده درگاه رب العزه

شوص ١٣١١٢١ لا ٣٤٣١٢١١٧١ ٣١١٤١١٤١١٩١٩١١٣١١٨٣

٢١	٩٧	١٤	١٣	٦٢	٥	٩٧	١٤	٨٣
١٢	١٩	٧٣	١٥	١٤	٧٤	٥١	٩٧	١٣

١١ ... ٥٥٥٥ ااا ... ١١ ...

الثاني	ت ٤٠٠	ف ٨٠	ت ٤٠٠	ف ٨٠	ت ٤٠٠	ف ٨
العجل	ح ٨	١١	ح ٨	١١	ح ٨	١١
راح	ت ٤٠٠	ف ٨٠	ح ٨	١١	ت ٤٠٠	ف ٨٠
العجل ابن فهد	العجل فهد	العجل ...	العجل ابه فهدن	العجل فهدن	العجل تلب	الساعة حرقت

جهت کشایش دکان بنویسد این هفت درهشت را در دیوار این است

فصل در بیان الواح ذوج در نفع نخستین لوحی که در نفع ممکن باشد مربع چهار در چهار است وطریق وضع او مشهور است از هر خانه که ابتدا کند چون لوح تمام شود وفق او راست باشد حکماء این نوع مربع را چهار ضبط تعیین کرده اند برضابطه اوّل وجه و حکیم ابو ریحان که از حکماء اسلام است چند فصل در خواص این مربع از قول حکماء هند استنباط کرده بغایت مجرب است.

٤٦ ٩٠	٨٤	٨٤	٨٤	٤٢	١١	X	٤٤
١٤١	٣	٤٢	٢٢	٤٤	٤٩	١٨	٤١١
٢٦	٢٤	٢٢	٤٢	٣٤	٣٤	٤٦	٣لا
٢٤	٢٤	٢لا	٢	٩لا	٣٧	٣٦	٤٤
٦٦	٦٦	٢لا	٤٨	٩٢	٢٢	١٣	٣لا
٤٧	٩٤	٤	٤٦	١٦	٢	١	٤٤
١٠	٢	١٣	٣٣	ااا	٦٤	٢	٨

و در جمیع امور از خیر و شر و نفع و ضرر و حصول مقصود و برآمدن مهمات و را شدن حاجات و در دفع شر اعدا نظیر ندارد و واجب نمود شرح آن تا این مختصر از آن فواید خالی نماند فصل اوّل در محبت چون خواهد که کسی را محبت خود سازد چنانکه یک لحظه بی تو نتواند بود باید نام آنکس که مطلوب است و نام مادرش و نام خود و نام مادر خود بحساب جمل جمع کن و هزار و پنجاه عدد دیگر اضافت کن که در این عدد سریست از اسرار الله تعالی مجموع بطریق وفق بهمین ضابطه که در مربع اوّل است درج کن می باید که در ساعت اوّل روز یکشنبه یا ساعت یکشنبه در اسد یا آفتاب باشد در ساعت کتابت این مربع کشته باعود بخور کند و در همان ساعت در بجد و در موم گیرد که در مجلس عزت سوخته باشد اگر این عمل را از بهر مدح کند بر بازوی راست بندد و اگر از بهر زن نویسد بر بازوی چپ بندد و اگر بر کاغذ زرد نویسد بهتر بود و اصل شکل این است

٤	١٤	١٥	١
٩	٧	٦	١٢
٥	١١	١٠	٨
	٢	٣	١٣

بر اعداد اسامی ١٧ ٢ عدد اضافه کن و بر کاغذ نوع دیگر بستان در وقت روز چهارشنبه یا پنجشنبه

عقد اللسان در روز دوشنبه نویسد بر نیت خصم ١٦ با آدینه یا یکشنبه ساعت عطارد

٦	٩		٣
١٢	٧	٢	١٣
١	١٤	١١	٨
١٥	٤	٥	١٠

چون قمر در ثور باشد یا در اسد ناظر بقمر یا مشتری بنظر سعد بر اعداد اسامی ۲۰۱ عدد اضافه کن و بر ورق
آهو نویس و بر بند شلوار بند این است

	۶	۳	۹
۱۱	۱	۸	۱۴
۵	۱۵	۱۰	۴
۲	۱۲	۱۳	۷

نوع دیگر روز دوشنبه بر اعداد اسامی ۸۲
۱۹ عدد اضافه کن و بر کاغذ نویس و در زیر سنگ گران بنه اگر در ساعت نوشتن
قمر در سنبله باشد ناظر بعطارد از جانب
باشد این است

۷	۱۲	۹	۶
۱۴	۱	۴	۱۵
۲	۱۳		۳
۱۱	۸	۵	۱۰

نوع دیگر بر اعداد اسامی ۱۵۶ عدد
اضافه کن و بر کاغذ نویس و در زیر سنگ گران بنه زبان خصم بسته شود این
است

نوع دیگر در عقد الرجال بر اعداد اسامی ۳۰۰ عدد اضافه کن و بر ورق آهو یا بوم
نویس و در حین کتابت مقل اندق بخور کن و نوشته را در زیر آستانه انگشت پنهان
کن و نام را بطریق مذکور یاد کن این است

۸	۱۱	۱۴	۱
۱۳	۲	۵	۱۷
۳	۱۶	۹	۶
۱۰	۵	۴	

۷	۱۳	۱۲	۲
۴	۱۰	۱۵	۵
۹	۳	۶	
۱۴	۸	۱	۱۱

نوع دیگر روز سه شنبه بر اعداد اسامی
۵۰ عدد اضافه کن و بر ورق آهو بنویس و بر سر بند شلوار بند و
بقول روز شنبه باید نوشت لوح این است

۵	۱۰	۱۵	۴
	۳	۶	۹
۲	۱۳	۱۲	۷
۱۱	۸	۱	۱۴

نوع دیگر بر اعداد اسامی ۶۰ عدد اضافه کن و بر کاغذ نویس و در آب انداز و
بخور را آتش دهد بسته شود بفرمان خدا تعالی این است

۷	۱۳	۱۲	۲
۴	۱۰	۱۵	۵
۹	۳	۶	
۱۴	۸	۱	۱۱

نوع دیگر عقد النظر در شب چهارشنبه بر اعداد اسامی ۱۹۰ عدد اضافه
کند که بتجربه رسیده است این است

۵	۱۵	۱۰	۴
۲	۱۲	۱۳	۷
	۶	۳	۹
۱۱	۱	۸	۱۴

نوع دیگر روز سه شنبه بر اعداد اسامی ۴۰۰ عدد اضافه کن و بر کاغذ
نویس و بر شکم ماهی بند و در گورستان کهنه همچنان دفن کن که نظر او بسته شود این است

۲	۱۳		۳
۷	۱۲	۹	۶
۱۱	۸	۵	۱۰
۱۴	۱	۴	۱۵

نوع دیگر روز چهارشنبه بر ساعت آفتاب بتثلیث زهره یا قمر و اگر قمر در قوس
بود بهتر بر اعداد اسامی ۲۰۵ عدد اضافه کند و بمشک و زعفران و گلاب بر ورق
آهو نویسد و در ساعت کتابت بخور کند عود و لادن و بشرط مذکور باخود دارد مقصود
حاصل شود این است

۸	۱۴	۱۱	۱
۳	۹		۶
۱۳	۷	۲	۱۲
۱۰	۴	۵	۱۵

نوع دیگر چون آفتاب بجوزا باشد روز چهارشنبه بوقت
طلوع آفتاب بر اعداد اسامی ۱۴۰ عدد اضافه کن و بنویس و در خانه که خواهد
که باد او را می جنباند و در زیر او قدری مقل بخور کند آرام و قرار نماند لوح این است

۱۷

نوع دیگر روز پنجشنبه که آفتاب در دلو باشد بر اعداد اسامی ۴۰۲ اضافه کن و بمشک و زعفران و کلاب بنویس و بشرط مذکور با خود دارد که مطلوب حاصل میشود. لوح این است

۱	۱۴	۱۵	۴
۸	۱۱	۱۰	۵
۱۲	۷	۶	۹
۱۳	۲	۳	

نوع دیگر روز پنجشنبه که قمر در قوس باشد بنظر تسدیس با عطارد و بر اعداد اسامی ۱۴۰۸ عدد اضافه کن و بمشک و زعفران و کلاب بنویس و نوشته را در موم گیرد و بشرط مذکور با خود دارد و در نهان حرام بکنی که اسم باری تعم در این لوح مندرج است لوح این است

۱	۱۴	۱۱	۸
۱۵	۴	۵	۱۰
۶	۹		۳
۱۲	۷	۲	۱۳

نوع دیگر چون قمر در ثور باشد یا در اسد و مشتری یا زهره بر تسدیس یا بر تثلیث قمر باشد بساعت مشتری یا ساعت زهره یا آفتاب بر اعداد اسامی ۱۰۱۲ اضافه کند و بنویس بشرط مذکور و با خود دارد صورت لوح این است

۱	۱۴	۱۱	۸
۱۵	۴	۵	۱۰
۶	۹		۳
۱۲	۷	۲	۱۳

۱	۱۴	۱۵	۴
۱۲	۷	۶	۹
۸	۱۱	۱۰	۵
۱۳	۲	۳	

+

نوع دیگر در محبت یافتن نزد سلاطین روز شنبه بر اعداد اسامی ۳۵۶ عدد اضافه کن و بر کاغذ بنویس و بموم گرفت در آب انداز و آن حوض را بدان آب بشوید و نزد هر که خواهد برود در ساعت محبت بیفزاید این است

۹	۳	۶	
۱۴	۸	۱	۱۱
۴	۱۰	۱۵	۵
۷	۱۳	۱۲	۲

نوع دیگر روز چهارشنبه بر اعداد اسامی ۲۴۲۵ اضافه کن و بر کاغذ بنویس و در مومی که در مجلس عشرت سوخته باشند بگیر و با خود نگهدار لوح این است

۸	۱۱	۱۴	۱
۱۰	۵	۴	۱۵
۳		۹	۶
۱۳	۲	۷	۱۲

۲

نوع دیگر روز پنجشنبه بر اعداد اسامی ۲ عدد اضافه کن و در روغن بادام انداز و هفت روز بگذار بعد از آن چون پیش مطلوب رود از آن روغن بر روی خود بمال لوح این است

۸	۱۴	۱۱	۱
۱۰	۵	۴	۵
۳		۹	۶
۱۳	۲	۷	۱۲

نوع دیگر روز یکشنبه بر اعداد اسامی ۱۰۰۲ عدد اضافه کن و بمشک و زعفران بر ورق آهو بنویس و با خود نگهدار که مجرب است ولوح مزبور این است

۴	۱۵	۱۴	۱
۹	۶	۷	۱۲
۵	۱۰	۱۱	۸
	۳	۲	۱۳

نوع دیگر روز سه شنبه بر اعداد اسامی ۱۲۰۲ عدد اضافه کن و بمشک و زعفران و کلاب بر حریر سفید بنویس و با خود دار لوح این است فضل و محبت شدید

۸	۱۱	۱۴	۱
۱۳	۸	۷	۱۲
۳		۹	۶
۱۰	۵	۴	۱۵

نوع دیگر روز جمعه بر اعداد اسامی ۲۲۴ اضافه کن و بر کاغذ پاکیزه بنویس و در موم گیرد و بر بازوی راست ببندد این است

۴	۱۴	۱۵	۱
۵	۱۱	۱۰	۸
۹	۷	۶	۱۲
	۲	۳	۱۳

۶	۱۲	۹	۷
۳	۱۳		۲
۱۵	۱	۴	۱۴
۱۰	۸	۵	۱۱

اسامی ۲۰۰ اعدد اضافه کن و بنویس بمشک و زعفران و کلاه بر بازوی راست بندد که مجرّبست لوح این است

نوع دیگر روز یکشنبه بر اعداد اسامی ۱۰۲ اعدد اضافه کن و بر کاغذ نویس و در موم گیر و بر بازوی راست بربند این است

۱	۱۱	۱۴	۸
۶		۹	۳
۱۵	۵	۴	۱۰
۱۲	۲	۷	۱۳

۱۶

	۳	۶	۹
۵	۱۰	۱۵	۴
۱۱	۸	۱	۱۴
۲	۱۳	۱۲	۷

۱۶

نوع دیگر روز شنبه بر اعداد اسامی ۲۱ ۱۰ اعدد اضافه کن در کاغذ یا لکّه نویس و در موم گیر و بر بازوی راست بند این است

نوع دیگر روز سه‌شنبه بر اعداد اسامی ۲۴ ۱۰۱ اضافه کن و بر کاغذ نویس و در موم گیر که در مجلس عشرت سوخته باشند و هر بامداد در کلاه نهند و در دیگ خود مالد و در کوزه بدان بشوید و خشک کند که هر کس او را ببیند دوست دارد این است

	۳	۶	۹
۵	۱۰	۱۵	۴
۱۱۱	۸	۱	۱۴
۲	۱۳	۱۲	۷

۱۶

	۳	۶	۹
۲	۱۳	۱۲	۷
۱۱	۸	۱	۱۴
۵	۱۰	۱۵	۴

نوع دیگر روز پنجشنبه بر اعداد اسامی ۹۳۵ اضافه کند و بر کاغذ نویسد و در روغن یاسمین اندازد و سه روز بگذارد و بعد از سه روز برگیرد و هر گاه پیش مطلوب رود تدری بر دیگ خود بمالد که شیفته و عاشق شود این است

نوع دیگر روز آدینه بر اعداد اسامی ۳۰۰ ۱۰ اضافه کند و بر ورق آهو نویسد و در روغن بادام اندازد و هفت روز بگذارد بعد از هفته در دیگ خود بمالد چون او کس وی را ببیند دوست دارد لوح این است

۷	۱۳	۱۲	۲
۴	۱۰	۱۵	۵
۱۴	۸	۱	۱۱
۹	۳	۶	

۱۶

فصل در دفع دشمنان اگر کسی را دشمنی باشد که با او بر نیاید روز چهارشنبه بر اعداد اسامی ۴۵ ۷۰ اعدد اضافه کند و بجز کفتار یا بجره بپوست خر نویسد و در دار هکذا آن کس دفن کند مجرّبست

۱۱	۵	۸	۱۰
۲		۱۳	۳
۱۴	۴	۱	۱۵
۷	۹	۱۲	۶

نوع دیگر روز چهارشنبه بر اعداد اسامی ۴۲ ۱۰۱ اعدد اضافه کن و بجون آدمی بر کاغذ نویس و در گلخن حمام دفن کن لوح این است

۱۵	۵	۴	۱۰
۱۲	۲	۷	۱۳
۶		۹	۳
۱	۱۱	۱۴	۸

۱۶

۱۳	۲	۳	
۸	۱۱	۱۰	۵
۱۲	۷	۶	۹
۱	۱۴	۱۵	۴

نوع دیگر شب شنبه بر اعداد اسامی ۵۰۰ ۹ اعدد اضافه کند و بنویسد بر کرباسی که از کفن مانده باشد و از قبر صورتی سازد و نوشته را در شکم صورت نهد و در گورستان دفن کن تا عجایب بینی لوح این است

نوع دیگر روز یکشنبه بر اعداد اسامی ۵۰۴ به ۲ اضافه کن و بر پوست آهو یا پوست پلنگ نویس و عود و عنبر بخور کن و در سلاح خانه دفن کن

۱۳	۲	۳	
۸	۱۱	۱۰	۵
۱۲	۷	۶	۹
۱	۱۴	۱۵	۴

۱۶

نوع دیگر روز دوشنبه بر اعداد اسامی ۱۰۰ اعدد اضافه کن و بر کاغذ نویس و در کرباسی که از کفن مانده باشد

۱۵	۴	۵	۱۰
	۹	۱۶	۳
۱۳	۷	۲	۱۲
۱	۱۴	۱۱	۸

(جواهر مکنونه)

ببچید و در گور کهن دفن کند شکل این است

۱۲	۷	۲	۱۳
۶	۹		۳
۱۵	۴	۵	۱۰
۱	۱۴	۱۱	۸

بر اعداد اسامی ۱۱۰۴ عدد اضافه کند و ۱۶
کرباسی که آن کفن مانند بپیچد و صورتی سازد
نهد و در تابوت نهد و در گورستان جهودان

نوع دیگر روز دوشنبه
بر کاغذ نویسد و در
و نوشته را در شکم صورت
دفن کند لوح این است

۱۳	۳	۲	
۸	۱۰	۱۱	۵
۱۲	۶	۷	۹
۱	۱۵	۱۴	۴

فصل در فتح الرجال شب جمعه بر اعداد اسامی ۴۰۴ عدد اضافه کن و در پاره ۱۶
کرباس نویس و در آب روان انداز لوح این است

۹	۷	۶	۱۲
۵	۱	۱۱	۸
۴	۱۵	۱۴	۱
۱۶	۲	۳	۱۳

نوع دیگر روز دوشنبه بر اعداد اسامی ۵۰۵
عدد اضافه کند و بر پوست آهو نویسد
و نوشته را با خود دارد گشاده گردد بفرمان خدای تعالی لوح این است

۱۴	۱	۸	۱۱
۷	۱۲	۱۳	۲
۹	۶	۳	
۴	۱۵	۱۰	۵

نوع دیگر
شنبه را
نویس و نو
بشوید گشاده

روز آدینه بر اعداد اسامی ۴۱۲ عدد اضافه کن و بر ورق آهو
در موم گیرد و در کوزه آب اندازد و هر روز روی خود را از آن آب ۱۶
کرد لوح این است

نوع دیگر شب دوشنبه بر اعداد اسما ۴۱۲ عدد اضافه
کند و بر جبین سفید
نویسد و در موم گیرد و بر بازوی راست بندد گشاده گردد
و بغایت مجرب لوح
این است

۱۵	۱	۴	۱۴
۱۰	۸	۵	۱۱
۶	۱۲	۹	۷
۳	۱۳		۲

فصل در آواره کردن
خصمان روز شنبه بر اعداد اسامی ۱۲۰۰ عدد اضافه کند
و بر کاغذ نویسد
و در پای کجنک بندد و بیرون شهر رها کند که آنکس آواره گردد ۱۶
لوح این است

۱۵	۱	۸	۱۰
۴	۱۴	۱۱	۵
۹	۷	۲	
۶	۱۲	۱۳	۳

نوع دیگر روز دوشنبه بر اعداد اسامی ۱۵۰۰ عدد اضافه کند و بر کاغذ نهد
و در گورستان جهودان دفن کند آواره شود لوح این است

۱۲	۷	۶	۹
۱	۱۴	۱۵	۴
۱۳	۲	۳	
۸	۱۱	۱۰	۵

نوع دیگر روز سه شنبه بر اعداد اسما ۵۰۰ عدد اضافه
کن و در آستانه در دفن کن آواره شود البته لوح این است ۱۶

۱۴	۴	۵	۱۱
۱	۱۵	۱۰	۸
۳	۱۳	۶	۱۲
۷	۹		۲

نوع دیگر روز یکشنبه بر
اعداد اسامی ۱۰۴۵ عدد اضافه کند و بر کاغذ نویسد و در میان گوشت نهد
و در آب روان اندازد مجرب است لوح این است

۸	۱۱	۱۰	۵
۱	۱۴	۱۵	۴
۱۳	۲	۳	
۱۲	۷	۶	۹

نوع دیگر روز چهارشنبه بر اعداد اسما ۲۲۰۰۰ عدد
اضافه کن و بر کاغذ نویس و بر پای عصفور بندد و رها کن که آواره شود لوح مربع

۱۲	۷	۲	۱۳
۱	۱۴	۱۱	۸
۱۵	۴	۵	۱۰
	۹		۳

(لآلی محرز شد)

این است بکاغذ نو نوع دیگر شب یکشنبه بر اعداد اسما ۱۴۹۵ عدد

۶		۹	۳
۱	۱۱	۱۴	۸
۱۲	۲	۷	۱۳
۱۵	۵	۴	۱۰

نوع دیگر شب شنبه بر اعداد اسما ۴۰۰۰ عدد اضافه کند و ... لیسد و در پر گنجشک بندد و رها کند مجرب است

۱۲	۶	۷	۹
۱	۱۵	۱۴	۴
۱۳	۳	۲	
۸	۱۰	۱۱	۵

اضافه کن و بر پاره کرباس نویس و در میان گوشت نهد و در آب روان اندازد که مجرب است و لوح این است

نوع دیگر شب دوشنبه بر اعداد اسمای ۲۲۴ ... ۷۷ اضافه کند و بر کاغذ نویسد و در دهلیز آنکس پنهان کند که مجرب است این است

۸	۱۰	۱۱	۵
۱	۱۵	۱۴	۴
۱۳	۳	۲	
۱۲	۶	۷	۹

۶	۱۶	۹	۳
۱	۱۱	۱۴	۸
۱۵	۵	۴	۱۰
۱۲	۲	۷	۱۳

فصل در بغض و عداوت روز شنبه بنام آن دو کس که میان ایشان عداوت انگیزی و نام مادر ایشان بحساب جمل جمع کن و بر اعداد اسما ۱۰۵۰ عدد اضافه کن و بر کاغذی نویس و در خانه او دفن کن لوح این است

نوع دیگر روز یکشنبه بر اعداد اسامی ۲۲۰۵ عدد اضافه کن و بر کاغذی نویس و در چاه افکن یا در کوزه ... تا در آنجا آب جمع شود لوح این است

۱۴	۴	۱	۱۵
۷	۹	۱۲	۶
۱۱	۵	۸	۱۰
۲		۱۳	۳

نوع دیگر روز دوشنبه بر اعداد اسامی ۲۰۰۵ عدد اضافه کن و بر کاغذی نویس و در گورستان جهودان دفن کن که مجرب است لوح این است

۱۱	۸	۱	۱۴
۲	۱۳	۱۲	۷
	۳	۶	۹
۵	۱۰	۱۵	۴

نوع دیگر روز شنبه بر اعداد اسامی ۶۵۰۶ عدد اضافه کن و بر پوست خر نویس و در جایی که نم باشد دفن کن تا هر دو نهاد که بجز ... نگنجد البته البته لوح این است

۱۵	۴	۱	۱۴
۱۰	۵	۸	۱۱
۶	۹	۱۲	۷
۳		۱۳	۲

نوع دیگر روز چهارشنبه بر اعداد اسامی ۹۰۷۷ عدد اضافه کن و بر کاغذی نویس و در آستانه دفن کن که مجرب است لوح این است

۱۴	۴	۱	۱۵
۱۰	۵	۸	۱۱
۷	۹	۱۲	۶
۳		۱۳	۳

نوع دیگر روز شنبه بر اعداد اسما ۲۲۵ عدد اضافه کن و بر پوست خر نویس و در میان گوشت بند و در آب شیب گرمابه انداز لوح این است

۱۴	۸	۱	۱۱
۹	۳	۶	
۷	۱۳	۱۲	۲
۴	۱۰	۱۵	۵

نوع دیگر شب چهارشنبه بر اعداد اسامی ۲۵۰۰ اضافه کن و بر کاغذ بنویس یا در پوست خر و در میان خانه دشمن انداز

۱۴	۸	۱	۱۱
۹	۳	۶	
۴	۱۰	۱۵	۵
۷	۱۳	۱۲	۲

فصل در صلح میان زن و شوهر روز دوشنبه بر اعداد اسامی ۱۰۰ عدد اضافه کن و بنویس و بر بازو ...

۱۴	۸	۱	۱۱
۹	۳	۶	
۴	۱۰	۱۵	۵
۷	۱۳	۱۲	۲

راست بند مراد حاصل شود این است

۷	۱۲	۹	۶
۲	۱۳	۱۶	۳
۱۴	۱	۴	۱۵
۱۱	۷	۵	۱۰

اضافه کن و بر بازوی راست بند
نوع دیگر روز دوشنبه با اعداد
اسامی ۴۰۰۰ عدد اضافه
کن و بر پوست آهو نویس و با خود دار لوح این است

۹	۶	۳	۱۶
۷	۱۲	۱۳	۲
۱۴	۱	۸	۱۱
۴	۱۵	۱۰	۵

نوع دیگر روز یکشنبه با اعداد اسامی ۲۰۷ عدد
و با خود دار لوح این است

۹	۶	۳	۱۶
۴	۱۵	۱۰	۵
۴	۱	۸	۱۱
۷	۱۲	۱۳	۲

نوع دیگر روز پنجشنبه یا شب دوشنبه با اعداد اسامی ۴۰۰ عدد اضافه کن و بر حریر
بنویس و بر بازوی راست بند لوح این است

۱۱	۸	۵	۱۰
۲	۱۳		۳
۱۴	۱	۴	۱۵
۷	۱۲	۹	۶

نوع دیگر روز سه شنبه با اعداد اسامی
۵۰۰۰ عدد اضافه کن و بر کاغذ
نوشته با خود دارد لوح این است

۲	۱۲	۱۳	۷
۵	۱۵	۱۰	۴
۱۱	۹۱	۸	۱۴
	۶	۳	۹

۱۶

نوع دیگر روز آدینه یا شب
سه شنبه با اعداد اسامی
۱۴۰ عدد اضافه کن و بر حریر نویس و با خود دار این است
نوع دیگر شب
سه شنبه یا یکشنبه با اعداد اسامی ۵۰۰۰
عدد اضافه کن و بر کاغذ

۶	۱۲	۹	۷
۳	۱۳		۲
۱۵	۱	۴	۱۴
۱۰	۸	۵	۱۱

۱۶

نویس و بر کمر بند بند همین طریق
روز جمعه بوقت طلوع آفتاب
فی المحبة بنویس
گلاب بر کاغذ زرد و پاکیزه
بمشک و زعفران و

۴	۸	۵	۱۱
۳	۱۳		۲
۱۵	۱	۴	۱۴
۶	۱۲	۹	۷

۱۶

و با اعداد اسامی ۶۰۶۰ عدد اضافه کن و بر فلفل بخور کرده در پیچید و بموم
که از شمع عروسی باشد گرفته بادیم دوخته با خود دارد اگر مرد است بر بازوی
راست بنده و اگر زن باشد چپ آنکس از محبت بیقرار گردد و بیم دیوانگی است
شک نیاوری که کافر کردی که اسمی از اسماء عظام در این درج است لوح این است

۴	۱۵	۱۴	۱
۵	۱۰	۱۱	۸
۹	۶	۷	۱۲
	۳	۲	۱۳

۱۶

نوع دیگر بنویسد در روز پنجشنبه بمشک و زعفران و گلاب و با اعداد
اسامی ۵۵ ۲۰ عدد اضافه کن و با خود دار بشرط مذکور در جبیب
القلوب مطلوب حاصل شود این است

۸	۱۱	۱۴	۱
۱۰	۵	۴	۱۵
۳		۹	۶
۱۳	۲	۷	۱۲

۱۶

فصل دوم در بغض و عقد اللسان اگر
کسی را خصمی بوده باشد و علاج او
نداند بنویسد این مربع را بر ورق آهو
و بر سر اعداد اسامی ۴۹۸ عدد
اضافه کند و در روز چهارشنبه بوقت طلوع آفتاب در موم گرفته در راه خصم دفن کند این است
نوع دیگر بنویس بر پاره کاغذ جهت عقد اللسان و با اعداد اسامی ۴۹۶
عدد اضافه کن و بر کمر گاه بند زبان آنکس بسته شود بفرمان خدا تعالی ۳۴

۷	۱۲	۹	۶
۱۴	۱	۴	۱۵
۲	۱۳		۳
۱۱	۸	۵	۱۰

(لآلی مخزونه)

این است فصل و در عقد النوم اگر خواهی که خواب کسی را ببندی چون آفتاب بقمر متصل باشد

١٠	٨	٥	١١
١٥	١	٤	١٤
٣	١٣		٢
٦	١٢	٩	٧
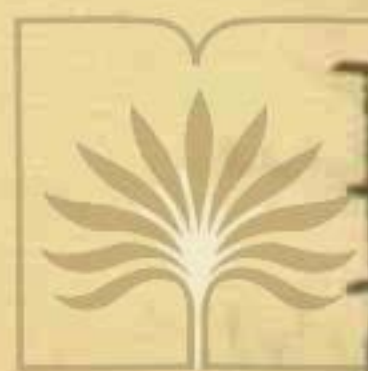
و عطارد بمشتری در روز چهارشنبه بساعت عطارد بنویس بر کاغذ و بر اعداد اسامی ۱۱ ۳۴ عدد اضافه کن و بر زیر بالین بنه و بخوابد و خواب آنکس بسته شود این است

نوع دیگر در روز جمعه بر اعداد اسامی ۲۰۶۰ عدد اضافه کند و در کاغذ نویسد بساعت عطارد و در وقت نوشتن بگوید بستم خواب فلان ابن فلان را بعشق و محبت فلان ابن فلان و بعد از کتابت با کس نگوید و نوشته در زیر سر نهد

٦	٩		٣
١٥	٤	٥	١٠
١	١٤	١١	٨
١٢	٧	٢	١٣

و بخوابد و خواب آنکس بسته شود لوح این است

نوع دیگر روز جمعه بساعت عطارد بر اعداد اسامی ۲۰۶ عدد اضافه کن و بر کاغذی نویس و پاره عود بخور کند

١٢	٢	٧	١٣
١٥	٥	٤	١٠
١	١١	١٤	٨
٦	٤	٩	٣

و نوشته را بر دا نجیب بندد و بگوید بستم خواب فلان ابن فلان را بعشق و محبت فلان بن فلان و با کسی سخن مگوی و خواب کن و خواب آنکس بسته شود لوح این است

فصل چهارم فی عقد الرجال بنویس این لوح را بنام آنکس که تو خواهی و بر اعداد اسامی ۱۹۵ عدد دیگر اضافه کن و در

١٢	٢	٧	١٣
١٥	٥	٤	١٠
١	١١	١٤	٨
٦		٩	٣

وقت کتابت این شکل بگو بستم الت فلان ابن فلان را بر فرج فلانه بنت فلانه بحق هذه الاسماء الاعظم بعد از آن

بستان زه نداف و بر وی بند و در جایگاه نمناک دفن کن و سنگ گران بر زیر آن بنه و باید که از برای حلال کند

که اسم اعظم در این لوح است فصل در عقد النظر اگر خواهی که نظر کسی بر بندی و بغیر از تو در کسی ننبیند باید که نظرها و ساعتها مسعود نگاه داری و ساعتی که این عمل مناسب باشد بستانی کاغذ با کره

٢	١٦	١٣	٣
٧	٩	١٢	٦
١٩	٥	٨	١٠
	٤	١	١٥

و نام ها را حساب کرده عدد بر سر آن اضافه کن و بطریق وفق بنویس و در روز سه شنبه در موم کافور نا نرموده کهنه و در آبی که در کوه ما بیرون میآید دفن کن و در آن حالت بگوی بستم نظر فلان ابن فلان را بر فلان ابن فلان تا مطلوب حاصل آید این است

نوع دیگر بستان پوست درازگوش و در روز چهارشنبه بساعت عطارد نامها را حساب کرده بر سر اعداد اسامی ۲۰۱۹۰ عدد اضافه کن و در این لوح درج نموده در آستانه آنکس پنهان کن تا در دیگر نظر خود را بغیر از تو

٢	١٣		٣
٧	١٢	٩	٦
١١	٨	٥	١٠
١٤	١	٤	١٥

کسی مستور دارد نوع دیگر بنویس بر پوست گرگ و روز دوشنبه بر اعداد اسامی ۱۱ عدد اضافه کن و در این لوح درج نموده در آبی که از ماه بیرون میآید دفن کن یا در دیگر آنکس در عقد النظر نظر ندارد و نهاد که حرام نکند تا در دبال بیفتی که اسماء عظام در این مربع است

٤	١٥	١٠	٥
٩	٦	٣	
٧	١٢	١٣	٢
٤	١	٨	١١

و لوح این است ۱۱ فصل ششم در عقد الطریق اگر خواهی که کسی را از دفتی مهربان داری

٧	١٢	١٣	٢
٩	٦	٣	
٤	١٥	١٠	٥
١٢	١	٨	١١

(جواهر سکنوند)

بنویس این مربع در روز دوشنبه بر پوست کهنا و بر اعداد اسامی ٢٠٢۴ عدد اضافه کن که هیچ وجه دفتن
آنکس میسر نشود و روزها که این کار را شاید شنبه ٣ یکشنبه ٧ دوشنبه نشاید سه شنبه چهارشنبه
١٢ روز پنجشنبه نشاید روز آدینه و شب شنبه و شب یکشنبه پنجم شب پنجشنبه و آدینه نیک است لوح این است

٣		٩	۶
١٠	٥	۴	١٥
٨	١١	١۴	١
١٣	٢	٧	١٢

نوع دیگر بیاور پارهٔ کاغذ روز یکشنبه ٧ و بر سر اعداد اسامی ٠٠ ۴ عدد اضافه
کرده بنویس و در زیر سنگ گران نه آنکس را سفر هیچ وجه میسر نشود و مانع
مروری پیدا شود لوح این است

٥	١٠	١١	٨
	٣	٢	١٣
۴	١٥	١۴	١
٩	۶	٧	١٣

نوع دیگر در عقد الطریق روز چهارشنبه بر اعداد
اسامی ٠٠ ۴ عدد اضافه کن
و کاغذی بنویس و در موم گیر و بخور ماده کالوخر
بده او لبسته شود و هیچ جا نتواند رفتن این است

١٣	٧	٢	١٢
١	۴	٥	١٥
٨	١۴	١١	١٠
٣	٩		۶

نوع دیگر شب یکشنبه
بساعت پنجم بر اعداد اسامی ٩٥٠ عدد اضافه کن و در ساعت کتابت عود و سندروس
و مقل ازرق بخور کن و این مربع بر پوست آهو بنویس و نوشته را با پارهٔ عنبر و مقل ازرق بخور کن و در موم
کافور نافروده گیر و پارهٔ نه کمان نداف بر یکی بپیچ و دیگر با سر نا شسته کیر و در زیر سنگ گران بند یا بر سنگی
بند و در چاهی انداز که آب ابنه نکشند لوح این است

٣	١۶	٩	۶
١٣	٢	٧	١٢
٨	١١	١۴	١
	٥	۴	١٥

فصل هفتم فی حل الرجال بستان حریر سفید
و بر نامها حساب کرده این عدد ٢٩٥ اضافه کن و در روز پنجشنبه بنویس و بر کمرگاه بند
که مراد و مقصود حاصل شود این است

فصل هشتم در گشایش کارها اگر کسی خواهد که کار بسته او گشاده
و برکت و جمعیت و در رزق بر وی گشاده گردد شرایط بجا آورد نظرها مسعود و
ساعتها و روزها نیک و بود قمر در حمل شاید ثور در نیمه آخر جوزا نیک است سرطان

١۴	١	٨	١١
۴	١٥	١٠	٥
٩	۶	٣	
٧	١٢	١٣	٢

نیک است اسد شاید سنبله شاید میزان نیک است عقرب قوس جدی دلو حوت نیک است بستان پارهٔ حریر
سفید و نامها را حساب کن عدد دیگر اضافه کن و روز پنجشنبه ٥ بنویس و در موم گیر که با وی مشکی آمیخته
باشد و در بازوی راست بند هر مهمی که داشته باشی کفایت کرده بر وی و در رزق و در روغن بر وی
گشاده شود باذن الله تعالی و توفیقه و صورت لوح مزبور این است

٧	٩	١٢	۶
١۴	۴	١	١٥
٣		١٣	٢
١١	٥	٨	١٠

نوع دیگر بنویس و روز
دوشنبه بساعت مشتری و بنامها حساب کرده ۴٠٨ عدد دیگر اضافه کن و بوقت کتابت
عود و لادن بخور کن و بموم کافور نافروده بگیر و با خود دار در گشایش کارها و زیادتی رزق و مهابت نظیر
ندارد این است

۶	٩	١٢	٧
٥	۴	١	١۴
٣		١٣	٢
١٠	٥	٨	١١

نوع دیگر بنویس بر حریر سفید و در شب چهارشنبه بر نامها حساب کرده
٩٩ عدد اضافه کن و بیاور ١۴ فلفل و برابر آن عدد فندق و بر هر یکی ١٠١ بار قل اعوذ برب الناس

بخوان و پارهٔ موم کافور نا مرده ۱۴ قل اعوذ برب الفلق بخوان و بیاید پارهٔ مقل ازرق و بروی ۱۴ قل هو الله احد
بخوان و فلفل و مقل و فندق را بکوب و موم را بکداز و همه در موم ریز و فندقها بنا و در وقت کتابت این لوح
بخور کن که اسم اعظم باری تعالی درین لوح است و باخود دار و عجایب بینی این است

۷	۹	۱۲	۶
۱۴	۴	۱	۱۵
۲		۱۳	۳
۱۱	۵	۸	۱۱

۱۶

۱۱	۵	۸	۱۰
۱۴	۴	۱	۱۵
۲		۱۳	۳
۷	۹	۱۲	۶

۱۶

فصل نهم در دفع خصمان و ظفر بر دشمن اگر کسی خواهد که دفع قوی کند بیاید
پارهٔ پوست شیر و نام او را بحساب کرده ۲۰۰۱ عدد دیگر اضافه کند و بخور عصفور
بنویسد و در ویرانه که مردم آنجا نرفته می کنند دفن کند و بگوید نفس فلان ابن فلان است انا لله و انا الیه
راجعون اگر کس بعد از سه روز یا سه روز هلاک گردد باید که تا ضرور نباشد بکنی این است

۱۳	۲	۳	
۱۲	۷	۶	۹
۸	۱۱	۱۰	۵
۱	۱۴	۱۵	۴

نوع دیگر بیاید پارهٔ پوست آهو یا پارهٔ پوست پلنگ و نام او را حساب کرده ۵۵۴۴ عدد دیگر
اضافه کن و بعضی دیگر ۵۴۴ عدد بنویس روز یکشنبه در وقت نوشتن عود و عنبر بخور کن و در سوراخ
خانه دفن کن که دشمن بزودی هلاک گردد و از نو بار رهی این است

۱۵	۴	۵	۱۰
۶	۹	۱۶	۳
	۷	۲	۱۳
۱	۱۴	۱۱	۸

نوع دیگر بنویس
بر کاغذ در روز دوشنبه نام او را حساب کرده عدد دیگر ۱۲ اضافه کن و
بخور بنویس و در پارهٔ کرباس که از کفن مرده مانده باشد در پیچ و در گور کهنه دفن کن این است
و دیگر این حروف را جمع کرده اند و آنرا حروف متواخیه نام کرده اند برای مثال است

۱۲	۷	۲	۱۳
۶	۹		۳
۱۵	۴	۵	۱۰
۱	۱۴	۱۱	۸

ب ت ث ج ح خ د ذ ر ز س ش ص ض ط ظ ع غ هرکه این ۱۶
حروف را بمشک و زعفران و شیر زنی که اول پسر زاده باشد بر کاغذ بنویسد
در کلاه یا دستار دوخته بر سر نگاه دارد هرکس او را ببیند دوست دارد حضرت اسد الله الغالب علی ابن
ابیطالب علیه السلام در کتاب خافیه آورده است که هرکس این که آیت کلمه است و لا منقطع می شود اول آن
واو است و آخر آن میم و این در سورهٔ انعام است وتمت کلمة ربك صدقا و عدلا لا مبدل لکلماته و هو السمیع
العلیم بحروف مقطعه بنویسد خاص اولیا را است اول آنکه بدین وجه که ذکر کرده شد بنویسد و در پیچد
چنانکه نوشته بیرون باشد و سفیدی اندرون و در موم گیرد و در دهن نگاه دارد و با مطلوب سخن گوید
مراد حاصل گردد چنانچه فرزند و برادر را کشته باشد از سر جرم او در گذرد و در عقد العین نیز اثر
بسیار دارد اگر بشرایط عمل کند و اگر کسی را زحمت قی باشد نعوذ بالله این حروف مقطعه بنویسد و در موم
گیرد و در گلاب اندازد و بنبات مصری شیرین کرده هفت روز پیش از الطعام و اشربه دیگر این را اسیا
از آن جهت نجات یابد بفرمان خدا تعالی هرکه شک آورد کافر گردد و اگر کسی را زحمت برص پیدا شود او را باید بر جرم

لاله که بشقایق النعمان معروف است بخوانند و هر روز یک مثقال پس از طعام با آب سرد بیاشامد و هفت روز مداومت نماید حضرت عزت آنکس را از آن زحمت شفا دهد و اگر کسی را در دل ضعفی باشد این آیه را بهمین طریق که ذکر رفت بر صحن چینی یا زجاجی بمشک و زعفران و گلاب بنویسد و بزبان پاک کند پیش از غذاء دیگر هفت روز آن ضعف از دل او بیرون رود و قوت پیدا شود و اگر کسی را دشمن او قوی باشد و از وی در بیم باشد این آیت را هفت بار بصفات چهار بار بخواند و بطرف دشمن باشد آن دشمن مقهور و حقیر گردد و خواص این آیت را نهایت نباشد بدین قدر اختصار کردیم و طریق مقطعات این است و ث م ف ك ل م لا ت ر ب ك ص ر ق او ع د ل ال ا م ب د ل ل ك ل م ا ت هـ د هـ و ا ل س م ي ع ا ل ع ل ي م و بهم در آن کتاب مسطور است و شیخ الدین حموی از آنجا نقل کرده حدیث رسالت پناه محمد صلی الله علیه وآله وسلم که لکل شیٔ قلب و قلب القرآن یٰس و قلب یٰس سلام قولا من رب رحیم است و میگوید که در ۴ در ۴ در شرف آفتاب میباید نوشت و چنین نوشته اند که این آیه که چهار کلمه است و هر کلمه چهار حرف است در چهار در چهار که شانزده خانه است بطریق وفق بنویسد و با خود دارد از سوختن شدن و غرق شدن در امان باشد و اگر زن دشوار زاید این شکل را با خود دارد بار بآسانی بنهد و اگر کودکی حایم گرید این نوشته را بر عضو گهواره او بندد از آن گریه قرار گیرد و اگر این را در شرف آفتاب نوشته با خود دارد از شر بهار و کثرت دم و تب و جنون و صرع در امان باشد و این شکل را صد و یک خاصیت نوشته اند و این مختصر احتمال آن نکند و طریق نوشتن شرف آفتاب که اصحاب حساب و حکماء ریاضی وضع کرده اند بر این نهج است و شکل این است

و طریق نوشتن حضرت امیر المؤمنین علیه السلام این است بسم وطریق نوشتن امام جعفر صادق علیه السلام این است

سلام	قولا	من رب	رحیم
۲۹۳	۲۵۷	۱۳۲	۱۳۶
۲۵۶	۲۹۰	۱۳۹	۱۳۳
۱۳۸	۱۳۴	۲۵۵	۲۹۱

لوح الوی عا م که نموده شد

ام ۶۹ ل ام ع ل ام س ۳۱ ح ۲۲۲ وطریق نوشتن شیخ سعد الدین حموی رحمة الله علیه این است

۲۲ ۱۱۱۶ ا ع ح ۲۱۲۱۱ ا ر م ع ۳ ۱ ۴ ۲۴ ا ع ل ا ۱۴ ۲۲۲ ۱۸ اسم بدانکه حکماء علوم غریبه را

اتفاق است در این آیه که ان الله هو الرزاق ذو القوة المتین اسم اعظم باری است جل جلاله و اصحاب تجارب بهر نوع نوشته اند و طریق تکسیر امام جعفر الصادق ع بدین طریق نوشته اند اله او قا تا او رق وی اهز ولتمس و شیخ سعد الدین حموی بدین طریق نوشته اند ال ا ه او قا ت ن او د ق اوی ذو لت م ن اگر کسی را مقصود دینی یا دنیائی باشد پیش از صبح برخیزد بساعت سعد عنبر و کندر بخور کند و هزار و یکبار بخواند مقصود حاصل شود چنانکه هیچ سعی در آن مدخل نباشد اما یک هفته باید خواندن و اگر کسی فقیر حال باشد

همین شرایط که گفته شد یک هفته بخواند دنیا بدانکس غلبه کند بغیر حساب. و اگر کسی را حبس کرده باشند و بیم کشتن
باشد بهمین طریق بخواند از آن حبس خلاص یابد و اگر کسی غایب باشد بدنیت غایب بهمین طریق و شرایط بخواند آن
غایب حاضر شود هرچند میان او و آن غایب مسافت بعید باشد و اگر کسی را علت مخفی باشد و از اظهار آن اندیشه
باشد بدان نیت بخواند حضرت عزت شفا بخشد و اگر کسی را در چشم خللی و ضعفی باشد بهمین طریق بسرمه خواند و در چشم
کشد از چشم او آن ضعف زایل شود و اگر کسی را لعنت پیدا شود نعوذ بالله من ذلک بهمین شرایط هفت عدد خرما بخواند
و هر روز یکعدد خرما ناشتا بخورد باید نعم اودا از آن علت نجات دهد و اگر خواهد که بر مغیبات وقوف یابد بهمین
شرایط بر خروس سفید بخواند و او را بسمل کند و خون آن خروس را در سایه خشک کند و در شب برات در چشم کشد
چیزها بیند که کسی دیگر را بغیر الف میسر نشود و عجایبها بیند و در این شک نیاورد که کافر گردد و خواص اشیاء را
منکر نتوان شد خاصه اسم اعظم باری تعالی از این آیات است و بوقت خواندن بطریق امام جعفر باید خواند که اثر
آن زودتر ظاهر گردد و هم از امام منقول است که اگر حاجتی کسی را باشد بنویسد این حروفات را و در دست گیرد
از هر کسی که حاجتی خواهد حاجت او روا گردد حروفات این است لاع لاع بدع جه له سمه ه و هم از امام
منقول است که اگر کسی را دل بطرفی نگران باشد و خواهد که خبردار شود این حروف را بر کف دست بنویسد و بخسبد
یکی از ارواح بنزد او آید و هر چه از او سؤال کند جواب گوید و حروفات این است بسم الله سمت الهبت لهت
لهت فایده جامعه هر کس در علم حروف خوض کند باید که در تقوی و ریاضت کوشد و پاکی ورزد چون خواهد
که بعمل حروف مشغول گردد باید که سه روز روزه دارد و حیوانی نخورد و سیر و پیاز نخورد و بغیبت و دروغ مشغول
نشود و با طهارت و تسبیح و استغفار باشد تا اندک مناسبتی او را حاصل شود و ملائکه و ارواح طیبه از و متنفر
نگردند پس در تکسیر و عمل مشغول گردد و در آن ساعت نام خود و نام مطلوب و نام آن کار که دارد از محبت و عداوت
و غیره بنویسد و در سطر یکبار تکسیر کند تا ممتزج شود و عدد آن حروف بگیرد و ببیند که چند است و بر پشت آن
کاغذ که سطر را آنجا نوشته است در مربع ثبت کند بر طریق وفق و چون تعوید با خود نگاه دارد آنگاه بتکسیر
طالب و مطلوب شروع کند این طریق بر وفق سعادت و نجاح و بر آمدن مقصود راهبر است و چون از تکسیر فارغ شود
نظر کند در جمع که از تکسیر حاصل آمده باشد اگر در وی حروف حاره یا مرکب غالب باشد کار بر مراد خاطر باشد و مقصود
زود حاصل شود و بحصول پیوندد و اگر حروف بارده و رطبه غالب است آن مهم بشادی و طیب خاطر و آسان محصل گردد
و اگر حروف یابسه غالب است مطلوب بسختی و رنج بر آید تنزل اعداد متحابه که در میان حکما مشهور است اگر مربعی
که در نقش آن ۲۲۴ بود بر یان بنویسد یا بر کاغذ و بخورد صد کس هر دو میان ایشان دوستی تمام پیدا شود و عاشق

یکدیگر کردند واگر این وفق که گفته باخود دارد خلایق در محبت او بیفزایند واگر این شکل را وقتی که ماه در سرطان
باشد وآفتاب در حوت بر بندد بر امتعه واقمشه و هرجا که خواهد بگذارد محفوظ باشد و دزد و خاین بر وی راه
نیابد و بسلامت ماند واگر باتصالات محمود بنویسد بهتر بود واگر با مرده در گور نهند آن مُرده بنویسد و نویزد
واسناد خاصیت این شکل معتبر که شرف آفتاب است پایانی ندارد و در مقصود شروع کنیم ضابطه ارشاد و نقش کردن
ع ودوم از قول سرور دانایان اسد الله الغالب ومظهر العجایب علی بن ابیطالب احزب وجده است ومعنی احزب وجده
آنست که اح دریک سطر ورب دریک سطر ووج دریکسطر وده دریک سطر باشد خواه در طول وخواه در عرض
رباعی ای آنکه هوس ترا بجار وچار است احزب وجده بیقین ترا درکار است درخانه فیل هر یکی هفده کیر
معیار کن آنچه مر ترا معیار است در کار است واین یا مظهر است یا مضمر ومظهر را دفالکتابه نیز گویند وطریق مملو کردن این لوح
آن بود که چون احزب وجده نوشته شد رقم ن را درخانه هشت بنهد بر بالای چهار و رقم ده بر ضلع خانه
ایمن درخانه اسب بر پهلوی پنج و رقم یازده در پهلوی هشت چنانکه درمیان هشت وچهارده هم بود و رقم دوازده
بر بالای شش و رقم سیزده درمیان هشت و سه و رقم چهارده درخانه دوم که از اول ابتدا کرده است و رقم
پانزده را بر پهلوی چهار بر ضلع ایمن و رقم شانزده بر بالای پنج مسطور آید بر این طریق که در این لوحها نوشته میشود
این است امّا مضمر چند نوع است نصفی و ربعی و سدسی و سدسی آن است که ۱۰ از مجموع کم کنند و از یکی تا دوازدهم

۱	۱۴	۱۱	۸
۱۲	۷	۲	۱۳
۶	۹		۳
۱۵	۴	۵	۱۰

۱۶

۱	۱۲	۶	۱۵
۱۴	۷	۹	۴
۱۱	۲		۵
۸	۱۳	۳	۱۰

۱۶

بر صورت نظم طبیعی ثبت کنند و بعد از آن از
ضلع دوازده طرح کنند و هرچه باند در بیت
ثالث عشر بنهد و تمام کنند قطر و ضلعش راست
آید مثلاً غنی ۱۰۶۰ است از یکی تا دوازده بصورت نظم طبیعی ثبت کردیم و از ضلع بیست و یک طرح کردیم
ماند ۱۰۳۹ در بیت ثالث عشر نهادیم بر این مثال این است

۱	۱۰۴	۱۱	۸
۱۲	۷	۲	۱۰۳۹
۶	۹	۱۰۴۲	۳
۱۰۴۱	۴	۵	۱۰

فصل در طریق نصفی وآن چنان بود که عدد اسمی که میخواهند بگیرند و
از آن نصفی طرح کنند وباقی که باند در مربع از یکی تا خانه
هشتم بصورت نظم طبیعی ثبت کنند و هشت از نصف کم کنند وآنچه باند در بیت نهم بنهد وتمام کنند
بطریق نظم طبیعی اقطار و اضلاعش راست آید واگر در عدد اصل کسر شود بر این مثال مثلاً منعم ۲۰۰ است
نصفش طرح کردیم ۱۰۰ ماند هشت طرح کردیم و از یکی تا هشت ثبت کردیم وباقی را که ۹۲ است درخانه
نهم نهادیم واگر کسری باشد درخانه سیزدهم اضافه نمایند مثلاً بر این مثال لطیف ۱۲۹ نصف او

طرح کردیم و از یکی تا هشت وضع کردیم ماند ٦٤ و از ٦٤ که نصف اوست هشت کم کردیم ٥٦ ماند در خانه

نهم نهادیم و یکی که کسر ماند بود در خانه سیزدهم اضافه کردیم و تمام کردیم این است

١	١٠٧	١٠٤	٨
١٠٥	٧	٢	١٠٦
٦	١٠٢	١٠٩	
١٠٨	٤	٥	١٠٣

٣

فصل در طریقه ربعی و آن چنان است

که از عدد مطلوب سی طرح بکنند و باقی را

١	٦٢	٥٨	٨
٥٩	٧	٢	٦١
٦	٥٦	٦٤	
٦٣	٤	٥	٥٧

٣

بچهار قسم کنند و یکقسم را در خانه اول بنهند و بصورت نظم طبیعی

تمام کنند که درست آید مثال عدد ١١٠ است سی طرح کردیم هشتاد ماند بچهار قسم کردیم هر قسمی بیست

عدد بود یک بخشی در خانه اول نهادیم بر این مثال و بصورت نظم طبیعی تمام کردیم این است

٢٠	٣٣	٣٠	٢٧
٣١	٢٦	٢١	٣٢
٢٥	٢٨	٣٥	٢٢
	٢٣	٢٤	٢٩

و مربع این حروف هفده هزار و سیصد و هفتاد و دو باشد و مربع اسماء آن است

که در خانها مربع این اسم درج شده پنجاه و دو اسم از اسماء الله و سیزده حروف ٣٤

از مقطعات قرآن و یک آیت از قرآن و یک اسم از چهل اسم و دو کوائمة و چند لفظ دیگر که ذکر آن مدخل

عظیم دارد در دعا چنانچه عدد مجموع خانها بهضلع همان عدد حروف این حروف شود و ما علینا البلاغ

وعلیک حساب

یا اول یا دعلینا یا سمیع یا بصیر یا شهید یا واحد	یا فتاح یا رزاق یا واسع یا جامع	یا اله الالهة الرفیع جلاله یا حلیم [illegible]	سلام علی آل یس [illegible] المعصومین یا [illegible]
یا خالق یا مصور	علی حاجی خبیر جلیل	مظ یا حکیم یا واحد یا وهاب	هو العجائب [illegible] عونا لک یا واحد یا [illegible]
کهیعص حمعسق مالک حجت حق	یا معید یا ودع یا محصی یا محیی یا کریم یا قادر	یا احد یا والی یا هادی یا مجیب یا باقی	فی النوائب کل [illegible] یا وارث یا وکیل
یا غنی یا هو	[illegible] بولا بتک یا [illegible] یا [illegible] یا والی یا حی	یا مبدئ یا باطن یا علیم یا لطیف یا حمید یا [illegible] بنتیم رءوف	دعشم یا حج طاهر

اگر کسی این لوح حمعسق را بنویسد و با خود

نگاه دارد بمراتب که خواهد از وهم

رسد واگر این لوح را بعد از آن که تمام

کند در دفعه پاک بپیچد ولوح با

که زر خالص باشد یا زر و نقره

بهم آمیخته یا مس و زر بهم گداخته در تمام حصول مرادات و ظهور خیرات و برکات بحمل این لوح باز بسته است

بسوهر که با خود دارد رزق او وسیع شود و محبت او در دلها سرایت کند و بهجت در دل حامل پیدا شود و اطلاع

بر امور خفیه و عواقب امور حاصل شود و اگر کسی این لوح را بوقت خواب در زیر سر نهد بعد از آنکه بر وضوی

کامل بر دست راست خسپیده باشد که معوذتین و آیة الکرسی و آمن الرسول و شهد الله و آخر سوره حشر

بخواند در خواب کسی را ببیند که هر چه از او سؤال کند از امور خفیه عالم یا از حال غایب یا غیر آن جواب

شافی شنود و اگر در زیر سر نهد ما فی الضمیر خود را ظاهر کند و بی اختیار بر زبان او جاری شود و احوال دفاین

و اگر در مدفون شک و ترددی دارد چون در زیر سر نهد و بشرایط مذکور خواب کند بوجهی از وجوه بر حقیقت حال اطلاع

باید و در دفع مشکلات و مکروهات اثری عظیم دارد و عامل باید بر شرایط کتابت ملاحظه کند و بنظرات سعی تمام

بجا آورد و اگر بعد از عمل اثری که نوشته شد ظاهر نشود بدانکه طریق حکمای یونان

چنان است که هر کاه خواهند از حب و بغض و فتوحات عمل کنند پنج اسم از آن وفق استخراج میکنند و عزیمت میخوانند و مقصود حاصل میکنند بدین طریق اول آنکه عدد پنجم بگیرند و ۳ بر او اضافه کنند و بحروف برند و گویند شیدائیل دوم نهایت عدد را که ندا است بر او اضافه کنند ۳ را گویند شخائیل سیم عدد عدل را که ده است بگیرند و بر او اضافه کنند ۳ و گویند شیطائیل چهارم عدد ضلع که پانزده است بگیرند و بر او اضافه کنند ۳ را و گویند شکدائیل پنجم عدد جمله را که چهل و پنج است بگیرند و بر او اضافه کنند ۳ را و گویند شندائیل و بعد از آن نطق دهند و گویند عزمت علیکم و اقسمت علیکم بحق ربنا و ربکم یا شیدائیل یا شخائیل

لوح عربی

ك	ه	ی	ع	ص
ع	ص	ك	ه	ی
ه	ی	ع	ص	ك
ص	ك	ه	ی	ع

لوح هندسی

٢٠	٥	١٠	٧٠	٩٠
٧٠	٩٠	٢٠	٥	١٠
٥	١٠	٧٠	٩٠	٢٠
٩٠	٢٠	٥	١٠	٧٠
١٠	٧٠	٩٠	٢٠	٥

لوح طبیعی

ك	ع	ص	ك	ه
ع	ه	ح	٧	بد
بد	٧	ع	ح	٩
ح	ه	بد	٧	ع
٧	ع	ح	٩	بر
ه	اد	٧	ع	ح

حمعسق

ح	م	ع	س	ق
٧٣	٥٨	٩٨	١١	٣٨
١٠١	٩	٤١	٧١	٥٦
٣٩	٦٩	٥٩	٩٩	١٢
٥١	١٠٢	٣٧	٢	٧

ح	م	ع	س	ق
س	ق	ح	م	ع
م	ع	س	ق	ح
ق	ح	م	ع	س
ع	س	ق	ح	م

یا شیطائیل یا شکدائیل یا شندائیل افعلوا کذا و کذا الساعة الساعة و مبالغه در عمل واجب دانند

در دانستن طریق حکما و آنچنان است که باصطلاح این قوم سه در سه مضراست یا مظهر مضمر که اسم طالب و مطلوب را

بگیرند و آیتی یا اسمی از اسماء الله و در وفق بکار برند مثلا احمد ۱۹۲ است و محمود ۹۸ و اسم الودود ۲۰ دوازده

طرح کردیم و باقی را به قسمت کردیم هر قسمی شد ۶۰ دو قسم را طرح کردیم و یک قسم را انکاشتیم بر این مثال این

است و اگر کسری واقع شود در خانه هفتم همان عدد را زیاده نماید و جهت فواید چند

٧٣	٦٦	٧١
٦٨		٧٢
٦٩	٧٤	٦٧

٧٠

شکل نموده می شود اول چون کسی مبتلای دل بود و خواهد که دلش سرد شود عدد

سورهٔ والعصر را بگیرد و با اعداد اسم شخصین در مثلث ثبت کند و در کوزهٔ آب اندازد

چند از آن آب بخورد حق تعالی او را سرد کرداند و اگر خواهد که میان او و حرام تفرقه افتد آیهٔ و القینا هم

العداوة والبغضاء الی یوم القیمة را عدد بگیرد واسم شخصین را بین عدد گیرد و در منزل آن کس دفن کند تفرقه در میان
شان افتد واگر خواهد که کسی را از جا آواره کرداند عدد سوره الم تر کیف را بگیرد واسم آن شخص را در وفق
ثبت کند و در مکان او دفن کند یا در مقامی که بخواهد آواره کرد و اگر خواهی که کسی را از مرتبه بیندازی بگیر
عدد آیه ما رمیت اذ رمیت ولکن الله رمی بعدد اسم آن شخص و در وفق ثبت کند وآیه را بعدد اسم آن شخص
بخواند و در گورستان دفن کن از آن مرتبه بیفتد واگر خواهد ظالمی را رنجور کند عدد آیه فی قلوبهم مرض فزادهم الله
مرضا ولهم عذاب الیم بگیرد با عدد اسم آن شخص در وفق ثبت کند و بعدد آیه بخواند و در گورستان دفن کند
رنجور شود تا توبه نکند بر نشود واگر کسی خواهد که کسی را دل گرم کرداند آیه یا نار کونی بردا وسلاما علی ابراهیم را
بگیرد و عدد اسم آن شخص را در وفق ثبت کند و در آب روان نهد دلش تسکین یابد و سوره تبت بین مهلی خاصیت
دارد واگر خواهد کسی را مطیع خود کرداند عدد الفقت یا عزیز یا حکیم را بگیرد و عدد اسم آن شخص و اسم خود ما این جمله
در مثلث ثبت کند و با خود دارد آنکس مطیع او شود واگر خواهد که کسی را زبان بند کند بگیرد عدد آیه صم بکم عمی فهم لا یعقلون
با عدد اسم آن شخص در مثلث ثبت کند و در زیر سنگ گران نهد زبان آنکس بسته شود و بدانکه سه در سه چهار
خاصیت دارد اگر الف را در خانه دوم کشد بتحصیل در آمدن مال را فاید دهد که خانه دوم است شمار سه در سه
از پانزده زیاده و کم نشود واسم آن شخص را در شیب اعداد باید نوشت بهر کار که باشد اول چهار دایره بکشد
آنگاه خط در میان آن نهد واگر در کشیدن اعداد کامل نباشد از قرار تامل بنویسد جای الف و در دست راست
باشد دوم پنج در میان بکش سیم نه بکش بعد از آن بدست چپ چهار بکش و سه بکش و هشت بکش بر این
ترتیب باشد و ترتیب کشیدن این است اگر خواهی که الف در خانه دوم بکشی بجهت مال و فاید بدین ترتیب باید نهاد
اول ۶ خانه دوم ۱ خانه باشد سیم ۸ خانه چهارم ۷ پنجم ۵ خانه ششم ۳ خانه هفتم ۲ خانه هشتم
۹ خانه نهم ۴ واگر خواهی که الف در خانه چهارم بکشی حیات افزاید دهد خانه اول ۸ خانه دوم ۳ خانه سیم
۴ خانه چهارم ۱ خانه پنجم ۵ خانه ششم ۹ خانه هفتم ۶ خانه نهم ۲ واگر خواهی که الف را در زیر که خانه
هشتم است بکار محبت قهر بدین ترتیب باید نهاد خانه اول ۲ خانه دوم ۹ خانه سیم ۴ خانه چهارم
۷ خانه پنجم ۵ خانه ششم ۳ خانه هفتم ۶ خانه هشتم ۱ خانه نهم ۸ واگر خواهی که الف در شیب که
خانه ششم است بکش خانه اول چهار خانه دوم ۳ خانه سیم ۸ خانه چهارم ۹ خانه پنجم ۵ خانه ششم
۱ خانه هفتم ۲ خانه هشتم ۷ خانه نهم ۶ دفتار مثلث بطریق درج کردن اسامی و مقصود کلی و صاحب طریقت
که دفتار مثلث باید دانستن بدین طریق که بیان کنیم اما شرط آن است که این طریق را بهر کس نگویند و از نااهلان پنهان دارند

وبطریق مشایخ این علم روند ومخالفت روا ندارند تا فتنه برنخیزد وخلایق در فساد نیفتند بدانکه مشایخ این علم فرموده اند که افشای اسرار ربوبیت کفر است وطریق درج کردن نام در مثلث وبین در لوح چهار در چهار وتا مربعات است مثلث اینا است
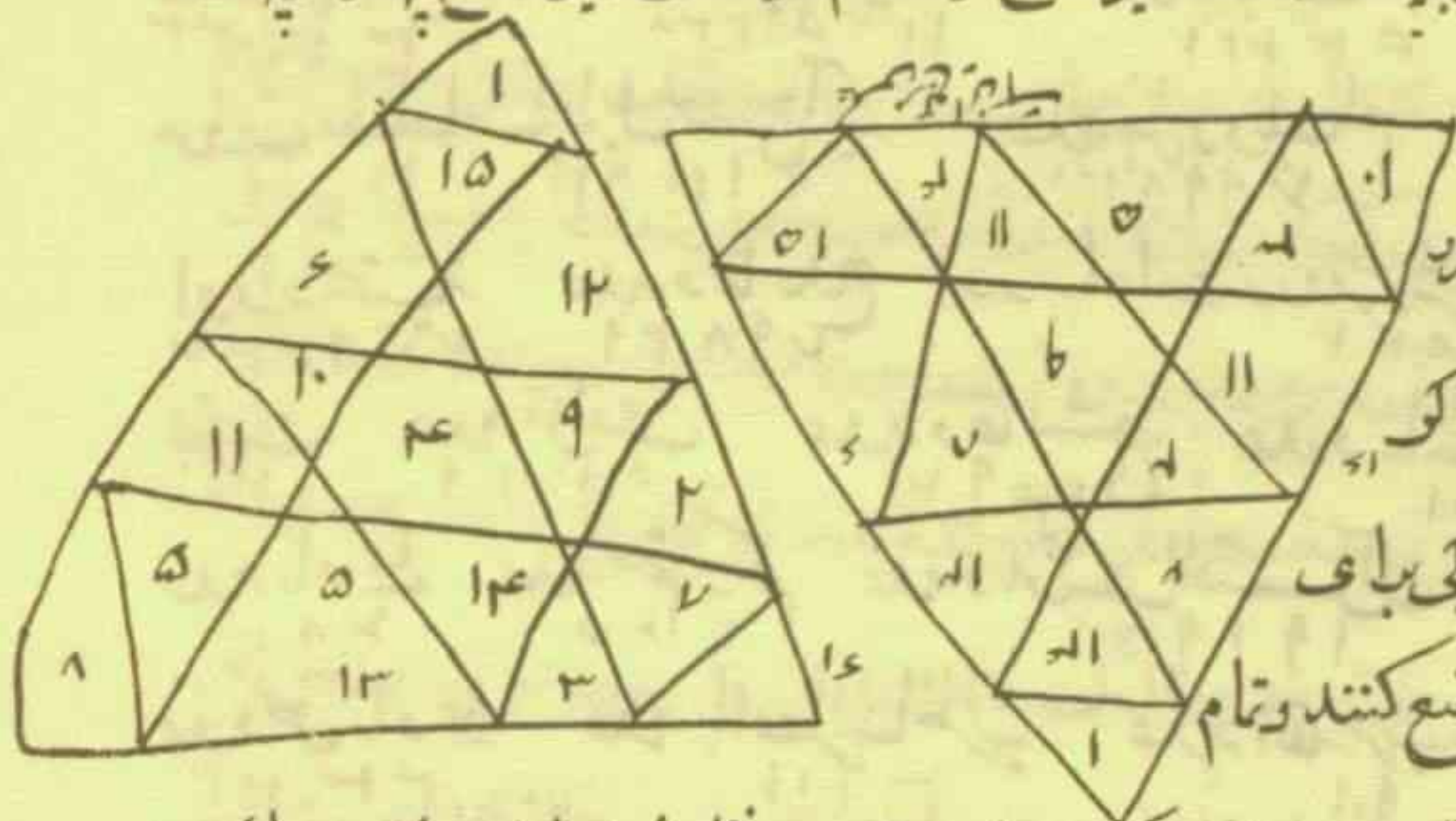
بدانکه در مربعات مقدار عدد یک قطر طرح کنند ویک قطر قسمت کنند اگر کسری بیفتد یک قسم را بگیرند ویکی بر او افزایند ودر خانه اول ابتدا وضع کنند وتمام سازند مثل یوسف را خواهیم که در مربع سه در سه درج کنیم حاصل او صد وپنجاه وشش باشد پانزده طرح کردیم صد وچهل ویک باقی ماند هر قسمی چهل وهفت باشد چهل وهفت را که یک قسمت بگیریم وهفت بروی افزاییم ودر خانه ابتدا وضع کنیم ودر تمام نهیم بر قانون رفتار سه در سه واگر در مربع چهار در چهار اسمی درج کننده مقدار عدد یک قطر او باید طرح کردن یعنی وچهار که مقدار عدد یک قطر است باید گرفت ویکی بروی باید افزود ودر خانه ابتدا باید نهاد وتمام باید کردن وسایر بر همین قانون است وپنج در پنج را زیادت بروی واگر کسری واقع شود آن کسر را طرح باید کردن وباقی را بعدد خانها قسمت باید کرد وکسر با آن قاعده در میان دتم باید نهاد یعنی آن کسر را باید افزود مثلا سه در سه کسر او دو است یا یکی واگر کسر دو ماند در خانه چهارم یکی باید افزود واگر کسر او یکی بماند از خانه هفتم یکی افزاید چنانکه عدد را حساب کنیم صد وده باشد پانزده طرح کنیم نود وپنج ماند باقی بسه قسم کنیم دو کسر افتد وهر قسمی را عدد سی ویکی باشد ویکی بر سی ویکی افزاییم ودر خانه ابتدا وضع نموده ودر خانه چهارم یکی زیاده کنیم تا سی وشش باشد وتمام دتم بر این قیاس نهیم اما کسر چهار در چهار سه عدد است یا دو یا یکی اگر سه باشد در خانه پنج یکی زیاده کنیم واگر دو باشد در خانه نهم واگر یکی باشد در خانه سیزدهم واگر خواهد که مقدار عدد یک قطر را بداند در مربع ۷ اعداد را در دو خانه مربع ضرب کند آنچه حاصل شود عدد یک قطر باشد مثلا عدد قطر سه در سه است ودر مربع چهار در چهار منتهای او شانزده است با یکی جمع کنند هفده باشد در نصف چهار که دو است ضرب باید سی وچهار باشد ودر بیان آن فواید بسیار است در اسامی مختلفه درج کردن در آن تمت

عدد آیه یحبهم ویحبونه ۱۲ ۸۵۰ — انه لحب الخیر لشدید ۱ ۱۴۹ ۳ — ربع

کلام الله ۲ ۲۱۰ ۱ — آیة الکرسی ۱۴ ۶ ۸ — انا فتحنا ۱۸ ۹ ۲۱ — وان یکاد ۴ ۶ ۹ ۷ — چهار قل ۲۰۳ ۴۶ — عدد کل جفر جامع ۴۲ ۶ ۴۰۸۹۶

از امیر المؤمنین علی علیه السلام روایت که در شرف کواکب موفق سازند جهت کل حاجات عدد ابجد جمیع اوراد ۱۱۴ ۵ ۶ ۸۰

عدد جملی حروف صحفی عزیز عدد صفحه واسع ابجد اهل مغرب سابقاً در میان عرب شایع بوده است
۳۹۶،۹۸ ربع ۹۹۰۱۴ ۱۲۰۸ ۳۴۱ ربع ۲۸۵۲۹۴ کسر
وابجد ایشان چنین است صعفض قرست ثخذ ظغش یعنی ضاد را شصت میگیرند و ظاء را
هشتصد میگیرند و غین را نهصد میگیرند و شین را هزار و در باقی حروف با مشهور موافقند خواص آیه کریمه قل اللهم
مالک الملک تا بغیر حساب عدد بگیرد و از برای کسی که منصب طلبد و یا از منصب افتاده باشد عدد آیه و عدد اسم سایل
مجموع را در مربع ثبت کند بساعت سعد و قمر مسعود و بعد از نوشتن بخود ببوزد و هفت روز هر روز صد نوبت بخواند
و سخن نگوید روز یا شب چنان عمل کرده باشد منصب و جاه و دولتش روی نماید و اثر عظیم بخشد و اگر عقب هر نماز ورد سازد ختم
بخواند فتح و جمعیتش روی دهد خواص آیه ان الله و ملائکته تا آخر عدد گرفته و اسم خود داخل کند چون قمر ناظر
بسعود باشد بساعت نیک در مربع نگارد با بخور و عود در مجلس صد نوبت بخواند چون براین آیه ملازم شود این مربع با خود
نگاه دارد مقبول گردد و با هر که سخن بگوید مطیع گرداند و جمیع خلایق مسخر او شوند بشرط طهارت چون اسم خود و اسم
مطلوب عدد بگیرد و اضافه این عدد کند و در مربع نگاشته با خود نگهدارد و براین آیه ملازم شود مطلوب مطیع و فرمان
بردار و تابع خواهد بود طریق ختم سوره فاتحة الکتاب در چهل و یک روز هر روز چهل و یک مرتبه بخواند بشرطیکه اگر
یک روز فوت شود باز از سر گیرد بعد از آنکه چهل و یک مرتبه بخواند سیزده بار بگوید یا مفتح فتح یا مفرج فرج یا مسبب
سبب یا میسر تیسیر یا مسهل سهل یا متمم تمم بعد از چهل و یک روز فتوحات روی دهد که بشرح راست نیاید
نماید چون خواهی که زبان در حق تو بسته شود این آیه را نه مرتبه بخواند هر سه مرتبه که خوانده می‌شود انگشت
سبابه را ترکرده با آب دهن از میان هر دو ابروی خود تا سر دماغ بکشد البته زبان دشمنان بسته میشود دیگر
در حق او سخن نگوید مکرر بتجربه رسیده است این آیه مبارکه این است والله المستعان علی ما تصفون طریق ختم
سوره الم نشرح هفده روز هفده مرتبه بعد از نماز صبح در یکمجلس بخواند و بعد از آن این دعا بخواند اللهم اغننی بجلالک
عن حرامک و اغننی بفضلک عمن سواک خواص آیه یحبونهم کحب الله تا اشد بدیع عدد بگیرد و عدد اسم طالب و مطلوب را
اضافه کند و هفت روز یا هفت شب بخواند که مطلوب مسخر گردد و قمر ناظر به زهره باشد بساعت مشتری یا زهره او کتابت
و آیه زین للناس تا حسن المآب همین دستور همین خاصیت دارد و از مجربات است خواص آیه لقد جاءکم
تا رؤف رحیم چون کسی را خواهد که مسخر خود گرداند اسم آن شخص داخل عدد آیه نموده در مربع ثبت کند در ساعت موافق
و قمر ناظر بسعود چون شب یکشنبه یا چهارشنبه رسد که مردم خفته باشند وضو سازد و دو رکعت نماز کند اول یکبار
فاتحة الکتاب ۲۵ بار آیه لقد جاءکم رکعت دوم بدستور و سلام دهد و بیست مرتبه صلوات فرستد بعد از آن بسجده
رود و در سجود ۲۵۸ مرتبه بگوید یا رحیم فلان ابن فلان را بر من مهربان گردان البته اثر عظیم میبخشد که تماشا باید کرد خواص آیه قل ان

الفضل بید الله یؤتیه من یشاء والله واسع علیم یختص برحمته من یشاء والله ذو الفضل العظیم چون
این مربع برکنند در دکان بیامیزند سودا و معامله بسیار شود خواص آیه وعنده مفاتح الغیب لا یعلمها الا هو تا فی
کتاب مبین چون کسی خواهد که از حال خود یا از غایبی خبر یابد و یا از دور کار آینده خود که چه پیش آید شب یکشنبه یا چهار شنبه عدد
این آیه بگیرد و عدد اسم خود جمله را در مربع بکارد و این آیه در حوالی آن مربع بنویسد و هفت نوبت بخواند و سوره والشمس را
هفت نوبت بخواند و این آیه را در حوالی آن مربع نوشته بعد از خواندن در زیر سر نهد و در خواب خود و نیت کند البته کسی
او را خبردار سازد و بحقیقت استقبال را بگوید و بر این آیه که ملازم شود هر صباح که شود هر کسی که با وی سخنان غریب بگوید
و بسی عجایب از وی ظاهر شود و از عظیم دارد خواص آیه مبارکه نور تا آخر چون کسی را در چشم پیدا شود عدد این آیه بعدد اسم
آن شخص در مربع بکارد و قمر باید ناظر شمس باشد و بر صبیان بر بندد که البته شفا یابد و روشنی چشم بیفزاید و اگر در شرف
شمس این بکارد و با خود دارد و تسخیر خلایق حاصل شود و علوم غیبیه او را روی نماید و این آیه را ملازم شود تا مراد حاصل گردد
خواص معوذتین اگر کسی را بسته باشند این دو سوره را مثلث و عدد آن بنویسند در مربع و عدد اسم آن کس را اضافه نمایند چون با خود
دارد بسته که بود گشاده شود و بجهة باطل السحر و غیره مناسبت بسیار دارد مجرب است خواص آیه لو انفقتم ما فی الارض تا عزیز حکیم
عدد بگیرد و اسم طالب و مطلوب را بجمل بگیرد و با او اضافه کند و مربع برد هفت روز آیه را بعدد اسم مطلوب بخواند و مربع را نگاه دارد
مطلوب مسخر وی گردد باذن الله خاص لسم چون مضطر و نا امید و بی التجا باشد بنویسد بر ساعت زهره و قمر ناظر السعود لیس
۷۸۶ بار بخواند و شرط خواندن آن است که وضو ساخته دو رکعت نماز گذارد که اول سوره حمد و دو نوزده بار بسم الله الرحمن الرحیم
و بعد از سلام مربع صحیح بکشد و او را بمربع ببرد و بخور ساخته مربع را با خود نگاه دارد پس بعد مذکور بخواند در یک مجلس و سخن
در میانه نگوید تا تمام بخواند و هفت روز چنین کند یا هفت شب یقین که در آن هفته بمقصود رسد و بجهت کسب معاش و حرمت مساوی
و تسخیر خلایق و بخت بسته و سایر مطالب اثر کلی دارد و چون بدین آیه متوسل گردد همه مهمات را کفایت است باید مربع
النطور باشد یک معمر و یکی مظهر مظهر با حروف نوشته شود و معمر با عدد ۵ خواص این دعا الهی من ذا الذی دعاک فلم تجبه
و من ذا الذی استغاث بک فلم تغثه واغوثاه واغوثاه بک استغثت اللهم کما نجیت موسی من الغرق و نجیت محمد علیه
من ایدی المشرکین فاسئلک ان تنجینی مما انا فیه عاجلا بفضلک وجودک یا ارحم الراحمین باید این دعا را روز یکشنبه شروع نماید
و ستور که بعد از نماز صبح بجهت هر مطلبی پیش آمده با کسی حرف نزند ۱۲ مرتبه و بعد از نماز ظهر ستوده ۲۲ مرتبه و بعد از نماز عصر
۲۲ مرتبه و بعد از مغرب ۲۴ مرتبه و بعد از خفتن ده مرتبه که مجموع صد مرتبه خوانده باشد البته بمراد میرسد و اگر بنحو مذکور
هفته مداومت نماید باعث سعادت دین و دنیا و آخرت خواهد شد ان شاء الله نعم خواص از برای عزت و جاه و حرمت و تقرب
سلاطین بیک مجلس هزار و هشتاد و دو بار بخواند عنقریب بمراد برسد و اگر ورد کند هرگز نامراد نگردد و این است و لله الحکم الواحد

الا هو الرحمن الرحیم خواص از برای آواره کردن عدو و اداء قرض و شفاء بیماران و حصول حاجات و حوایج کلی و طلب رزق و توانگری هر مراد
سیصد و سی و سه بار و بخواند اگر تواند بیک مجلس بخواند خوب والا آنچه تواند بخواند این است فالله خیر حافظا و هو ارحم الراحمین خواص
حصول حوایج و هلاک دشمن و دفع خوف و عقد اللسان جمیع خصمان هزار و یکبار بخواند این است انا نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون خواص
برکت الفت دلها و وسعت رزق و طلب جاه و منصب و رزق و محبت سلاطین و عقد اللسان وزرا هزار و یکبار بخواند این است الله لطیف بعباده یرزق
من یشاء و هو القوی العزیز خواص از برای هفت مطلب جاه ۱ عقد اللسان ۲ رفعت ۳ قبول عامه ۴ اجابت دعا ۵ آسانی کارها ۶ دوستی خلایق ۷
این [illegible] مراد را بخواند عدد کبیر هزار و سیصد و سی و سه بار و وسط ششصد و شصت و شش عدد صغیر شصت و شش بار این است یس والقرآن الحکیم
ص والقرآن ذی الذکر ق والقرآن المجید ن والقلم و ما یسطرون خواص این ورد بین هفت خاصیت دارد ۱ عزت ۲ رفعت ۳ فراخ روزی ۴ حشمت
۵ محبت ۶ قوت ۷ قدرت عدد کبیر شصت و چهار عدد وسط چهل و هشت عدد صغیر هشت این است حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت
و هو رب العرش العظیم خواص جهت بر آمدن مهمات کلی دوازده هزار بار بیک مجلس بخواند در آن هفته مقصود بر آید این است امن یجیب المضطر
اذا دعاه ویکشف السوء خواص جهت ایمنی از بلاها بعد از نماز بامداد ده بار بخواند این است فان تولوا فقل حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت و هو رب
العرش العظیم خواص برای کفایت مهمات و بر آمدن حاجات و دفع خصمان این کلمه را هفتصد و هفتاد و پنج بار بخواند کهیعص و اگر تواند حمعسق
بدو ضم کند و هر دو کلمه را دو هزار و [illegible] بیک مجلس [illegible] مرادش زودتر بر آید البته خواص جهت فراخ روزی و استجابت دعا و رفع تنگی
شدن با [illegible] و بر آمدن حاجات که خواستنی بود این آیه تمام نماید بعد از وضو هفت بار و بعد از هر نماز پیش از آنکه سخن گوید
هفت بار بخواند این است و اذا سألک عبادی عنی فانی قریب اجیب دعوة الداع اذا دعان فلیستجیبوا لی ولیؤمنوا بی لعلهم یرشدون خواص
از جهت ادای قرض و بر آمدن مرادات کلی و جزوی و خلاصی از حبس و دفع مرض و دفع دشمنان و دفع حزن و اندوه این آیه کریمه را هفتاد هزار
بار بخواند هیچ روز از هزار بار کمتر نخواند اگر دو ماه بخواند اولی تر لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین خواص برای [illegible]
شدن دختر بخت و آمدن [illegible] و اظهار رضا یا و امثال آن بیک مجلس دویست و یکبار بخواند ظاهر شود و در خواب یا بیداری یاد نماید
و از غائب اگر [illegible] اخبار کنند و آزموده و مجرب است این است الم تعلم ان الله یعلم ما فی السماء والارض ان ذلک فی کتاب ان ذلک علی الله یسیر خواص برای
کفایت مهمات و بسر عمل آمدن و باز آمدن از غربت بوطن و حصول مرادات کلی و جزوی و رسیدن بمطلوب خویش و دفع دشمنان [illegible] وکفی بالله ولیا
وکفی بالله نصیرا وکفی بالله حسیبا وکفی بالله علیما وکفی بالله وکیلا وکفی بالله شهیدا خواص مرویست از حضرت رسالت پناه ص
که هر که این کلمات را در عمر خود یکبار بخواند حق تعالی فرماید هفتاد هزار ملک را تا از برای
او آمرزش میخواهند تا روز قیامت و از برای مهمات و حاجات و وسعت
رزق و طول عمر و دفع خوف و خاتمت ایمان کامل از این عالم رفتن
باین کلمات مداومت نماید جزا الله محمدا عنا ما هو اهله

(جواهر بکشند)

(لآلی مخزونه)

(جواهر مکنونه)

هذه الدوائر التسعة عشر معروفة دوائر جُنّة الأسماء منسوبة الی امیر المؤمنین علیه السلام مجربة فی التأثیر استجزنا من جمع مشایخ فاجازوا لنا فی کتابتها و اجازتها لمن هو اهل لها - کتبه العاصی کلا عطار

بسم الله الفرد حیّ قیّوم حکم عدل قدوس الفتح المبین ۳۰۹

با زعفران و مشک نوشته شود

هذه قصيدة منسوبة الى علی ع في خواص الدائرة وكيفية كتابتها وهي التي مذكورها في الرسالة الماضية لقد

بدأت ببسم الله مفتتحاً انى الحامد حمد الله فافتتحت مثنيا بصلوة الله اكملها على نبي به سبل الهدى

اتضحت محمد خير خلق الله سيدهم ومن به الخلق يوم الفصل قد منحت ذنوب امته من اجله كرماً

عنها مكارم عفو الله قد صفحت وان مبغضهم عسرت فبالصلوة عليه مكثراً انجحت يا رب

هب لعلى من لدنك رضاً يا من بقدرته الارضون قد سطحت نفسي لطول جوى المحيا القدر صنيت

بموتها اذ به لقياك بل رجحت بحر الفناء لكل الخلق عم اجل غرق النفوس به حتم وان سبحت قد ضيق

الموت اوقات الحياة بنا هب طول فسحة الآجال لو فسحت الا ومكة بيت الله ان له لصدمة

دكت الاعماد ثم وحت الا وان فناء الطاعون مرسلة شهادة لذوى الايمان قد منحت استر لقد

المقدور قد طعنت ومدية الأجل المحتوم قد ذبحت قد كان فيمن مضى من قبل من امم زجراً لقوم لهم

افعالهم قبحت ان خلت نار به بالقوم مشتعلة قد شوت ها بغطى الاصلاء قد قدحت فهم على الاثم

والعدوان قد مردوا حتى لهم آية الطاعون قد صلحت قد عجلت للقاء الفجار نار لظى والمؤمنين لهم دار

النعيم بحت ماذا يقول الورى في حكم مقتدر احكامه لم يزل بالعدل قد مدحت نفس لمعركة الطاعون

قد قتلت شهيد في جنان الخلد قد فرحت نفس لقد اخلصت لله في عمل الا بمتجرها والله قد ربحت

قد جبت تسأل باهل النار لهن الطاعون رفعاً فبالاسماء ما برحت اسماء ربي نعم قد ست و

سمت ابواب حكمتها بالنفع قد فتحت فاكتب لذلك لبسم الله يعقبها فرد وحى وقيوم وقد

طرحت من بعدها حكم عدل وآخرها الاسم المطهر قدوس فقد صحت لك الطريقة فاكتب بعض آية ما

عن صادق القول في الانعام قد صحت بآل عمران آيات لنا نزلت الفتح المبين لنا منه لنا سمحت

واحرفاً معجمات ضع فليس لها في الوضع مثل ستا في بعد قد شرحت فتسعة ثم عشر ضبط عدة ما

بهن دائرة الاسماء قد انتحت ببؤرة ضعهم في دور دائرة بالزعفران ومسك رجيد نفحت سمها و

جنة الاسماء والقربا اسنة الطعن بالطاعون اذ جرحت ومن اصيب بطاعون فصابه شنبة المغيب

من نار له فخت فامح الكتابة بالماء المعين وكن للثقل دام ببيئة ما نضحت ثم اسقه الماء

واعلم ان به شفاء ما لم تكن روح عين النفس قد صلحت وقل لمن يدخل الاسماء منزله بان يقرب

شاة فديته ذبحت ويعدها فقراء بان عذرهم فهذه هبة من ربكم منحت ولا تبح سر هذا القول

غير فتى معالم الخير من سيماه قد لمحت من رام يطعن جهلاً منه او حسداً فلا تخف من كلام الحي ان نبت

من جز علم رسول الله مقتبس فيالها غرفة من بحر طفحت لطائف الله في اسمائه اجتمعت والعارفون بها
صدعًا لقد نزحت خذها نفائس در من مطلبها بها نفوس كثير القوم ما سمحت اقول
قد اتفقت اكابر العظماء ان دائرة جنة الاسماء من افاضات امير المؤمنين علي عليه السلام وهي مشتملة على الاسم الاعظم
والخماسيع الاربعة والقصيدة التي مرت منسوبة اليه مشتملة على توصيف الدائرة وكيفية تحريرها ويفهم منها ان
صورة الدائرة واحدة لا تعدد فيها وانها لدفع الطاعون فقط ولكن سمعنا بعض المشايخ يقول انها تسعة عشر دائرة
كل واحدة منها على هيئة اخرى ولحاجة اخرى كما مرت كلها مشروحا ومفصلا والظاهر انها واحدة على هيئة واحدة
لا تعدد فيها مشتملة على خمس دوائر منقسمة على تسعة عشر حصة مثلثا وبيتا ويكتب في الدائرة الاولى آية الكرسي الى العظيم
وفي الثانية الاشكال المرموزة وفي الثالثة البسملة مقطعة وفي الرابعة الاسماء الستة كذلك وفي الخامسة
آية مناسبة للحاجة مشتملة على تسعة عشر حرفا مثلا لدفع الطاعون او من كان ميتا فاحييناه ايضا توكل على العزيز
الحكيم ولدفع الاعداء حسبنا الله ونعم الوكيل وللفتح والنصرة انا فتحنا لك فتحا مبينا وللعداوة والقينا
بينهم العداوة ايضا خصمان بغى بعضنا على بعض ولابطال السحر ولا يفلح الساحر حيث اتى ولدفع الشدة سيجعل الله
بعد عسر يسرا ولدفع الغم رب اشرح لي صدري ويسر لي امري ولدفع الحمى يا نار كوني بردا وسلاما ولعقد اللسان
اليوم نختم على افواههم وللاختفاء عن الاعداء فاغشيناهم فهم لا يبصرون ايضا صم بكم عمي فهم لا يعقلون ولتبديل
الاحوال عسى ربنا ان يبدلنا خيرا وللاحسان الامراء واحسن كما احسن الله اليك وللخلاص من الحبس اياك نعبد
واياك نستعين ولطلب الهداية اهدنا الصراط المستقيم ولزيادة العمر والحمد لله رب العالمين وهكذا العلم
عند الله وحجة الكرام وقال بعض اساتيذي انه لابد ان يحسب اعداد حروف البسملة والاسماء والآية التي في الخامسة
وآية الكرسي ويجمع كلها واضيف اليها عدد اسم علي ع مع عدد كلمة حي ويكتب في مربع مرسوم في جوف الدائرة
الخامسة وهو سر تاثير الدائرة قيل واضيف اليها ايضا عدد حروف اسم الطالب وامه ولابد ان يكتب الدائرة مظهرا
بالمسك والزعفران على لوح من ذهب وما يناسبه في اللون كالقرطاس الاصفر وغيره في ساعة سعادة القمر والمشتري
ثم يبخرها بالعود وغيره وينبغي ان تكون الدائرة مساوية الوضع ويكون رؤس الخطوط محاذية لمركز الدائرة وان
يشرع عند الكتابة من البيت الاول الذي تحت وهكذا وبعد تمام الكتابة يعلق الدائرة ويقرء كل يوم بعد صلوة الصبح
كل واحد من الاسماء الستة والبسملة والآية تسعة عشر مرة الى تسعة عشر يوما فقبل تمام تسعة عشر يوما يرى
العجيب ان شاء الله تعالى وبعد القراءة يقرء هذه العزيمة مرة واحدة وهي هذه اللهم اني اسئلك بفاء الفردانية وحاء
الحيات السرمدية وياء ينابيع الحكمة وقاف القدرة وواو الوجه وميم الملك وحاء الحكم وقاف القيوم ودال الديان

(لآلی مخزونه)

وواد الولایة وبین السکینة اقسمت علیکم ایها الأرواح الروحانیة خدام هذه الحروف والآیات العظام والاسماء المشرفات الکرام وبحرمة قدرته لدیکم بارك الله فیکم وعلیکم وقالوا سمعنا واطعنا غفرانك والیك المصیر نعم المولی ونعم النصیر حسبنا الله ونعم الوکیل بحول الله وقوته وصلی الله علی محمد وآله الأبدا الآ ما اجبتم دعوتی وامتثلتم لی قضا حاجتی ثم اذکر حاجتك قل بحق نون وحید الله العظیم الأعظم وکبریائه وعظمته ولا یصف الواصفون کنه عظمته وبحقه علیکم الأنقیاد فیما اریکم بحق اسم الله الأعظم الأعظم علیکم قیل قال علیه السلام ان خفت من العدو فاکتب ایة فاغشیناهم فهم لا یبصرون فی الدایرة وارقمها فی قطعة من الدیباج الأبیض واجعلها علی راسك من غیر حایل بینها ومرتهم فانهم لا یبصرون یعنی ان یقرء تلك الآیة عند مقابلة العدو والکفار فان عدد حروفها تسعة عشر ولها سر عظیم فاذا اکتبها فاتل علیها القسم الذی مر ذکره سبع مرات وبخرها حالة تلاوة تلك القسم بمسك وعنبر وعود ثم صم من یومك الذی کتبتها فیه الی سبعة ایام ان استطعت والأمثلة ایام ولا تاکل فی تلك الأیام ما خرج منه روح اوخرج من روح ثم ضعها علی راسك کما تقدم فان ابصارهم تعمی عنك بقدرة سبحانه الله تم مربع که در حرف دایره باید نوشت باین نحو است که باعداد آیه اومن کان میتا فاحییناه نوشته شده است ودیگر آنرا هم باین رفتار باید نوشت ولوشتن این مربع بطریق اضافه است نه بطریق مشهور زیرا انما رفتن بطریق مشهور است باین نحو

۱	۱۲	۱۱	۸
۱۲	۷	۲	۱۳
۶	۹	۱۶	۳
۱۵	۴	۵	۱۰

۴۸۷	۵۹۴۴	۲۸ ۸ ۶
۲۹۲۲	۳۴۹	۵۴ ۳ ۵
۱۵	۱۹۴	۷۸۲ ۳۴
۲۲۳۵	۱۴۶۱	۴۸۷۰

وفقه ۱۶۵۶۸ کسرا

عمل جلب القلوب اول جلب القلوب را زمام ساختیم چنین شد ج ل ب ا ل ق ل و ب این حروف را بسط غریزی کردیم یعنی از حروف اهطمفشذ بو ینحتصض جز کسقثظغ دحلعرخغ عزیز تیز کردیم چنین شد د ل ك ا ب ل ی رك ح ا پس آن حروف اکه زمام است ۵ و ۱ و ۲ و ۳ و ۴ رابع است ترکیب کنند وآنچه باقی ماند او را هم یك اسم ترکیب کنند و کلمه ئیل داخل کرده نام ملائکه حاصل شود ودر این مثال چنین حروف مرکب کردیم چنین شد دکا بکائیل نکهائیل این است طریق استخراج نام ملائکه ایشان نام اعوانرا باید حاصل کرد وطریقش آنست که نام ملائکه را بی کلمه ئیل یکجا و یکسیر می کنند چنانکه در این مثال این حاصل میشود ادهك ادبك وچون حروف زمام است پنج وچهار ترکیب داده وکلمه یوش داخل کردیم چنین شد ادهکیوش ابکیوش این است طریق استخراج اسم جن که اعوانش گویند از بسط غریزی و طبیعی پس سطر زمام

وسطر عزیمت نیز آن را تخلیص کردیم چنین شد ج ل ب ا ق و د ك ر ه پس آن سطر خلاصه را نقد تکسیر کردیم تا زمام
پیدا شد یعنی اگر بار دیگر تکسیر کنیم زمام که سطر اوّل است حاصل شود و هکذا ه ج ل ك ب م ا و ق پس حرف اوّل و حرف
آخر سطر اوّل را و کذا حرف اوّل و حرف آخر سطر آخر را برداشتیم ق ه و ج ا د ل ب ك و کذا حرف دوّم و حرف ما قبل آخر
سطر اوّل و سطر آخر را و کذا حرف سیّم و حرف ما قبل ك ق ب ه ل و ج د ا ك د ق ج ب ه ه د ل ل ا و ك
ه ر د ق ب ج ما قبل آخر سطر اوّل و آخر را تا سطرین تمام شود برداشتیم چنین شد ج ه ل ج ل د ا ب ب ك و ق
ا د ك ل ق و ه د چون زمام است ۴۲۴ ترکیب دادیم چنین شد ججلج ل ا ب بکوق ادكد قوهر این اسماء ملک
الارواح است و طریق استخراجش همان نحو است که گفتیم پس استخراج طلسم میکنیم و قاعده اش آن است که تمامی سطور مسطوره
تکسیر را ۵۵ اگر زمام است ۴۲۴ اگر نفع است ترکیب میکنیم آنچه حاصل شد طلسمات است بجعل نحو ما نحن فیه ذوج است
۴۲۴ ترکیب کردیم چنین شد جلبا قودك دهجه رلكب داوق قهوج ادل بكلق بهلوجج دا اگر قجبده وللا
وكهر دقبج پس باید در میان سطور تکسیر میکنیم آنچه از اسماء الله پیدا میشود موافق مطلب استخراج میکنیم و اگر پیدا نشود
از خارج بعدد حروف زمام از اسماء الله هر اسمی که منسوب بیکی از آن حروف است میآییم و چون هر حرف بملکی منسوب است
اگر منسوبات حروف زمام را از ملائکه هم استخراج کنی بهتر است و اگر همه کلمات اسماء ملائکه و اعوان و اسماء الله و طلسمات را
بتدبیر با هم برابر کنی بهتر است پس نتیجه انشا نموده یکان ملائکه و اعوان و اسماء الله دائم و ارواح را قسم بدهند
باسماء الله و بطلسمات چنانکه میآید و در وقت عمل طلسمات را بر سنگ سفید پاک نقش کرده در آبی که همه خلایق میخورند
می اندازند بجهة جلب عموم ناس و اگر جلب خاص را خواهد آن سنگ را به آب اندازد و بجوید هر که دهد بیقرار شود و گرفتار او گردد
اما این وقتی شود که دعوت اسم مطابق را با شرایط بعمل آورد و بمبالغه تمام در وقت خود سازد و بخورات بسوزاند پس آن
عزیمت را بعد السطور تکسیر که در ما نحن فیه شش است و همه شرایط دعوت را چنانکه سابقا در این مجموعه در اکثر جاها
گذشته مرعی دارد و بخواند خطاب بارواح و ملائکه و اعوان کند تا یک هفته مداومت باین عمل نماید تا مراد حاصل شود و اگر
بعدد کبیر یا صغیر یا وسیط مجموع اسم مطلوب یا شهر مطلوب تا یک هفته مداومت نماید بهتر و موثرتر خواهد بود و اگر منظور
تسخیر یکنفر باشد بعوض جلب القلوب فقره جلب القلب را بصیغه مفرد زمام کرده همه اعمال مذکوره را باتمام رساند این عمل
بغایت مجرب است و انشاء عزیمت را باین نحو باید کرد قد عزمت علیکم یا ارواح العالیات الطاهرات الزاکیات و یا ملائکه
رب العزة بالله الذی لا اله الا هو مقلب القلوب مبشر المطلوب یا ارواح العالیات و یا ملائکه رب العزة و یا ایها الاعوان
اجیبوا و عزمت علیکم یا دکا بکائیل یا رکهائیل بالله و باسم الله المرموز فی الالواح المسطور عزمت علیکم
و اقسمت بکم بحق محلکم و مقامکم و ذکرکم و تسبیحکم و تهلیلکم و مناصبکم عند الله تعالی ان تمروا الی الاعوان و تا

(لآلی محروزہ)

بطاعتی وانجاح حاجتی وہما ادھکگیوش اربکیوش یادکا بکائیل یا بکہائیل اقسم علیکم باللہ مقلب القلوب وبحق ہذہ الکلمات
جہلج لراب بکوق ادکد قوہران تاموا اولام ھکگیوش واربکیوش ان لیسخر تلوب الخلایق والناس اجمعین و النساء
والرجال والغلمان والولدان والانس والجان بل جلب قلوب جمیع الاکوان فی جمیع الاماکن والازمان بحق اللہ الرحمن الرحیم
یا اہل ہذ العمل من الملائکۃ والاعوان والارواح اعینونی بتسخیر القلوب واخذ المطلوب اعینونی وکونوا اعوانی
وانصاری واحبائی واورکونی فی جمیع الاحوال والازمان اجب یا دکا بکائیل بکہائیل سمیعا مطیعا بحق جلبائیل قلبائیل
اجیبونی واعینونی بتسخیر قلوب الخلایق اجمعین وبحق اسم اعظم جہلج لراب بکوق ادکد قوہر وبحق ہذہ الطلسمات وہذہ
الکلمات جلبا قودک دھہجی ربکب اوق قھوع اردل بکگق بھلودجرا اکرقجبدہ ولالا وکھردقبج اجیبونی
باللہ مقلب القلوب الرحمن الرحیم یا معشر اعوان ادھکگیوش اربکیوش ان لم تجیبونی الی حصول مرادی فسلط اللہ تعالیٰ
علیکم دکا بکائیل بکہائیل بایدیہم شواظ من نار ونحاس فلا تنتصران یضربون وجوہکم وادبارکم ویسرعوکم الی النار
وان اجبتم لی فبشرکم اللہ تعالیٰ یوم القیمۃ لا تخافوا ولا تحزنوا وابشروا بالجنۃ بارک اللہ علیکم بحق ہذہ الکلمات
اجیبونی بحصول مرادی العجل العجل الساعۃ الساعۃ الطاعۃ الطاعۃ الوحا الوحا اجیبوا
داعی اللہ اجیبوا الیوم ینادی المنادی من مکان قریب یوم یسمعون الصیحۃ بالحق ذلک یوم الخروج اجیبونی یا ارواح
الطاہرات بحصول مرادی وانجاح حاجتی اعینونی یا ملائکۃ رب العزۃ باستجابۃ دعائی وتبلیغ مرادی الی رحمۃ رب
وہر چند مبالغہ بیشتر در خطاب واقع شود ارواح واعوان زود تر اہتمام نمایند وسود مند تر واقرب بود بحصول
مراد واجابت فی معـــــرفـــــة حال الغایب خذ اسم الذی ترید واسم امہ
واطرح سبعۃ سبعۃ وان بقی واحد فہو حی ولکنہ مریضا وان بقی اثنین یخاف علیہ وان بقی ثلاثۃ مات وان
بقی اربعۃ فہو فی الطریق ویحصل لہ مشقۃ عظیمۃ وان بقی خمسۃ احوالہ حسنۃ وان بقی ستۃ فہو بالسلامۃ متوجہ
عن قریب وان بقی سبعۃ قتل وایضا فی ہذا المعنی حساب اسمہ واسم امہ واسقط اثنین اثنین فان بقی واحد
مات وان بقی اثنان فہو حی قال شیخنا البہائی رہ ۵ وقال نور اللہ مرقدہ فی کشکولہ اذا اردت ان تسکن فی
بلدۃ او قریۃ فاحسب اسمک واسم امک واسم تلک البلدۃ او القریۃ واسقط اربعۃ اربعۃ فان بقی واحد فانت
فیہا فی تعب وان بقی اثنان فانت فیہا متوسط الحال وان بقی ثلاثۃ فان الرزق تسہل علیک نفسک مطمئنۃ قطعیۃ
وان بقی اربعۃ یکون سعادتک فی تلک البلدۃ او القریۃ انتہی وقال طاب ثراہ اذا اردت ان تعلم من یموت من
الزوجین قبل صاحبہ فخذ اسم الرجل والمرئۃ من الصغیر واقسم خمسۃ خمسۃ فان بقی مفرد فیموت الرجل وان
بقی الزوج فالمرأۃ تموت واللہ اعلم وقال طاب ثراہ فی طلب السارق یکتب ہذہ الحروف ویوضع تحت الراس

لا شک انه یرای السارق فی المنام حالای عاصلا ابلج سلح بوماح سلح مسح ۵ واذا اردت ان تعلم من هو

السارق فکتب اسماء المتوهمین کل اسم فی حرقة وتکتب هذه الاسماء تحت اسمائهم وهی هذه اهیا طهیا نوسان

واطرحها فی النار فان اسماء البریئین تحرق ویبقی اسم السارق ۵ واذا سرق منک شیئ فاکتب هذه الحروف فی رق ظبی و

ضعه تحت راسک فانک تری السارق فی المنام وهی هذه هها ع عا ادما وادمی هـک ۵ وقال ایضا طاب

ثراه چون مکتوبی یا رقعه یا عریضه بکسی نویسند وخواهند که زود میسر شود اول بقلم بی مداد بر فوق عریضه این شکل

نویسند که بزودی کار ساز شود بتوفیق الله تعم ما لا اسه ع سکل ا ما فایدة مجربة صحیحة منقولة

فی بعض المجامیع المنسوبة الی الشیخ الاجل الفاضل الاعلم العالم بهاء الملة والدین رحمه الله ورایته ایضا بخط الفاضل العالم

مولانا محمد تقی المجلسی فی بعض مجامیعه هکذا رایته مکتوبا بخطهما والله اعلم بحقیقة الحال من اراد ان یسخر سلطانا او حاکما او شخصا

من الاشخاص فلیتوصل لیصل رکعتین یقرء فی کل رکعة فاتحة الکتاب وسبع مرات هذه الایة عسی الله ان یجعل بینکم وبین الذین

عادیتم منهم مودة والله قدیر والله غفور رحیم ویقرء فی القنوت اللهم انی ادرء بک فی نحره واعوذ بک من شره واستعینک

علیه فاکفنیه بما شئت فاذا تم لا یتکلم مع احد ویقول سبعین مرة اللهم لین قلب فلان ابن فلان لی کما لینت الحدید لداود

بجاه محمد الاکرم وبجاه علی الافضل الاعلم وبجاه فاطمة ذی الفضل العصمة وبجاه الحسن والحسین سبطی سید المرسلین وسیدی

شباب اهل الجنة وبجاه ذریتهم الطیبة الطاهرة وبحق حم عسق وبحق کهیعص وصلی الله علیه واله الطاهرة فان فعل هذه

الصلوة فی لیلة الجمعة او یوم کان احسن ویسخر هذا السلطان والحاکم وهذا الشخص المقصود واطاعه بحیث لا یتصور مزید علیه

وقد جرب هذا مرة بعد اخری والله اعلم للحصی نقل من خط الامیر الداماد کرد از خط شیخ علی بن عبد العالی الکرکی

نقل نموده بود از برای دفع حمی یکتب فی رقاع ثلاث ما هذه صورته سوطا حوطا بالنار احرقنا یا و یجعل المحموم فی کل یوم

برقعة فی النار مجرب للسب اگر خواهی که را دوست خود کردانی این کلمات آینده را وضو کرده بر انگشت چهل و یک بار بخواند

بر دست و دم بشر طیکه در ما قبل شروع بکلمه بعد بسم الله الرحمن الرحیم بگوید و اگر عوض وی از نبات وشیرینی وو دوست داشته

باشد و در حین خواندن که بخورد و با نکس بخوراند بهتر است کلمات این است استخسب الطلیس عن النبی صلی الله علیه و آله من اراد ان

یوسع علیه الرزق فلیکتب هذه الدعاء ویعلقه علی نفسه او یکتب فی منزله او یقرء کل یوم ولیلة ثلاث مرات والدعاء هذا یا الله

یا الله یا الله یا رب یا رب یا رب یا حی یا قیوم یا ذا الجلال والاکرام اسئلک باسمک العظیم الاعظم ان ترزقنی رزقا

حلالا طیبا برحمتک الواسعة یا ارحم الراحمین ثم قال النبی صلی الله علیه و آله والذی بعثنی بالحق نبیا ان من یکتب هذه الدعاء ویعلقه علی نفسه

او قرءه دفع الله عنه وعن نسبته من غضب المغفرنا د علیا مظهر العجائب تجده عونا لک فی النوائب کل هم وغم

سینجلی بولایتک یا علی یا علی یا علی من قرءه لیلة الجمعة ثلاثا وسبعین کما انه نقل عن الشیخ برهان الدین ابراهیم الجموعی

(لآلی مخزونه)

وقد جرب مرارا للمحبة وعطوفة الحكام وبني آدم جميعا يكتب يوم الخميس اول الشهر الله اكبر خمسمائة ولا حول ولا
قوة الا بالله العلي العظيم خمسمائة ثم تعلق على عضدك ثلاثة ايام فانك قطاع ولا تعصى ما دام معلقا عليك ولا تخشى
من حية ولا عقرب ولا سبع ولا شيء مما خلق الله تعالى وذلك من الاسرار المجربة المنقولة من اكابر هذا الفن الشريف نقل من خط
المرحوم المولى محمد تقي المجلسي ره نقل من خط المرحوم ملا شاه الجيلاني ره كتبه على ظهر كتاب شرح الاشارات سمعت شفاهة
من سيد الحكماء وسند العلماء الامير محمد باقر الداماد الحسيني ره ان من ابتلى بتضييق المعاش فليقرأ سبعة ايام في كل يوم سورة
زمر وحاميم وسورة محمد ص يحصل له الفرج البتة وهذا مجرب والابتداء من يوم الجمعة والاختتام بالخميس ومن وظيفته
ان لا يتكلم مع الناس حتى يفرغ من القراءة والحاصل انه لا يتكلم في اثناء القراءة حتى يفرغ وفي بعض النسخ فليقرأ سبعة ايام في كل
يوم من سورة الزمر الى سورة محمد ص فعلى هذه النسخة سورة محمد خارج عن القراءة ه من السيد الداماد ره من اكثر ذكر اسمي
الغني المغني عشر جمعات كل جمعة عشر آلاف مرة ولا يأكل حيوانا اغناه الله تعالى عاجلا واجلا بسم الله الرحمن الرحيم
سمعت من شيخي واستادي العالم العامل الشيخ محمد بن فرج الحميري ان هذا الدعاء مروي عن مولانا امير المؤمنين ع يقرأ كل
صباح ومساء لطول العمر والقرب عند الامراء والسلاطين وكان رحمه الله يقول انه من جملة مروياتي ومسموعاتي وانه قد جرب
مرارا والدعاء هذا اللهم اجعلني محبوبا في قلوب المؤمنين وملحوظا في اعين الخلايق ومنظورا في نظر السلاطين ومحفوظا
من شر الشياطين وبلغني الى مائة وعشرين سنة معافا من كل آفة وعاهة وبلية ومحنة برحمتك يا ارحم الراحمين
اول كتبته كما وجدته ه هر كس اين آيه را روز چهارشنبه هفتاد بار بخواند بر جمله اهل علم غالب آيد و فتوحات بر وى حاصل گردد
هو الله الذي لا اله الا هو عالم الغيب والشهادة هو الرحمن الرحيم ه روز پنجشنبه هر كس اين آيه را سيصد نوبت بخواند
در نزد علما معزز و محترم گردد و تحصيل علوم بر وى آسان شود و توانگر گردد و بر اعدا ظفر يابد من كان يريد العزة
فلله العزة جميعا ه ذكر منسوبات حروف ملائكه و اسماء الله اللهم اني اسئلك بحق اياك نعبد واياك نستعين ان
تقضي حاجتي بحرمة الالف عليك يا اله العالمين يا من اودع اسراره في اسمائه يا اله يا اسرافيل بحق الباء عليك يا بديع
السموات والارض يا من لا منتهى لنوره يا بديع يا جبرئيل بحق الجيم عليك يا جامع الكل فليس شيء غير صفات هويته
يا جامع يا كلكائيل بحق الدال عليك يا دليل المتحيرين في كل حال يرفق بعباده يا دليل يا دردائيل بحق الهاء عليك
يا هادي كل شيء واليه مرجعه يا هادي يا دوربائيل بحق الواو عليك يا ودود انت الذي جعلت المودة بين المرء
وزوجه يا ودود يا رفتمائيل بحق الزاء عليك يا زارع كل شيء منبته يا زارع يا صرفائيل بحق الحاء عليك يا حفيظ
ذو الامان من جميع الشدائد في سرادقات حفظه يا حفيظ يا تنكفيل بحق الطاء عليك يا طاهر المنزه عن كل شيء بكمال
كبريائه وعظمته يا طاهر يا اسماعيل بحق الياء يا يقطان الحي الكائن لم يزل ولا يزال كينونه اللهم يا ياسر كل عسير وميسره

بتلک امورے کلها فی الدنیا والاخرة یا بوح یا سرکطائیل بحق الکاف علیک یا کفیل الکافی الوکیل بکل حین من فضله و کرمه یا کفیل یا نورنائیل بحق اللام علیک یا لطیف المحیط بکل شیئ ولا یدرک الابصار کماله یا لطیف یا طاطائیل بحق المیم علیک یا مالک الملوک انت الذی لا یعتکد علی اهل مملکته یا مالک یا معیائیل بحق النون علیک یا نافع الحکیم الشافی یا من طابت قلوب المحبتین بذکره یا نافع یا حولائیل بحق السین علیک یا سلطان المسخر لکل شیئ ولا یشارک احد فی حکمه یا سید یا هوکیل بحق العین علیک یا علیم القادر علی ما کان موقوفا فی مشیته وما یعطی لبریته یا علیم یا لوئیل بحق الفاء علیک یا فتاح کل مقالید الامور بیده یا فتاح یا سرحمائیل بحق الصاد علیک یا صانع العجائب لا تبلغ اوهام العارفین بحکمته یا صانع یا حمرائیل بحق القاف علیک یا قدیم الاحسان فلا یحیط احد بعد نعمائه یا قدیم یا عطوائیل بحق الراء علیک یا رفیع الدرجات ذو العرش یلقی الروح من امره یا رفیع یا اموکیل بحق الشین علیک یا شکور انت الذی نعمت علی العباد نعمة ظاهرة و باطنة یا شکور یا عطکائیل بحق التاء علیک یا تواب ذو الرحمة الواسعة علی کل خلقه یا تواب یا عزرائیل بحق الثاء علیک یا ثابت القوی المقتدر فلا یقدر شیئ بقاومه یا ثابت یا میکائیل بحق الخاء علیک یا خبیر لا یعزب مثقال ذرة من علمه یا خبیر یا مهکائیل بحق الذال علیک یا ذا الذکر الکبیر فلا یعرف الخلائق قدره یا ذاکر یا اهطیل بحق الضاد علیک یا ضیاء الکاشف ظلمة الحجاب بنور قدسه یا ضیاء یا اهجمائیل بحق الظاء علیک یا ظاهر المعروف القائم انت الذی لا ینقطع ابداً ولا یحصیه غیره یا ظاهر یا لوصائیل بحق الغین علیک یا غنی الکریم الوهاب ذو الطول فلا ینقص شیئ من خزائنه یا غنی یا لوغائیل هر اسمے از اسماء الله که اول او الف است بالف منسوب است و آنکه اول او با است بیا منسوب است و همچنین الی آخر الحروف و لنعم ما قیل التکسیر خیر من الاکسیر **قاعده** لتسخیر الناس اول اسمے مناسب مطلب از اسماء الله پیدا نموده پس اسم طالب پس اسم مطلوب یا حوائج مطلب را تکسیر نمایند تا زمام دهد یعنی هرگاه یکدفعه هم تکسیر کنند سطر زمام حاصل میشود مثلا اگر مطلب عزت باشد و طالب علی اول از اسماء الله اسم عزیز پس اسم طالب را که علی فرض کردیم پس لفظ عزت را که مطلب است تکسیر میکنند و اگر مطلب علی تقرب محمد نامی است که در ما بین ایشان محبت حاصل شود اول از اسماء الله حبیب پس اسم طالب را که علی فرض کردیم پس اسم مطلوب را که محمد فرض کردیم تکسیر کنند تا بزمام رسد باین شکل پس صدر و موخر سطور را می گیریم و آن قدر تکسیر میکنیم که هفت سطر شود باین شکل ح دلعم ع ح ی م ب ب دل ی م ع ح ی م ب ب ح

م ح د ی م ب د ح م ب غ ل ح ی م ب ع ع ح ب ح ل

ح ب ع ب ع ل ع م ح م د

د ح م ب ح ی م ب ی ع ل

ح ح ب ح ب ل م ی ع م ح ع ع ح م ی ع م ل ع ب د ب

ب ح د ح ب ب ل د م ب ع ل ی م م ع ح ی ع م ع ح

ح ب ع ح ی ب ح ب ع ل م د م م ع ب ل ع

ع ح ل ع ب ع ع ح م م د د ع م ح ل ع ع ب ب ح

ح ی ب ح ب ل ع ب ع ط ب ل ع ح ع م ح ع م د م د م

(لآلی منثوره)

لعح ح ی م ب ب م ح ی   پس صدر و مؤخر این هفت سطر را میکنیم باین نحو ح ب ح ع ح م ح ب ح ی ح (م ل)
ی لح دم ع ب ع ب ع م   پس اسماء ملائکه که منسوب باین چهارده حرف است استخراج میکنیم پس در سطور تکسیر
م ی عل ب ح دب م ع   اوّل و ثانی و عین گشته آنچه از اسماء الله یافت شد استخراج میکنیم با اسماء ملائکه
ع م م ی ب ع د لح ب ع   ضم نموده عزیمتی انشا نموده ورد می باید نمود تا یکهفته هر روز بعدد کبیر یا وسیط
ح ع ب م ح م ل ی د ب ع   یا صغیر مطلوب البته عطلوب فایز میگردد و این مداومت را وقتی باید کرد که عدد
ی ح طع د ب م لح م   جمله آن چهارده حرف امربع برده و در لوح طلا یا چیزی زرد نوشته در ساعت سعد نوشته
م ع ح ل ب م ع ی ب   و اسماء مستخرجه را بدور لوح ثبت کرده و صدر و مؤخر آن هفت سطر را که عبارت
ب م د ی ع ی ع ح م ل ب   از آن چهارده حرف باشد ترکیبا و بار دیگر تقطیعا بر روی آن لوح نوشته بخود
ب ب ل م م دح ع ع ی ح   بسته باشند این عمل بغایت مجرب است   قاعده از برای حصول مطالب آیه
یا اسمی مناسب مطلب پیدا و عدد جمل او با عدد جمله اسم طالب جمع و استنطاق داده و از اسماء الله اسماء ملائکه آنچه
منسوب بآن حروف است استخراج و بعد با اسم مطلب تا یکهفته مداومت باید کرد مثلا محمد نامی را عزت مطلوب باشد
عدد جمله عزیز و محمد را گرفتیم این شد ۱۸۶ استنطاق و اینست د ف ق ملائکه و اسماء الله منسوبه باین
حروف استخراج نموده بنحو مسطور مداومت باید نمود   طریق اخذ مداخل جمله حروف و اعداد بدانکه مداخل جمله حروف
و اعداد علی الاطلاق چهار است مدخل کبیر و وسیط و وسیط مجموعی و صغیر اما کبیر عبارت از آن است که عدد آن حرف را
در مرتبه خود بگذارند و وسیط عبارت از آن است که یک مرتبه از مرتبه خود تنزلش دهند بشرطی که پایین تر از دو مرتبه
دیگر داشته باشد و وسیط مجموعی آنست که دو مرتبه از مرتبه اش تنزل دهند بشرطیکه پایین تر دو مرتبه
داشته باشد و صغیر آنست که باخر مراتبش تنزل دهند بنا بر این غ که هزار است مداخل اربعه مسطوره را دارد
کبیرش هزار و وسیطش صد و وسیط مجموعیش ده صغیرش یک و هکذا سایر ما فی مرتبة الالوف و ماتر اسد
مدخل است کبیر و وسیط صغیر مثلا ق کبیرش صد است و وسیطش ده و صغیرش یک دیگر وسیط مجموعی ندارند
و عشرات دو مدخل دارند کبیر و صغیر مانند ی که کبیرش ده و صغیرش یک است دیگر وسیط و وسیط مجموعی
ندارد و آحاد همین کبیر را دارند سایر مداخل اندارند زیرا که پایین تر از آحاد دیگر مرتبه نیست مثلا لفظ رشید
سه مدخل دارد کبیر که ۱۱۲ است وسیط ۱۱ است صغیر که ۱۲ است و هکذا سایر الکلمات و الفقرات
طریق اخذ مداخل خمسه حروف اعداد الف بعدی احد است واحد ۱۲ است و شماره حروفش ۳ است
بر ۱۲ افزودیم ۱۵ شد پس آن عدد را استنطاق کردیم ی ه حاصل شد این مدخل اوّل الف است بعد از آن

عدد ی و ر را بعربی بردیم ستة عشرة شد و عدد جملی ستة عشرة را گرفتیم ۱۰۴۰ شد شماره حروف ستة عشرة هفت است
بر او افزودیم ۱۰۴۷ شد استنطاق کردیم ع م ز شد این مدخل دوم است مر الف را پس غ م ز را بعربی بردیم
سبعة اربعون الف شد و عدد جملی آن را گرفتیم ۵۷۷ شد شماره حروف آن را که ۱۳ است بر او افزودیم ۵۹۰
شد استنطاق کردیم ث ص شد این مدخل سیم الف است پس ث ص را بعربی بردیم خمسمائة تسعون شد عدد
جملی آن را گرفتیم ۱۳۳۲ شد شماره حروف را بر آن افزودیم ۱۳۴۳ شد استنطاق کردیم غ ش م ج شد این
مدخل چهارم الف است پس این حروف را بعربی بردیم الف ثلثمائة اربعون ثلاثة شد عدد جملی آن را گرفتیم ۲۴۹
۲۵ شد شماره حروف را که ۱۹ است بر آن افزودیم ۲۵۶۸ شد استنطاق کردیم ح س ث ب غ شد
این مدخل پنجم الف است و هکذا اخذ مداخل سایر الحروف از برای هر مطلبی که خواسته باشند آیه یا اسمی از اسماء الله
که مناسب مطلب باشد پیدا و اسم طالب و مطلوب را اگر مطلب محبت باشد یا اسم طالب را اگر غرض عزت و دولت
و نصرت و غیر آنها باشد و اسم مطلوب را اگر غرض اهلاک و اخراج و مانند آن باشد آنها را مقطع نوشته حروف را
پنج پنج طرح کرده اگر دو آخر فرد ماند مدخل پنجم آن حروف را باید گرفت و اگر زوج باند مدخل چهارم حروف را باید گرفت
و اگر هیچ نماند باز مدخل پنجم را باید گرفت و قاعده گرفتن مداخل این قسم است که آن حروف مقطعه را خلاصه کرده
یعنی مکررات را انداخته از باقی هر مدخل که مطلوب است باید گرفت و به همین نهج نوشت آنچه از حروف بعد از
گرفتن مداخل همه حروف باقیه حاصل شد تکسیر می کنند تا بتمام برسد پس هر چه از اسماء الله در صورت تکسیر
پیدا میشود استخراج کرده پس ملاحظه کند که بآن خلاصه مداخل منسوب است استخراج کرده آنها را با اسماء الله مستخرجه
ورد نموده انتظار حصول مطلب میکشند و اگر در صورت تکسیر از اسماء الله چیزی پیدا نشود باید اسماء الله منسوبه
بآن حروف را استخراج نمود مثلا از جهة القاء عداوت ما بین زید و عمر آیه مناسب این مطلب این را جستیم و القینا
بینهم العداوة پس ۹ ورا با اسمین زید و عمر مقطعا چنین نوشتیم و ا ل ق ی ن ا ب ی ن ه م ع د ا و ة
ز ی د ع م ر و پس خلاصه کردیم این شد و ا ل ق ی ن ب ه م ع د ة ز ر بعد از آنکه ۵۵ طرح کردیم
چهار ماند که زوج است پس مدخل چهارم آن حروف خلاصه را یکی یکی گرفته و اعمال باخر رسانند قاعده صحیحه
جفر بردن آیات و اسماء از جهة هر مطلبی اولا آیه را که بیست و هشت حرف باشد و مناسب مطلب باشد پیدا کرده
یا اینکه چند اسم از اسماء الله مناسبه که مجموع ۲۸ حرف باشد تحصیل نمایند پس اسم صاحب مطلب را ابتدا بر آیات
آیه بیست و هشت حرف کرده و اگر آیه یا اسماء مناسبه کمتر از ۲۸ حرف باشد او را هم تدبیرات آیه ۲۸ حرف
کرده و بعد از آن یک حرف از آیه و یک حرف از اسم صاحب مطلب را در خانه اول هر سطر صفحه جفر نوشته صفحه را باخر بنوسد

بستی حرف

(لآلی مخزونه)

پیش خود نگاه دارند بسیار مجرب است قاعدهٔ ۲۸ حرف کردن آیات یا اسماء اگر خواسته باشیم که محمد تقی را مثلا
۲۸ حرف کرده بصفحه ببریم اول حروف آن اسم را زبر و بینات مینویسیم ۱۸ حرف میشود پس مداخل کبیر آن حروف را
گرفتیم ۸۱۷ شد استنطاق کردیم ز ی ض شد علاوه ما بحروف نمودیم ۲۱ حرف شد پس مداخل وسیط
آن ۱۸ حرف را گرفتیم ۵۰ شد استنطاق کردیم ن شد پس مداخل صغیر آن ۱۸ حرف را گرفتیم ۳۵ شد
استنطاق کردیم ه ل شد پس عدد همان حروف را که ۱۸ بود استنطاق کردیم ح ی شد پس عدد نقاط آن
۱۸ حرف را که ۱۱ بود استنطاق کردیم ا ی شد همه را جمع کردیم ۲۸ شد باین شکل م ی م ح ا م ی م د ا ل
ت ا ق ا ف ع ا ذ ی ض ز ن ه ل ح ی ا ی قاعدهٔ دیگر اسم محمد تقی هفت حرف است غیر مکرر آنها را
محو کنیم ۱۴ میشود پس نظیره آن ۱۴ حرف را میآوریم ۲۸ میشود ایضا اگر خواسته باشیم که اسم حسن را
۲۸ حرف کنیم زبر ح و زبر و بینه س ن را میکنیم ۷ حرف میشود پس غیر مکرر آن ۷ را میآوریم ۱۴
میشود پس نظیره آن ۱۴ را میآوریم ۲۸ میشود اما ترتیب حروف این باید در قاعدهٔ غیر مکرر و نظیره هر حرف را
در پهلوی او نوشت بعد از آن که نوشت بحرف دیگر مثلا اول ح را نوشته پس غیر مکرر او را که ذ هست در
پهلوی ح پس نظیره ح ذ را در پهلوی آنها می نویسیم و هکذا فی سایر الحروف ایضا آیه الا الی الله تصیر الامور را مقطعا
نوشته پس مداخل کبیر آن که ذ ی ق غ است و مداخل وسیط آن که ف است و مداخل صغیر آن که ح ل ا ست
و عدد حروف آن که کا است گرفته مینویسیم ۲۸ حرف میشود باین شکل ا ل ا ل ی ا ل ل ه ت ص ی ر ا ل
ا ل ا م و ر ذ ی ق غ ف ح ل ک ا ایضا آیه نصر من الله و فتح قریب را مقطعا نوشته پس مداخل کبیر
او را که ب ش غ است و وسیط او را که ض است و صغیر او را که ز م است پس عدد حروف او را که ذ ی است
محو کنیم پس عدد نقاط را میکنیم ی میشود و چون همه را جمع کردیم ۲۶ شد ی را به حرف تقسیم میکنیم ا ج و
میشود باین نحو ن ص ر م ن ا ل ل ه و ف ت ح ق ر ی ب ب ش غ ض ز م ذ ی ا ج و ا ک
احیانا از بیست و هشت زیاد شد عدد حروف و نقاط را بهم ضم میتوان کرد ۵ آیه فالله خیر حافظا و هو
ارحم الراحمین ۲۸ حرف است ۵ حروف ۲۸ کاند الجدر را بآن که ۱۴ است اساس و ۱۴ آخر را نظیره
میگویند ۵ قاعده در استخراج صفحه عن عدد اگر عددی که در دست داریم از طرح جفر ۴ ۲۸ لا است بیشتر است
آن عدد را بآن طرح جفر تقسیم میکنیم و آنچه باقی ماند بطرح صفحه ۲۸ است قسمت میکنیم خارج قسمت عدد صفحه
و باقی عدد جزء است پس جزء را بر صفحه مقدم داشته بصفحه میبریم و اگر آن عدد که در دست داریم از طرح جفر کمتر باشد
بطرح صفحه قسمت کرده بنحو مسطور رفتار میکنیم و اگر آن عدد را بر طرح جفر قسمت کردیم چیزی باقی نماند جزء ۲۸ و صفحه ۲۸ میشود

کدح ح باید در صفحه نوشت واگر بطرح صفحه قسمت کردیم حرفی باقی نماند جزء ۲۸ مراد است که ح است مثلا عدد عقل
اول که ۲۳۲۷ است چون قابل طرح جفری نیست بطرح صفحه قسمت کردیم خارج قسمت ۸ و باقی ۳ اشد بس حرف
۳ از صفحهٔ ۸ مراد است چون حرف را بر صفحه مقدم باید داشت در خانهٔ اول صفحهٔ م ح ۱۱ می نویسیم و صفحه
باقی میرسانیم در خانهٔ چهارم سطر ۱۳ ام ع م را استخراج میشود ایضا از لفظ نن بهمان ضابطه ابلیه حاصل میشود
وان لفظ ببل حب کل حاصل میشود وهکذا طریق استخراج دایره حس ن ج س ن ط ع ی ف ل ت ص ل ق م
ر ش ت ث خ ذ ض ظ غ ا ب ج د هـ و ز ح س ی ن ط ع ل ف ل ص م ق ر ش ت ث خ ذ
ض ظ غ ا ب ج د هـ و ز   هرکه این کلمات را در کتابتی باقلم بی مداد بنویسند هر مطلبی که در دو نوشته
شده روا میگردد بسم الله الرحمن الرحیم وعدالله الصابرین المخرج مما یکرهون والرزق من حیث
لا یحتسبون جعلنا الله وایاکم من الذین لاخوف علیهم ولاهم یحزنون   جدول الحیات والممات
حکما چنین آورده اند که اگر کسی خواهد که بداند که بیمار به شود یا نه نام بیمار و نام مادر او را بحساب جمل
جمع کند و بین معلوم کند که چند روز است که بیمار شده است آن را بروی بیفزاید واگر عدد آن نداند جمل روز برو
بیفزاید و چون همه جمع کنند بیست و یکرو و دیگر بروی بیفزاید و سی سی طرح کند آنچه بماند ان جدول طلب کند
والله اعلم

لوح حیات		لوح ممات			
۱	۳	۸	۲	۴	۵
۱۰	۱۳	۱۴	۷	۶	۹
۱۵	۱۶	۱۷	۱۱	۱۲	۱۸
۱۹	۲۲	۲۳	۲۰	۲۱	۲۴
۲۶	۲۸	۳۹	۴۵	۲۰	۳۰

ایضا نوع آخر اگر خواهی که بدانی
بیمار به شود یا نه نام بیمار را بحساب
جمل بگیرد و از ایام هفته آنروز
که بیمار شده است بحساب او تمام
هفته بر آن بیفزای و همه را جمع
کن و سی سی طرح کن و در آن جدول
طلب نمای اگر از لوح حیات یابی به شود
والا بمیرد یا بروزگی زود به شود
بسیار بیمار و اگر در لوح ممات
بسر جی یابی دیر به شود والا
بمیرد العلم
عند الله

لوح حیات			لوح ممات			
۱		۲		۴		۵
۳	۷		۶		۸	
۱۱		۱۳	۹			۱۰
۱۴	۱۶			۱۲	۱۵	
۱۷	۱۹		۱۸			۲۱
۲۲			۲۴		۲۵	
۲۳	۲۶		۲۷			۲۹
۲۸	۲۰		۲۰		۲۶	

(لآلی مخزونہ)

اتم ہو ع ع م یا اللہ العزیز الکبیر المتعال المتکبر المہیمن العظیم الذی تفتح بہ الاطباق و استنادہ بہ الآفاق و نحت بہ الاقاتے تفتح ہذ القفل او ھذ الغل و ان تشتا فتح قلب فلان الی المحبۃ فلان فایدۂ عظیمہ ہر کہ این شکل را در شرف آفتاب بنگارد و با خود دارد از شر ظالمان و بدگویان ایمن باشد و در رزق بر وی گشادہ گردد و در میان خلق باعزت و حرمت باشد مربع اینست

یا حفیظ یا مانع یا رقیب یا صمد طہ انت انت	حسبی اللہ لا الہ الا ہو علیہ توکلت وہو رب العرش یا حبیب انت	الٰہی انت الملک القدوس الجبار الجلیل الرفیع العلی الکبیر المتعال	ربنا ولا تحملنا ما لا طاقۃ لنا بہ واعف عنا واغفر لنا وارحمنا انت مولانا وانصرنا یا نصیر یا مغیث یا غفور یا ودود
اللہ لا الہ الا ہو الحی القیوم لا تاخذہ سنۃ ولا نوم لہ	ما فی السموات وما فی الارض من ذا الذی یشفع عندہ الا باذنہ	یعلم ما بین ایدیہم وما خلفہم ولا یحیطون بشیء من علمہ الا بما شاء	وسع کرسیہ السموات والارض ولا یؤدہ حفظہما وہو العلی العظیم یا حمید
لا الہ الا اللہ الم المص المر کہیعص طہ طس طسم یس حم حمعسق ق ن اہ اہ یا اللہ اح وم ان یا جمیل یا مؤمن یا نعیم یا حلیم یا علیم انت انت	یا اللہ یا رحمن یا رحیم یا کریم یا جواد یا حکیم یا واسع یا ودود یا حنان یا رؤف یا لطیف انت انت	ہو اللہ الذی لا الہ الا ہو عالم الغیب والشہادۃ ہو الرحمن الرحیم طہ الم المص طس یا حمید یا مجید انت انت	بسم اللہ الرحمن الرحیم ولا حول ولا قوۃ الا باللہ العلی العظیم یا جمیل
اللہ لطیف بعبادہ یرزق من یشاء وہو القوی العزیز یا غنی یا مغنی یا وکیل یا رازق یا باسط یا جواد انت انت	سو طہ الم یا شدید یا ذو القوۃ المتین یا قادر یا قہار	لا الہ الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین اللہ اللہ ربی لا شریک لہ شیئ یا کاشف یا معین یا بدیع	الم اللہ لا الہ الا ہو الحی القیوم یا مالک الملک یا ذو الجلال والاکرام

نظم کاوہ آن وردِ رفترِ انت بکرد خاک در چشم دولت ضحاک بد از ین علم یافت کیخسرو بخشش آورد دست بر رفتراک این بر دعای نصرت لبت ~~رستم~~ خصم خود را کند اندر خاک نسخۂ زین گرفت افلاطون شد معاینش کشف غیب و دراک ملک از این توان زد خیمۂ عز و جاہ بر افلاک ہست تو دید باز با انجیل باز بود شریف قرآن پاک اندرین شکل اندرین جدول نتوان دید یکیک بی باک ہر کہ او علم این حروف شناخت بہتر قوم شد ندارد باک دوستان تو او خرم و شاد دشمنان تو با وجملہ ہلاک دوستان را ہمہ کند خرم دشمنان را کند جمیع ہلاک فایدہ نظم صفر و سہ الف کشیدہ مدّ بر سر میم کور و کوثر و زد باز بر دو پس چار الف و ہاء واوی دم کن این است یقین اسم خدا اکبر ہ ااا ح ||||| ااا ہ و

نظم خمس ہاآت و خط فوق خط وصلیب جعلہا اربع نقط ثم ہمزات اذا اعددتہا و ہی سبع لم تجد فیہا غلط ثم ہاء ثم واو بعدہا ثم ص ثم میم فی الوسط ثم فی آخرہ ان تہتدی حو نعت شکلہا شکل المقط ہذا صورتہ

ہ ہ ہ ہ ہ ✕ ء ء ء ء ء ء و ہ ص م باب در کیفیت اخذ فواید از اسم بزرگوار اللہ

واسم اعظم است علی التحقیق از بعضی اذکار منقول است کہ یکی از طالبان صادق الاخلاص را گفت کہ میخواہی کہ سیاموز

تا چیزی بغایت مفید که مداومت بدان تا بدرجه رساند که فوق آن متصور نباشد آن طالب تواضع تمام نمود
آن بزرگ فرمود که الله الله میگوئی چنانکه دریک نفس سه کرت کمتر نگوئی و هر چند زیاده گوئی بهتر بود
و باید که الله بشرط اظهار همزه گوئی و سکون ها و غیر از آن لفظی بر زبان نیاید و چیزی دیگر در دل نگذرانی
و با هیچ یک سخن نگوئی الحق هرکه بعد از نماز فریضه صد و نود دفعه بخواند خداوند عالم او را علم
نوادر روزی گرداند و در آن باب فهم خاصی دهد که همیشه حق را از باطل جدا کند و هرکه را چیزی
گم شده باشد بر چهار گوشه کاغذ مربع این اسم شریف و در نیم شب بدست گرفته روی بآسمان کند
و ساعتی نگهدارد و در آن اثنا صد و نود بار بخواند آن گم شده در یافت محتوم

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ - لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ الْجَلِیْلُ الْجَبَّارُ
لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ الْعَزِیْزُ الْغَفَّارُ
لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ الْکَرِیْمُ السَّتَّارُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ الْکَبِیْرُ الْمُتَعَالُ
لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهٗ لَا شَرِیْکَ لَهٗ اِلٰهًا وَّاحِدًا رَبًّا وَّشَاهِدًا
اَحَدًا صَمَدًا وَّنَحْنُ لَهٗ مُسْلِمُوْنَ وَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهٗ لَا شَرِیْکَ
لَهٗ اِلٰهًا وَّاحِدًا رَبًّا وَّشَاهِدًا اَحَدًا صَمَدًا وَّنَحْنُ لَهٗ عَابِدُوْنَ
لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهٗ لَا شَرِیْکَ لَهٗ اِلٰهًا وَّاحِدًا رَبًّا وَّشَاهِدًا
اَحَدًا صَمَدًا وَّنَحْنُ لَهٗ قَانِتُوْنَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهٗ لَا شَرِیْکَ
لَهٗ اِلٰهًا وَّاحِدًا رَبًّا وَّشَاهِدًا اَحَدًا صَمَدًا وَّنَحْنُ لَهٗ صَابِرُوْنَ
لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ مُحَمَّدٌ رَّسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ عَلِیٌّ وَّلِیُّ
اللّٰهِ عَلَیْهِ السَّلَامُ اَللّٰهُمَّ اِلَیْکَ وَجَّهْتُ وَجْهِیْ وَاِلَیْکَ فَوَّضْتُ اَمْرِیْ
وَعَلَیْکَ تَوَکَّلْتُ یَا اَرْحَمَ الرّٰحِمِیْنَ روایت است که حضرت رسول صلعم
فرمودند هرکس هر وقت این دعا را بخواند چنان باشد که ۳۶۰ حج
کرده باشد و ۳۶۰ ختم قرآن کرده باشد و ۳۶۰ بنده آزاد کرده
باشد و ۳۶۰ دینار صدقه داده باشد و ۳۶۰ الی و همچنین دا... ختم

(لآلی مخزونه)

آزاد کرده باشند چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله السلام را فرمود
جبرئیل ع نازل شد و گفت یا رسول الله هر بنده از بندگان خدا و هر امتی از امتان
تو اسم عادا در عمر خود یکبار بخواند یا محمد ص بعزت و جلال خودم قسم او را هفت چیز
بدهم اول فقر در رو بیتی را از وی بردارم دوم از سؤال نکیرین ایمن گردانم سوم از صراط
بی

الحفیظ هر که خواهد احصای این اسم کند اول باید کرد دل و چشم و زبان و
دست خود را از جمله مناهی و خطایا نگاه دارد تا حضرت حفیظ او را از بلیات
محفوظ دارد و شیخ معروف کرد هر که خواهد از غرق شدن در آب و سوختن آتش
و شر اشرار ایمن بود این اسم را بنویسد و تعویذ سازد و بر بازو بندد از نکبات
ایمن بود و حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند هر که بعدد این اسم ۹۹۸ بار
مکرر در روز جمعه بعد از نماز بنویسد بخط پاریک و طومار کند و بر بازو بندد
از وسوسه شیطان و خوف سلطان و بیم سباع و مار و عقرب و خیالات فاسد
امان حق تعالی بوده باشد و بگذرد چهارم از حرک مفاجات نگاه دارم پنجم
دوزخ بروی حرام گردانم ششم از شکی قبر نگهدارم هفتم از ستم ظالم حفظ نمایم

ظ	ی	ف	ح
ف	ح	ظ	ی
خ	ف	ی	ظ
ی	ظ	ح	ف

صحیح این است

۲۳۴۸	۲۳۷۱	۲۳۷۵	۲۳۴۱
۲۳۷۳	۲۳۴۲	۲۳۴۷	۲۳۷۲
۲۳۴۳		۲۳۴۹	۲۳۴۴
۲۳۷۰	۲۳۴۵	۲۳۴۴	۲۳۷۵

۲۳۷۶

۲۴۸	۲۵۷	۲۶۶		۲۳۷
۲۶۳	۲۳۰	۲۴۵	۲۶۰	
۲۳۳	۲۷۲	۲۵۱	۲۴۲	
۲۵۴	۲۳۹	۲۳۶	۲۶۹	

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ سُبْحَانَ المَلِكِ القُدُّوسِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ سُبْحَانَ
العَزِيزِ الجَبَّارِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ سُبْحَانَ الحَنَّانِ المَنَّانِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ سُبْحَانَ
الرَّحْمٰنِ الدَّيَّانِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ سُبْحَانَ الرَّؤُفِ الرَّحِيمِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ سُبْحَانَ
الحَلِيمِ الكَرِيمِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ سُبْحَانَ الوَلِيِّ الوَالِي لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ سُبْحَانَ
اللَّطِيفِ الخَبِيرِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ سُبْحَانَ الغَفُورِ الوَدُودِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ سُبْحَانَ
القَرِيبِ المُجِيبِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ سُبْحَانَ الوَكِيلِ الكَفِيلِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ سُبْحَانَ
الصَّمَدِ المَعْبُودِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ سُبْحَانَ الدَّائِمِ القَائِمِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ سُبْحَانَ
الرَّقِيبِ الحَفِيظِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ سُبْحَانَ المُحْيِي المُمِيتِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ سُبْحَانَ
الحَيِّ القَيُّومِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ سُبْحَانَ الوَاحِدِ الأَحَدِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ سُبْحَانَ
الجَوَادِ الأَعْظَمِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ سُبْحَانَ المُؤْمِنِ المُهَيْمِنِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ سُبْحَانَ
الكَبِيرِ المُتَعَالِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ سُبْحَانَ المُجِيبِ الشَّهِيدِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ سُبْحَانَ
الأَوَّلِ القَدِيمِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ سُبْحَانَ القَاضِي الكَبِيرِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ سُبْحَانَ
الفَتَّاحِ العَلِيمِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ سُبْحَانَ الحَلِيمِ الكَرِيمِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ مُحَمَّدٌ
رَسُولُ اللهِ عَلِيٌّ وَلِيُّ اللهِ وَصَلَّى اللهُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ اَجْمَعِينَ
وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
اَللّٰهُمَّ سَخِّرْ لِي اَعْدَائِي كَمَا سَخَّرْتَ الرِّيحَ لِسُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ
وَذَلِّلْهُمْ لِي كَمَا ذَلَّلْتَ فِرْعَوْنَ لِمُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ وَلَيِّنْ قُلُوبَهُمْ كَمَا
لَيَّنْتَ الحَدِيدَ لِدَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَهِّرْهُمْ لِي كَمَا قَهَرْتَ اَبَا جَهْلٍ
لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِحَقِّ كٓهٰيٰعٓصٓ وَبِحَقِّ حٰمٓ عٓسٓقٓ صُمٌّ بُكْمٌ عُمْيٌ فَهُمْ
لَا يُبْصِرُونَ صُمٌّ بُكْمٌ عُمْيٌ فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ صُمٌّ بُكْمٌ عُمْيٌ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ فَ
سَيَكْفِيكَهُمُ اللهُ وَهُوَ السَّمِيعُ العَلِيمُ اِيَّاكَ نَعْبُدُ وَاِيَّاكَ نَسْتَعِينُ
وَصَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ اَجْمَعِينَ جهت تسخیر اعداء در باب سدی
با نیت خالص و حضور قلب و ترحم بپاخت قدس الهی علات عظیم

(لآلی مخزونة)

تفسير المتشابه من القرآن وسألوا رسول الله صلى الله عليه وآله عن المتشابه من القرآن فقال وأما المتشابه من القرآن فهو الذي
الحرف منه متفق اللفظ مختلف المعنى مثل قوله عز وجل يضل الله من يشاء ويهدي من يشاء فنسب الضلال إلى نفسه في هذا الموضع وهذا
ضلالهم عن طريق الجنة بفعلهم ونسبه إلى الكفار في موضع آخر ونسبه إلى الأصنام في آية أخرى فمعنى الضلالة على وجوه فمنه ما هو محمود ومنه ما هو مذموم ومنه ما ليس بمحمود ولا
مذموم ومنه ضلال النسيان فالضلال المحمود هو المنسوب إلى الله تعالى وقد بيناه والمذموم هو قوله وأضلهم السامري وقوله وأضل فرعون قومه وما هدى ومثل ذلك
في القرآن كثير وأما الضلال المنسوب إلى الأصنام فقوله تعالى في قصة إبراهيم عليه السلام واجنبني وبني أن نعبد الأصنام رب إنهن أضللن كثيرا من الناس الآية
والأصنام لم تضل أحدا على الحقيقة وإنما ضل الناس بها وكفروا حين عبدوها من دون الله عز وجل وأما الضلال الذي هو النسيان فهو قوله تعالى واستشهدوا
شهيدين من رجالكم فإن لم يكونا رجلين فرجل وامرأتان ممن ترضون من الشهداء أن تضل إحداهما فتذكر إحداهما الأخرى وقد ذكر الله تعالى الضلال في مواضع
من كتابه فمنه ما نسبه إلى نبيه على ظاهر اللفظ كقوله سبحانه ووجدك ضالا فهدى معناه وجدناك في قوم لا يعرفون نبوتك فهديناهم بك وأما الضلال
المنسوب إلى الله تعالى الذي هو ضد الهدى والهدى هو البيان وهو معنى قوله سبحانه أولم يهد لهم معناه أولم أبين لهم مثل قوله سبحانه فهديناهم فاستحبوا العمى على الهدى
أي بينا لهم ووجه آخر وهو قوله تعالى وما كان الله ليضل قوما بعد إذ هداهم حتى يبين لهم ما يتقون وأما معنى الهدى فقوله عز وجل إنما أنت منذر ولكل قوم هاد
ومعنى الهادي ههنا المبين لما جاء به المنذر من عند الله وقد احتج قوم من المنافقين على الله تعالى إن الله لا
يستحيي أن يضرب مثلا ما بعوضة فما فوقها وذلك أن الله تعالى لما أنزل على نبيه صلى الله عليه وآله ولكل قوم هاد فقال طائفة
من المنافقين ماذا أراد الله بهذا مثلا يضل به كثيرا فأجابهم الله تعالى بقوله إن الله لا يستحيي أن يضرب
مثلا ما بعوضة فما فوقها فأما الذين آمنوا فيعلمون أنه الحق من ربهم وأما الذين كفروا فيقولون ماذا أراد الله بهذا مثلا
يضل به كثيرا ويهدي به كثيرا وما يضل به إلا الفاسقين إلى قوله أولئك هم الخاسرون فهذا معنى الضلال المنسوب
إلى الله تعالى لأنه أقام لهم الإمام الهادي لما جاء به المنذر فخالفوه وصرفوا عنه بعد أن أقروا بفرض طاعته
ولما بين لهم ما يأخذون وما يذرون فخالفوه ضلوا هذا مع علمهم بما قاله النبي صلى الله عليه وآله وهو قوله لا تصلوا علي
صلاة مبتورة إذا صليتم علي بل صلوا إلى أهل بيتي ولا تقطعوهم مني فإن كل سبب ونسب منقطع يوم القيامة إلا
سببي ونسبي فلما خالفوا الله تعالى ضلوا وأضلوا فحذر الله تعالى الأمة من اتباعهم وقال سبحانه ولا تتبعوا
أهواء قوم قد ضلوا من قبل وأضلوا كثيرا وضلوا عن سواء السبيل والسبيل ههنا الوصي وقال سبحانه ولا
تتبعوا السبل فتفرق بكم عن سبيله ذلكم وصاكم به لعلكم تتقون فخالفوا ما وصاهم به الله تعالى واتبعوا
أهواءهم فحرفوا دين الله جلت عظمته وشرائعه وبدلوا فرائضه وأحكامه وجميع ما أمروا به كما عدلوا عمن
أمروا بطاعته وأخذ عليهم العهد بموالاته واضطرهم ذلك إلى استعمال الرأي والقياس فزادهم ذلك حيرة والتباسا
ومنه قوله سبحانه وليقول الذين في قلوبهم مرض والكافرون ماذا أراد الله بهذا مثلا كذلك يضل الله من يشاء ويهدي من يشاء

فكان تركهم اتباع الدليل الذي اقام الله لهم ضلالة لهم فصار ذلك كانه منسوب اليه تعالى لما خالفوا امره في
اتباع الامام ثم افترقوا واختلفوا ولعن بعضهم بعضا واستحل بعضهم دماء بعض فماذا بعد الحق الا الضلال
فانى يؤفكون ولما اردت قتل الخوارج بعد ان ارسلت اليهم ابن عباس لاقامة الحجة عليهم قلت يا معشر
الخلائق انشدكم الله ألستم تعلمون ان في القرآن ناسخا ومنسوخا ومحكما ومتشابها وخاصا وعاما
قالوا اللهم نعم فقلت اللهم اشهد عليهم ثم قلت انشدكم الله هل تعلمون ناسخ القرآن ومنسوخه ومحكمه ومتشابهه
وخاصه وعامه قالوا اللهم لا قلت فانشدكم الله هل تعلمون انى اعلم ناسخه ومنسوخه ومحكمه ومتشابهه
وخاصه وعامه قالوا اللهم نعم فقلت من اضل منكم اذ قد اقررتم بذلك ثم قلت اللهم انك تعلم انى
قد حكمت فيهم بما اعلمه ثم قال ع واوصاني رسول الله ص فقال يا علي ان وجدت فئة تقاتلهم فاطلب
حقك والا فالزم بيتك فاني قد اخذت لك العهد يوم غدير خم بانك خليفتي ووصيي واولى الناس بالناس
من بعدي فمثلك كمثل بيت الله الحرام يأتونك الناس ولا تأتيهم يا ابا الحسن حقيق على الله ان يدخل اهل الضلال
الجنة وانما عنى بهذا المؤمنين الذين قاموا في زمن الفتنة على الائتمام بالامام الخفي المكان المستور عن الا
عيان فهم بامامته مقرون وبعروته مستمسكون ولخروجه منتظرون موقنون غير شاكين صابرون
مسلمون وانما ضلوا عن مكان امامهم وعن معرفة شخصه يدل على ذلك ان الله تعالى اذا حجب عن عباده
عين الشمس التي جعلها دليلا على اوقات الصلوة فموسع عليهم تأخير الوقت ليتبين لهم الوقت بظهورها ويستيقنوا
انها قد زالت وكذلك المنتظر لخروج الامام عليه السلام المتمسك بامامته موسع عليه جميع فرائض الله الواجبة
عليه مقبولة منه بحدودها غير خارج عن معنى ما فرض عليه فهو صابر محتسب لا يضره غيبة امامه فمنه خلق الا
ختراع فقوله سبحانه خلق السموات والارض في ستة ايام واما خلق الاستحالة فقوله تعالى يخلقكم في بطون امهاتكم
خلقا من بعد خلق في ظلمات ثلاث وقوله تعالى هو الذي خلقكم من تراب ثم من نطفة ثم من علقة ثم من مضغة
مخلقة وغير مخلقة لنبين لكم ونقر في الارحام ما نشاء الى اجل مسمى واما خلق التقدير فقوله لعيسى عليه السلام
واذ تخلق من الطين كهيئة الطير الاية واما خلق التغيير فقوله تعالى ولآمرنهم فليغيرن خلق الله وسألوه عليه السلام
عن المتشابه في تفسير الفتنة فقال الم احسب الناس ان يتركوا ان يقولوا امنا وهم لا يفتنون اي لا يختبرون و
قوله لموسى ع وفتناك فتونا ومنه فتنة الكفر وهو قوله تعالى لقد ابتغوا الفتنة من قبل وقلبوا لك
الامور حتى جاء الحق وظهر امر الله وهم كارهون وقوله تعالى والفتنة اكبر من القتل يعني ههنا الكفر وقوله
سبحانه في الذين استأذنوا رسول الله صلى الله عليه وآله في غزاة تبوك ان يتخلفوا عنه من المنافقين فقال

فمنهم ومنهم من يقول ائذن لي ولا تفتني الا في الفتنة سقطوا يعني انه نحو ذلك ولا تكفرني فقال عز وجل الا في الفتنة سقطوا وان جهنم
لمحيطة بالكافرين ومنه فتنة العذاب وهو قوله تعالى يوم هم على النار يفتنون اي يعذبون ذوقوا فتنتكم هذا الذي كنتم به تستعجلون
اي ذوقوا عذابكم ومنه قوله تعالى ان الذين فتنوا المؤمنين والمؤمنات ثم لم يتوبوا اي عذبوا المؤمنين ومنه فتنة المحبة للمال والولد
كقوله تعالى انما اموالكم واولادكم فتنة اي انما حبكم لها فتنة لكم ومنه فتنة المرض وهو قوله سبحانه اولا يرون انهم يفتنون
في كل عام مرة او مرتين ثم لا يتوبون ولا هم يذكرون اي يمرضون ويعتلون وسالوه صلوات الله عليه وآله عن المتشابه في القضاء
فقال هو عشرة اوجه مختلفة المعنى فمنه قضاء فراغ ومنه قضاء عهد ومنه قضاء اعلام ومنه قضاء فعل ومنه قضاء
ايجاب ومنه قضاء كتاب ومنه قضاء اتمام ومنه قضاء حكم وفصل ومنه قضاء خلق ومنه قضاء نزول الموت فاما
تفسير قضاء الفراغ من الشيء فهو قوله تعالى واذ صرفنا اليك نفرا من الجن يستمعون القرآن فلما حضروه قالوا انصتوا فلما
قضي ولوا الى قومهم منذرين معنى فلما قضي اي لما فرغ وكقوله فاذا قضيتم مناسككم فاذكروا الله واما قضاء العهد فقوله تعالى
وقضى ربك الا تعبدوا الا اياه اي عهد ومثله في سورة القصص وما كنت بجانب الغربي اذ قضينا الى موسى الامر اي عهدنا
اليه واما قضاء الاعلام فهو قوله تعالى وقضينا اليه ذلك الامر ان دابر هؤلاء مقطوع مصبحين وقوله سبحانه وقضينا
الى بني اسرائيل في الكتاب لتفسدن في الارض مرتين اي اعلمناهم في التورية ما هم عاملون واما قضاء الفعل فقوله تعالى في سورة
طه فاقض ما انت قاض اي افعل ما انت فاعل ومنه في سورة الانفال ليقضي الله امرا كان مفعولا اي يفعل ما كان في علمه السابق
ومثل هذا في القرآن كثير ومنه قضاء الايجاب للعذاب كقوله تعالى في سورة ابراهيم وقال الشيطان لما قضي الامر اي لما وجب
العذاب ومثله في سورة يوسف قضي الامر الذي فيه تستفتيان معناه اي وجب الامر الذي عنه تسالان واما قضاء الكتاب والحتم
فقوله تعالى في قصة مريم وكان امرا مقضيا اي معلوما واما قضاء الاتمام فقوله تعالى في سورة القصص فلما قضى موسى الاجل اي فلما اتم
شرطه الذي شارطه عليه وكقول موسى عليه السلام ايما الاجلين قضيت فلا عدوان علي معناه اذا اتممت واما قضاء الحكم
فقوله تعالى وقضي بينهم بالحق وقيل الحمد لله رب العالمين اي حكم بينهم وقوله تعالى والله يقضي بينهم بالحق والذين يدعون من دونه
لا يقضون بشيء ان الله هو السميع العليم وقوله سبحانه والله يقضي بالحق وهو خير الفاصلين وقوله تعالى في سورة يونس وقضي بينهم
بالقسط واما قضاء الخلق فقوله سبحانه فقضاهن سبع سموات في يومين اي خلقهن واما قضاء انزال الموت فكقول اهل النار
في سورة الزخرف وقالوا يا مالك ليقض علينا ربك قال انكم ماكثون اي لينزل علينا الموت ومثله لا يقضى عليهم فيموتوا
ولا يخفف عنهم من عذابها اي لا ينزل عليهم الموت فيستريحوا ومثله في قصة سليمان بن داود ع فلما قضينا عليه الموت
ما دلهم على موته الا دابة الارض تاكل منساته يعني تعالى لما انزلنا عليه الموت وسالوه ع عن اقسام النور في القرآن قال النور
القرآن والنور اسم من اسماء الله تعالى والنور التورية والنور القمر والنور ضوء المؤمن وهو الموالاة التي تلبس لها بها نورا يوم القيامة

(جواهر مكنونه)

والنور في مواضع من التورية والانجيل والقران حجة الله عزوجل على عباده وهو المعصوم ولما كلم الله تعالى موسى بن عمران ع اخبر بني اسرائيل
فلم يصدقوه فقال لهم وما الذي يصحح ذلك عندكم قالوا اسماعه قال فاختاروا سبعين رجلا من خياركم فلما اخرجهم معه وقفهم وتقدم
فجعل يناجي ربه سبحانه ويعظمه فلما كلمه قال لهم اسمعتم قالوا بلى ولكنا لا ندري اهو كلام الله ام لا فليظهر لنا حتى نراه فنشهد لك
عند بني اسرائيل فلما قالوا ذلك صعقوا فماتوا فلما افاق موسى ع مما تغشاه وراهم جميعا وظن انهم انما هلكوا بذنبه بني اسرائيل فقال
يا رب اصحابي واخواني آنست بهم وآنسوا بي وعرفتهم وعرفوني افتهلكنا بما فعل السفهاء منا ان هي الا فتنتك تضل بها من تشاء
وتهدي من تشاء انت ولينا فاغفر لنا وارحمنا وانت خير الغافرين فقال تعالى عذابي اصيب به من اشاء ورحمتي وسعت كل شيء
الى قوله سبحانه النبي الامي الذي يجدونه مكتوبا عندهم في التورية والانجيل يامرهم بالمعروف وينهيهم عن المنكر ويحل لهم الطيبات
ويحرم عليهم الخبائث ويضع عنهم اصرهم والاغلال التي كانت عليهم فالذين امنوا به وعزروه ونصروه واتبعوا النور الذي
انزل معه اولئك هم المفلحون فالنور في هذا الموضع هو القران ومثله في سورة التغابن قوله تعالى فامنوا بالله ورسوله والنور الذي
انزلنا يعني سبحانه القران وجميع الاوصياء المعصومين حملة كتاب الله عزوجل وخزنته وتراجمته الذين نعتهم الله في كتابه فقال
وما يعلم تاويله الا الله والراسخون في العلم يقولون امنا به كل من عند ربنا فهم المنعوتون الذين انار الله سبحانه بهم البلاد وهدى
بهم العباد قال الله في سورة النور الله نور السموات والارض مثل نوره كمشكوة فيها مصباح المصباح في زجاجة الزجاجة كانها كوكب دري
الاية والمشكوة رسول الله ص والمصباح الوصي والاوصياء والزجاجة فاطمة والشجرة المباركة رسول الله ص والكوكب الدري
القائم المنتظر الذي يملأ الارض عدلا ثم قال تعالى يكاد زيتها يضيء ولو لم تمسسه نار اي يكاد ينطق به ناطق ثم قال تعالى نور على نور
يهدي الله لنوره من يشاء ويضرب الله الامثال للناس والله بكل شيء عليم ثم قال في بيوت اذن الله ان ترفع ويذكر فيها اسمه يسبح
له فيها بالغدو والاصال رجال لا تلهيهم تجارة ولا بيع عن ذكر الله واقام الصلوة وايتاء الزكوة وهم الاوصياء قال الله تعالى في سورة
الانعام في ذكر التورية والقران قل من انزل الكتاب الذي جاء به موسى نورا وهدى للناس وقال الله تعالى في سورة يونس هو الذي
جعل الشمس ضياء والقمر نورا ومثله في سورة نوح قوله تعالى وجعل القمر فيهن نورا وقال سبحانه الحمد لله الذي خلق السموات والارض وجعل الظلمات والنور
يعني الليل والنهار وقال سبحانه في سورة البقرة الله ولي الذين امنوا يخرجهم من الظلمات الى النور يعني من ظلمة الكفر الى نور الايمان فسمى الايمان ههنا نورا ومثله
في سورة ابراهيم لتخرج الناس من الظلمات الى النور وقال عزوجل في سورة براءة يريدون ليطفئوا نور الله بافواههم يعني نور الاسلام بكفرهم وجحودهم وقال سبحانه
في سورة النساء وانزلنا اليكم نورا مبينا يهدي الله لنوره من يشاء وقال سبحانه في سورة الحديد في ذكر المؤمنين يسعى نورهم بين ايديهم وبايمانهم
بشريكم اليوم جنات تجري من تحتها الانهار وفيها انظرونا نقتبس من نوركم اي نمشي في ضوئكم ومثل هذا في القران كثير وسالوه ع عن اقسام الامة في كتاب الله تعالى
فقال قوله تعالى كان الناس امة واحدة اي على مذهب واحد في الجهالة فبعث الله النبيين مبشرين ومنذرين ومنها الامة اي الوقت المؤقت كقوله سبحانه
وتعالى في سورة يوسف وقال الذي نجا منهما وادكر بعد امة اي بعد وقت وقوله سبحانه ولئن اخرنا عنهم العذاب الى امة معدودة وقوله تعالى والامة
قوله تعالى وجد عليه امة من الناس يسقون والامة ائمة من المؤمنين منه قوله تعالى ان ابراهيم كان امة والامة جميع دواب وطير لقوله تعالى وما من دابة

[illegible]

در کتاب فضائل امیر المؤمنین علیه السلام آیة الله زاده مرعشی نجفی
نوشته شده ابن المغازلی شافعی داستان خوبی نوشته ابوحسن علی
فرزند محمد فرزند شرفیه گفت قاضی عدل جمال الدین نعمت الله فرزند
علی فرزند احمد فرزند عطار در روز جمعه پنجم ذیقعده سنه ۵۸۰ در
شهر واسط در وداقین در مغازه من حضور پیدا کردند و نیز امیر
اشرف الدین ابوشجاع فرزند عنبری شاعر نزد ما حاضر شد شرف
الدین از قاضی جمال الدین خواست که مناقب و فضائل مولای متقیان
را بار بخواند ـ و سپس از روی دو نسخه ای که با خط خودم در مغازه
ام در آن روز بود بخواندن شروع کرد که جمعیتی بدورشان گرد آمدند
که ناگاه ابونصر قاضی عراق و ابوعباس فرزند زنبقه از آنجا عبور
کردند و آنها بعدالت مشهور بودند پس ایستادند و خواندن مناقب
را بر او انکار کردند و غوغائی بپا نمودند و ابونصر قاضی عراق در مسخره
و استهزاء پررویی زیاده روی کرده و در ضمن گفتارش با طریق استهزاء
گفت ای قاضی در هر روز جمعه بعد از نماز برای ما برنامه و وظیفه ای تعیین کن
تا مقداری از این مناقب را در مسجد جامع بشنوم قاضی نعمت الله فرزند
عطار گفت شما قابلیت آن را ندارید شما بدرب خطیب حاضر شده گفتند
علی علیه السلام سوره ای از کتاب خدا را حفظ نکرده است در حالیکه مناقب
مشتمل بر این اهمیت که در میان صحابه قاری تر از علی بن ابی طالب علیه السلام
وجود ندارد شما اهل این حرفها نیستید پس آن دو نفر غوغا و مسخره
بیشتر نمودند قاضی نعمت الله از حوصله در آمد و مضطرب شده و در حضور
جمعیتی که در آنجا ایستاده بودند گفت پروردگارا اگر برای اهل بیت پیامبر
در پیشگاه تو عزت و حرمتی هست خانه او را بر زمین فرو بر و عقوبت او را
بر دیگران نشان بده صبح نمودند و در بامداد روز شنبه ششم ذیقعده
از سال ۵۸۰ خداوند خانه اش را فرو برد خانه و جمیع ساختمانی که بالای
دجله بود به دجله افتاد و تمام دارائی و اموال و اثاث و بار چه شده را آب
گرفت از شگفت انگیزترین چیزهای است که امروز از مناقب آل محمد
علیهم السلام مشاهده شده است نقل از کتاب اسرار آل محمد ع صفحه ۳۵

(جواهر الكلم)

تامل حديث المقام الكريم في المعاني عن الصادق ع الم هو حرف من حروف اسم الله الاعظم المقطع
في القرآن الذي يؤلفه النبي او الامام فاذا دعا به اجيب اقول وتحقيق الحق في ذلك يتوقف على
بيان مقدمات الاولى هذا مع الحاج قال السلطان العارف الشيخ محي الدين العربي في الفتوحات
المكية الوجود مطلق من غير تقييد متضمن المكلف وهو الحق تعالى والمكلفين وهم العالم والحروف جامعة
لكل ما اردنا ان نبين مقام المكلف من هذه الحروف والمكلفين من وجه دقيق حقيقي لا يتبدل عند اهل الكشف
اذا عثروا عليه وهو مستخرج من البسائط التي عنها تركيب هذه الحروف التي تسمى حروف المعجم لانها اعجمت على
الناظر فيها معناها ولما وقفنا على بسائط الحروف وجدناها على اربع مراتب حروف مرتبتها سبعة افلاك وهي
الالف والراء والدال واللام وحروف مرتبتها ثمانية افلاك وهي النون والصاد والضاد وحروف
مرتبتها تسعة افلاك وهي العين والغين والسين والشين وحروف مرتبتها عشرة افلاك وهي
باقي الحروف المعجم وهي ثمانية عشر حرفا فكل حرف يتركب على عشرة كما ان كل حرف من تلك
الحروف منها ما هو على تسعة افلاك وعلى ثمانية وعلى سبعة لا غير كما ذكرنا فعدد الافلاك التي
وجدت عنها هذه الحروف وهي البسائط التي ذكرناها مائتان وحد وستون فلكا واما المرتبة السبعية
فالراء واللام منها دون الالف فطبعها الحرارة واليبوسة واما الالف فطبعها الحرارة
والرطوبة واليبوسة والبرودة ترجع الى الحرارة مع الرطب رطبة ومع البارد باردة ومع اليابس
يابسة على حسب ما يجاوره من العوالم واما المرتبة الثمانية فمحدودها كلها يابسة واما المرتبة التسعية
فالعين والغين منها طبعها البرودة واليبوسة واما السين والشين فطبعها الحرارة واليبوسة
واما المرتبة العشرية فمحدودها كلها يابسة الا الهاء والحاء فانهما باردتان يابستان والدال
الهاء والهمزة فانهما باردتان رطبتان فعدد الافلاك التي عن حركاتها توجد الحرارة
مائة فلك وثلاثة افلاك وعدد الافلاك التي عن حركاتها توجد اليبوسة مائتا فلك وحد

(لآلی مخزونه)

واربعون فلك وعدد الافلاك التي عن حركاتها توجد البرودة خمسة وستون فلك وعدد
الافلاك التي توجد عن حركاتها الرطوبة سبعة وعشرون فلك مع التوالج والتداخل التي فيها
على حسب ما ذكرناه انفا فسبعة افلاك توجد عن حركتها العناصر الاول الاربعة ومنها توجد
حرف الالف خاصة ومائة وتسعة وتسعون فلك توجد عن حركتها الحرارة واليبوسة خاصة لا توجد
عنها غيرها البتة وعن هذه الافلاك يوجد حرف الباء والجيم والدال والواو والزاء
والطاء والياء والكاف واللام والميم والنون والصاد والفاء والراء والسين والتاء
والثاء والظاء والشين وثمانية وثلاثون فلك يوجد عن حركتها البرودة واليبوسة خاصة
وعن هذه الافلاك يوجد حرف العين والحاء والغين اي وعشرون فلك توجد عن حركتها البرودة
والرطوبة خاصة وعن هذه الافلاك يوجد حرف الهاء والهمزة واما اللام الف ممتزج
عن السبعة والمائة والستة والتسعين اذا كان مثل قوله تعالى لا يمسهم السوء ولا هم
يحزنون فاذا كان قوله تعالى لانتم اشد رهبة وامتزاجه من المائة والستة والتسعون
ومن العشرين وليس في العالم فلك يوجد عنه الحرارة والرطوبة خاصة دون غيرها وان نظرت
في طبع الهواء عرفت على الحكم التي منعت ان يكون له فلك مخصوص لها انه ما ثم فلك يوجد عنه
واحد من هذه العناصر الاول على انفراده فالماء والهواء يدور بها الفلك الرابع ويقطع الفلك
الاقصى في احد عشر الف سنة وباقي الحروف يدور بها الفلك ويقطع الفلك الاقصى في
اثنى عشر الف سنة وهي على منازل في الافلاك منها ما هو على سطح الفلك ومنها ما هو في
مقعر الفلك ومنها ما هو بينهما ولولا التطويل لبينا منازلها وحقائقها ولكن سنلقي من ذلك
ما يتعلق في الباب الستين من ابواب هذا الكتاب عند كلامنا في معرفة العناصر وسلطان
العالم السفلي وفي اي دورة كان وجود هذا العالم الذي نحن فيه الذي يخرج راءات الفلك

الأقصى وأين روحانيته نظرنا فلنقبض العنان حتى يصل موضعه ان الله تعالى فلنرجع ونقول
ان المرتبة السبعية التي لها الزاي والألف واللام صعب ما حظ الحضرات الالٰهية المكنفة
من حروف المعجم وان المرتبة الثمانية التي هي النون والصاد والضاد صعب ما حظ
الكان من علم الحروف وان المرتبة العشرية وهي المرتبة الثالثة من المراتب الأربعة
التي هي في الحروف صعب ما حظ الملائكة من علم الحروف وانما صعب هذه الموجودات الأربعة
لهذه الأربع المراتب من الحروف على هذا التقسيم لحقايق عسرة المدرك يحتاج ذكرها وبيانها
الى ديوان بنفسه ولكن قد ذكرناه مستوفى في كتاب المبادي والغايات لما يحوي عليه حروف
المعجم من العجائب والآيات وهو بين ايدينا ما كمل وما قيد منه الأوراق متفرقة يسيرة ولكن
سنذكره منه في هذا الكتاب لمحة بارقة ان شاء الله تعالى فحضت الأربعة للجن الذي لحقتهم عليها
وهي التي ادتهم لقولهم فيما خبر الحق تعالى عنهم ثم لآتينهم من بين ايديهم ومن خلفهم وعن
ايمانهم وعن شمائلهم وفرغت حقايقهم ولم يبق لهم حقيقة خامسة يطلبون بها مرتبة
رابعة ولا يعتقد ان يكون لهم العلو وما يقابله فان الحقيقة تأبى ذلك على ما قررناه في
كتاب المبادي والغايات فيما يحوي عليه حروف المعجم من العجائب والآيات فهو بين ايدينا
وبين فيه لم اختصوا بالعين والغين والسين والشين وان غيرها من الحروف والمناسبة
التي بين هذه الحروف وبينهم وانهم موجودون من غير الأفلاك السالك عنها وصدرت هذه الحروف
وحصل للحضرة الالٰهية من هذه الحروف ثلاثة حقايق هي عليها ايضا وهي الذات والصفة و
والحقيقة الرابطة بين الذات والصفة هي القبول لأن الصفة لها تعلق بالموصوف
بها وبمتعلقها الحقيقي لها كالعلم يرتبط بنفسه بالعالم وبالمعلوم والإرادة ترتبط
بنفسها بالمريد بها والمراد لها والقدرة ترتبط بنفسها بالقادر بها والمقدور

(لآلي منثورة)

لها وكذلك جميع الحروف ترتبط بنفسها بالمزيد بها وبالمراد والأسماء وكانت الحروف
التي خصصت بها الألف والزاي واللام يدل على معنى القدم وهو قولك ازل بسائط هذه الحروف
واحدة فما أعجب الحقائق لمن وقف عليها فانه تتنزه فيها بحكمة العزيز وتضيق صدور بعض الناس وقد
تكلمنا في المناسبة التي بين هذه الحروف وبين الحضرة الالهية في الكتاب المذكور
وكذلك حصل للحضرة الانسانية من الحروف ثلاثة الف كما حصل للحضرة الالهية
غير انها حرف النون والصاد والضاد ففارقت الحضرة الالهية من جهة موادها فان
العبودية لا تشرك الربوبية فالحقائق التي تكون بها الاله كما ان بحقائقها تكون العبد
مالوها فلو وقع الاشتراك في الحقائق لكان الاله عبدا او عبدا الها وهذا لا يصح ابدا
فلا بد ان تكون الحقائق متباينة ولهذا يأتيهم بقدمه كما يأتيهم بحدوثهم ولم يعين بايهم
نعلمه كما يأتيه بعلمهم فان ذلك العلم وجد قديما في القديم محدثا في المحدث واجتمعت الحضرتين
في ان كل واحد منهما معقولة من ثلاث حقائق ذات وصفة وحقيقة رابطة بين الصفة
والموصوف غير ان العبد له ثلاثة احوال حالة مع نفسه لا غير وهو الوقت الذي يكون فيه
نائما الفتى عن كل شيء وحالة مع الله وحالة مع العالم وان الباري تعالى بين فان له وصفين
وصف من اجله ووصف من اجل خلقه وليس فوقه موجود فيكون تعالى له وصف يتعلق به فهذا
بحر آخر ان خضت فيه لاحت امور لا يطاق سماعها وقد ذكرنا المناسبة بين النون والصاد والضاد
والالف واللام التي للاشكال وبين الالف واللام التي للحضرة الالهية في كتاب المبادي والغايات
وان كانت حروف الحضرة الالهية عن سبعة افلاك والانسانية عن ثمانية افلاك فان
هذا لا يقدح في المناسبة لبين الاله والمالوه ثم انه في نفس النون المحسوسة التي هي شطر
الفلك من العجائب للقدر سماعها الذي تشدد عليه سير وتحقق بروح الموت الذي

لا یتصور من قام به اعتراض ولا یتطلع وکذلک فی نفس نقطة النون اول دلالة النون الروحانیة المعقولة
فوق شکل النون التی ای هی النصف من الدایرة والنقطة الموصولة بالنون المحسوسة الموضوعة اول الشکل
التی هی مرکز الالف المعقولة التی بها قطر الدایرة والنقطة الاخیرة التی ینقطع عندها النون هی رأس الالف
المعقولة فیقدر فی مهامن رقدتها فترکک علی النون فیجیئ منها شکل اللام معروف والنون شبه الزای و
الالف المذکورة فتکون النون کما هی تعطیک الازل الذی ذکرها عطف الالف والزای واللام فی الحق
غیر انه فی الحق ظاهر لانه بذاته ازلی لا اول له ولا مفتتح لوجود فی ذاته بلا ریب والالف ان ضعف فیه
الازل الا ان الازل لیس ظاهرا فی ذاته وانما صح فیه الازل لوجه ما من وجوه وجوده فان الوجود
یطلق علیه الوجود فی اربع مراتب وجود فی الذهن ووجود فی العین ووجود فی اللفظ ووجود فی الرقم و
سیئ تذکر هذا فی الکتاب انشاء الله تعالی من جهة وجوده علی صورته التی وجد علیها فی عینه فی
العلم القدیم الازلی فهو موجود اذ لا نهایة العلم المتعلق به کالتحیز للعرض بسبب قیامه بالجوهر حضار
سیجز با التبعیة فلهذا صح فیه الازل ولحقایقه هیف الازلیة المجردة عن الصورة العینیة المعقولة
التی تقبل العدم والحدوث علی حسب ما بینا ما فی کتاب انشاء الدوایر والمدارک والجداول اذا شئت
الحاجة الیه فی نظره هناک مستوفی وسنذکر منه طرفا فی هذا الکتاب فی بعض الابواب وظهور ما ذکرناه
من سر الازل فی النون هو فی الصاد والقاف دائم واکمل لوجود کمال الدایرة وکذلک تجمع حقایق
الالف والزای واللام التی تلحق الی حقایق النون والصاد والضاد التی للعبد ویرجع الحق
یقیف بهذا الکشراته مسف عن کشفها فی الکتاب ولکن نظهره العارف بین اقرانه فی
علمه ومشربه او مسلم فی الکمال درجات التسلیم وهی حرام علی غیر هذین الصنفین فحقق ما ذکرناه لک
وتنبه یبدلک من العجایب التی تبهر العقول حسن جماله ونعت للملائکة فی الحروف المعجم وهی ثمانیة
عشر حرفا الباء والجیم والدال والهاء والحاء والیاء والکاف والمیم والطاء والقاف

(لآلي مجرد)

والراء والتاء والثاء والواو والفاء والذال والهاء وهي في الحضرة الثنائية كالحضرة الآحادية

على ثلاث مراتب ملك وملكوت وجبروت وكل واحد من هذه الثلاثة ينقسم الى ثلاث فهي تسعة

للعدد فخذ ثلاثة الشهادة فتضربها في التسعة المجموعة من الحضرة الآحادية والثنائية او في التسعة

الايام المقدرة التي منها اوجدت الثلاثة الحقية الثلاثة الخلقية فيخرج لنا ثمانية عشر وهو وجود

الملك وكذلك يعمل في الحق بهذه المثابة فالحق له تسعة افلاك للاخلاق والاول له تسعة افلاك

فتمتد من كل حقيقة من التسعة الحقية رقائق الى التسعة الخلقية وتنعطف من التسعة الخلقية رقائق على التسعة

الحقية فحيث ما صحبت كان الملك فذلك لا يقبل الانقطاع وجدت هنالك وذلك الامر الزائد هو الملك فان اراد

ان يميل بكليته نحو التسعة الواحدة جذبته الاخرى فهو يتردد ما بينهما ينزل من حضرة ذي الجلال والاكرام

على محمد وان حقيقة الملك لا يصح فيها الميل فانه منشأ الاعتدال بين التسعتين والميل انحراف ولا

انحراف عنده ولكنه يتردد بين الحركة المنكوسة والمستقيمة فان جاءه وهو فاقد فالحركة المستقيمة ذاتية

وعرضية وان رجع عنه وهو واجد فالحركة منكوسة عرضية لا ذاتية وقد تكون الحركة من الى [illegible] مستقيمة ابدا

ومن الى [illegible] منكوسة ابدا وسيأتي الكلام عليها في هذا الكتاب وانحصارها في ثلاث منكوسة ومعوجة ومستقيمة

فهذه نكتة غيبية ثم ارجع واقول ان التسعة هي السبعة وذلك ان عالم الشهادة هو في نفسه برزخ وذلك

واحد فذلك اثنان وله باطن فذلك ثلاث ثم عالم الجبروت برزخ في نفسه فذلك واحد وهو الرابع ثم له ظاهر

وهو باطن عالم الجبروت وله باطن وهو السابع وليس ثم غيرها وهذه صورة السبعة والتسعة فخذ الثلاثة فتضربها

في السبعة فيكون احد وعشرين فتخرج الثلاثة الذاتية فيبقى ثمانية عشر وهي مقام الملك [illegible]

التي منها يتبعض الكون الوارد وكذلك تفعل بالثلاثة الحقية تضربها في السبعة فيكون احد وذلك التي منها

يتبعض الحق على عبده ما شاء من الموارد فان اخذها من جانب الحق فتلك الافلاك الالهية وان اخذها من

جانب الكون فتلك الافلاك الكونية وان اخذتها منهما جميعا فتلك تسعة الحق للاخلاق والاخرى للتخلق وهما

(جواهر سکنوند)

حصد الملك ولهذا اما اوجد الحق تسعة افلاك السموات السبعة والكرسي والعرش تتميم سبقت في اول هذا الفصل
ان يكون بالحرارة والرطوبة فلك ولم يذكر السبب فلنذكر منه طرفا في هذا الباب حتى نستوفيه في داخل الكتاب ان شاء الله تعالى
وسأذكر في هذا الباب بعد هذا التتميم ما يكون من الحروف حارا رطبا وذلك لانه دار به فلك عليين الفلك الذي ذكرنا في اول
الباب فاعلم ان الحرارة والرطوبة هي الحيوة الطبيعية فلو كان لها فلك كما للامهات في الامزجة لا نقضت دورة
ذلك الفلك وزال سلطانها كما ينقض بالحياة الوضعية وكانت تتقدم او تنقل وحقيقتها تقتضي بان لا تتقدم فليس لها
فلك فهذا ابدا ان ترى تعالى ان الدار الآخرة هي الحيوان محضا وملك الحيوة الابدية الحيوة الذاتية منها وليس لها فلك
تنقضي دورته فالحيوة الذاتية التي لا يصح لها نقض فالحيوة الابدية المشروطة بالحيوة الذاتية لا يصح لها
انقضاء الا ترى ان الارواح لما كانت حياتها ذاتية لها لم يصح فيها موت البتة ولما كانت الحيوة في الاجسام
بالعرض قام بها الفناء بالموت فان حيوة الجسم من آثار حيوة الروح كنور الشمس الذي في الارض من الشمس فاذا
مضت الشمس تبعها نورها وبقيت الارض مظلمة كذلك الروح اذا رحل الجسم للعالم الذي جاء منه تبعته الحيوة
المنتشرة منه في الجسم الحي وبقي الجسم في صورة الحيوة في راي العين فيقال مات فلان وتقول الحقيقة رجع الى
اصله منها خلقناكم وفيها نعيدكم ومنها نخرجكم تارة اخرى كما رجع نصف الروح الى اصله حتى اذا كان يوم البعث
والنشور يكون من الروح تجل للجسم بطريق العشق فتنتظم اجزاؤه وتتركب اعضاؤه بحياة لطيفة من الحركة
الاعضاء بتاليف الحكيم من التفات الروح فاذا استوت البنية وقامت النشأة الترابية يتجلى له الروح
بالرقيقة الاسرافيلية في الصور المحيط فتسري الحيوة في اعضائه ويقوم شخصا سويا كما كان اول مرة ثم نفخ فيه
اخرى فاذا هم قيام ينظرون واشرقت الارض بنور ربها كما بدأكم تعودون فتحيا الذي نشأ اول
مرة فاما شقي واما سعيد والله ... ان في امتزاج هذه الاصول عجب من الحرارة والبرودة ضدان فلا يمتزجان
واذا لم يمتزجا لم يكن عنهما شيء وكذلك الرطوبة واليبوسة وانما لم يمتزج ضد الضد بضد الضد الاخر فقد يتولد
عنهما ابدا الاربعة كما هي اربعة ولهذا كانت اثنان ضدين لا شيئين فلو لم تكن على هذا لكان التركيب

منها اكثر ما تعطيه حقايقها ولا يصح ان يكون التركيب اكثر من اربعة اصول فان الاربعة هي اصول العدد فالثلاثة
التي هي في الاربعة مع الاربعة سبعة والاثنان التي فيهما من هذه السبعة تسعة والواحد الذي في الاربعة
مع هذه التسعة عشرة وركب ما شئت بعد هذا او ما تجد عددا لا يعطيك هذه الاربعة كما لا تجد عددا الا حاله التسعة
فامتزجت الحرارة واليبوسة فكان نارا او الحرارة والرطوبة والبرودة فكان الماء والرطوبة واليبوسة فكان
التراب ثم نظر في تكوين الهواء عن الحرارة والرطوبة وهو النفس التي هي الحيوة الحسية وهو المحرك لكل شئ
للماء وللارض وللنار وحركته تحرك الاشياء لانه الحيوة لان الحركة اثر الحيوة وهذه الاربعة الاركان
المتولدة عن الامهات الاول ثم لتعلم ان حكم الامهات الاول تعطي والمركبات حقايقها لا غير
من غير امتزاج فالتسخين لا يكون الا عن الحرارة لا غير والتخفيف والتقبض لا يكون الا عن اليبوسة فاذا
رايت النار قد ايبست الماء فلا تجعل ان الحرارة جففته فان النار مركبة من حرارة ويبوسة كما تقدم بالحرارة
التي فيها سخن الماء واليبوسة تجففت فهذه الاسباب متنافرة لا تجتمع ابدا الا في الصورة ولكن على
حسب ما تعطيه حقايقها ولا توجد منها في صورة ابدا واحد ولكن يوجد اثنان اما حرارة ويبوسة كما تقدم من
تركيبها واما ان توجد الحرارة وحدها فلا لانها لا تكون عنها على انفرادها الذي وصل فان الحقايق
على قسمين حقايق توجد مفردات في العقل كالحيوة والعلم والنطق والحس وحقايق توجد بوجود التركيب
كالسماء والعالم والانسان والحجر فان قلت فما السبب الذي جمع الامهات المتنافرة حتى ظهر منها
ما ظهر فهذا سر عجيب ومدرك صعب يحرم كشفه لانه لا يطيق حمله للعقل لا يعقله ولكن قول اراد سبحانه
ان يوجد لما سبق في علمه خلق العالم وانها حيث اكثره وحده ان شئت فالفها ولم تكن موجودة في اعيانها
ولكن اوجدها مؤلفة لم يوجدها مفردة ثم الفها فان حقايقها تاباه ذلك فاوجد الصورة التي هي عبارة
عن تأليف حقيقتين من هذه الحقايق فتصورت كانها كانت موجودة متفرقة ثم الفت فظهر التاليف
لم تكن في وقت افتراقها فالحقايق تعطي ان هذه الامهات لم يكن لها وجود في اعيانها البتة

(جواهر مکنونه)

قبل وجود الصور المرکبة عنها فلما اوجد هذه الصورة التی هی الماء والنار والهواء والارض وصل بعضها الی بعض فیستحیل
بعضها الی بعض فعود النار هواء والهواء نارًا کما تنقلب التراب طاء والسین صادًا الالف الفلک الذی وجدت
عنه حرف الثاء والتاء وصاعد رأس الجیم ونصف تعریف اللام والرأس الحاء ونقط التاء والدال والیاء
والنون والمیم والفلک الذی وجد عنه حرف الشین والغین والطاء والراء والضاد ورأس الیاء
ومدة جسد الفاء دون رأسها ورأس القاف وشیئ من تعریفه دایرة الکاف الاعظم والفلک الذی وجد
عنه الهواء وجد عنه طرف الحاء الاخری الذی یعتمد دایر تصور رأس القاف وتعریف الحاء علی حکم نصف الدائرة
ونصف دائرة الکاف الکل مع قائمته وحرف الذال والعین والزای والصاد والواو والفلک الذی وجد
عنه حرف النار وجد عنه حرف الهمزة والکاف والتاء والسین والزای ورأس الجیم وجسد الیاء وحرف
رأسها ووسط اللام وجسد القاف حرف رأسه وفی حقیقة الالف صدرت هذه الحروف کلها وهو فلکها
روحًا وجسدًا وکذلک ثم وجود خامس هو اصل لهذه الارکان وفی هذا اختلاف بین اصحاب علم الطبایع
ذکره الحکیم فی کتاب الاسطقسات ولم یأت شیئ یعقب انظار عنده ولم نعرف هذا الا من قراءتی لعلم الطبایع
علی اهله وانما دخل به عندی صاحب وهو فی یده وکان مشتغل بعلم الطب فسألته ان اشتبه لی من جهته
علم بهذه الاشیاء من جهة الکشف من جهة القراءة والنظر فقرأته علینا فوقفت علی هذا الاختلاف الذی
اشرت الیه فمن هناک علمته ولولا ذلک ما عرفت هو خالف فیه اقدام لان ما عندنا غیر الا ان الحق وما عندنا
مختلف ان الحق فی الی الذی یأخذ العلوم بخلو القلب عن الفکر والاستعداد لقبول الوارد هو الذی
یطلع الشیئ علی امر عظیم اجمال والحیرة لنعرف الحقایق علی ما هی علیه سواء کانت الحقایق المفردات
او الحقایق الدالة المحدثات والکیفیات او الحقایق الالهیة لا یمتری فی شیئ منها فمن هناک هو علم فالحق
سبحانه یعلمه علی درجتها بنویها محفوظًا معصومًا من الخلل والاختلال ولذلک قال الله تعالی وما علمناه الشعر وما ینبغی
له محل الاجمال والرمز واللغز والتوریة ای ما رمزنا له شیئًا ولا لغزنا ولا خاطبناه بشیئ ونحن نرید شیئًا

(لآلی مخزونه)

آخر ولا احلب له الخطاب ان هو الا ذكر لما شاهده حين جذبناه وغيبناه عنه وحضرنا بنا عندنا ثم
ثم رددناه الحكيم ليهتدوا به في ظلمات الجهل والكون فانزلناه عليه فذكر الذي ذكره بما شاهده فنحو ذكرنا بذلك
ودان الى جميع اشياء كان شاهدها عندنا مبين ظاهر له لعله يحصل ما شاهده وعاينه في ذلك التقريب الانزه
الاقدس الذي نال منه جودنا منه من الطاعة في صفاء المجد والتحقيق والتقوى فمن علم ان
الطبايع والعالم المركب منها في غاية الافتقار والاحتياج لا الاستقلال في حطها عباينها وتاليفها علم ان
السبب هو حقايق الحضرة الالهية للاشياء الحسن والاوصاف العلاكيفية بحسب باطنه حقايقها وقد بينا
هذا الفصل على الاستيفاء في كتاب اخر والجداول والدوائر وسنذكر منها طرفا في هذا الكتاب فهذا هو سبب الكل
القديم الذي لم يزل مؤلف الامهات مولد البنات فسبحانه سبحانه خالق الارض والسموات ذي [illegible]
انتهى الكلام المطلوب في هذا الكتاب على الحروف بوجهته المكشف والمكشفين وحظها منهم وحركتها في الافلاك
السداسية المضاعفة وعينا سنى دورها في فلك الافلاك وحظها من الطبيعة بحركة تلك الافلاك
ومراتبها الاربعة في المكشف والمكشفين بحسب قسم الحاتم ولهذا كانت افلاك نقطها على نوعين فالنقط
التي يقتصر بها حقايق عامة العقلاء على اربعة حروف الحي التي عن الافلاك السبعية وحروف الانس
عن الثمانية وحروف الملك عن التسعة وحروف الجن عن العشرة وليس ثم قسم زائد عندهم لقصورهم عن
ادراكه لانهم تحت قهر عقولهم والمعقول تحت قهر سيدهم الملك الحق سبحانه وتعالى فلما عندهم من الكشف
ماليس عند الغير فنقط المعقول على ستة مراتب مرتبة للكشف الحق فلا النون وهي ثنائية فان الحق
تعالى لا يعلم الا من وهو معبودنا ولا يعلم الانسان فلهذا كان له النون التي هي ثنائية فان له نقطها
اثنان الواو والالف فالالف له والواو للملك وما في الرجعة عنهما الروحانيات اذا انت الحقيقة ولهذا
الالف تام والواو ممتزجة لما سيأتي ذكره في هذا الباب ودورة تلك هذا الالف المضروبة التي بها يقطع
الفلك المحيط الكلى دورة جامعة يقطع الفلك الكلى في اثنين وثمانين الف سنة ويقطع فلك الواو

الفلك الكلي في عشرة آلاف سنة على ما نذكرها لك في هذا الباب عند كلامنا على الحروف مفردة وحقائقها وما
بقي من المراتب فعدد المكلفين وأما المرتبة الثانية فهو الإنسان وهو أكمل المكلفين وجودا وأعمهم وأتمه
خلقا وأقومه وله حرف واحد وهو الميم وهي ثلاثية وذلك أن يبطنها الباء والألف والهمزة وسيأتي ذكرها
في داخل الباب إن شاء الله وأما المرتبة الثالثة فهي الجن مطلق النور والنارية وهي رباعية ولها من الحروف
الجيم والواو والهاء والقاف وسيأتي ذكرها وأما المرتبة الرابعة فهي للبهائم وهي خماسية ولها من الحروف
الدال اليابسة والزاي والصاد اليابسة والعين اليابسة والضاد المتوسطة والسين اليابسة والذال
والعين والشين وسيأتي ذكرها إن شاء الله وأما المرتبة الخامسة فهي للنبات فهي سداسية ولها من الحروف
الألف والهاء واللام وسيأتي ذكرها وأما المرتبة السادسة فهي للجماد وهي سباعية ولها من الحروف الباء والياء
والكاف والياء والفاء والراء والتاء والثاء والخاء والظاء وسيأتي ذكرها إن شاء الله تعالى في النوع
هذا الكتاب إن طال عمري وأحوجني الشيخ إلى أسرار الوجود ولو فتحنا الكلام على أسرار هذه الحروف وما تقتضيه حقائقها
لكلت اليمين وحفي القلم وجف المداد وضاقت القراطيس والألواح ولو كان الرق المنشور ينادي الكلمات التي
قال الله تعالى قل لو كان البحر مدادا لكلمات ربي لنفد البحر قبل أن تنفد كلمات ربي ولو جئنا بمثله مددا وقال
تعالى ولو أن ما في الأرض من شجرة أقلام والبحر يمده من بعده سبعة أبحر ما نفدت كلمات الله وهي ترجمة
لمن تفطن لها وعثر على هذه الكلمات فلو كانت هذه العلوم نتيجة عن فكر ونظر لكان الإنسان
في أقرب مدة ولكنها موارد الحق سبحانه تتوالى على خاطر العبد وأرواح البررة تنزل على قلبه من عالم غيبه
رحمة التي من عنده وعلم الذي من لدنه والحق يجذبه على الدوام فلم يبق على الاستمرار والعمل قائم على الدوام
فما يقف العبد وأما يقف العلم فإن استعد وتهيأ وصفا من شقبه وحلا ما حصل له أولا على الدوام فما بعد
العبد وهيهات في اللحظة ما لا يقدر على تقييده في أزمنة لاتساع ذلك الفلك المعقول وضيق هذا الفلك
المحسوس فكيف ينقضي ما لا نهاية له ولا غاية يقف عندها وقد صرح بذلك سبحانه في أمره لرسوله فقال رب زدني

علماً والمراد بهذه الزيادة من التعلم المتعلق بمعرفة التوحيد ليزيد معرفته بتوحيده فيزيد رغبته في تحميده
فيزداد فضله على عبيده ان انتهى ولا انقطاع فطلب منه الزيادة وقد حصل من العلوم الزيادة والاسرار
ما لم يبلغه احد ومما يؤيد ما ذكرنا من انه امر بالزيادة من علم التوحيد لا غيره كان صلى الله عليه وآله اذا اكل طعاما
قال اللهم بارك لنا فيه واطعمنا خيرا منه واذا شرب لبنا قال اللهم بارك لنا فيه وزدنا منه لانه امر بالزيادة
فكان يتذكر بعد ما يشرب اللبن الذي شربه ليلة اسري به فقال له جبرئيل اصبت الفطرة اصاب الله بك
امتك والفطرة علم التوحيد الذي فطر الله الخلق عليه حين اشهدهم وقت ان اخذهم من ظهورهم
الست بربكم قالوا بلى فشهدوا بالربوبية فعند كل شيء ولهذا تأول رسول الله اللبن لما شربه في النوم
قال في فضل عمر قيل فما اولته قال العلم واللبن جامعة ما دل عليه عرفنا من عرفنا وجهلها من جهلها فمن
كان يأخذ من الله على نفسه كيف ينتهي كلامه فشتان بين مؤلف يقول حدثني فلان عن فلان
وبين ما يقول حدثني قلبي عن ربي وان كان هذا رفيع المقدار فشتان بينه وبين من يقول
حدثني ربي عن ربي اي حدثني ربي عن نفسه بارتفاع الوسائط وهذا هو العلم الذي يحصل للقلب من المنح
الذاتية الذي منه يفيض على السر والروح والنفس فمن هنا [illegible] كيف يعرف مذهبه فلا يعرفه
حتى يعرف الله فلا وهو لا يعرف سبحانه من جميع وجوه المعرفة كذلك هذا لا يعرف فان الوقت لا يدري
اي هو فان مطلب الاكوان ولا كون لهذا الحاضر [illegible] بعد [illegible] فكان
لا يكون لا انك كنت هو فالحمد لله الذي جعلنا من اهل الارتقاء والتلقي فنسأله سبحانه ان يجعلنا
واياكم من اهل السدادة والرقي ثم ارجع واقول ان فضول الوصف المعجم تزيد على اكثر من
خمسمائة فضل في كل فضل منها [illegible] من كتاب الكلام حتى نستوفيه من كتاب المبادي والنهايات ان شاء الله
فلنقتصر منها على ما لا بد منه ذكره في هذه الكتب [illegible] بعد ما [illegible] مرتبه ما يليق بكتابنا هذا
وربما نتكلم على بعضها وبعد ذلك نأخذها [illegible] حتى نكمل الحروف ان شاء الله تعالى كلها ثم نتبعها بابيات

(جواهر مکنونه)

من اسرار تقدم اللام على الالف ولزومه اياه واما السبب لهذا التعشق الزوجاني بينهما خاصة حتى ظهر
ذلك في عالم الخط والرقم فان في ارتباط اللام بالالف سرا لا ينكشف الا لمن اقام الالف من بعد نهيها
ووصل اللام عند عقدتها وانه تعالى يرشدنا بعمل صالح يرضاه منه ذكر بعض مراتب الحروف اعلم وفقنا الله
واياك ان الحروف امة من الامم مخاطبون ومكلفون فيهم رسل من جنسهم ولهم اسماء من حيث هم
لا يعرف هذا الا اهل الكشف من اهل طريقتنا وان هذه الحروف افصح الخلق لسانا واعظمهم بيانا وهم
مقسمون بتقسيم العالم المعروف عند الخلق فمنهم عالم الجبروت الذي ذكره ابو طالب المكي وهو الهاء
والهمزة ومنهم العالم الاعلى وهو عالم الملكوت وهو الحاء والخاء والعين والغين ومنهم العالم
الاوسط وهو عالم الجبروت عنده وعند اكثر اصحابنا وهم التاء والثاء والجيم والدال والذال
والراء والزاء والطاء والكاف واللام والنون والصاد والضاد والقاف والسين والشين
والياء الصحيحة ومنهم العالم الممتزج بين عالم الشهادة والعالم الاوسط وهو الفاء ومنهم عالم
الامتزاج بين عالم الجبروت الاوسط وبين عالم الملكوت وهو الكاف والقاف وهو امتزاج في
المرتبة وتمازجهم في الصفة الروحانية الطاء والظاء والصاد والضاد ومنهم امتزاج بين
عالم الجبروت الاعظم وبين الملكوت وهو الحاء ومنهم العالم الذين يشبهون العالم منا الذين
لا يقبلون الدخول فيما لا يقتضي الخروج عنه وهو الالف والواو والياء المعتلات فهذه عوالم
والكل عالم رسول من جنسهم ولهم شريعة يتعبدون بها ولهم لطائف وكثائف وعليهم من الخطاب
الامر ليس عندهم نهي وفيهم عامة وخاصة وخاصة الخاصة فالعامة منهم الجيم والضاد والخاء
والذال والغين والشين ومنهم خاصة الخاصة وهو الالف والباء والتاء والسين والكاف
والطاء والقاف والثاء والواو والظاء والصاد والهاء والنون واللام والغين ومنهم
خاصة الخاصة وهو الباء ومنهم الخاصة التي فوق العلماء بدرجة وهي حروف اوائل السور

كالم والمص وهي الالف واللام والميم والصاد والراى والباء والدال والراء والالف والطاء والباء والواو والهاء والظاء والطاء واللام والقاف والسين ومنهم العالم المرسل وهو الجيم والحاء والخاء والكاف ومنهم العالم الذي معلق بالكرم ومعلق به الخلق وهو الالف والدال والذال والزاي والواو وهو عالم التقديس من الحروف الكروبيين العالم الذي غلب عليهم التخلق بصفات الحق وهو التاء والثاء والخاء والدال والزاي والظاء والنون والضاد المعجمة والقاف والشين المعجمة والفاء عند اهل الانوار ومنهم العالم الذي غلب عليه التحقق وهو الباء والفاء عند اهل الاسرار والجيم ومنهم العالم الذي قد تحقق بمقام الاتحاد وهو الالف والحاء والدال والراي والكاف والياء والميم والقاف والياء والعين والسين اليابسة والهاء والواو الذي اقول انهم على مقامين في الاتحاد عال واعلى فالالف والكاف في العالي والالف والكاف والميم والعين والسين والياء على ومنهم العالم الممتزج الطبايع وهو الجيم والهاء والياء واللام والفاء والخاء والطاء خاصة ومراتب عوالم الحروف اربعة صنف مفرد وهو الالف والحاء والكاف واللام والميم والنون والهاء وصنف ثنائي مثل الدال والذال وصنف ثلاثي مثل الجيم والخاء وصنف رباعي وهو الباء والتاء والثاء والياء فهذا قد قصصت عليكم من عوالم الحروف ما ان استعملت بعضه في الامور الموصلة الى كشف العوالم والاطلاع على حقايقه وتحقيق قوله تعالى وان من شيء الا يسبح بحمده ولكن لا تفقهون تسبيحهم فلو كان تسبيح حال كما زعم بعض النظار لم يكن فايدة في قوله ولكن لا تفقهون وصلت اليه ووقفت عليه وكنت قد ذكرت انه يجب الكلام على بعضها فنظرت في هؤلاء العوالم مما يمكن فيه بسط الكلام اكثر من غيره فوجدته العالم المختص وهو عالم اوائل السور المجهول مثل الم البقرة والمص والمر اويس واخواتها فلنتكلم

على الم البقرة التي هي أول سورة مبهمة في القرآن كلاماً مختصراً من طريق الأسرار ورد بالحق باب الآيات
التي تليها وإن كان ذلك ليس من الباب ولكن فضلية عن أمر ربي الذي عاهدته فلذلك تكلم الآن على كلام
الأذن كما أنا أقف عند ما يحد لي فإن تأليف هذا وغيره لا يجري مجرى التآليف ولا نجري
فيه مجرى المؤلفين فإن كل مؤلف إنما هو تحت اختياره لا تحت العلم الذي نبثه خاصة فيلقي ما شاء
ويمسك ما شاء ويلقي ما يعطيه العلم ويحكم عليه المسألة التي هو بصددها حتى يبرز حقيقتها ونحن في
تواليفنا لسنا كذلك إنما هي قلوب عاكفة على باب الحضرة الإلهية مراقبة لما ينفتح له الباب فقيرة
خالية من كل علم لو سئلت في ذلك المقام عن شيء ما سمعت لفقدها عن حسها فمهما برز لها من
وراء الستر أمر ما بادرت لامتثاله وألفته على حسب ما حد لها من الأمر فقد يلقى الشيء إلى ما ليس من
جنسه في العادة وما يعطيه العلم الظاهر والمناسبة الظاهرة للعلماء والمناسبة خفية لا يشعر بها إلا أهل الكشف
بل ثم ما هو أغرب عندنا أن يلقى إلى القلب أشياء يؤمر بتوصيلها وهو لا يعلمها في ذلك الوقت
لحكمة إلهية غابت عن الخلق فلهذا لا يتقيد كل شخص يؤلف عن الإلقاء ويعلم ذلك أن الباب الذي تكلم
عليه ولكن يدرج في غيره في علم الله مع الجاري على حسب ما يلقى إليه ولكن عندنا قطعاً نقص ذلك
الباب بعينه لكن بوجه لا يعرفه غيرنا مثل الحمامة والغراب الذين اصطحبا وتآلفا لعرج قام بكل
واحد منهما وقد أذن لي في تقييد ما ألقيته بعد هذا الكلام إن شاء الله بمنه والحمد لله وصل فأقول
على هذه الحروف المجهولة المقطعة على عدد حروفها بالتكرار وعلى جملتها في السور وعلى أفرادها
ص ن ق وتثنيتها في طس طه ونشبتها وجمعها في ثلاثة وخمسة ولم تبلغ خمسة ووصلت
ولم تبلغ أكثر ولم وصل بعضها وقطع بعضها ولم كانت السور بالتسع ولم تكن بالصاد ولم
جهل معنى هذه الحروف عند علماء الظاهر وعند كشف أهل الأحوال إلى غير ذلك مما ذكرناه في
كتاب الجمع والتفصيل في معرفة معاني التنزيل فلنقل إن الله صور الصور المعقولة ثم جعل

سور القرآن بالسين وهو التعبيد الشرعي وهو ظاهر السور الذي فيه العذاب وفيه يقع الحجاب با
وباطنه الصاد وهو مقام الرحمة وهو العلم بحقايقها وهو التوحيد فحسب تبارك وتعالى التسع والعشرين
سورة وهو كمال الصورة والقمر قدرناه منازل حتى عاد كالعرجون والسبع والعشرون القطب الذي به قوام الفلك
وهي سورة آل عمران ولولا ذلك ما ثبتت التسعة والعشرون وجملتها على تكرار الحروف ثمانية وسبعون
حرفا فالثمانية حقيقة البضع قال عليه السلام الايمان بضع وسبعون بابا وهذه الحروف ثمانية وسبعون
حرفا فلا يكمل عبد اسرار الايمان حتى يعلم حقايق هذه الحروف في سورها، فان قلت ان البضع مجهول
في اللغة من واحد الى تسعة فمن اين قطعت بالثمانية عليه فان شئت امددتك من طريق
من باب العدد وان كان ابو الحكم ابن برجان لم يذكره في كتابه من هذا الباب الذي نذكره وانما ذكره من جهة
علم الفلك وجعله سترا على كشفه حين قطع به بفتح بيت المقدس سنة ثلاث وثمانين وخمسمائة فلذلك
ان شئت نحن كشفنا وان شئت صاحب العدد على ذلك حسابا، فنقول ان البضع ثمانية في سورة
الروم وخذ عدد حروف الم بالجزم الصغير فيجتمع لك ثمانية التي هي مجموعه بالحساب الصغير وتقرنها فيما
اجتمع لك من عدد حروف الم بالجزم الكبير وهو واحد وسبعون واجعل ذلك كله سنين فاضرب ثمانية تخرج
لك بعد الضرب خمسمائة وثمانية وستون سنة تضيف اليها الخمسة عشر التي ابرزتك برفعها
عندك فيصير ثلاث وثمانين سنة وخمسمائة سنة وهو زمان فتح بيت المقدس على قرائة من قرأ غلبت
بفتح الغين واللام سيغلبون بضم الياء وفتح اللام وهذا كان زمان ظهور المسلمين في اخذهم ولنا في
علم العدد من طريق الكشف اسرار عجيبة من طريق ما تقتضيه طبيعته ومن طريق ما لها من الحقايق الالهية وانما
طال بنا العرض في معرفة العدد كتابنا انشاء الجداول [illegible] الى ما كنا بسبيله فنقول فلا يكمل عبد
الاسرار التي تتضمنها شعب الايمان الا اذا علم حقايق هذه الحروف على حسب تكرارها في السور كما انه
اذا علمها من غير تكرار علم تنبيه الله فيها على حقيقة الايجاد وتفرد القديم سبحانه بصفاته الازلية فارسلها

(جواهر ملفوظ)

في قرآنه اربعة عشر حرفا مفردة مبهمة فجعل آيه الثمانية لمعرفة ذات عشر موجودة وهذا هو
الذي ان من هذا الفلك آخر يتركب من احد عشر ومن عشرة ومن تسعة ومن ثمانية حتى لا فلك الا اثنين
ولا يحلل الا الاحدية ابدا فانه متى انفرد به الحق فلا يكون الموجود الا به ثم انه سمى به
حد اولها الالف في الخط والهمزة في اللفظ واخرها النون فالالف لوجود الذات على كمالها
لانها غير مفتقرة الى الحركة والنون لوجود الشطر من العالم وهو عالم التركيب وذلك نصف الدائرة
الظاهرة لنا من الفلك والنصف الآخر النون المعقولة عليها التي لو ظهرت للحس وانقلبت من عالم
الروح لكانت دائرة محيطة ولكن اخفى هذا النون الروحانية التي بها كمال الوجود وجعلت نقطة
النون المحسوسة دالة عليها فالالف كاملة من جميع وجوهها والنون ناقصة والشمس كاملة
والقمر ناقص لانه صفة محو فضفة ضوءه معار وهي الامانة التي حملها وعلى قدر محوه وا
ثباته وطلوعه ثلاثة لثلاثة غروبه في القلب الالهي من الحضرة الالهية وثلاثة طلوع القمر الذي
من الحضرات الربانية وما بينهما في الخروج والرجوع قدم بقدم لا يتخلف ابدا ثم جعل مسمى به
هذه الحروف على مراتب منها موصول ومنها مقطوع ومنها مفرد ومثنى ومجموع ثم نبه ان في
كل وصل قطع وليس في كل قطع وصل فكل وصل يدل على فصل وليس كل فصل يدل على وصل
فالوصل والفصل في الجمع وغير الجمع والفصل وحده في عين الفرق فما افرد من هذه الاشياء
دال على الفرد ورسم العبد اذ لا وما شانه فاشارة الى وجود رسم العبودية انا وما معه فاشارة
الى الابد بالموارد التي لا تنتهي فالدفق لواهب الابدي والمثنى بالبرزخ المحمدي الذي مرج البحرين
يلتقيان بينهما برزخ لا يبغيان فبأي آلاء ربكما تكذبان هذا البحر الذي جعله بوقف على الاعيان
وهذا البحر الذي حفظ عنه وسماه بالاكوان او هذا البرزخ الذي عليه يستوي الرحمن فبأي آلاء ربكما تكذبان
يخرج من بحر الازل اللؤلؤ ومن بحر الابد المرجان فبأي آلاء ربكما تكذبان وله الجوار الروحانية

لآلی بحرند

المنشأت من الحقایق الانسانیة فی البحار الزاخرة الاقدس کالاعلام فبای الاء ربکما تکذبان لیشئه العالم العلوی علی علوه

وقدرته والعالم السفلی وتحته کل خطرة فی شان بقاء فبای الاء ربکما تکذبان یستنفع لکم الیها انتقلان فبای الاء ربکما

تکذبان فهکذا لو عبر القران ما ضعف شانن ولا ظهر حضان ولا تشطع عوان فتدبروا ایاکم ولا تخوضوا عن داتکم فان کان

ولا بد الی صفاتکم فانه اذا اسلم العالم من نظرکم وتدبرکم کان علی الحقیقة تحت تسخیرکم وهو الذی خلق قال الله تعالی وهو الذی سخر لکم

ما فی السموات والارض جمیعا والله یرشدنا وایاکم الی ما فیه صلاحنا وسعادتنا فی الدنیا والاخرة انه ولی کریم

فصل والالف من الم اشارت الی التوحید والمیم اشارة الملک الذی لا یبید واللام فیهما واسطة

لتکون لها رابطة فانظر الی السطر الذی یقع علیه ابتداء اللام فتجد الالف الیه ینتهی اصلها وتجد المیم منه یبتدی

اولها من حیث تقویمه وهو موضع السطر الی اسفل الثانی وهو حیز توقیف المیم فنزول الالف الی السطر قوله نزل ربنا الا سماء

الدنیا وهو اول عالم الترکیب فانه فیه ملک الله نزل الی السطر فانه سبحانه من مقام الوحدانیة الی مقام ایجاد العالم نزول

تقدیس وتنزیه لا نزول تمثیل وتشبیه ولکانت اللام واسطة وهی انجبته من الکون والکون من القدرة التی عنها

وجد العالم واشبهت اللام الالف فی النزول الی اول ولما کانت ممتزجة من المکون والکون لانه سبحانه لا یتصف بالقدرة

علی نفسه وانما یتصف بالقدرة علی خلقه حصل وجه القدرة مصروفا للخلق فلا بد من تعلقها بهم علوا وسفلا

فلما کانت حقیقتها لا تتم الا بالوصول الی السطر فتکون هی والالف علی رتبة واحدة طلبت بحقیقتها النزول تحت السطر

کما نزل المیم الی ایجاد المیم ولم یمکن ان ینزل علی صورة المیم لکان لا یوجد عنها ابدا الا المیم فنزلت بنصف

دائرة حتی ینبعث الی اول السطر من جزء الکتابة التی نزلت عنه وظهر نصف ذلک محسوسا یطلب نصف دائرة

معقول فکان منهما فلک دائر فیکون العالم من اوله الی اخره فی ستة ایام من اول یوم الاحد

الی یوم الجمعة وبقی یوم السبت للانتقال من مقام الی مقام ومن حال الی حال والاستحالات من کون الی کون ومن عالم

الی عالم فصار الکل فلکا محیطا یدار بعلم الذات والصفات والافعال والمعقولات فتدبر والمم بهذه الحقیقة

والکشف حصر الحق للکتب مع الکل فلا یعزب شئ فی ذلک الا شهد لکن منه بعلیم عالم علیم فنزل الالف عن قیام الحرکات

[margin, diagonal:] ... [illegible] ... الارواح

(جواهر مکنونه)

بل يدل على ان الصفات لا تفعل الا بالافعال كما قال ع كان الله ولا شيء معه وهو على ما عليه كان فلهذا احرف الاثر الى ما يعقد
لا الى ذاته المنزهة فان الاضافة لا تعقل ابدا الا بالمضاف اليه فان الاب لا يعقل الا بابنه وجوبا او تقديرا فكذلك المالك والخالق
والباري والمصور وجميع الاسماء التي تطلب العالم بحقايقها ومن وضع التبيينه من حروف اسم عليها في انفصال اللام التي هي نفحة
الميم الذي هو اثر متوجها فالالف ذات واحدة لا يصح فيها اتصال بشيء من الحروف اذ او هيت اولا فالالف في
الصراط المستقيم التنزيه والتوحيد فلما من علي ذي الابصار بها كما امرت بالرجوع اليه في قوله الفجر قيد سجانه تاميت على
فاظهر الالف من اسم عقب اللام الاخرين فخفي الالف لانه غيب من عالم الملكوت من وافق تاميه تامين من الملائكة
في الغيب المحقق الذي يسمونه العوام الفقه الالف الاشكال وتسميه الصوفية الصور وتسميه المعقول الحق وسمي انا العنايه
ولما كانت متحدة في عالم الملكوت وتسهمه ظاهرة فوقع الفرق بين القديم والمحدث فانظر ما فيها علما ترى عجبا
ومما يؤيد ما ذكرناه من وجه الصفة المحدث اللام والميم من الالف فان قال صوفي وجدنا الالف محطوطة
والنطق بالهمزة من الالف فلم لا ينطق بالالف فنقول وهذا الصنف بعض ما قدمناه فان الالف لا تقبل الحركة
فان الحرف مجهول ما لم يحرك فان حرك تميز بالحركة التي تتعلق به من رفع ونصب وخفض والذات لا تعلم ابدا ما هي عليه فالالف
الدال عليها هو في عالم الحروف خليفة كان الذات في العلم مجهول ايضا كما ان الذات لا تقبل الحركة فلما لم تقبل ها لم تبق الان عرفت
من طلب الاف عنها ولما لم يكن النطق بساكن من متحرك نطق بالاسم للالف فنطق بالهمزة بحركة الفتحة فقيل
الهمزة مقام المبدع الاول وحركته صفة العلية وحد الايره في انفصال الكاف بالنون فان قيل وجدنا الالف
التي في اللام ينطق بها ولم نجدها في الالف فلما صدقت لا يقع المنطوق بها الا بمتحرك قبلها موصولة به وانما
كلامنا في الاسما المقطوعة التي لا تمد صوتا اي تظهر نطقا مثل الالف اما الموصول فلهذا ان الف بين
ميم انما وبين اللام الموصول موجودتان خطا غير ملفوظ بها نطقا وانما الالف الموصولة التي تقع بعد الحروف
من حيث اللام هاها وشبهها فانه لولا وجود ما كان المد لواحد من هذه الحروف فهذا هو سر الاستمداد الذي
وقع به ايجاد الصفات في محل الحروف ولهذا لا تكون المد الا بالحروف فاذا انكشف الحرف فالالف من اسم الذي

(لآلى مخزونه)

رجع بالحرف المصحف به ولما وجد بحرف المصحف به فتقر الى الصفة الرحمانية واعطى حركة النصب التى هى الفتحة فلما اعطى
طلب منه الشكر عليها فقال وكيف يكون الشكر عليها فقيل له ان تعلمه النسبين بان وجودك وصفتك لم تكن بنفسك وانما
كان فى ذات القديم تعالى فاذكره عند ذكرك نفسك فقد حصلك بصفة الرحمة خاصة الثناء عليها وهذا اى ان الله خلق آدم على صورته
الرحمن فنطقت بالشكر على معرفتها فقالت لام يا ها فظهرت نطق بحرف لان الالف التى فى طه وحم وطس موجودة
نطقا خفية خط الدلالة الصفة عليها فى الفتحة صفة افتتاح الوجه فان قال وكذلك يعد المد فى الواو المضموم ما قبلها والياء
المكسور ما قبلها وهى بعض مدث ورثت كيف يكون هذا وما تم الا ذات واحدة فنقول نعم اما المد الموجب فى الواو المضموم
قبلها مثل نون والقلم والياء المكسور قبلها فى مثل الياء من طس وياء الميم من حم فمن حيث ان الله تعالى ما اطلعها على علة تستدعى
معلولها بحقيقتها واذا استدعت فى تلك فلا بد من نسبه سبحانه يقع الاستمداد له والامداد فلهذا اعطيت المد وذلك
لما اودع الرسول الملك امرا لم يكن بينه وبين الملقى اليه نسبة ما شبه لكنه خفى عنه ذلك فما حصل له الامر وحقه ما اواد الله
او خلف علوى وارفع بعلل الملق وهو باب الجا او ضرب نا عنه بالرجل الملك الرحمانى جبريل كان او مثله ولما اودع الرسول الله
ما اودع من اسرار التوحيد والشرايع عمل سر الاستمداد والامداد له الذى هو به عالم التركيب وخفى عنه سر الاستمداد ولذلك قال
ما ادرى ما يفعل بى ولا بكم وقال انما انا بشر مثلكم ولما كان موجها الى العالم الشريف علم الجسم والتركيب اعطى من الياء المكسور
ما قبلها وهى من حروف الخفض فلما كان عليه لوجه اسرار الالهية من توحيد وشرع وهب سر الاستمداد فلهذا الكسر
واما الفرق الذى بينهما وبين الالف فان الواو والياء قد يسكن فى غير هذا المقام فيحركان بجميع الحركات كقولك وعد
ويوذى ودلو والاداء ويمشون بغير الحركات وقد يسكنان بالسكون الحى كقوله وما هو بميت ويمشون وشبههما والالف
لا تحرك ابدا ولا يوجد ما قبلها الا مفتوحا فاذا الالف نسبة بين الالف وبين الواو والياء فان ذلك مقامهما وهى صفتها
وهى الحقن بالالف فى العلية فذلك ليس من ذاته وانما ذلك من جانب القديم سبحانه لا يحمل الحركة ولا يقبلها ولكن ذلك
من صفة المقام وحقيقته التى زنت به الواو والياء فحركاتها او لا سكونهما فيها حالتان فاذا اثبت هذا فكل
الف او واو او ياء انقطعت وحصل النطق بها فاذا هى دليل وكل دليل محدث يستدعى محدثا والمحدث لا يكون